



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# رحمت در روشنایی قرآن کریم

(رساله ماستری)

محصل: صبغت الله صمدی

استاد رهنما: پوهندوی دوکتور فضل الهادی وزین

سال: ۱۳۹۸ هـ ش - ۱۴۴۱ هـ ق



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# رحمت در روشنایی قرآن کریم

(رساله ماستری)

محصل: صبغت الله صمدی

استاد رهنما: پوهندوی دوکتور فضل الهادی وزین

سال: ۱۳۹۸ هـ. ش - ۱۴۴۱ هـ. ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

## تصدیق نامه

محترم صیغت الله ولد سلطان ID: نمبر SH-MST-97-414 محصل دور چهارم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: رحمت در روشنائی قرآن کریم به روز ۱۳/۱/۱۴۰۰ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۰ (نمره به عدد) لویلا لود (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

نمبره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور فصیح الله عبدالباقی	عضو هیات	
۲	دکتور نصرمن الله مجاهد	عضو هیات	
۳	دکتور فضل الهادی وزین	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورده ماستری

## اهداء

بر روح پرفتوح جناب رسول اکرم رحمة للعالمين محمد مصطفی- صلی الله علیه وسلم- اهداء به مادرو پدر مرحومم که همیشه در راستای تحصیل قدم به قدم تر غییم نمودند. اهداء به همسر مخلص و مهربانم که برای ادامه و اتمام تحصیل و نوشتن این رساله از هیچ نوع کمک و همکاری همرايم دریغ ننمود.

اهداء به مسلمانانیکه رحم و ترحم را پیشه خود ساخته و دیگران را به آن توصیه می نمایند.

## شکرو تقدیر

نخست از همه شکروسپاس الله - سبحانه - را که بنده را به نوشتن و تکمیل نمودن این پایان نامه توفیق عنایت فرمود، ابراز امتنان از آنانیکه مرا در نوشتن و اکمال این رساله ماستری کمک و همکاری کردند.

وازهیات رهبری پوهنتون سلام و تمام مسؤولین و کارمندان پوهنتون، از استادان معظّم و گرانقدرم، علی الخصوص استاد گرامی ام جناب پوهندوی دوکتور فضل الهادی وزین که بحیث استاد رهنمایم بود، و از حضور پرفیض تدریس، شیوه نگارش این رساله، ترتیب و تنظیم و شیوه جمع آوری، جابجا ساختن معلومات، رهنمایی ثمر بخش و صمیمانه شان در اوقات رسمی و غیر رسمی با خلوص نیت و رویه نیک همکاری نموده و وقت پر قیمت شان را درین راستا بخرچ داده اند، تشکری نموده از خداوند متعال برایشان کامیابی دنیا و آخرت را آرزو دارم.

## خلاصه بحث

این رساله که عنوان آن ( رحمت در روشنائی قرآن کریم ) است، آیات مربوط به رحمت در قرآن کریم، تعریف لغوی واصطلاحی کلمه رحمت، مفهوم رحمت الهی، ورود کلمه رحمت در قرآن کریم، به روش تفسیر موضوعی به بیان و تفسیر می گیرد.

باین اساسات ترتیب گردیده است، اولاً بسم الله، بعداً بعضی امورات ضروری مثلاً اهداء، شکر و تقدیر، فهرست مطالب، و مقدمه که مشتمل بر موضوعات و مطالب ذیل می باشد:

در مقدمه بعد از حمد و ثنای الله متعال و درود بر پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - بیان موضوع، سبب انتخاب موضوع، اهمیت موضوع، پرسشهای تحقیق، پیشینه تحقیق، روش تحقیق، اهداف تحقیق، خطه و طرح تحقیق می باشد.

تمهید: مشتمل به تعریف لغوی واصطلاحی کلمه رحمت، مفهوم رحمت الهی، رحمت یک صفت از صفات الله تعالی است، ورود کلمه رحمت در قرآن کریم، مرادفات کلمه رحمت می باشد.

بعداً تمام محتوای موضوع را در روشنائی آیات قرآن کریم با در نظر داشت اقوال مفسرین عبارۀ و اشاره، نقل احادیث صحیحہ در رابطه، اقوال سلف، به فصول سه گانه تقسیم نمودم.

در فصل اول از صیغه های رحمت که عبارت از اشتقاقات کلمات رحمت، و ورود آن به صیغه های مختلف، اسم و مصدر، فعل، اسم تفضیل و اسم ذات، صیغه مبالغه، وجوه و نظائر، و مرادفات کلمه رحمت می باشد بحث می شود.

در فصل دوم از انواع و ثمرات رحمت الهی که دربرگیرنده رحمت عام الهی مثلاً ارسال رسل، حشرونشر، تشریح، و رحمت خاص الهی مثلاً مصوون ماندن مؤمنان از گمراهی، وجوب انتشار رحمت در بین مؤمنان، ثمرات رحمت الهی در عبادات، معاملات، نظام اجتماعی است بحث می شود.

در فصل سوم اسباب رحمت الهی مثلاً احسان، اطاعت الله و رسول، اتباع قرآن، و... و موانع رحمت الهی مثلاً شرک، نفاق و یا منافقت، فساد، و ناامیدی از رحمت الهی است بحث می شود.

در آخر رساله خود را با یک خاتمه، نتیجه گیری، پیشنهادات، فهرست آیات، احادیث، آثار و اعلام، منابع و مأخذ اختتام نموده ام.

واژه های کلیدی: رَحْمَةٌ ، رَأْفَةٌ ، حَنَانٌ ، لُطْفٌ ، در قرآن کریم .

## فهرست موضوعات

صفحه	عنوان
..... ۱	اهداء:
..... ۱	شکر و تقدیر:
..... ۱	خلاصه بحث:
..... ۱	فهرست مباحث و مطالب:
..... ۱	مقدمه:
..... ۲	بیان موضوع:
..... ۲	سبب انتخاب موضوع:
..... ۲	اهمیت موضوع:
..... ۲	پرسشهای تحقیق:
..... ۳	ضرورت تحقیق:
..... ۳	پیشینه تحقیق:
..... ۴	روش تحقیق:
..... ۵	اهداف تحقیق:
..... ۵	خطه و طرح تحقیق:
..... ۹	تمهید:
..... ۹	رحمت در لغت:
..... ۱۰	رحمت در اصطلاح:
..... ۱۱	مفهوم رحمت الهی:
..... ۱۲	آیا رحمت از صفات ذاتی الله تعالی است؟:
..... ۱۳	کلمه رحمت در قرآن کریم:



## فصل اول

### صیغه ها و وجوه کلمه رحمت در قرآن کریم

- مبحث اول: صیغه های رحمت در قرآن کریم: ..... ۱۴
- مطلب اول: ورود واژه رحمت به صیغه اسم ومصدر: ..... ۱۴
- مطلب دوم: ورود واژه رحمت به صیغه فعل: ..... ۱۵
- مطلب سوم: ورود رحمت به صیغه اسم تفضیل واسم ذات: ..... ۱۸
- مطلب چهارم: ورود کلمه رحمت به صیغه مبالغه: ..... ۱۹
- مطلب پنجم: جدول تعداد کلمات رحمت به صیغه های مختلف: ..... ۲۰

- مبحث دوم: وجوه ونظائر و مرادفات واژه رحمت در قرآن کریم: ..... ۲۴
- مطلب اول : وجوه ونظائر رحمت در قرآن کریم: ..... ۲۴
- مطلب دوم : مرادفات کلمه رحمت در قرآن کریم: ..... ۴۱

## فصل دوم

### انواع و ثمرات رحمت الهی در قرآن کریم

- مبحث اول: رحمت عام الهی در قرآن کریم: ..... ۴۵
- مطلب اول: فرستادن پیامبران - علیهم السلام - : ..... ۴۵
- مطلب دوم: حشرو حساب نمودن الله متعال همه مخلوقات را : ..... ۵۵
- مطلب سوم: قبول توبه و عفو از گنهکاران و درماندگان: ..... ۶۰
- مطلب چهارم: تشریح الله متعال برای بندگانش رحمت است: ..... ۷۸
- مبحث دوم: رحمت خاص الهی در قرآن کریم: ..... ۸۸
- مطلب اول: اجر و پاداش برای مؤمنان و صابران: ..... ۸۸
- مطلب دوم: اختصاص رحمت برای مؤمنان در آخرت: ..... ۹۵

- مطلب سوم: رحمت صفات و افعال انبیاء و صلحاء است: ..... ۱۰۳
- مطلب چهارم: مصوون مانندن مؤمنان ازگمراهی: ..... ۱۱۲
- مطلب پنجم: رحمت الله متعال برای کافران بخاطر آزمایش شان: ..... ۱۱۷
- مطلب ششم: وجوب انتشار رحمت در بین مؤمنان: ..... ۱۲۰
- مبحث سوم: ثمرات و نتایج رحمت الهی در قرآن کریم: ..... ۱۲۴
- مطلب اول: ثمرات رحمت الهی در عبادات: ..... ۱۲۴
- مطلب دوم: آسانی و رفع حرج در عبادات: ..... ۱۲۶
- مطلب سوم: ثمرات رحمت الهی در نظام اجتماعی: ..... ۱۳۱

## فصل سوم

### اسباب و موانع رحمت الهی در قرآن کریم

- مبحث اول: اسباب رحمت الهی در قرآن کریم: ..... ۱۳۳
- مطلب اول: احسان کردن: ..... ۱۳۳
- مطلب دوم: تقوی و پرهیزگاری: ..... ۱۳۴
- مطلب سوم: دعاء: ..... ۱۳۵
- مطلب چهارم: اطاعت الله و رسولش: ..... ۱۳۷
- مطلب پنجم: توبه و استغفار: ..... ۱۳۹
- مطلب ششم: هجرت و جهاد فی سبیل الله: ..... ۱۴۰
- مطلب هفتم: نماز و زکات: ..... ۱۴۴
- مطلب هشتم: اتباع قرآن کریم: ..... ۱۴۶
- مطلب نهم: گوش دادن به قرآن کریم: ..... ۱۵۲
- مبحث دوم: موانع رحمت الهی در قرآن کریم: ..... ۱۵۵
- مطلب اول: شریک آوردن به الله - جل جلاله - : ..... ۱۵۵
- مطلب دوم: فساد در روی زمین خدا: ..... ۱۵۹

مطلب سوم: گناه و سرکشی از حد بیش:	۱۶۱
مطلب چهارم: نفاق و یا منافقت:	۱۶۴
مطلب پنجم: یأس و ناامیدی از رحمت الله - جلّ جلاله -:	۱۶۸
خاتمه:	۱۷۱
نتایج بحث:	۱۷۲
پیشنهاد ها:	۱۷۴
فهرست آیات قرآن عظیم الشأن:	۱۷۵
فهرست احادیث شریف:	۱۸۶
فهرست آثار:	۱۸۸
فهرست اشعار:	۱۸۸
فهرست اعلام و اشخاص:	۱۸۹
منابع و مأخذ:	۱۹۱
<b>Summary of the discussion</b>	<b>۱۹۷</b>

## مقدمه

الحمد لله الذي أنزل القرآن هُدًى وَشِفَاءً وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ، والصلاة والسلام على المبعوث رحمة للعالمين، سيدنا محمد، وعلى آله وصحبه رحمة الله عليهم إلى يوم الدين.

امابعد: جای شک و تردید نیست که رحمت یک صفت از صفات الله تعالی بوده و در کتاب منزلش قرآن کریم این واژه شریف را بیشتر بکار برده، یعنی در اکثر جاهای قرآن کریم از رحمانیت و رحیمیت خود خبر داده، و همه را متوجه به رحمت ساخته، پیامبر رحمت فرستاده، و کتاب رحمت نازل فرموده و اگر در جامعه بشریت علی الخصوص مسلمین، که مردمان باخبر از مزایای رحمت هستند نظر اندازیم، درمی یابیم که بسیاری مردمان از اخلاق اسلامی و قرآنی خود را دانسته و یا نادانسته بدور نگه داشته اند.

با گذشت هر زمان اذهان شان از این صفت نیک (رحمت) فاصله گرفته اند، با تأسف بسیاری را درمی یابیم که با وجود ادعای اسلامیت سختی و سخت دلی را اختیار نموده و کوشش می کنند خود و دیگران را از این جاده مطلوب بدور نگه دارند، و یا کاملاً منحرف سازند، درحالی که حقیقت خلاف کارکرد شان است، زیرا اسلام دین رحمت با تمام اجزاء، و قرآن کتاب رحمت است، که قرآن کریم رحمت خدا را برای همه مردم از ثروت و مال و مقام و منال، بهتری دانند.

بناءً خواستم این بحث را تحت عنوان رحمت در روشنایی قرآن کریم بنویسم، تا باشد که سبب تخلُّق (خوی و عادت گرفتن) خودم به خلق قرآن کریم و سایر مسلمانان جهان خصوصاً وطن عزیزمان شود، اگر درست گفته بودم از بخشش های الله - سبحانه - است، و اگر مرتکب خطاء و لغزشی شدم از جانب نفس خود بنده می باشد، و از الله تعالی امید دارم که این عمل بنده را خاص برضای خودش، و سبب دخول جنّت بگرداند، زیرا رحمت او بر همه چیز گسترده و پهنوار است.

## بیان موضوع

موضوعی که می‌خواهم به بحث بگیرم رحمت در روشنایی قرآن کریم است، که در برگیرنده وجوه و نظائر رحمت، رحمت مادی، رحمت معنوی، رحمت عام الهی، رحمت خاص الهی، ثمرات رحمت الهی، اسباب و موانع رحمت الهی می‌باشد.

### سبب انتخاب موضوع:

چند چیز مرا وا داشت تا این موضوع را انتخاب نمایم.

- ۱- اهمیت تفسیر موضوعی، زیرا از مهم ترین علوم است که راه دانستن و عمل کردن به قرآن کریم را می‌گشاید.
- ۲- کلماتی که در قرآن کریم به خصوص کلمه رحمت اگرچه ظاهراً تکرار به نظر می‌رسد ولی در حقیقت هر کدام دارای بحث و موضوع خاص و مهمی می‌باشد.
- ۳- دعوت مردم به سوی رحمت، تحذیر از بی‌رحمی در روشنی آموزه های قرآن کریم.

### اهمیت موضوع:

- ۱- رحمت از کلمات کلیدی قرآن کریم و از مفاهیم اساسی دین الهی می‌باشد.
- ۲- دین دین رحمت است، والله تعالی بنده گانش را به رحمت خود دعوت میکند که او ذات رحمن و رحیم است.
- ۳- همچنان کتاب او کتاب رحمت، و پیغمبر او نیز پیغمبر رحمت، در تشریحات و همه امورات او تعالی رحمت نهفته است.

### پرسش های تحقیق:

الف: سوالات اصلی:

- ۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی رحمت چیست؟
- ۲- بررسی اتصالات رحمت در قرآن کریم به کدام الفاظ آمده؟
- ۳- کدام الفاظ به رحمت علاقه نزدیک دارند؟

ب: سوالات فرعی:

۱- ثمرات رحمت الهی در چه چیزها می باشد؟.

۲- اسباب رحمت الهی کدام هااند؟.

۳- موانع رحمت الهی چیست؟.

### **ضرورت تحقیق:**

مردم در هر زمان به رحم نمودن به همدیگر ضرورت دارند، خصوصاً درین عصریکه مفاهیم اخلاقی منعکس، و از خوی گرفتن به رحمت بسیاری مردم دوری گزیدند، حتی جمع کثیری از مسلمین که اهل قرآن می باشند، از این مصیبت مستثنی نبوده، بلکه از این دواى مجرب (رحمت و یا تراحم) در غفلت بسر می برند، بناءً بحث پیرامون رحمت، و اینکه رحمت یک اصل قرآنی است، و مسلمانان ترغیب به رحم و تراحم شوند، و نوشتن یک رساله درباره آن یک امر ضروری می باشد.

### **پیشینه تحقیق:**

راجع به پیشینه تحقیق باید گفت که با وصفی که علمای کرام در کتاب های شان راجع به رحمت خیلی مسائل ارزنده و کم نظیر را ذکر نموده اند، لیکن بعد از تفحص و جستجوی فراوان دریافتم که تاکنون راجع به این موضوع کدام رساله یا کتابی مستقلی به زبان فارسی در پوهنتون های افغانستان تحقیق و ثبت نشده است.

ولی به زبان عربی رساله های محدودی نوشته شده است، تا ما بتوانیم از راهنمودهای ایشان مستفید شده و قدم به قدم پیش برویم، مانند

۱- مضامین الرحمة فی القرآن الکریم، سلطان بن مسفر الصاعد، سال نشر: 1437 هـ - 2016 م، جامعه ملک سعود، ریاض.

۲- الرحمة فی القرآن الکریم، محمد حامد محمد سعید، سال نشر: 1437 هـ - 2016 م، جامعه ملک سعود، ریاض.

۳- الرحمة فی القرآن الکریم، محمد عبدالکریم محمد، جامعه اردن، 1993 م.

۴- خطاب الرحمة، دكتور محمد زمران، سال نشر 1437 هـ - 2016 م، جامعه باتنة -1، الجزاير سال تأسيس 1990.

بنأ برين بنده از خلال اين تفاسير و تفاسير ديگر جمع آوري نموده و بحث خود را ترتيب و تنظيم نموده ام بايك تفاوت و سبك خاص از برکت همين کتابهای و رساله ها که نام برده شد.

## روش تحقيق:

يکي از معجزات قرآن کریم اينست که از زمان نزول تا به قيام قيامت هر قدر که بالایش تفصيل و تحقيق بيشتري صورت گيرد انتها ندارد.

معمولاً هر بحث و تحقيق پرامون يک موضوع نياز به يک سلسله و سايل و روش های خاص دارد روشهای تحقيق به صورت عمومي به روش تحقيقات کتابخانه ي ميباشد.

و هر نگارنده در نگارش خود از روش های خاص و شيوه های مختلف استفاده ميکند بنده نيز مانند سايرين به توفيق الله متعال در تحرير اين رساله (تفسير موضوعي رحمت در روشنايي قرآن کریم) از روشهای ذيل استفاده کرده ام:

۱- جمع نمودن آيات مرتبط به موضوع.

۲- ترجمه نمودن آيه ها از ترجمه معاني قرآن کریم، مترجم: محمد گل گمشاد زهي.

۳- نقل اقوال مفسرين کرام را جع به آيه مرتبط به موضوع لفظا و يامعنى.

۴- بحث در کلمه و يا جمله که در آيه راجع به موضوع از آن دليل و يا کار گرفته مي شود.

۵- تحليل و بر رسي پرامون آيه مربوطه به موضوع.

۶- دنبال نمودن احاديث و آثار در رابطه به موضوع البته بعد از بررسي نمودن آيه.

۷- بيان اسباب نزول، ربط آيات به واقعه، ترتيب زمن نزول.

روش که بنده درين (رساله) پرداخته روشي تحقيقي کتابخانه ي مي باشد، نيز در بعض اوقات از و سايل امروزي مانند انترنيت و از کتاب خانه الکترونيکي مانند مکتبه الشاملة استفاده کرده ام.

## اهداف تحقیق:

- ۱- آگاهی از مفهوم رحمت و سیاقات آن در قرآن کریم.
- ۲- بیان اینکه رحمت یک اصل قرآنی است.
- ۳- وضاحت مضمون آیه که در آن دعوت بسوی رحمت می شود.
- ۴- تاکید بر اینکه اسلام دین ارهاب و تنفر نبوده بلکه همیشه رحم، ترحم، برادری را توصیه می کند.

## خطه و طرح تحقیق:

این رساله در یک مقدمه یک تمهید و سه فصل، تنظیم شده است.

مقدمه شامل مطالب ذیل می باشد.

بیان موضوع.

سبب انتخاب موضوع.

اهمیت موضوع.

پرسشهای تحقیق.

پیشینه تحقیق.

ضرورت تحقیق.

روش تحقیق.

اهداف تحقیق.

در تمهید: رحمت در لغت رحمت در اصطلاح.

مفهوم رحمت الهی.

آیا رحمت از صفات ذاتی الله تعالی است؟

ورود کلمه رحمت در قرآن کریم.



**فصل اول: صیغه ها و وجوه کلمه رحمت در قرآن کریم که شامل مباحث و مطالب ذیل می باشد.**

**مبحث اول: صیغه های رحمت در قرآن کریم.**

مطلب اول: ورود واژه رحمت به صیغه اسم ومصدر.

مطلب دوم: ورود واژه رحمت به صیغه فعل.

مطلب سوم: ورود رحمت به صیغه اسم تفضیل واسم ذات.

مطلب چهارم: ورود کلمه رحمت به صیغه مبالغه.

مطلب پنجم: جدول تعداد کلمات رحمت به صیغه های مختلف.

**مبحث دوم: وجوه و نظائر و مردافات واژه رحمت در قرآن کریم.**

مطلب اول : وجوه و نظائر رحمت در قرآن کریم.

مطلب دوم : مردافات کلمه رحمت در قرآن کریم.

**فصل دوم انواع و ثمرات رحمت الهی در قرآن کریم که شامل مباحث و مطالب ذیل می باشد .**

**مبحث اول: رحمت عام الهی در قرآن کریم.**

مطلب اول: فرستادن پیامبران -علیهم السلام-.

مطلب دوم: حشر و حساب نمودن الله متعال همه مخلوقات را.

مطلب سوم : قبول توبه و عفو از گنهکاران و درماندگان.

مطلب چهارم: تشریح الله متعال برای بندگانش رحمت است.

**مبحث دوم: رحمت خاص الهی در قرآن کریم.**

مطلب اول: اجر و پاداش برای مؤمنان و صابران.

مطلب دوم: اختصاص رحمت برای مؤمنان در آخرت.

مطلب سوم: رحمت صفات و افعال انبیاء و صلحاء است.

مطلب چهارم: مصوون ماندن مؤمنان از گمراهی.

مطلب پنجم: رحمت الله متعال برای کافران بخاطر آزمایش شان.

مطلب ششم: وجوب انتشار رحمت در بین مؤمنان.

مبحث سوم: ثمرات و نتایج رحمت الهی در قرآن کریم.

مطلب اول: ثمرات رحمت الهی در عبادات.

مطلب دوم: آسانی و رفع حرج در عبادات.

مطلب سوم: ثمرات رحمت الهی در نظام اجتماعی.

فصل سوم: اسباب و موانع رحمت الهی در قرآن کریم که شامل مباحث ذیل می باشد .

مبحث اول: اسباب رحمت الهی در قرآن کریم.

مطلب اول: احسان کردن.

مطلب دوم: تقوی و پرهیزگاری.

مطلب سوم: دعاء.

مطلب چهارم: اطاعت الله و رسولش.

مطلب پنجم: توبه و استغفار.

مطلب ششم: هجرت و جهاد فی سبیل الله.

مطلب هفتم: نماز و زکات.

مطلب هشتم: اتباع قرآن کریم.

مطلب نهم: گوش دادن به قرآن کریم.

مبحث دوم: موانع رحمت الهی در قرآن کریم.

مطلب اول: شریک آوردن به الله - جلّ جلاله-.

مطلب دوم: فساد در روی زمین خدا.

مطلب سوم: گناه و سرکشی از حد بیش.

مطلب چهارم: نفاق و یا منافقت.

مطلب پنجم: یأس و ناامیدی از رحمت الله - جلّ جلاله- .

خاتمه.

نتایج بحث.

پیشنهاد ها.

فهرست آیات قرآن عظیم الشان.

فهرست احادیث شریف.

فهرست آثار .

فهرست اعلام و اشخاص.

منابع و مأخذ.

## تمهید

یعنی رحمت در لغت و در اصطلاح، مفهوم رحمت الهی، توصیف الله متعال به رحمت، ورود کلمه رحمت را به بحث می‌گیریم.

الله متعال خود را در قرآن کریم با صفات زیادی به بندگان خویش معرفی فرموده است، صفاتی که هر کدام جلوه از جمال و جلال الهی را به نمایش می‌گذارند، صفت رحمت یکی از این صفات است که در بیش از (۳۵۲)<sup>۱</sup> آیه از آن سخن به میان آمده است، درینجا لازم به تذکر است که تعریف اجمالی از معنای رحمت داشته باشیم.

**رحمت در لغت:** ماده اصلی رحمت (ر، ح، م) است:

بنا به قول ابن منظور<sup>۲</sup> رُحْم، مرحمت، ورحمت همه یک معناست، میگوید: رحمت، رقت، تعطف، و مرحمت همه یک چیز هستند، (الرَّحْمَةُ الرَّقَّةُ وَالنَّعْطُفُ وَالْمَرْحَمَةُ مِثْلُهُ)، (رحم) ر، ح، م دلالت بر رقت و نرم دلی و به مهربانی و نرمی می‌کنند، چنانچه گفته اند: رحمه یرحمه إذا رق له<sup>۳</sup>.

امام راغب<sup>۴</sup> می‌گوید: رَحْم ورحمت بعضی از یکدیگر مشتق می‌باشند، و در ادامه می‌گوید: چونکه الله تعالی در بین خود و بنده گانش سبب را قرارداد، یعنی الله تعالی سبب وجود آنان شد، گویا که رحمت را برای بنده گانش بر خودش واجب گردانیده است.

---

<sup>۱</sup>- محمد فؤاد عبدالباقي، المعجم لمفهرس لالفاظ القرآن الکریم، / 304، باب الرء، بخش، ر، ح، م، دار ومطابع الشعب.

<sup>۲</sup>- محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الانصاری الافریقی، صاحب (لسان العرب): امام علم لغت، درسال - 630 هـ، در مصر ویا غرب طرابلس بدنیا آمده، سالها بعنوان قاضی طرابلس خدمت نموده، ودرسال - 711 هـ، وفات یافت، لسان العرب در بیست جلد، از مصنفات مشهور اومی باشد، زرکلی، 108/7، خیرالدین بن محمود بن محمد، الاعلام، للزکلی، ناشر دار العلم للملایین ط 15، سال 2002 م.

<sup>۳</sup>- محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، 12 / 230، ماده رحم، دارصادر - بیروت، =، أبو طاهر، مجد الدین محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، فصل الرء، 1 / 1111، بیروت - لبنان، ط 8، 1426 هـ - 2005 م 1112.

<sup>۴</sup>- حسین بن محمد، أبو القاسم الأصفهانی معروف ومشهور به امام راغب: أدیب، از علماء برجسته، از اتباع اصفهان، سکونت در بغداد را اختیار نموده، ابو منصور جبان، ابو القاسم بن ابی الاعلی، از جمله استادانش، و حقیق البیان فی تأویل القرآن، الذریعة إلی مکارم الشریعة، از مصنفات مهم وی بحساب میرود، نامبرده درسال-502 هـ چشم از جهان پوشید، زرکلی، 255/2.

پس وقتی که الله تعالی اینگونه نعمت ها را که آنرا بوجود آورد، و قدرت و توانائی و دیگر چیزهای خوب را برایشان نصیب فرمود، بناءً در مقابل آن شکر نعمتش را هم بر آنها واجب نمود.

همچنین الله تعالی در میان خویشاوندان هم بعضشان را سبب وجود بعضشان گردانید، از همین جهت رحم بر صغیر و احترام بر کبیر را واجب نمود، که این خود می تواند در پیوند خویشاوندی نقش مهمی داشته باشد. پس در میان رحم و رحمت مناسبت معنوی هم است چگونه که هر دو (رحم و رحمت) مناسبت لفظی دارند، بنابراین خاطر الله تعالی شکر والدین را الزام کرده و مقتدرن باشکر خودش بیان نموده است.

{اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ} ، سورة لقمان: 14، یعنی: شکرگذار من و پدر و مادرت باش.

تنبیه بر اینکه والدین سبب آخر وجود اولاد است، چنانچه الله تعالی خودش سبب اول است در وجود هر موجود<sup>1</sup>.

و یا اینکه رحمت از باب رَحْمَةٌ رَحْمَةٌ مَرَحْمَةٌ وَرُحْمًا وَرُحْمًا است، معنای آن شفقت و مهربانی کرد اورا، بخشید گناه اورا<sup>2</sup>، و یا رحمت در لغت به معنی دلسوزی، بخشایش و عفو می باشد<sup>3</sup>.

### رحمت در اصطلاح:

علامه جرجانی<sup>4</sup> میگوید: «هي إرادة إيصال الخير»<sup>5</sup> یعنی رحمت عبارت از اراده رسانیدن خیر را گویند.

<sup>1</sup>- الحسين بن محمد أبو القاسم، تفسير الراغب، 51 / 1، كلية الآداب، جامعة طنطا، ط، 1420، هـ - 1999 م.

<sup>2</sup>- احمد سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، 1 / 659، بخش رحم، با مقدمه استاد حسن زاده آملی، ط، 1387، انتشارات اسلام-تهران-6403950.

<sup>3</sup>- دكتور محمد معين، فرهنگ لغت معين، 2 / 1641، بخش، رحم، ط، 1353، چاپخانه سپهر، تهران.

<sup>4</sup>- علي بن محمد بن علي السيد زين الدين أبو الحسن الحسيني الجرجاني الحنفي، عالم جيد از علماء مشرق، معروف به سيد شريف، يكتن از نزدیک ترین در بار تیمورلنگ، متولد -740- متوفای- 816 هـ، سفرهای علمی به قاهره، روم و مناطقی دیگری داشت، و در همان قاهره از استادانی همچون اکمل الدین حنفی و غیره علم را فراگرفت، شرح المُفْتاح و شرح المواقف از مصنفاتش می توان نام برد، معجم المؤلفين، 216/7. عمر بن رضا بن محمد راغب كحالة دمشق، مكتبة المثنى - بيروت، دار إحياء التراث العرب.

<sup>5</sup>- علي بن محمد الجرجاني، التعريفات، 1 / 109، دار الكتب العلمية، بيروت، ط، 1403 هـ - 1983 م.

علامه ابن عاشور<sup>1</sup>، می گوید: «فَأَصْلُ الرَّحْمَةِ مِنْ مَقُولَةِ الْإِنْفَعَالِ وَأَثَرُهَا مِنْ مَقُولَةِ الْفِعْلِ»<sup>2</sup>.

یعنی اصل و اساس رحمت از مقوله انفعال است (قبول فعل) و آثار آن از مقوله فعل است. و نسبت (انفعال) به سوی الله تعالی محال است، پس باید مراد از آن آثار رحمت را گرفته شود که از مقوله فعل (کردن کار) یعنی الله تعالی کاری را انجام میدهد (رحمت می کند) لکن به اراده کامل خودش، و اما بنده رحم می کند لکن گاه به اختیار و گاه بدون اختیار.

### مفهوم رحمت الهی:

رحمت خود صفت الله تعالی شده می تواند، پس رحمت الله تعالی بر همه چیزها عام بوده و همه مخلوقات را احاطه نموده است که در اکثر صفات الله تعالی رحمت نهفته است.

چنانچه الله متعال فرموده، {الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ} سورة غافر: 7

ترجمه: آنان که بردارندگان عرش خدایند و آنان که گرداگرد آنند به سپاس و ستایش پروردگارشان

سرگرمند و بدو ایمان دارند و برای مؤمنان طلب آمرزش می کنند، (و می گویند: ) پروردگارا!

مهربانی و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است (هم اعمال و اقوالشان را کاملاً می دانی و هم مرحمت

و مهربانیت می تواند ایشان را دربر گیرد، پس در گذر از کسانی که (از گناهان دست می کشند و به

طاعات و عبادات می پردازند، و از راههای انحرافی دوری می گزینند و به راستای راهت) برمی

گردند، و راه تو را در پیش می گیرند، و آنان را از عذاب دوزخ مصون و محفوظ فرما.

---

<sup>1</sup>- علامه ابن عاشور: محمد الطاهر بن محمد بن عاشور از جمله مفسرین و رئیس مفتی های مالکین در تونس در سال- 1296 هـ - بدنیا آمده، و در سال -1393 هـ - در همین تونس مذکور وفات نمود، از علمای همچون الشیخ محمد النجار، الشیخ مُحَمَّد بن یوسف، علم را فرا گرفته، و سالهای متمادی در جامع الزيتونة در تونس بعنوان شیخ ایفای وظیفه می نمود، الشیخ یوسف جعیط، الشیخ أحمد بن الخوجة، از شاگردان وی می باشد، علاوه بر کتاب التحریر و التنویر، حاشیة التَّفْصِیح للقرافی، أصول العلم الاجتماعي في الإسلام، الإنشاء والخطابة، از مصنفات مهم اومی باشد، زرکلی، 174/6.

<sup>2</sup>- محمد الطاهر بن محمد، ابن عاشور، التحریر و التنویر «تحریر المعنی السدید و تنویر العقل الجدید من تفسیر الکتاب المجید»، 169/ ، الدار التونسية للنشر، 1984.

رحمت اگر از طرف بنده باشد، بمعنای رقة القلب (نرم دلی) و اگر از طرف الله تعالی باشد صفت لائقه می باشد، یعنی اگر بنده رحم کند آن برمی خورد به تغییر طبیعت مزاج او، و اگر الله تعالی رحم کند برای او لائق و صفت کمال وی است، زیرا هیچ صفتی از دیگران به هیچ یکی از صفات الله تعالی مشابَهت ندارد<sup>1</sup>.

### آیا رحمت از صفات ذاتی الله تعالی است؟:

بلی: رحمت یک صفت ذاتی الله تعالی می باشد، چنانچه الله تعالی می فرماید، {وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمْ لُعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا}، سورة الكهف: 58.

ترجمه: و پروردگار تو بس آمرزنده و صاحب رحم است، اگر آنان را در برابر آنچه بدست آورده اند مجازات می کرد، عذاب را به شتاب برایشان می فرستاد، ولی موعده دارند که با فرا رسیدن در برابرش پناهی نمی یابند.

علامه ابن عاشور میگوید: " أَنَّ الرَّحْمَةَ صِفَةٌ ذَاتِيَّةٌ لِلَّهِ تَعَالَى، وَأَنَّ مُتَعَلِّقَهَا مُنْتَشِرٌ فِي الْمَخْلُوقَاتِ " <sup>2</sup>.

ترجمه: یعنی رحمت صفت ذاتی الله تعالی بوده و متعلقات آن در دیگر مخلوقات پخش گردیده است.

سفارینی صاحب تفسیر لوامع الانوار<sup>3</sup> به این نظر است که، "وَلَا رَيْبَ أَنَّ الرَّحْمَةَ صِفَةٌ كَمَالٍ " <sup>4</sup>.

یعنی: رحمت برای الله تعالی صفت کمال است.

<sup>1</sup> - شهاب الدین محمود بن عبدالله الألوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، 62/1، دارالکتب العلمیة - بیروت، ط، اول، 1415 هـ.

<sup>2</sup> - ابن عاشور، التحریر والتتویر، 230 / 24.

<sup>3</sup> - محمد بن أحمد بن سالم بن سلیمان السفارینی، النابلسی، الحنبلی (أبو العون، شمس الدین) محدث، فقیه، اصولی، صوفی، مؤرخ، ماهر در بعضی علوم دیگر، در سال - 1114 هـ در قریه سفارین، از مریوطات نابلس دیده به جهان گشود و در آن جا سالهای از دوره طفولیتش را سپری نمود، بعداً به دمشق مسافرت نموده و انواع علوم را تحصیل نمود، الشیخ عبد الغنی بن اسمعیل النابلسی، شیخ الاسلام الشمس محمد بن عبد الرحمن، از جمله استادانش، و الشیخ عبد الرحمن بن حسن، محمد بن طراد الدوسری نسباً من آل ابي الحسن النجدي، الحنبلی، از جمله شاگردانش می باشد، نامبرده در سال - 1188 هـ در همان نابلس چشم از جهان پوشید، معارج الأنوار فی سیرة النبی المختار، کشف اللثام فی شرح عمدة الأحکام، را از جمله مصنفات او می توان نام برد، سلك الدرر فی أعیان القرن الثاني عشر، 31/4، محمد خلیل بن علی بن محمد، دار البشائر الإسلامیة، دار ابن حزم، ط، 3، 1408 هـ - 1988 م.

<sup>4</sup> - محمد بن أحمد، السفارینی، لوامع الأنوار البهیة وسواطع الأسرار الأثریة لشرح الدررة المضیة فی عقد الفرقة المرضیة، 33/1، مؤسسة الخافقین، دمشق، ط، دوم، 1402 هـ - 1982 م.

امام قشیری<sup>1</sup> - رحمه الله - در ذیل تفسیر الرحمن الرحیم، در سوره الفاتحة می گوید: « والرحمة صفة أزلية»<sup>2</sup> یعنی رحمت صفت ازلی الله تعالی است.

اسما عیل حقی<sup>3</sup> در تفسیر روح البیان می گوید: «أن الرحمة صفة من صفات الرب تبارك وتعالى»، یعنی رحمت یک صفت از صفات الله تعالی است<sup>4</sup>.

### کلمه رحمت در قرآن کریم:

واقعاً رحمت یک اصطلاح قرآنی بوده که در قرآن کریم، (۳۵۲) مرتبه به صیغه های مختلف اسم، فعل، به معانی مختلف ذکر گردیده است<sup>5</sup>.

---

<sup>1</sup> - عبد الکریم بن هوازن بن عبد الملك بن طلحة النيسابوريّ القشيري، از بنی قشیر، مفسّر، فقیه، زاهد، متصوّف، در سال- 376 هـ در نیشاپور بدنیآ آمده، و در زمان پادشاهی آلپ ارسلان شیخ خراسان بود، خیلی اوقات در بغداد نیز حدیث تدریس می کرد، از جمله استادانش محمد بن بکر الطوسی، حاکم نیشاپوری، و پسرش عبد المنعم بن عبدالکریم، و نواسه اش أبو الأسعد هبة الرحمن، از شاگردانش بود، و در سال- 465 هـ در همان نیشاپور وفات نمود، کتابهای لطائف الإشارات، الرسالة القشيرية، از مصنفات شان بود، طبقات المفسرين للداودي، 346/1، محمد بن علی، دار الکتب العلمية - بیروت.

<sup>2</sup> - عبد الکریم بن هوازن، لطائف الإشارات تفسیر القشيري، 47 /1، ناشر الهيئة المصرية العامة للكتاب - مصر، ط، اول.

<sup>3</sup> - إسماعيل حقي بن مصطفى الإسلامبولي الحنفي الخلوتي، المولى أبو الفداء: متصوف، مفسر، در منطقه بنام آیدوس، تولد یافت، سفرهای علمی به مناطق بروسه داشت، از استادان زبده همچون عبدالباقي افندی، عثمان فضلی، علم حاصل کرد، و در سال- 1127 هـ وفات یافت، علاوه بر تفسیر روح البیان مشهور، کتابهای دیگری بنامهای الرسالة الخليلية در تصوف، الأربعون حديثاً، الفروق من فنون شتی، را هم تصنیف کرده بود، اعلام زرکلی، 313/1.

<sup>4</sup> - إسماعيل حقي بن مصطفى، تفسیر روح البیان، 8/1، دار النشر / دار إحياء التراث العربي، موافق للمطبوع.

<sup>5</sup> - المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، 304 /، باب الرء، بخش، ر، ح، م.



## فصل اول:

### صیغه ها و وجوه کلمه رحمت درقرآن کریم

#### مبحث اول: صیغه های رحمت درقرآن کریم

این مبحث دارای دو مطلب می باشد

مطلب اول: ورود کلمه رحمت به صیغه اسم و مصدر

اول: واژه رحمت به صیغه اسم درقرآن کریم یکصد و چهارده بار آمده است:

**الف: رحمة، به صیغه مفرد:** بدون اضافت به چیزی دیگر، این واژه هفتاد و نه بار درسی و یک سوره آمده است.

**ب: رحمته، به صیغه مضاف به ضمیر غائب،** این واژه بیست و پنج بار در هجده سوره آمده است.

**ج: رحمتک، مضاف به ضمیر مخاطب،** این واژه سه بار در سه سوره آمده است:

اول: مثل، {قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلَاخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ} ، سورة الاعراف : 151

دوم: ، {وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ} ، سورة يونس : 86 .

سوم : مثل ، {وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ} ، سورة النمل : 19.

**د: رَحْمَتِنَا، مضاف به ضمیر جمع متکلم این واژه پنج بار درقرآن کریم آمده است:**

البته باید گفت: هر جای که الله تعالی خودش را به صیغه جمع متکلم ذکر کند، مراد از آن شریک ساختن کسی دیگر در کار نبوده بلکه محض برای عزت و تعظیم ذات اقدس خودش است، زیرا الله تعالی از شریک، همتا و مانند آن مبرا و پاک است، این کلمات (رَحْمَتِنَا) در ذیل بیان می شود:

اول : مثل، {نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ} ، سورة يوسف : 56 ، .

دوم: {وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا} ، سورة مريم : 50 ، .

سوم: مثل، {وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا} ، سورة مريم : 53 ، .

چهارم: {وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ} ، سورة الأنبياء : 75 ، .

پنجم: { وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ } ، سورة الأنبياء: 86 .

ه: رَحْمَتِي، مضاف به ضمیر مفرد متکلم این واژه دوبار در قرآن کریم آمده است:

اول: مثل، { وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ } ، سورة الأعراف: 156.

دوم: { وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ } ، سورة عنكبوت: 23 .

دوم: رحمت به صیغه مصدر: واژه رحمت به صیغه مصدرتها دو بار در قرآن کریم آمده است:

الف: (رُحْمًا): { فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَوَّةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا } ، سورة الكهف: 81.

ب: مَرَحْمَةً: { ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ } ، سورة البلد: 17.

### مطلب دوم: ورود واژه رحمت به صیغه فعل

واژه رحمت در قرآن کریم به صیغه های ماضی، مضارع ، مستقبل و امر یا به عبارت دیگر ماضی، حال و استقبال آمده است:

اول: ورود واژه رحمت به صیغه فعل ماضی، در هشت مورد آمده است که قرار ذیل بیان می شود

الف: رَحِمَ برون فعل که مجرد از ضمیر منفصل می باشد در چهار مورد آمده است

اول: مثل { قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ } ، سورة هود: ۴۳ .

دوم: مثل، { إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ } ، سورة هود: ۱۱۹ .

سوم: مثل، { وَمَا أُبْرِيئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ } ، سورة يوسف: 53.

چهارم: مثل { إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ } ، سورة الدخان: 42.

ب: واژه رَحِمَهُ مرکب است با ضمیر غائب و یکبار در قرآن کریم آمده است:

مثل، { مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ } ، سورة الأنعام: 16.

ج : واژه رَحِمْنَا (فعل ماضی مرکب با ضمیر جمع متکلم) و این هم یکبار در قرآن کریم آمده است:

مثل، { قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ } ، سورة الملك آیه: ۲۸.

د: واژه رَحْمَتُهُ متصل به دوتا ضمیر (مخاطب فاعل و غائب مفعول) یک بار در قرآن کریم آمده است:

مثل {وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ} سورة غافر: 9.

ه: واژه رَحِمْنَاهُمْ (مركب) با دوتا ضمیر، متصل و منفصل فاعل، یکبار در قرآن کریم آمده است:

مثل، {وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَّجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ} ، سورة المؤمنون: ۷۵.

دوم: ورود واژه رحمت به صیغه فعل مضارع، در چهارده مورد آمده است قرار ذیل بیان می شود

الف: تُرْحَمُونَ، صیغه فعل مضارع مجهول، مرکب با ضمیر مرفوع، در هشت جای قرآن کریم آمده است

اول: {وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} ، سورة آل عمران : 132 .

دوم: {وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} ، سورة الأنعام : 155.

سوم: { أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} سورة الأعراف: 63.

چهارم: {وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} سورة الأعراف: 204 .

پنجم: {وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} ، سورة نور: 56.

ششم: {قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} ، سورة النمل: 46.

هفتم: { وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} ، سورة يس: ۴۵.

هشتم: {إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} ، سورة الحجرات: 10.

ب: واژه يَرْحَمَكُم، صیغه فعل مضارع معلوم، مرکب با ضمیر جمع مفعول، دوبار در قرآن کریم آمده است

اول : {عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُذْتُمْ عُنَدَنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا} ، سورة الإسراء : 8 .

دوم : {رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَأْ يَرْحَمَكُمْ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلاً} ، سورة الإسراء: 54.

ج: واژه تَرْحَمْنَا، مخاطب معلوم، مرکب همراهی ضمیر جمع متکلم، و یکبار در قرآن کریم آمده است:

مثل: { قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ} ، سورة الأعراف: 23 .

د: واژه يَرْحَمْنَا، غائب معلوم، مرکب با ضمیر جمع متکلم، یکبار در قرآن کریم آمده است

مثل، { قَالُوا لَيْسَ لَنَا يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ} سورة الأعراف : 149.

ه: واژه تَرَحَّمَنِي، صيغة مخاطب معلوم، مرکب باضمیر مفرد متکلم، یکبار در قرآن کریم آمده است

مثل، { وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ } سورة الأعراف : 47.

و: واژه يَرْحَمُ، مفرد غائب، مجرد از ضمیر بارز، و این هم یکبار در قرآن کریم آمده است.

مثل، { يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ }، سورة العنكبوت: 21 .

### سوم : ورود واژه رحمت به صيغة مستقبل

طوری که معلوم است صيغة مستقبل نسبتاً به صيغة مضارع ، خاص است، زیرا مضارع مشترک است در بین حال و استقبال، پس باید بحث از مستقبل جدا از مضارع باشد بناءً ورود کلمه رحمت به صيغة مستقبل را طوری جدا گانه بحث نمودیم، واژه رحمت به صيغة مستقبل، متصل با ضمیر مفعول تنها یکبار در قرآن کریم آمده است.

مثل، {أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ}، سورة التوبة : 71 .

چهارم: ورود واژه رحمت به صيغة امر، یا حال، رحمت به صيغة امر (وزن إِفْعَل) هم در قرآن کریم پنج بار آمده است

۱- مثل، {وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ} ، سورة المؤمنون آیه : 118 ، .

۲- مثل، {وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا} ، سورة الإسراء : 24 .

۳- {وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ} ، سورة البقرة: 286.

۴- {أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ} ، سورة الأعراف: 155 ، .

۵- {إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ}، سورة المؤمنون آیه: 109

## مطلب سوم: ورود کلمه رحمت به صیغه اسم تفضیل واسم ذات

اول: واژه رحمت به صیغه اسم تفضیل: (بروزن افعل) که چهاربار در قرآن کریم ذکر گردیده است که قرار ذیل بیان می شود<sup>1</sup>

الف: {قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلَاخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ} ، سورة الأعراف: 151.

ب: {وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ} ، سورة الأنبياء : 83.

ج: قَالَ هَلْ أَمْنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمْنُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَأَلَّهَ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ} ، سورة يوسف: 64.

د: {قَالَ لَا تَنْزِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ} ، سورة يوسف: 92.

دوم: واژه رحمت به صیغه اسم ذات در قرآن کریم دوازده مرتبه آمده است

الف: کلمه أرحام، این کلمه در قرآن کریم نه بار آمده است که قرار ذیل می باشد

۱- هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ ، سورة آل عمران : ۶ .

۲و۳- {أَمَّا اسْتَمَلْتُ عَلَيْهِ أَرْحَامَ الْأَنْثَيْنِ} دوبار در آیه ، سورة الانعام ، ۱۴۳، ۱۴۴، آمده است.

۴- {اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ} سورة الرعد: ۸ .

۵- {وَتَقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ} سورة الحج: ۵ .

۶- { وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ} سورة لقمان : ۳۴ ، ۷- {وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ} ، سورة النساء: ۱ .

۸- {وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ} ، سورة الانفال: ۷۵ ، .

۹- { وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ} ، سورة الأحزاب: ۶ .

ب: أَرْحَامَكُمْ، این کلمه در قرآن دو بار آمده است

۱- { فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ} ، سورة محمد: ۲۲ .

۲- {لَنْ نَنْفَعَكُمْ أَرْحَامَكُمْ وَلَا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ} ، سورة الممتحنة: ۳ .

سوم : أَرْحَامِهِنَّ این کلمه در قرآن کریم یکبار آمده است

مثل، { وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ} ، سورة البقرة ۲۲۸ .

<sup>1</sup> - دكتور محمد زمران خطاب الرحمة، 148، 149، 150، / سال نشر 1437 هـ - 2016 م، جامعه باتنة -1، الجزائر سال تأسيس 1990.

## مطلب چهارم: ورود کلمه رحمت به صیغه مبالغه

**الف: رُحَمَاءُ**، یکبار در قرآن کریم درباره صفت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - واصحابا نش آمده است.

مانند، {مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ}، سورة الفتح: 29 .

**ب: الرَّحْمَنُ**: این کلمه در قرآن کریم تقریباً پنجاه وهفت (۵۷) مرتبه آمده است و این رأی کسی است که بسمله را آیه از قرآن کریم نمی گوید.

و در اینجا لفظ "الرَّحْمَنُ" را از لحاظ شکل قرآنی به سه قسم تقسیم نمودیم

اول: مرفوع یعنی {الرَّحْمَنُ} در قرآن کریم بیست و یک مرتبه آمده است .

دوم: منصوب یعنی {الرَّحْمَنُ} در قرآن کریم سه مرتبه آمده است.

سوم: مجرور یعنی {الرَّحْمَنُ} در قرآن کریم سی و سه مرتبه آمده است .

**ج: الرَّحِيمِ** بالف ولام، بدون الف ولام از سوره فاتحه شروع الی سوره مزمل، در قرآن کریم تقریباً نود و چهار مرتبه آمده است، و از لحاظ شکل قرآنی بدو قسم تقسیم می شود.

اول: مرفوع یعنی {الرَّحِيمِ} در قرآن کریم هشتاد و هشت مرتبه آمده است.

دوم: مجرور یعنی {الرَّحِيمِ} در قرآن کریم شش مرتبه آمده است.

**د: کلمه {رَحِيمًا}** از آیه -۱۶- سوره نساء : شروع ، الی آیه -۱۴- سوره فتح، ختم، که در قرآن کریم تقریباً بیست (۲۰) مرتبه آمده است، قرار ذیل بیان می شود:

ده مرتبه در سوره نساء، شش مرتبه در سوره احزاب، دو مرتبه در سوره فرقان ، یک مرتبه در سوره اسراء، و یک مرتبه در سوره فتح آمده است<sup>1</sup>.

---

دکتر محمد حامد محمد سعید، الرحمة في القرآن دراسة تأصيلية موضوعية، ص ۳۶۴، ۳۵۷/ ۱-

## مطلب پنجم: جدول تعداد کلمات رحمت به صیغه های مختلف

نام های سورها	تعداد صیغه	نوع صیغه	صیغه	
<p>رحمة: این کلمه هفتاد و نه بار درسی و سه سوره آمده است.</p> <p>۱- البقرة: ۱۵۷، ۱۷۸، ۲۱۸.</p> <p>۲- آل عمران: ۸، ۱۰۷، ۱۵۷، ۱۵۹، ۳- النساء: ۹۶، ۱۷۵</p> <p>۴- الأنعام: ۱۲، ۵۴، ۱۳۳، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۵۷.</p> <p>۵- الأعراف: ۴۹، ۵۲، ۵۶، ۷۲، ۱۵۴، ۲۰۳.</p> <p>۶- التوبة: ۲۱، ۶۱، ۷- يونس: ۲۱، ۵۷.</p> <p>۸- هود: ۹، ۱۷، ۲۸، ۵۸، ۶۳، ۶۶، ۷۳، ۹۴.</p> <p>۹- يوسف: ۱۱۱، ۱۰- الحجر: ۵۶،</p> <p>۱۱- النحل: ۶۴، ۸۹</p> <p>۱۲- الاسراء: ۲۴، ۲۸، ۸۲، ۸۷، ۱۰۰.</p> <p>۱۳- الكهف: ۱۰، ۵۸، ۶۵، ۸۲، ۹۸،</p> <p>۱۴- مريم: ۲، ۲۱</p> <p>۱۵- الأنبياء: ۸۴، ۱۰۷، ۱۶- النمل: ۷۷.</p> <p>۱۷- القصص: ۴۳، ۴۶، ۸۶، ۱۸- مريم: ۲، ۲۱.</p> <p>۱۹- الروم: ۲، ۳۳، ۳۶، ۵۰، ۲۰- لقمان: ۳.</p> <p>۲۱- الأحزاب: ۱۷، ۲۲ - فاطر: ۲، ۲۳- يس: ۴۴.</p> <p>۲۴- ص: ۹، ۴۳. ۲۵- الزمر: ۹، ۳۸، ۵۳</p> <p>۲۶- غافر: ۷.</p> <p>۲۷- فصلت: ۵۰، ۲۸- الشورى: ۴۸.</p> <p>۲۹- الزخرف: ۳۲، ۳۲. ۳۰- الدخان: ۶.</p> <p>۳۱- الجاثية: ۲۰، ۳۲- الأحقاف: ۱۲.</p> <p>۳۳- الحديد: ۱۳، ۲۷.</p>	۷۹ مرتبه	صیغه اسم	رحمة	۱

نام های سورها	تعداد صیغه	نوع صیغه	صیغه
<p>رحمته: بیست و پنج بار در نزده سوره آمده است.</p> <p>۱- البقره: ۶۴، ۱۰۵، ۲- آل عمران: ۷۴.</p> <p>۳- النساء: ۸۳، ۱۱۳، ۴- الأعراف: ۵۷.</p> <p>۵- التوبه: ۹۹.</p> <p>۶- یونس: ۵۸، ۷- الاسراء: ۵۷، ۸- الکهف: ۱۶.</p> <p>۹- النور: ۱۰، ۱۴، ۲۰، ۲۱، ۱۰- الفرقان: ۴۸.</p> <p>۱۱- النمل: ۱۲- القصص: ۷۳، ۱۳- الروم: ۴۶،</p> <p>۱۴- الزمر: ۳۸، ۱۵- الشوری: ۸، ۲۸،</p> <p>۱۶- الجاثیه: ۳۰.</p> <p>۱۷- الفتح: ۲۵، ۱۸- الحديد: ۲۸، ۱۹- الانسان: ۳۱.</p> <p>رحمتنا: این کلمه پنج بار در سه سوره آمده است.</p> <p>۱- یوسف: ۵۶، ۲- مریم: ۵۳، ۵۰، ۳- الأنبياء: ۷۵، ۸۶.</p> <p>رحمتک: این کلمه سه بار در سه سوره آمده است.</p> <p>۱- الأعراف: ۱۵۱، ۲- یونس: ۸۶، ۳- النمل: ۱۹.</p> <p>رحمتی: این کلمه دو بار در دو سوره آمده است.</p> <p>۱- الأعراف: ۱۵۶، ۲- العنکبوت: ۲۳.</p>	<p>۲۵ مرتبه</p> <p>۵ مرتبه</p> <p>۳ مرتبه</p> <p>۲ مرتبه</p>	صیغه اسم	<p>رحمته:</p> <p>رحمتنا:</p> <p>رحمتک:</p> <p>رحمتی:</p>
<p>المرحمة: البلد: ۱۷، رُحْمًا: الکهف: ۸۱.</p>	دو مرتبه	صیغه مصدر	المرحمة، رُحْمًا
<p>رَحِمَ: هود: ۴۳، ۱۱۹، یوسف: ۵۳، دخان: ۴۲.</p> <p>رَحِمَهُ: الأنعام: ۱۶.</p> <p>رَحِمْنَا: الملک: ۲۸.</p> <p>رَحِمْتُهُ: الغافر: ۹.</p> <p>رَحِمْنَاهُمْ: المؤمنون، ۷۵.</p>	۸ مرتبه	صیغه ماضی	<p>رَحِمَ: ۴ مرتبه</p> <p>رَحِمَهُ: ۱ مرتبه</p> <p>رَحِمْنَا: ۱ مرتبه</p> <p>رَحِمْتُهُ: ۱ مرتبه</p> <p>رَحِمْنَاهُمْ: ۱ مرتبه</p>



صیغه	نوع صیغه	تعداد صیغه	نام های سورها
تَرْحَمُونَ: ۸ مرتبه يَرْحَمَكُمُ: ۲ مرتبه تَرْحَمْنَا: ۱ مرتبه يَرْحَمْنَا: ۱ مرتبه تَرْحَمْنِي: ۱ مرتبه يَرْحَمُ: ۱ مرتبه	صیغه مضارع	۱۴ مرتبه	تَرْحَمُونَ: آل عمران: ۱۳۲، الأنعام: ۱۵۵، الأعراف: ۶۳، ۲۰۴، النور: ۵۶، النمل: ۴۶، يونس: ۴۵، الحجرات: ۱۰، يَرْحَمَكُمُ: الإسراء: ۸، ۵۴، تَرْحَمْنَا: الأعراف: ۲۳، يَرْحَمْنَا: الأعراف: ۱۴۹، تَرْحَمْنِي: هود: ۴۷، يَرْحَمُ: العنكبوت: ۲۱
سَيَرْحَمُهُمْ: ۱ مرتبه	صیغه مستقبل	یک مرتبه	سَيَرْحَمُهُمْ: التوبه: ۷۱
إِرْحَمُ: ۱ مرتبه أَرْحَمُهُمَا: ۱ مرتبه أَرْحَمْنَا: ۳ مرتبه	صیغه امر	۵ مرتبه	إِرْحَمُ: المؤمنون: ۱۱۸، أَرْحَمُهُمَا: الإسراء: ۲۴، أَرْحَمْنَا: البقرة: ۲۸۶، الأعراف: ۱۵۵، المؤمنون: ۱۰۹
أَرْحَمُ ۴ مرتبه	صیغه اسم تفضیل	۴ مرتبه	أَرْحَمُ: الأعراف: ۱۵۱، الأنبياء: ۸۳، يوسف: ۶۴، ۹۲
أرحام: ۹ مرتبه أرحامكم: ۲ مرتبه أرحامهن: ۱ مرتبه	صیغه اسم ذات	۱۲ مرتبه	أرحام: ۱- آل عمران: ۶، ۲- النساء: ۱، ۳- الأنعام: ۱۴۳، ۱۴۴، ۴- الأنفال: ۷۵، ۵- الرعد: ۸، الحج: ۵، لقمان: ۳۴، أرحامكم: ۱- محمد: ۲۲، ۲- الممتحنه: ۳، أرحامهن: البقرة: ۲۲۸،
رُحَمَاءُ	صیغه مبالغه	۱ مرتبه	رُحَمَاءُ: الفتح: ۲۹،
الرَّحْمَنَ	صیغه مبالغه	۵۷ مرتبه	در هجده سور و وارد شده است بطور مثال ۱- الفاتحه: ۳، ۲- البقرة: ۱۶۳، ۳- الرعد: ۳۰، ۴- الإسراء: ۱۱۰، ۵- مريم: ۱۸، ۲۶، ۴۴، ۴۵، ۵۸، ۶۱، ۶۹، ۷۵، ۷۸، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۶، ۶- طه: ۵، ۹۰، ۱۰۸، ۱۰۹، ۷- الأنبياء: ۲۶، ۳۶، ۴۲، ۱۱۲، ۸- الفرقان: ۲۶، ۵۹، ۶۰، ۶۰، ۶۳، ۹- الشعراء: ۵، ۱۰- النمل: ۳۰، ۱۱- يس: ۱۱، ۱۵، ۲۳، ۵۲، ۱۲- فصلت: ۲، ۱۳- الزخرف: ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۳۶، ۳۳، ۴۵، ۸۱، ۱۴- ق: ۳۳، ۱۵- الرحمن: ۱، ۱۶- الحشر: ۲۲، ۱۷- الملك: ۳، ۱۹، ۲۰، ۲۹، ۱۸- النبأ: ۳۷، ۳۸،



## مبحث دوم

### وجوه ونظائر و مرادفات واژه رحمت در قرآن کریم

این مبحث دارای دو مطلب می باشد:

#### مطلب اول: وجوه و نظائر رحمت در قرآن کریم

قابل یاد آوری است که معنای وجوه و نظائر، و اهتمام به شأن آنان را باید دانست:

اول: وجوه و نظائریکه مورد بحث کنونی است چه مفهوم دارد؟.

دوم: مفسرین کرام - رحمهم الله- درباره وجوه و نظائر چیزی تذکر داده اند؟.

اول: وجوه و نظائر بنا بر تعریفی که ابن جوزی<sup>1</sup> - رحمه الله- نموده: «أَنْ تَكُونَ الْكَلِمَةَ وَاحِدَةً، ذَكَرَتْ فِي مَوَاضِعَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلَى لَفْظٍ وَاحِدٍ، وَحَرَكَةٍ وَاحِدَةٍ، وَأُرِيدُ بِكُلِّ مَكَانٍ مَعْنَى غَيْرِ الْآخِرِ»<sup>2</sup>.

یعنی وجوه عبارت از لفظی است که در مواضع متعدد آمده، هر چند آنها تفسیرشان طور جداگانه است، لیکن الفاظ آنها نظیر همدیگر هستند، یعنی در بین شان علاقه عامه وجود دارد.

واقعا شناخت وجوه و نظائر از جمله ضروریات مهم علم تفسیر میباشد.

عن أبي قلابة<sup>3</sup> أن أبا الدرداء كان يقول: "إنك لن تفقه كل الفقه حتى ترى للقرآن وجوها"<sup>4</sup>.

یعنی البته تو پوره فهم و دانش را نائل نخواهی شد تا اینکه وجوهات قرآن را ندانی.

---

<sup>1</sup>- عبد الرحمن بن علي بن محمد ابن الجوزي، مشهور و زبان زد علماء، از ذرية ابوبكر صديق، علامه و ماهر در فنون حديث، تاريخ، در سال- 508 هـ دیده به جهان گشود، أبو الفضل محمد بن ناصر بن محمد بن علي بن عمر، أبو منصور موهوب بن أحمد بن الخضر الجواليقي، از جمله استادانش، و فرزندش محي الدين ابوالمحاسن، و شمس الدين، را از جمله شاگردانش می توان نام برد، صاحب تصنیفات علاوه بر سه صد کتب و رسائل بود، که تلبیس ابلیس، و موضوعات را از آن جمله می توان نام برد، طبقات المفسرين للداودي، 280/1.

<sup>2</sup>- عبد الرحمن بن علي، نزهة الأعين النواظر في علم الوجوه والنظائر، 83/1، مؤسسة الرسالة - لبنان، بيروت، ط، اول، 1404 هـ - 1984 م.

<sup>3</sup>- عبدالله بن زيد بن عمرو الجرمي، از اهل بصره، عالم به مسائل قضاء و احكام، از جمله رجال ثقات حديث، در سال- 104 هـ، در سرزمین شام وفات نمود، اعلام زرکلی، 88/4.

<sup>4</sup>- أبو داود، سليمان بن الأشعث السجستاني، الزهد، 212/1، ناشر: دار المشكاة للنشر والتوزيع، حوان، ط اول: 1414 هـ - 1993 م.

دوم: وجوه و نظائر کلمه رحمت در قرآن کریم که آنها را مفسرین کرام - رحمهم الله - ذکر نموده اند من جمله:

اول: رحمت ؛ یعنی جنت، بنا به آنچه در آیات آمده طور مثال بیان می شود:

**الف:** {فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ}، سورة النساء : 175.

یعنی: و اما کسانی که به خدا ایمان آوردند و به دین او چنگ زدند به زودی آنها را به رحمت خویش وارد خواهد ساخت، (جنت)

حافظ ابن کثیر - رحمه الله - چنین می گوید «أَي: يَرْحَمُهُمْ فَيَدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ»<sup>1</sup>.

یعنی آنها را به سبب رحمت خود داخل جنت می کند پس ذکر سبب و اراده مسبب شده هم میتواند.

ابن جوزی و علامه آلوسی<sup>2</sup> ، به همین نظریه هستند<sup>3</sup>.

**ب:** {إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَآجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ}، سورة بقره : 218.  
ترجمه: همانا کسانی که ایمان آوردند و آنانی که در راه خدا جهاد کردند و هجرت نمودند ایشان امید رحمت (جنت) الهی را دارند.

**ج:** {وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ} ، سورة آل عمران : 108.

ترجمه: و اما کسانی که چهره هایشان سفید گردیده است در رحمتی (جنت) از جانب خدا قرار دارند.

**د:** {وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ} ، سورة الإسراء : 57.

ترجمه: و به رحمت (جنت) خدا امید دارند و از عذاب او می ترسند.

---

<sup>1</sup> - إسماعيل ابن عمر بن كثير ، تفسير القرآن العظيم، 148 / 2 ، دار طيبة للنشر والتوزيع ، ط ، دوم، 1420 هـ - 1999 م .  
<sup>2</sup> - محمود بن عبد الله الحسيني الألويسي، شهاب الدين، أبو الثناء: مفسر، محدث، أديب، عالم، مفسر فقيه، از قاضی های شوافع، مشهور عام و خاص، از اهل بغداد، در سال-1217 هـ تولد یافت، در طول حیاتش مسافرت های به استنبول و دیگر مناطق داشت، به تدریس و تصنیف چشم دوخته بود، بعد از آنکه مال و دارائی اش از سوی قطاع الطريق تاراج شد، مجبور گردید تا مسند قضاوت را از سوی حکومت وقت قبول کند، در سال-1270 هـ در اثر تب شدیدی که عاند حالش شده بود رخت از جهان بست، علاوه بر کتاب مشهور (روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم) غرائب الاعترا ب، الرسالة اللاهورية، از جمله مصنفات مهم او بشمار میرود، زرکلی، 176/7 .

<sup>3</sup> - دیده شود، =، نزهة الأعين النواظر في علم الوجوه والنظائر، 331/، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، 216 / 3.

ه: {أُولَئِكَ يَنْسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ} ، سورة العنكبوت : 23 .

ترجمه: ایشان (کافران) از رحمت (جنت) من مأیوس می باشند و اینان عذاب دردناکی دارند.

و: {فَيَدْخُلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ} ، سورة الجاثية: 30 ، ترجمه: پروردگارشان آنان را به جوار رحمت (جنت) خود درمی آورد.

طوریکه در ذیل آیه شماره 175، سورة النساء اشاره نمودیم، درین آیات از جنت تعبیر به رحمت شد، از قبیل تسمیه مسبب به اسم سبب، یعنی رحمت الله تعالی خود سبب دخول جنت می باشد.

به دلیل حدیث صحیح: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : قَارِبُوا وَسَدِّدُوا، وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَنْ يَنْجُو أَحَدٌ مِنْكُمْ بِعَمَلِهِ قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلَا أَنْتَ ؟ قَالَ: وَلَا أَنَا ، إِلَّا أَنْ يَتَّعَمِدَنِي اللَّهُ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ)<sup>1</sup>.

یعنی هیچ يك از شما عملش او را از عذاب دوزخ نجات نمی دهد، گفتند: ای رسول خدا! شما هم؟ گفت: بلی، من هم، عمل نجاتم نمی دهد مگر خداوند مرا تحت پوشش رحمت خود قرار دهد.

## دوم: رحمت؛ یعنی دین اسلام

مثل { لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ }، سورة الفتح: 25، ترجمه: تا خداوند هر که را بخواهد در رحمت خویش (دین اسلام) داخل سازد.

ابن جریر طبری<sup>2</sup> - رحمه الله - می گوید: « ليدخل الله في الإسلام من أهل مكة من يشاء قبل أن تدخلوها »<sup>3</sup>.  
یعنی الله تعالی بخواهد از اهالی مکه را در دین مقدس اسلام داخل کند پیش از آنکه مسلمانان داخل مکه معظمه شوند، واقعاً قبل از فتح مکه تعداد کثیری از مردم به دین مقدس اسلام مشرف شدند.

<sup>1</sup> - محمد بن إسماعيل، كِتَابُ الرُّقَاقِ، بَابُ الْقَصْدِ وَالْمُدَاوِمَةِ عَلَى الْعَمَلِ صَحِيحُ الْبُخَارِيِّ، 98/8، دار طوق النجاة ، ط، اول، 1422 هـ =، مسلم بن الحجاج، كِتَابُ صِفَةِ الْقِيَامَةِ وَالْجَنَّةِ وَالنَّارِ، بَابُ لَنْ يَدْخُلَ أَحَدٌ الْجَنَّةَ بِعَمَلِهِ بَلْ بِرَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى، صحیح مسلم، 4/2170، دار إحياء التراث - بيروت.

<sup>2</sup> - محمد بن جرير بن يزيد الطبري، أبو جعفر، از مفسرين ومؤرخين مشهور ومعروف جهان اسلام، در سال -224 هـ - در قریة بنام (أمل) از مربوطات طبرستان چشم بجهان گشود، و در سال -310 هـ چشم از جهان پوشید، سفرهای علمی به مناطق ری و دیگر مناطق داشت، از استادانی زبده همچون مُحَمَّد بن عبد الملك بن أبي الشَّوَّارِب، إِسْحَاق بن أبي إِسْرَائِيل، إِسْمَاعِيل ابن مُوسَى الفزاري، علم فراگرفت، و از شاگردانش ابراهیم بن الصلت الديروري، وأحمد بن إبراهيم الكندي، میتوان نام برد، علامه در تصنیف کتب دست بالائی داشته، تاریخ طبری، تفسیر طبری از آن جمله می باشد، اعلام زرکلی، 6/69.

<sup>3</sup> - محمد بن جرير الطبري، جامع البيان في تأويل القرآن، 22/250، ناشر: مؤسسة الرسالة، ط اول، 1420 هـ - 2000 م .

امام سمعانی<sup>1</sup>، امام بغوی<sup>2</sup>، امام نسفی<sup>3</sup>، هم به این نظر هستند<sup>4</sup>.

همچنین آیات دیگر از قرآن کریم که کلمه رحمت بمعنای اسلام آمده است، مانند این آیات:

{ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ }، الشوری آیه: 8، الإنسان آیه: 31، ترجمه: خدا هر که را بخواهد به رحمت خویش (دین اسلام) درخواهد آورد<sup>5</sup>.

**سوم: رحمت؛ یعنی ایمان**

مثل قول الله تعالی حکایت از هود - علیه السلام- { قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَأَتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِي }، ویا حکایت از صالح - علیه السلام - { وَأَتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً }، سورة هود آیه 28، 63.

ترجمه: گفت: ای قوم من! به من بگوئید اگر از سوی پروردگرم دلیل روشنی داشته باشم و از جانب خود رحمتی (ایمان) به من ارزانی داشته باشد؟.

---

<sup>1</sup> منصور بن محمد بن عبد الجبار ابن أحمد المروزي السمعاني التميمي، حنفي، الشافعي، أبو المظفر: مفسر، از علماء حديث، از أهل مرو، درسال- 426 هـ در منطقه بنام - مرو- دیده به جهان گشود، در زمان نظام الملک به عنوان مفتی خراسان برگزیده شد، از جمله استادانش عبدالصمد بن المأمون، ابوالقاسم الزنجانی، و از جمله شاگردانش عمر بن محمد سرخسی، محمد بن ابی بکر السنجی بود، و در سال- 489 هـ در مرو چشم از جهان پوشید، کتابهای تفاسیر السمعانی در سه جلد، الانتصار لاصحاب الحديث، از مصنفات شان می باشد، زرکلی، 304/7.

<sup>2</sup> حسین بن مسعود بن محمد، الفراء او ابن الفراء ابو محمد، ملقب به محبی السنه ویا رکن الدین، در سال، 436- هـ در قریه بنام بغا، بین هرات و مرو به دنیا آمده، از استادان همچون، قاضی حسین بن محمد مرو وردی، عبدالواحد الملیحی، علم آموخته، و شاگردانی مانند فخر علی بن البخاری، موسی بن ابراهیم از شاگردانش بود، سر انجام در سال - در سال 510 هـ، در مرو از جهان رحلت نمود، علاوه بر تفسیر معالم التنزیل، الجمع بین الصحیحین، مصابیح السنه، از جمله تصانف مهم او بشمار میرود، زرکلی، 2 / 259.

<sup>3</sup> عبد الله بن أحمد بن محمود النسفي، أبو البركات، حافظ الدين: فقيه، حنفي، مفسر، اصلش از اهل ایذج (کوره اصفهان) از علمائی کم نظیر عصرش، مسافرتها علمی به بغداد و غیره مناطق داشت، و از شخصیت های علمی همچون عبدالسلام بن المبارک، محمد بن عبدالستار الکردی، علم تحصیل نموده، وحسام الدین صغناقی، محمد بن محمد الجلی، از جمله شاگردانش می باشد، و در سال- 710 هـ در همان قریه ایذج چشم از جهان پوشید، کتابهای مشهوری بنامهای کنز الدقائق، منار الانوار في اصول الفقه (متن نور الانوار) از مصنفات مهم او بحساب می رود، زرکلی، 4 / 67.

<sup>4</sup> دیده شود، منصور بن محمد السمعاني تفسیر القرآن، 5 / 2005، دار الوطن، الرياض-، ط اول، 1418 هـ- 1997 م، = البغوی، تفسیر بغوی، 4 / 242، = عبد الله بن أحمد النسفي، مدارك التنزیل وحقائق التأویل، 3 / 341، دار الكلم الطیب، بیروت، ط اول، 1419 هـ - 1998 م .

<sup>5</sup> تفسیر مقاتل بن سلیمان، 129/1 .

ابن جوزی، می گوید: اینجا مراد از رحمت ایمان است،

امام قرطبی<sup>1</sup>، امام أبوزهرة<sup>2</sup> در یک قول، به این نظراند<sup>3</sup>.

### چهارم: رحمت؛ یعنی نبوت (پیغمبری)

**الف:** وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ (البقرة آیه 105، وآل عمران آیه، 74.

ترجمه: و خداوند هرکسی را که بخواهد به رحمت خویش (نبوت خویش) اختصاص می دهد.

ابن جریر طبری - رحمه الله - در ذیل آیه چنین میگوید: « وَاللَّهُ يَخْتَصُّ مَنْ يَشَاءُ بِنُبُوته، فیرسله إلی من یشاء من خلقه »<sup>4</sup>، یعنی الله تعالی اختصاص می دهد به پیغمبری هرکسی را که بخواهد به سوی هر بنده از بندگانش، ثعلبی<sup>5</sup>، واحدی<sup>6</sup> صاحب تفسیر الوجیز به این نظر هستند<sup>7</sup>.

---

<sup>1</sup> - مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي بَكْرٍ بْنِ فَرَحٍ (بأسكان الراء وبالحاء المهملة)، الأنصاري الخرجي الأندلسي القرطبي، از مفسرین معروف و مشهور جهان اسلام بوده، تاریخ تولد مشخص نداشته اما در سال-671 هـ، از جهان رحلت نمود، زنده گانی پر از زهد، تقوی، داشت، و بسا اوقات خود را در عبادت و تصنیف میگذراند، از اندلس به شرق (مصر) سفر نموده و از استادان زبده، همچون ابی العباس أحمد بن عمر القرطبي، ابی الحسن علی بن محمد بن علی بن حفص الیحصبی علم آموخت، می توان نام برد، علاوه بر تفسیر کم نظیرش (الجامع لأحكام القرآن) مصنفات متعددی داشت، الأسنی فی شرح أسماء الله الحسنى، التذکار فی أفضل الأذکار، از آن جمله می باشد، زرکلی، 322/5.

<sup>2</sup> - محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد معروف به أبو زهرة، نابغه، مفسر وقت، از شخصیت های آزاده، در سال-1315 هـ در محله بنام الکبری از مربوطات ولایت غربی مصر بد نیا آمد، در آوان طفولیت قرآن کریم را با خیلی از قوانین تجوید حفظ نمود، بعداً به مدرسه القضاء الشرعی انتقال نمود، و در آن جا علوم بسیاری را آموخت، و در سن 18 سالگی فارغ گردید، بعداً به ولایت طنطا سفر علمی نمود، و در سال-1394 هـ، وفات نمود، زهرة التفاسیر، الوقف و احکامه، از جمله مصنفات شان می باشد، المعجم الجامع فی تراجم العلماء المعاصرين، 327/1، أعضاء ملتقى أهل الحديث.

<sup>3</sup> - دیده شود، نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه والنظائر 332/1، = أبو عبد الله مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْجَامِعِ لأحكام القرآن، القرطبي، 25/9، دارالکتب المصریة - القاهرة، ط، دوم، 1384 هـ - 1964 م، : محمد بن أحمد، زهرة التفاسیر، 7 / 3700، دارالنشر: دار الفکر العربی، ترقیم: موافق للمطبوع.

<sup>4</sup> - تفسیر طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن، 471 / 2 .

<sup>5</sup> - أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي النيسابوري، ثعلبی ویا ثعلبی لقبش است، نه نسبش، مفسر، واعظ، وادیب عصر، از استادانی مانند حاکم نیشاپوری، ابن خزیمه، درس آموخته، واحدی مفسر مشهور، و عبدالغافر، فارسی از شاگردانش می باشد، نامبرده در سال-427 هـ، از دنیا رحلت نمود، الکشف و البیان فی تفسیر القرآن، عرائس المجالس از مصنفات مهمه او بشمار میرود، زرکلی، 212/1، = معجم المفسرین، 62/1.

<sup>6</sup> - علي بن أحمد بن محمد بن علي، الواحدی، مفسر، عالم ادیب، النیسابوری: از علمای مفسر، ادیب، و کم نظیر عصرش بود، لکن بعضی زبان درازی های در شان علماء داشت، به علوم حکمت و ریاضیات هم مهارت تام داشت، از استادانش ابی الحسن القهنذری، أبو إسحاق الثعلبی، بوده، الوجیز، البسیط، الوسیط، از مصنفات مهمه او بشمار میرود، نامبرده در سال - 468 هـ، در نیشاپور چشم از جهان بست، طبقات المفسرین للداوودی، 394/1.

<sup>7</sup> - أحمد بن محمد الثعلبي، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، 1 / 251، ناشر: دار احیاء التراث العربی - بیروت، ط، اول 1422 هـ - 2002 م، = علي بن أحمد، الواحدی، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، 1 / 123، ناشر: دار القلم الدار الشامیة - دمشق، بیروت، ط، اول، 1415 هـ .

ب: { أَهُمْ يَفْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ } ، سورة الزخرف: 32.

ترجمه: آیا آنان (مشرکین) رحمت (نبوت پیغمبری) پروردگار تو را تقسیم می کنند؟.

مفهوم آیه مبارکه ردّ صریحی ادعای مشرکین است که در آیه ما قبل الله تعالی نقل می کند،  
{ وَقَالُوا لَوْلَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقُرَيْنِينَ عَظِيمٍ } ، سورة الزخرف: 31.

ترجمه: و گفتند: چرا این قرآن بر مرد بزرگی از این دو قریه نازل نشده است؟!.

الله تعالی در جواب فرمود: انسا نها در تقسیم معیشت (اسباب زنده گانی شان عاجز و ناتوان) هستند.

چه جایکه در مسائل بزرگتر از آن همچون مسئله نبوت بی عقلانه زبان درازی می کنند.

{ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ } ، سورة ص: 9 .

یعنی: آیا در نزد آنان گنجینه های رحمت (نبوت پیغمبری) پروردگار پیروزمند بخشاینده ات هست؟

اینجا استفهام انکاری است، یعنی نه خیر هیچ چیزی از گنجینه های الله تعالی در دست رسشان نیست<sup>1</sup>.

پنجم: رحمت؛ یعنی قرآن، در آیات چند بیان می کنیم

الف: { قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا } ، سورة یونس: 58.

ترجمه: بگو: به فضل و رحمت (قرآن) خداست که (مسلمانان) باید شادمان شوند.

بسیار از اهل تأویل و تفسیر باین نظر هستند که مراد از فضل الله اسلام و از رحمت الله قرآن است.

ابن جریر - رحمه الله- در تفسیر موسوم به جامع البیان در ذیل این آیه می گوید: و خلاصه اش اینست که الله تعالی برای شما بزرگترین فضل خود را بخشید و آن فضل دین اسلام است، و به شما بزرگترین رحمتی نازل کرد که بواسطه آن به شما راه دینتان را تعلیم داد، چیز را که شما آنرا قبلاً نمیدانستید، و آن رحمت عبارت از قرآن است<sup>2</sup>.

<sup>1</sup> - عبد الله بن عمر البیضاوی، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، 5 / 25، ناشر: دار احیاء التراث العربی، ط، 1، 1418 هـ.

<sup>2</sup> - تفسیر طبری، 105/15.



واین قول را مستند به نقل از ابن عباس، حسن<sup>1</sup>، مجاهد<sup>2</sup>، ضحاک<sup>3</sup> قتادة<sup>4</sup> نقل می کنند.

همچنین تفسیر قرطبی، ابوحنیان<sup>5</sup> صاحب تفسیر البحر المحیط به همین نظر هستند<sup>6</sup>.

یعنی کسی را که الله تعالی از اهل قرآن گردانید واقعاً او را مورد رحمت خود قرار داده است، در ا دامه همین آیه الله تعالی میفرماید: {هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ} یعنی: آن بهتر از چیزهایی است که آنان جمع می نمایند.

یعنی اسلامی که الله تعالی بسوی او مردم را فرا می خواند و قرآنی که برای تعلیم احکام دین اسلام نازل نموده از همه اشیاء، اموال، و خزانه های دنیا بهتر است<sup>7</sup>.

ابن ابی حاتم<sup>8</sup> - رحمه الله - در تفسیر این آیه چنین نقل می کند: هنگامیکه خراج<sup>9</sup> از مردم عراق جمع آوری شد و نزد عمر فاروق - رضی الله عنه - آورده شد، در حالیکه همان خراج خیلی بسیار به نظر می رسید

---

<sup>1</sup> - الحسن بن یسار البصری، ابوسعید: تابعی، امام اهل بصره یکن از علماء فقیه، فصیح، محدث عصرش در سال -21 هـ در مدینه منوره دیده به جهان گشود، و در خانه علی بن ابی طالب پرورش گردیده و به سن جوانی رسید، و در سال -110 هـ، از جهان رحلت نمود، زرکلی، 226/2.

<sup>2</sup> - مجاهد بن جبر، أبو الحجاج المکی، مولی بنی مخزوم: تابعی، مفسر از اهل مکه، متولد -21 هـ، متوفی 104 هـ، امام ذہبی او را از جمله شیخ القراء والمفسرین دانسته، و از شاگردانی خاصی ابن عباس رضی الله عنه می باشد، سفرهای علمی به مدینه منوره داشته است، زرکلی، 278/5.

<sup>3</sup> - الضحاک بن مزاحم بلخی، ابوالقاسم مفسر، متوفی -105 هـ، گویند که در مدرسه اش بیشتر از سه هزار اطفال مشغول درس بود، زرکلی، 215/3.

<sup>4</sup> - قتادة: ابن دعامة السدوسی البصری، متولد -61 هـ، متوفی 118 هـ، از مادرش کور (بی چشم) بدنیا آمده بود، دارای حافظه قوی، زرکلی، 189/5.

<sup>5</sup> - محمد بن یوسف بن علی بن یوسف ابن حیان الأندلسی، ملقب به أبو حیان، در بسیاری کتب و رسائل او را ابوحنیان نحوی هم یاد می کنند، در علوم تفسیر، حدیث، تراجم، لغتها مهارت تام داشت، در سال -654 هـ، در یکی از محلات غرناطه دیده به جهان گشود، سفرهای علمی به قاهره و دیگر مناطق داشت، از استادانش ابوجعفر بن طباع، و از شاگردانش تقی الدین سبکی بود، سرانجام در سال -745 هـ، در قاهره چشم از جهان بست، نامبرده علاوه بر کتاب معروف ومشهور (البحر المحیط) مصنفات بسیاری دیگری هم داشت، مانند النهر الماد، تحفة الأریب بما فی القرآن من الغریب، معجم المفسرین، 655/2، زرکلی، 152/7.

<sup>6</sup> - تفسیر قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، 8 / 353، أبو حیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، 6 / 74،: دار الفکر - بیروت، ط، 1420 هـ.

<sup>7</sup> - تفسیر طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن، 15 / 105 = تفسیر القرطبی، الجامع لأحكام القرآن، 8 / 353، البحر المحیط فی التفسیر، 6 / 74، زهرة التفسیر، 7 / 3596، جابر بن موسی الجزائری، أیسر التفسیر لكلام العلی الكبير، 2 / 483، المدینة المنورة، ط، پنجم، 1424 هـ / 2003 م.

<sup>8</sup> - عبد الرحمن بن محمد ابی حاتم ابن إدريس بن المنذر التمیمی الحنظلی الرازی، أبو محمد، مفسر، از بزرگانی حفاظ حدیث، در سال -240 هـ بدنیا آمد، در سرزمین ری زندگی می کرد، کتابهای الجرح والتعدیل در هشت جلد، الرد علی الجهمیة، آداب الشافعی ومناقبه، از مصنفات شان می باشد، و در سال -327 هـ از جهان رحلت نمود، زرکلی، 324/3.

<sup>9</sup> - اللتی یفرضاها الامام علی الارض النامیة، یعنی آن حقوقیکه امیر، و یا حاکم مسلمانان بر زمین زراعتی تعیین می نماید، الموسوعة الفقهیة، 19 / 511، ط، 1404 - 1427 هـ.

و حضرت عمر - رضی الله عنه - شترهای همان خراج را شماریده و حمدو ثنای خدا را می گفت، درین هنگام غلامش گفت: ای امیر المؤمنین: این خود از فضل و رحمت الله تعالی است، حضرت عمر - رضی الله عنه - در جوابش گفت: دروغ گفתי چنین نیست یعنی مفهوم آیه طوریکه تو تأویل نمودی اشتباه است، بلکه الله تعالی می فرماید: {هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ} وَ هَذَا مِمَّا تَجْمَعُونَ، یعنی فضل و رحمت الله تعالی بهتر است ازین که شما اشیاء و اموال دنیا را جمع آوری می کنید.

در حالیکه این (شترها و اموال دیگر) از چیزهای جمع آوری شده شما است نه چیز دیگر، پس صاحب قرآن باید همیشه مستغنی باشد، زیرا رحمت الله شامل حالش گردیده و آن رحمت عبارت از قرآن است<sup>1</sup>.

**ب:** {وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ}، سورة الإسراء: 82.

ترجمه: و از قرآن آنچه را که ما برای بهبودی و رحمت مؤمنان است فرو می فرستیم.

اینجا کلمه رحمت بمعنای قرآن است، چنانچه از امام فخرالدین رازی - رحمه الله - در تفسیر کبیر در ذیل این آیه نقل شده، و خلاصه اش اینست {وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ}.... یعنی القرآن هوشفاء و القرآن هورحمة<sup>2</sup>.

یعنی: جمیع قرآن شفاء و رحمت است، اینجا کلمه "من" برای تبعیض نیست که بعض قرآن را دربر بگیرد بلکه برای إضافة جنسی است که همه قرآن را شامل می شود.

### ششم: رحمت؛ یعنی مطر (باران)

مثل، {وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ}، سورة الأعراف: آیه: 57.

ترجمه: و او خدایی است که بادهای را پیشاپیش باران رحمت خود مژده رسان می فرستد. که اینجا رحمت خود بمعنای باران است.

<sup>1</sup> - عبد الرحمن بن محمد بن، الرازي، تفسير القرآن العظيم لابن أبي حاتم 1960/6، ناشر: مكتبة نزار، ط، 3، 1419 هـ.

<sup>2</sup> - تفسير كبير، 389/21.

امام فخرالدین رازی<sup>1</sup> - رحمه الله - می گوید: مراد از رحمت در آیه { بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ } باران است<sup>2</sup>.

مقاتل بن سلیمان<sup>3</sup> نیز می گوید: که در این آیه مراد از رحمت باران است<sup>4</sup>.

همچنین ابن جریر، سمرقندی،<sup>5</sup> سمعانی، هم به این قول هستند<sup>6</sup>.

{وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ}، الروم: 46، ترجمه: تا از رحمت (باران) خود به شما بچشاند.

{فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا}، سورة الروم: 50.

ترجمه: بنگر بسوی آثار رحمت (باران) الله تعالی که چگونه زنده میگرداند زمین را بعد از مرگش.

---

1- فخرالدین الرازی: محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي البكري، أبو عبد الله، فخر الدين الرازي، درسال - 544- درمنطقه بنام ری به دنیا آمده، به همین بدلیل او را خطیب الرئی نیزگویند، ودرسال -606- هـ، درهرات چشم ازجهان پوشید، نسبش به قریش میرسد، واصل وطن پدری اش طبرستان است، وی امام ومفسر، یکه تاز وقتش، درعلوم نقلی وعقلی بود، ازجمله استادانش پدربزرگوارش، شیخ ضیاءالدین، ومجدالین جیلی را میتوان نام برد، سفرهای علمی به خوارزم، ماوراءالنهر، خراسان داشته، نامبرده تألیفات بسیاری نموده، واكثر کتابهایش درزمان حیات او مورد استفاده مردم قرارگرفته بود، ازجمله تألیفاتش تفسیرکبیر، ومعالم أصول الدین، محصل أفكار المتقدمين والمتأخرين من العلماء والحکماء والمتکلمين، رامیتوان نام برد، زرکلی، 313/6.

2- تفسیر کبیر، 466/24.

3- مقاتل بن سلیمان بن بشیر الأزدي، البلخي، أبو الحسن، از علماء مشهور و معروف مفسرين، اصل وطنش از بلخ وسفرهای علمی به بصره وبغداد داشته، امام شافعی رحمه الله می گوید: مردم همه در علم تفسیر عیال مقاتل بن سلیمان هستند، ضحاک، ومجاهد از استادانش بشمار می رود، نوا در التفسیر، الرد علی القدریة، متشابه القرآن، الناسخ والمنسوخ، از مصنفات مهم اومی باشد، نامبرده درسال -150- هـ از دنیا رحلت نمود، علامه با وجودیکه در علم تفسیریک بحر عمیق بشمار میرفت، لکن علماء علم حدیث وی را متروک الحدیث پنداشته اند، زرکلی، 281/7، = طبقات المفسرين للداوودي، 331/2.

4- أبو الحسن مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، 42/2، دار إحياء التراث- بیروت، ط اول، 1423 هـ.

5- نصر بن محمد بن أحمد بن إبراهيم السمرقندي، أبو الليث، ملقب به امام الهدی، در اکثر کتب بنام فقیه ابواللیث سمرقندی یادش می کنند، از فقهاء مشهور ومعروف احناف، زاهد، متصوف، ابي جعفر الهندواني، محمد بن فضل بن احنف، از استادانش، و ابوبکر بن عبدالرحمن ترمذی، ابن زرعۃ الرازی، از شاگردانش می باشد، نامبرده درسال -373- هـ، چشم ازجهان پوشید، علاوه بر تفسیر القرآن کتب دیگری چون النوازل، فی فروع الفقه الحنفي، تنبيه الغافلين، خزائن الفقه علی مذهب ابي حنيفة، وبستان العارفين فی الأداب الشرعية، از مصنفات اومی باشد، زرکلی، 27/8.

6- تفسیر طبری، 1 / 522 =، نصر بن محمد السمرقندي، بحر العلوم، 569/2، تفسیر القرآن، 109/4، تفسیر سمعانی.

طوری که در آیات فوق بیان شد واقعاً باران رحمتی از رحمت های الله تعالی است که سبب سرسبزی ها در روی کره زمین، کم شدن یانابود شدن عفونت، گرد، غبار که خودسبب بروز امراض است، سبب زیادت سطح آب در بحر ها که بتواند کشتی ها به آسانی را ببیماید هم می باشد.

### هفتم : رحمت؛ یعنی رزق (روزی)

**الف:** {إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً} ، سورة الكهف: آیه: 10.

ترجمه: آنگاه که آن جوانان به غار پناه برده و گفتند: پرودگارا! از جانب خود رحمتی (رزق و روزی) به ما ببخش.

به این گونه عبارت. « فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً أَي رَحْمَةً مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِكَ وَجَلَائِلِ فَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ وَهِيَ الْهُدَايَةُ بِالْمَعْرِفَةِ وَالصَّبْرِ وَالرِّزْقِ وَالْأَمْنِ مِنَ الْأَعْدَاءِ »<sup>1</sup>.

یعنی: کلمه رحمت در این آیه مبارکه بنابه قول امام رازی - رحمه الله- اعم از رزق، هدایه، صبر، امن و امان از دشمنان می باشد.

**ب:** {وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا}، سورة الكهف: 16.

ترجمه: و چون از آنان و از چیزهایی که به جز خدا می پرستند کناره گرفتید، به آن غار پناه ببرید تا پروردگارتان رحمتش (روزی) را بر شما بگستراند و در کارتان برای شما گشایشی فراهم آورد.

در آیات فوق کلمه رحمت بمعنای رزق است از قبیل تسمیه مسبب باسم سبب، زیرا می بینیم که شخصی را به شخص دیگر رحمتش می آید بعداً چیزی برایش می دهد، بناءً رحمت الله تعالی سبب روزی دادن اوست، پس مراد از رحمت در آیات فوق رزق است.

در رابطه به همین موضوع از رسول الله - صلی الله علیه وسلم- روایت است که فرمودند: « مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْسَطَ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ وَيُنْسَأَ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ »<sup>2</sup>.

یعنی: هر کس که می خواهد روزی اش زیاد گردد و عمرش طولانی شود، باید که صلّه رحم داشته باشد.

<sup>1</sup> - تفسیر کبیر، 429/21.

<sup>2</sup> - صحیح البخاری، 3/ 56، كِتَابُ التَّوْبَةِ، بَابُ مَنْ أَحَبَّ التَّبَسُّطَ فِي الرِّزْقِ .

از حدیث شریف هم دانسته می شود که صلۀ رحمی که خود رحم و رحمت است سبب رزق و روزی فراوان می شود.

### هشتم: رحمت؛ یعنی نعمت

**الف: {وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ}** ، سورة النساء: آیه: 113

یعنی: ای پیغمبر! اگر فضل و رحمت (نعمت) خدا نبود، دسته از آنان می خواستند که تو را گمراه سازند. مقاتل بن سلیمان - رحمه الله- در تفسیر این آیه می گوید: « یعنی و نعمته بالقرآن حین بین لك امر "طعمة" فحولك عن تصديق الخائنين بالقرآن»<sup>1</sup>.

یعنی اگر رحمت (نعمت) الله تعالی به سبب قرآن نمی بود هنگامیکه کارکرد (خیانت) طُعمه یا به روایت دیگر بشیر بن ابیرق<sup>2</sup>، بتواشکار شد نزدیک بود که خائنین را تصدیق کنی پس الله تعالی تو را بازداشت از تصدیق خائنین به سبب نعمت خود که قرآن است.

**ب: {فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا}** ، سورة الكهف: آیه 65.

یعنی: پس بنده از بندگان ما را یافتند که از نزد خود رحمتی (نعمتی) به او داده و از جانب خویش علمی به او آموخته بودیم.

امام بغوی - رحمه الله- در تفسیر این آیه می گوید: رحمت یعنی نعمت واقعاً شخصی که در میان دریا زندگی می کند ولی با وجود این همه دوری مکان از شهرها، مجتمع ها بانواع علوم آشنایی دارد این یک نعمت بزرگ پروردگار است که از آن به رحمت تعبیر شده است<sup>3</sup>.

### نهم: رحمت؛ یعنی عافیت، (سلامتی)

مثل {أَوِ ارَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُّسِيكَاتٌ رَحْمَتِهِ} ، سورة الزمر: آیه 38.

<sup>1</sup> - تفسیر مقاتل بن سلیمان، 406/1 .

<sup>2</sup> - طعمه و یا بشیر، کسی بود که از خانه یکتن از انصار بنام رفاعة اشياء را دزدی و سپس انکار نموده بود، لکن الله تعالی خیانت وی را توسط وحی به پیغمبرش خیر داد نامبرده علاوه بر کسب بدی دزدی منافقت های دیگری هم داشت از جمله سرودن اشعار پوچ بالای پیامبر و یارانش، این کثیر، 2 / 405.

<sup>3</sup> - تفسیر بغوی، 188/5.

ترجمه: و یا اگر خدا بخواهد لطف و مرحمتی (عافیتی) در حق من روا دارد آنها می توانند لطف و مرحمتش (عافیتش) را مانع شوند؟! !

سهل بن عبد الله<sup>1</sup> در تفسیر تستری می گوید: «الرحمة العافية في الدين والدنيا والآخرة»<sup>2</sup>.

یعنی مراد از رحمت عافیت است در دین یا در دنیا و یا در آخرت.

تفسیر السراج المنیر<sup>3</sup> ایسر التفاسیر، هم می گویند که اینجا کلمه رحمت بمعنای عافیت است<sup>4</sup>.

**دهم: رحمت؛ یعنی فتح و نصرت**

مثل قول الله تعالى ﴿قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً﴾، سورة الأحزاب: 17. یعنی: بگو چه کسی می تواند شما را در برابر اراده خدا حفظ کند اگر او مصیبت یا رحمتی (نصرتی) را برای شما بخواهد؟! !

مقاتل بن سلیمان در ذیل این آیه می گوید: «إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا يَعْنِي الْهَزِيمَةَ أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً يَعْنِي خَيْرًا وَهُوَ النَّصْر»<sup>5</sup>

یعنی مراد از کلمه سوء، هزیمه شکست و مراد از کلمه رحمت، خوبی و آن فتح و نصرت است.

---

<sup>1</sup> - سهل بن عبد الله بن يونس التستري، أبو محمد، يكتن ازمفسرين، زاهد، صوفی، در سال 200 هـ چشم به جهان گشود، از استادانی چون محمد بن سوار، ذوالنون مصری، علم آموخت، ابن سالم الصوفي، ابو محمد جریری، از شاگردانش بود، کتابهای تفسیر القرآن، رقائق المحبین از جمله مصنفاتش می باشد، نامبرده در سال 283 هـ چشم از جهان پوشید، زرکلی، 3/143.

<sup>2</sup> - سهل بن عبد الله، تفسیر التستري، 1/ 133، منشورات محمد علي بيضون دارالکتب العلمية - بیروت، ط، اول، 142

<sup>3</sup> - محمد بن أحمد الشربيني، شمس الدين: فقيه، شافعي، مفسر، اصل از قاهره، السراج المنير، در 4 جلد، في تفسیر القرآن، الإقناع في حل الفاظ، از مصنفاتش می باشد، ودر سال- 1326 هـ از جهان رحلت نمود.

<sup>4</sup> - محمد بن أحمد الشربيني، السراج المنير في الإعانة على معرفة بعض معاني كلام ربنا الحكيم الخبير، 3 / 449، دار الکتب العلمية بیروت، موافق للمطبوع، =، ایسر التفاسیر للجزائري، 4 / 489، ناشر، مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، المملكة العربية السعودية، ط پنجم، 1424 هـ / 2003 م.

<sup>5</sup> - تفسیر مقاتل بن سلیمان، 3 / 480.

یحیی بن سلام<sup>1</sup> از سُدی<sup>2</sup> مفسر مشهور نقل میکند که رحمت یعنی نصرت، سمرقندی، ثعلبی، واحدی، نیز اینجا رحمت را به نصرت معنی کرده است<sup>3</sup>.

از سیاق و سباق آیه معلوم می شود که کلمه رحمت اینجا بمعنای نصرت است، زیرا همین چندی از آیات بشمول آیه متذکره درباره غزوه خندق است که شکست برکفار و پیروزی از آن مسلمانان شده بود.

### یازدهم: رحمت؛ یعنی منت (احسان بارکردن- یادآوری نیکی)

**الف: {وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا، إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْنِكَ كَبِيرًا}**، سورة الإسراء: 86، 87.

ترجمه: و اگر ما بخواهیم آنچه به تو وحی کرده ایم از میان بر میداریم، آن گاه کسی را نخواهی یافت که در این رابطه علیه ما از تو دفاع کند، ولیکن به خاطر رحمت (منت) پروردگارت که شامل حال تو است، واقعاً کرم بزرگی خدا در حق تو داشته است.

**ب: {وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ}**، سورة القصص: 46.

---

<sup>1</sup>- یحیی بن سلام بن ابی ثعلبة، التیمی، سابقه دار از جمع مفسرین، محدث، فقیه، عالم به اوضاع لغت، محل تولدش کوفه و در عصر متقدمین کم نظیر بوده است، مسافرت های علمی به مصر و مناطق دیگر داشته، از استادانی همچون مالک بن انس، سعید بن ابی عروبة، علم آموخته و حدیث را روایت کرده است، فرزندش محمد بن یحیی، عبدالله بن وهب، از شاگردانش می باشد، ابن حبان وی را از جمله ثقات در علم حدیث شماریده است، در آخر عمرش مشرف به حج بیت الله شریف شده و بعد از برگشت از سفر حج در سال 200 هـ. در مصر رخت از جهان بست، و درمنطقه بنام مقطم دفن گردید، تفسیرالقرآن از آثار مهم او بحساب می رود، سیر اعلام النبلاء، 396/9، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن احمد الذهبي، مؤسسة الرسالة، ط، 3، 1405 هـ / 1985 م .

<sup>2</sup>- اسماعیل بن عبد الرحمن بن ابی کریمه الهاشمی، معروف و مشهور به السدی، متوفی- 128 هـ، تابعی، اصلش از حجاز، و کوفه را مسکن خویش قرار داده بود، نامبرده در علم تفسیر، مغازی، سیرت، مهارت کم نظیری داشت، از ابن عباس، و انس بن مالک روایت نموده، و ابو عوانة، سفیان ثوری، حسن بن صالح، و ابو بکر بن عیاش، و بسیاری از مفسرین و محدثین از وی روایت می کنند، طبقات المفسرین للداوودی، 1 / 110.

<sup>3</sup>- تفسیر یحیی بن سلام، 2 / 708، دارالکتب العلمیة، بیروت- لبنان، ط، اول، 1425 هـ - 2004 م، تفسیر بحر العلوم، سمرقندی، 3 / 51، =، الکشف والبیان عن تفسیر القرآن، 8 / 20، ثعلبی، =، التفسیر الوسیط، 3 / 463، للواحدی.

ترجمه: و تو در کنار کوه طور نبودی بدانگاه که ما ندأ دادیم، ولی (وحي) <sup>1</sup> از روی رحمتی از سوی پروردگارت آمد، اینجا مراد از رحمت منت (یادآوری نعمت) است.

علامه زمخشری <sup>2</sup> در تفسیر این آیه می گوید: در {ولکن رحمة من ربك}، استثنای منقطع است، یعنی مستثنی {رحمت} از جنس مستثنی منه {غیر مذهب} نیست.

ابن جوزی - رحمه الله - هم می گوید که مراد از رحمت در آیه فوق منت است <sup>3</sup>.

### دوازدهم: رحمت؛ یعنی رقت (نرم دلی)

مثل قول الله تعالی {وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً}، سورة الحديد: آیه 27.

ترجمه: و در دل های کسانی که از او پیروی کردند مهربانی و بخشایش (رقت و نرم دلی) قرار دادیم.

جمال الدین القاسمی <sup>4</sup> می گوید: «رَأْفَةً وَرَحْمَةً أَي حناناً ورقة على الخلق، لكثرة ما وصى به عيسى - عليه السلام -، من الشفقة وهضم النفس والمحبة».

یعنی مراد از رافة حنان «بخشاینده - بسیار مهربان» و مراد از رحمت رقة (نرم دلی) به مخلوقات است، و این از جهت بسیار وصیت عیسی - علیه السلام - به شفقت، عاجزی نفس، و محبت بود <sup>5</sup>.

ابن عثیمین <sup>1</sup> می گوید: «الرأفة نوع من الرحمة ولكنها أرق وألطف» <sup>2</sup>، یعنی رافة نوع از رحمت است لیکن رقیق تر از رحمت است معلوم شد که رحمت بمعنای رقت و رافة بمعنای أرق (نرم دل تر) است.

<sup>1</sup> - الوجیز، 1 / 820.

<sup>2</sup> - محمود بن عمر بن محمد بن أحمد الخوارزمي الزمخشری، جار الله، أبو القاسم، از علمای پیشتاز در علوم تفسیر، لغة، اداب، صرف، نحو، و غیره علوم اسلامی، در سال 467 هـ - در قریه زمخشر، از مربوطات خوارزم، دیده به جهان گشود، مسافرت علمی به مکه معظمه و دیگر مناطق داشته، و علوم کثیری را تحصیل نمود، بعداً به جرجان ویا گرگان نقل نمود، نامبرده پیروی مذهب معتزلی بوده و بسا جاها اهل سنت را شدیداً رد نموده است، از استادان او ابی مضر محمود بن جریر الضبی الأصبهانی، ابی الحسن علی بن ابی سعد الشقانی، الجوالیقی، و از شاگردان او السلفی، وزینب بنت الشعری، را می توان نام برد، تفسیر کشاف، میزان الاعتدال، مفصل فی النحو، از مصنفات مهم وی بحساب می رود، سرانجام در سال 538 هـ در خوارزم چشم از جهان پوشید، زرکلی، 7/178.

<sup>3</sup> - ابن جوزی، نزهة الأعبین النواظر فی علم الوجوه والنظائر، 32.

<sup>4</sup> - جمال الدین ویا محمد جمال الدین بن محمد سعید بن قاسم القاسمی، الحلاق، مفسر، ماهر در انواع علوم، در سال 1283 هـ در دمشق دیده به جهان گشود، وی سلفی العقیده و منکر تقلید بود، سفرهای علمی به ما حول دمشق و سپس به مصر و مدینه المنوره داشت، محمد سلیم العطار، محمد جمیل، از استادانش، و محمد الیزم، از جمله شاگردانش می باشد، کتابهای الفتوی فی الإسلام، إرشاد الخلق إلى العمل بخیر البرق از مصنفات شان می باشد، نامبرده سرانجام در سال 1332 هـ رخت از جهان بست، زرکلی، 2/135.

<sup>5</sup> - محمد جمال الدین بن محمد سعید القاسمی، محاسن التأویل، 9 / 156، دار الکتب العلمیه - بیروت، ط اول، 1418 هـ.



## سیزدهم: رحمت؛ یعنی مغفرت (آمرزش)

مثل قول الله تعالى {كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ} {كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ}، الأنعام آیه 12، 54.

ترجمه: پروردگارتان رحمت (مغفرت آمرزش) را بر خویشتن واجب نموده است، البتة به فیصله وقضای خودش، ابن جوزی - رحمه الله - می گوید: مراد اینجا از رحمت مغفرت است<sup>3</sup>.

## چهاردهم: رحمت؛ یعنی وسعت (آسانی و فراخی از جانب شرع)

مثل قول الله تعالى {ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ}، سورة البقرة: 178.

ترجمه: این تخفیف و رحمتی (وسعت و فراخی در امر از امور شرع) از جانب پروردگارتان برای شماست. اینجا وقتی که الله تعالی بعد از بیان نمودن حکم قصاص حکم صلح در مقابل مال و یا عفو مطلق را نمود واقعاً وسعت فراوانی در امر شرعی آمد.

علامه زمخشری در ذیل همین آیه می گوید: «لأن أهل التوراة كتب عليهم القصاص البتة وحرّم العفو وأخذ الدية، وعلى أهل الإنجيل العفو وحرّم القصاص والدية، وخيرت هذه الأمة بين الثلاث: القصاص والدية والعفو، توسعة عليهم وتيسيراً»<sup>4</sup>.

یعنی چونکه بر اهل توراة تنها قصاص بود عفو و دیت حرام بود، و بر اهل انجیل تنها عفو بود و قصاص و دیت حرام بود، و امت محمد - صلی الله علیه وسلم - در بین سه چیز اختیار داده شد که آنها قصاص، عفو و دیت می باشد برای توسعه و آسانی است.

از لابلای کلام زمخشری فهمیده می شود که مراد از کلمة رحمت اینجا توسعه یا وسعت است.

در تفسیر السراج المنیر هم تفسیر همین آیه رحمت را به توسعه معنی نموده است<sup>5</sup>.

<sup>1</sup> - محمد بن صالح بن محمد ابن عثمان: المقل الوهبي التميمي، عالم، مفسر، فقيه، در سال -1347 هـ، در مملکت عربستان سعودی، در منطقه بنام القصيم دیده به جهان گشود، در آوان طفولیت قرآن کریم را حفظ نمود، شیخ عبدالرحمن ناصر السعدي، و شیخ عبد العزيز بن عبدالله بن باز، از جمله استادانش می باشد، سالها بحیث استاد در بخش شرعیات جامعه الإمام محمد ابن سعود الإسلامية مصر و تدریس بود، و در سال -1421 هـ، وفات نمود، تفسیر سورة الحجرات والحديد، شرح ریاض الصالحين، از جمله مصنفاتش می باشد، المعجم الجامع، 1 / 298.

<sup>2</sup> - محمد بن صالح، تفسیر الحجرات - الحديد، 1 / 428، دار الثريا للنشر والتوزيع، الرياض، ط اول، 1425 هـ - 2004 م.

<sup>3</sup> - ابن جوزی، نزهة الأعين الناظر في علم الوجوه والنظائر، 32/.

<sup>4</sup> - الكشاف، 1 / 222

<sup>5</sup> - محمد بن أحمد، الشريبي، السراج المنير في الإعانة على معرفة بعض معاني كلام ربنا الحكيم الخبير، 1 / 116، ناشر، مطبعة القاهرة، سال-1285 هـ.

در تفسیر محاسن التأویل اینگونه است: «تَخْفِيفُ تَسْهِيلٍ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةٌ بِكُمْ حَيْثُ وَسَّعَ فِي ذَلِكَ وَلَمْ يَحْتَمِ وَاحِدًا مِنْهُمْ»<sup>1</sup>، یعنی سهولت از جانب الله تعالی است بر شما و رحمت است که وسعت بخشیده و یک حکم را حتمی قرار نداده است .

### پانزدهم: رحمت؛ یعنی مَوَدَّت (دوستی)

مثل قول الله تعالی ( مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ) ، سورة الفتح : 29.

ترجمه: محمد - صلی الله علیه وسلم- فرستاده ی خداست، و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیر و در میان خود مهربانند، یعنی دوست اند.

مقاتل بن سلیمان - رحمه الله- در تفسیر این آیه می گوید: رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ متوادین بعضهم لبعض<sup>2</sup> . یعنی بعضی شان به بعضی دیگر دوست هستند.

سمرقندی، ثعلبی، واحدی، سمعانی این آیه را همین نوع تفسیر کرده اند که رحمت یعنی مَوَدَّت، دوستی<sup>3</sup>.

### شانزدهم: رحمت؛ یعنی عصمت (پاک دامنی، حفاظت از گناه)

مثل قول الله تعالی در حکایت از یوسف -علیه السلام- {وَمَا أُبْرِيئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ} ، سورة يوسف: 53.

ترجمه: و نفس خود را تبرئه نمی کنم، چرا که نفس به بدی ها فرمان می دهد، مگر نفس کسی که پروردگارش بدو رحم نماید، یعنی در عصمت خود ننگه دارد، به تحقیق پروردگارش غفور و رحیم است.

امام فخرالدین رازی - رحمه الله- در تفسیر این آیه می گوید: {إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي أَيُّ إِلَّا الْبَعْضَ الَّذِي رَحِمَهُ رَبِّي بِالْعِصْمَةِ}، یعنی کسی را که الله تعالی معصوم ننگه داشت در حقیقت به او رحم کرده است<sup>4</sup>.

مقاتل بن سلیمان - رحمه الله- می گوید: «إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي يَعْنِي إِلَّا مَا عَصَمَ رَبِّي فَلَا تَأْمُرُ بِالسُّوءِ»<sup>1</sup>.

<sup>1</sup> - محاسن التأویل، 3 / 2.

<sup>2</sup> - تفسیر مقاتل بن سلیمان، 78 / 4

<sup>3</sup> - دیده شود، بحر العلوم، 3 / 320، = الكشف والبيان عن تفسير القرآن، 9 / 65، = أبو الحسن علي بن أحمد التفسير الوسيط

للوأحدی، 4 / 146 ، دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان ط اول، 1415 هـ - 1994 م = تفسير القرآن للسمعاني، 5 / 209.

<sup>4</sup> - تفسیر کبیر، 18 / 470.

یعنی مگر کسی را که پروردگار من در عصمت خود نگهدارد، پس نفسش او را به گناه امر کرده نمی تواند، وی همچنین می گوید: کلمه رحیم در (إِنَّ رَبِّيَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) هم بمعنای عاصم است، یعنی رحیم است، هنگامیکه او را از گناه باز میدارد.

سمرقندی، ثعلبی، قشیری، بغوی، زمخشری، همین نوع تفسیر نموده اند.<sup>2</sup>

از فحوای آیه مبارکه احوال مفسرین چنین معلوم می شود که تقوی داری به زور، جسامت، مقام، و غیره حاصل شده نمی تواند بلکه فقط به مهربانی الله تعالی تعلق دارد.

### هفدهم: رحمت؛ یعنی شفاعت

مثل {يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ}، سورة الدخان : 41، 42.

ترجمه: روزی که هیچ دوستی از دوست (دیگر) چیزی را دفع نکند و آنان یاری نمی گردند «مگر کسیکه خدا به وی رحم کند که بی گمان خدا توانا و مهربان است، یعنی در روز رستاخیز هیچ کس به کسی دیگر هیچ نوع کمکی کرده نمی تواند مگر کسانی را که الله تعالی برایشان صلاحیت شفاعت می بخشد.

ابن عباس - رضی الله عنهما - می گوید: (إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ) مراد مؤمن است که برایش فرشتگان، پیغمبران شفاعت می کند.<sup>3</sup>

مقاتل بن سلیمان - رحمه الله - می گوید: (إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ) یعنی مؤمنان که برایشان شفاعت کرده می شود.

همچنین در ادامه آیه می گوید: {إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ} یعنی الله تعالی غالب است می تواند از دشمنان خود انتقام بگیرد و رحیم است به مؤمنانیکه در آیه مستثنی نمود.<sup>4</sup>

<sup>1</sup> - تفسیر مقاتل بن سلیمان ، 340 / 2

<sup>2</sup> - دیده شود، بحر العلوم، 198 / 2، سمرقندی، = الكشف والبيان عن تفسير القرآن، 230 / 5، = لطائف الإشارات تفسیر القشیری، 190 / 2، =، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن تفسیر البغوی، 496 / 2، = الكشف عن حقائق غوامض التنزیل، زمخشری، 2، 481/.

<sup>3</sup> - تفسیر کبیر، 663 / 27.

<sup>4</sup> - تفسیر مقاتل بن سلیمان، 824 / 3.

تستری - رحمه الله - می گوید: {إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ} یعنی مؤمنین را بعضی شان را به بعضی شان شافع می گرداند.<sup>1</sup>

قابل ذکر است: تمام وجوه و نظائریکه در هفده قسم بیان شد یعنی کلمه رحمت به همین معانی آمده است، البته جاهای در آیات فوق بود که مفسرین کرام - رحمه الله - یکی یک معنی را انتخاب نموده و دیگری معنای آخر را، مثلاً در آیه 178 سوره بقره {ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ} که بعضی مفسرین کلمه رحمت را بمعنای سهولت و بعضی بمعنای عفو بعضی دیگر بمعنای وسعت، و یا در معانی دیگر، لیکن همین معانی (هفده گانه) نه تنها از همدیگر تفاوتی چندانی نداشته بلکه در مابین آنها مناسبت های باهمدیگر وجود دارد، زیرا همه این معانی از یک کلمه (رحمت) نشئت گرفته است.

## مطلب دوم : مرادفات کلمه رحمت در قرآن کریم

ترادف سوار شدن یکی عقب دیگری است و نزد ادباء عرب عبارت از توارد دو لفظ مفرد یا چند لفظ است در دلالت بر يك معنی در اصل وضع<sup>2</sup>.

در قرآن کریم الفاظ مترادف موجود و ثابت بوده بلکه در بسیار از جاها ی قرآن کریم از یک معنی تعبیر به الفاظ متعدده صورت گرفته است.

مثل {قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ}، سورة المجادلة: 1.

ترجمه: خداوند گفتار آن زنی را می پذیرد که درباره شوهرش با تو بحث و مجادله می کند.

علامه جزائری<sup>3</sup>، در ايسر التفاسير می گوید: اینجا کلمه مجادله (تُجَادِلُكَ) و محاوره (تَحَاوَرَكُمَا) بمعنای مراجعه (گفتگوی) یعنی هر دو یک معنی دارد<sup>4</sup>.

<sup>1</sup> - ، تفسير التستري، 1 / 141.

<sup>2</sup> - سيد جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، 114/9، سال نشر، 1373، تهران.

<sup>3</sup> - جابر بن موسی بن عبد القادر بن جابر أبو بكر الجزائري، مدرّس در مسجد نبوي شريف، و استاد بخش شرعیات در جامعه مدینه منوره، در سال -1921م، دیده به جهان گشود، سرانجام در سال -2018م، چشم از جهان پوشید، منهاج المسلم، عقیده المؤمن، از مصنفات مهم ایشمار میرود، المعجم الجامع فی تراجم العلماء و طلبه العلم المعاصرین، 41/1، مؤلف: أعضاء ملتقى أهل الحديث.

<sup>4</sup> - جابر بن موسی، ابو بكر الجزائري، ايسر التفاسير لكلام العلي الكبير، 282/5، مكتبة العلوم والحكم، المدینه ط، 5، 1424هـ، 2003.

پس کلمه رحمت هم از خود مرادفاتی دارد، چنانچه از کلمات ذیل می توان نام برد:

**اول: رَأْفَةٌ**، بمعنای رِقَّة (نرم دلی) این کلمه همراه با اشتقاقش در قرآن کریم تقریباً سیزده بار آمده است

**الف:** کلمه رَأْفَةٌ تنها دوبار مستقل در سیاق کلام آمده

۱- {وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ} سورة النور: 2،

یعنی: نباید در اجرای دین خدا درباره آنان دچار دلسوزی شوید.

کلمه رَأْفَةٌ که در سوره نور است، نظر کردیم که در سیاق حدود الله تعالی آمده، یعنی از آن (رَأْفَةٌ) نهی شده تا که به سبب همان رَأْفَةٌ (نرم دلی) حدود الله تعالی ساقط نشود، لکن از رحمت که در اقامه حدود مطلوب است نهی نمی باشد، بلکه باید در اقامه حدودهم از رحم و ترحم کار گرفته شود، یعنی با ندازه زده نشود که منجر به زخمی یا تلف شدن عضو بدن مجرم گردد<sup>1</sup>.

اماکلمه رَأْفَةٌ در دیگر جاهای قرآن کریم مقترن به رحمت می باشد.

۲- {وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً}، سورة الحديد: 27،

یعنی: و در دل پیروانش رافت و رحمت نهادیم.

**ب:** یازده مرتبه دیگر بر وزن فَعُول در آیات ذیل آمده است

۱ و ۲- {إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ، إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ}، سورة البقرة: 143، سورة الحج: 65، یعنی: همانا خداوند نسبت به مردم رؤف و مهربان است.

۳ و ۴- {وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ}، سورة البقرة: 207، و، سورة آل عمران: 30. و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.

۵- {إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ}، سورة التوبة: 117، یعنی: چرا که او بسیار رؤف و مهربان است.

۶- {بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ}، سورة التوبة: 128.

یعنی: نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است.

۷ و ۸- {إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ، فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ}، سورة النحل: 7، سورة النحل: 47.

<sup>1</sup> - ابن کثیر، 8 / 6.

یعنی: پس به راستی پروردگارتان رؤف و مهربان است.

۹- {وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ}، سورة النور: 20 .

یعنی: اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما نمی شد، و اگر خداوند (نسبت به شما) مهر و محبت نمی داشت، آن چنان مجازات بزرگ و کمرشکنی در برابر تهمت زنا به امّ المؤمنین برایتان در دنیا تعیین می کرد که زندگی تان را تباه می کرد.

۱۰- {وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ}، سورة الحديد: 9، یعنی: چرا که خدا نسبت به شما بسیار بامحبت و دارای مهر فراوان است .

۱۱- {رَبَّنَا إِنَّكَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ}، سورة الحشر: 10، یعنی: پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی. یحیی بن سلام - رحمه الله- میگوید: رأفة بمعنای رحمت است <sup>1</sup>.

امام سمعانی - رحمه الله- می گوید: «الرأفة اشد من الرحمة» <sup>2</sup> یعنی: رأفت از رحمت کرده شدید تر است.

امام بغوی - رحمه الله- می گوید: رأفة، یعنی رحمت ورقّة <sup>3</sup> (نرم دلی).

**دوم: حَنَانٌ**، و این کلمه تنها یک بار در قرآن کریم آمده است:

{وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا} ، سورة مريم: 13.

یعنی: و از فضل خود به او مهر و محبت فراوان دادیم، و برکت و پاکی نصیبش کردیم، و پرهیزگار بود.

کلمه حنان هم مرادف رحمت می باشد، امام فخرالدین رازی - رحمه الله- می گوید: حنان یعنی رحمت <sup>4</sup>.

مجاهد - رحمه الله- مفسر مشهور می گوید: حنان یعنی تعطف (شفقت و مهربانی بر مردم) از جانب الله تعالی برایش بخشیده شده <sup>5</sup>.

---

<sup>1</sup> - تفسیر یحیی بن سلام، 1 / 426.

<sup>2</sup> - تفسیر سمعانی، 3 / 499.

<sup>3</sup> - تفسیر بغوی، 3 / 397.

<sup>4</sup> - تفسیر کبیر، 21 / 517.

<sup>5</sup> - مجاهد بن جبر ، تفسیر مجاهد، 1 / 454، دار الفكر الإسلامي الحديثة، مصر، ط، اول، 1410 هـ - 1989 م.

بیضاوی<sup>1</sup> - رحمه الله - حنان را به رحمت و تعطف معنی نموده است<sup>2</sup>.

**سوم: لطیف**، و این کلمه هفت بار در قرآن کریم آمده است<sup>3</sup>.

مثل {أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ}، سورة الحج: 63.

ترجمه: آیا ندیده ای که خداوند از آسمانها آب فرو فرستاده، آنگاه زمین سرسبز و خرم می گردد، بی گمان خداوند باریک بین و آگاه است.

امام فخرالدین رازی در ذیل تفسیر این آیه می گوید: مناسبت در میان لطیف و رحیم درین آیه اینست که در مقابل بیان شد، الله تعالی رحیم است، زمین را سر سبز گرداند، تا مردم و حیوانات از آن نفع بگیرند، و لطیف است، که نباتات را گونه گونه از زمین خارج می کند، باریک بین است، ذرّه اعمال بنده گانش را می بیند<sup>4</sup>.

---

<sup>1</sup> - البيضاوی: ناصر الدين، أبو الخير ويا أبو سعيد، عبد الله بن عمر بن علي البيضاوي الشيرازي، الشافعي، مفسر، فقيه، قاضي القضاة، در قریه بنام بیضا از مربوطات شیراز، یکی از ولایت های ایران امروزی، بدنیا آمده، از جمله استادانش یکی پدر بزرگوارش (عبدالله) و دیگر شرف الدین عمر بن زکی بوشکانی، و از جمله شاگردانش احمد بن جاربردی، عبدالرحمن بن احمد اصفهانی بود، سالها قاضی القضاة شیراز بود، سرانجام در سال-685 هـ در تبریز وفات یافت، علاوه بر تفسیر انوار التنزیل (بیضاوی) کتابهای دیگری از جمله طوابع الأنوار، نظام التواریخ، را هم تصنیف نموده است، زرکلی، 110/4.

<sup>2</sup> - عبد الله بن عمر، البيضاوي، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، 7 / 4.

<sup>3</sup> - المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، / 647، باب اللأم.

<sup>4</sup> - محمد بن عمر، فخر الدين الرازي، تفسیر کبیر، 23 / 247، دار إحياء التراث العربي- بیروت، ط سوم، 1420 هـ.

## فصل دوم

### انواع و ثمرات رحمت الهی در قرآن کریم

#### مبحث اول: رحمت عام الهی در قرآن کریم

این مبحث دارای چهار مطلب می باشد :

##### مطلب اول: فرستادن پیامبران - علیهم السلام-

باید گفت: با اینکه همهٔ امت مسلمه پیامبران -علیهم السلام- را می شناسند و ماهمه مسلمانان به آنها (پیامبران) ایمان و باورداریم، پیامبر در حقیقت یگانه واسطه بین خالق و مخلوق می باشد، والله تعالی آنها را فرستاده تا عالم بشریت را از تاریکی های کفر بسوی روشنی ایمان راه نمایند.

با وجودیکه الله - سبحانه - پیامبران -علیهم السلام- را فرستاده با آن هم که اگر فرضاً الله - سبحانه - پیامبری نمی فرستاد و عالم بشریت را در حالت اهمال می گذاشت و هیچ آگاهی توسط پیامبران -علیهم السلام- نمی داد، بشر در یک نوع زندگی تنگ، تاریک، گمراهی همچون کوران، پر از اخلاق فاسده بسرمی برده و خواه مخواه یک اجتماعی می بود که قوی ضعیف را می خورد و بلند مرتبه پائین مرتبه را خوار و زبون می ساخت.

بناءً فضل و رحمت الله تعالی بود و هست که به حکمت بالغه خود پیامبران -علیهم السلام- را بفرستد، و نگذارد تا نوع بشر در اینگونه جهالت زندگی نموده و عمر گرانبهایش را در مهملی و بی هدفی بسربرد.

{أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ} المؤمنون: 115 ،

ترجمه: آیا پنداشته اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم، و به سویی ما برگردانده نمی شوید؟

{أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى} القيامة: 36.

ترجمه: آیا انسان می پندارد که بی هدف رها می شود.

پس معلوم شد که زندگی برای انسان در دنیا روی هدف مهم داده شده است، و آن هدف و برنامه عبادت الله - سبحانه - توحید او، بجا آوردن فعل سبب رضایی او، و منع شدن از منهیات او است.



{وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ} الذاریات: 56 .

ترجمه: من پریها و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده ام .

لکن انسان بواسطه فکر محدود خود نمی تواند حقیقت عبادت را بشناسد و نمی داند که رضای الله - سبحانه - و خشم وی در چه چیز است بداند، مگر از طریق پیامبران -علیهم السلام - که برایشان بیان کنند.

بلی: همان پیامبرانی که آنها را الله - سبحانه - از بین مخلوقاتش برگزیده و بر عالمیان آنها را فضیلت داده و از همه گناه و اخلاق بد پاک شان نموده و به معجزات تأیید شده و به همراهیشان کتابها را نازل کرد.

{رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا}،سورة النساء،: 165.

ترجمه: پیامبرانی که مژده دهنده و ترساننده بودند، تا بعد از پیامبران دلیل و حجّتی برای مردم بر خدا باقی نماند و خداوند عزیز و حکیم است .

{وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى} ، سورة طه،: 134.

ترجمه: و اگر ما آنان را پیش از او به عذابی نابود می کردیم، می گفتند: پروردگار! چرا پیامبری را برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از آنکه خوار و رسوا گردیم؟

از فحوای این آیات چنین دانسته می شود که الله تعالی پیامبران - علیهم السلام - را فرستاده تا بتوانند به هدایت الله - سبحانه - بشر را از انواع ضلالت ها، مصائب، رنج، بدبختی ها نجات دهند، و زندگی ابدی واقعی را آگاه شده و یقین کنند، و از آن زندگی جاودانی نتیجه خوبی بدست بیاورند<sup>1</sup>.

پس پیامبران الهی سبب رحمت، نه تنها برای خودشان بلکه برای همه عالمیان است، و این (فرستادن پیامبران) رحمت الهی نه تنها برای جامعه بشریت بلکه برای جنبنده ها (مخلوق زنده جان) حتی نباتات و جمادات هم می باشند.

چنانچه الله تعالی می فرماید: {وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ}، البقرة: 105.

1- ابن تیمیہ النبوات، 20 / 1، تحقیق عبد العزیز بن صالح الطویان، أضواء السلف، الرياض، المملكة العربية السعودية، طبع أول، 1420 هـ/ 2000 م

ترجمه: و خداوند هرکسی را که بخواد به رحمت خویش اختصاص می دهد و خداوند داراي فضل بزرگ است.

ابن جریر میگوید: «وَاللَّهُ يَخْتَصُّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ بُنُوتِهِ وَرِسَالَتِهِ فَيُرْسِلُهُ إِلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ خَلْقِهِ، يَعْنِي اللَّهُ تَعَالَى هَرَكَةَ رَا بَخَوَاد بَه پيامرى اش تخصیص می دهد، پس به هر یکی از مخلوقاتش بخواد می فرستد، وی در ادامه می گوید: وَإِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ رِسَالَتَهُ إِلَى مَنْ أَرْسَلَ إِلَيْهِ مِنْ خَلْقِهِ وَهَدَايَتَهُ مَنْ هَدَى مِنْ عِبَادِهِ رَحْمَةً مِنْهُ لَهُ لِيُصَيِّرَهُ بِهَا إِلَى رِضَاهُ وَمَحَبَّتِهِ وَفَوْزِهِ بِهَا بِالْجَنَّةِ وَاسْتِحْقَاقِهِ بِهَا تَنَاءَهُ؛ وَكُلُّ ذَلِكَ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَهُ»<sup>1</sup>.  
مفهومش اینست اینکه الله تعالی رسالت و هدایتش را به کسیکه خواست می دهد، چون می خواهد وی را ذریعه رحمت خویش قرار دهد، زیرا می خواهد آنان را سبب رضای خودش از بنده گانش و کامیابی به دخول جنت گرداند، و همه اینها رحمت الله تعالی برای مخلوقاتش می باشد.

مردم در زندگی روزمره خود از آب، نان و غیره اسباب معیشت، حتی هوای که تنفس می کنند به پیامبران بیشتر نیاز دارند، زیرا اگر این چیزها از نزد انسان مفقود گردد آخرین مرحله زندگی خود را از دست می دهد و ازین دنیای فانی رحلت می کند، لیکن اگر به پیامبران الهی اقرار و تصدیق نکند خیلی شدید تر از آن است، زیرا درین صورت خساره و زیان مند دنیا و آخرت می گردد،<sup>2</sup> أعاذ بالله منها

و قرآن کریم پراز قصه انبیاء - علیهم السلام - و با رحم بودن آنان است، و این بخاطری است تا که پیامبر آخر الزمان محمد - صلی الله علیه وسلم - به آنان اقتدا کند.

{أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَيُهْدَاهُمْ لِقَاءَهُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ}، سورة طه الأنعام: 90.  
ترجمه: ایشان کسانی هستند که خداوند آنان را هدایت نموده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن، بگو: از شما مرزدي نمی خواهم، این قرآن چیزی جز یاد آوری و پند برای جهانیان نیست.

نوح - علیه السلام - پیامبر بود که الله - سبحانه - به وی رحمتش را بخشیده بود:

{ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمْوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ}، سورة هود: 28..

1- تفسیر طبری، 2/ 387.  
2- الثبوت لابن تیمیه، 2/ 269، 2/ 944.

ترجمه: گفت: ای قوم من! به من بگوئید اگر دلیل روشن از سوی پروردگرم داشته باشم و رحمتی از نزد خود به من داده باشد و این رحمت الهی بر شما پنهان مانده باشد، آیا می توانم شما را به پذیرش آن وادارم درحالیکه شما دوستش نمی دارید؟.

{أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ}، سورة الأعراف: 63.

ترجمه: آیا تعجب می کنید از اینکه پندی از جانب پروردگارتان بر مردی از خودتان برای شما آمده است تا شما را بیم دهد و تا پرهیزگاری کنید؟! و باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

**همچنین در قصه صالح - علیه السلام -** { قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ } ، سورة هود: 63.

ترجمه: گفت: ای قوم من! به من بگوئید اگر از سوی پروردگرم دلیل روشنی داشته باشم و از جانب خود رحمتی به من ارزانی داشته باشد، حال اگر از فرمان او سرپیچی کنم چه کسی در برابر (کیفر) خدا من را یاری خواهد کرد؟ شما که جز زیان بر من نمی افزایید؟<sup>1</sup>.

**ابراهیم - علیه السلام - هم پیامبر رحمت بود:**

{قَلَمًا اَعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا} ، سورة مريم: 49 ، 50.

ترجمه: پس چون از آنان و از آنچه به جای خدا می پرستیدند دوری کرد، اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و هر یک پیامبری بود، و از رحمت خویش به ایشان بخشیدیم و آنان را نیکونام و بلند آوازه گردانیدیم.

وازنشانه رحمت بودن ابراهیم - علیه السلام - این بود که همیشه از الله تعالی رحمت می خواست، چه برای پدرش و چه برای مردم ، در باره پدرش:

{ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا، يَا أَبَتِ إِنَّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا } ، سورة مريم 44 ، 45 .

<sup>1</sup> - أحمد أحمد غلوش، دعوة الرسل عليهم السلام، 1 / 5، ناشر: مؤسسة الرسالة، ط، 1، 1423هـ-2002م.

ترجمه: اي پدر! شیطان را پرستش مکن، به راستي که شیطان خدای مهربان را عصیانگر است، اي پدرم! من از این می ترسم که عذابی از سوی خداوند مهربان به تو برسد و آنگاه همدم شیطان شوي درباره مردم ( امتش )

{ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غُفُورٌ رَحِيمٌ } ، سورة ابراهيم : 36.

ترجمه: پس هرکس از من پیروي کند او از من است، و هرکس از من نافرمانی کند بی گمان تو آمرزنده و مهربانی.

همچنین یوسف - علیه السلام - اخلاق و رویه که در زندان بازندان انجام میداد که همه کارها و رفتار هایش مملوء از رحمت بود.

امام قرطبی - رحمه الله - می گوید: «فَكَانَ يُعْزِي فِيهِ الْحَزِينُ، وَيَعُودُ فِيهِ الْمَرِيضُ، وَيُدَاوِي فِيهِ الْجَرِيحُ»، همین گونه مثال رحمت یوسف - علیه السلام - بالای برادرانش هنگامیکه به وی خیلی از قحطی، ناداری، و ناتوانی شکایت و ازوی التماس کمک نمودند:

{ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلْنَا الضَّرُّ وَجِئْنَا بَبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ } ، سورة يوسف: 88.

ترجمه: و هنگامی که پیش یوسف رفتند، گفتند: ای عزیز! به ما و خانواده ما سختی رسیده است، و کالای اندک و ناپذیرفتنی آورده ایم، پس پیمانۀ ما را کامل بده و بر ما (بیشتر) بخشش کن، بی گمان خداوند بخشندگان را پاداش می دهد.

با اینکه در گذشته یوسف - علیه السلام - از سوی برادرانش مورد آزار، شکنجه قرار گرفته بود حتی نزدیک بود بقتلش برسانند، با این همه از دیدن چنین صحنه به حال آنها رحمش آمده و دلش بآنها سوخت.

امام قرطبی - رحمه الله - میگوید: «لَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا: "مَسَّنَا وَأَهْلْنَا الضَّرُّ" فَخَضَعُوا لَهُ وَتَوَاضَعُوا رِقًّا لَهُمْ، وَعَرَفَهُمْ بِنَفْسِهِ»<sup>1</sup>.

<sup>1</sup> - تفسیر قرطبی ، الجامع لأحكام القرآن ، 9 / 188 ، 256.

از اینکه خودش را به بسیار وجه احسن به آنها معرفی نمود، بعداً در جوابشان که آنها به یوسف - علیه السلام - عذرو خطاء های شان را پیش کش و از وی التماس عفو و بخشش کردند، یوسف - علیه السلام - در جواب آنها بزبان فصیح گفت: { قَالَ لَا تَثْرِيْبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ } سورة يوسف: 92.

ترجمه: گفت: امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست، خداوند شما را می آمرزد و او مهربان ترین مهربانان است.

یعنی علاوه بر اینکه من از همه جرم و خطاء شما گذشتم اصلاً شما را هیچ سرزنش و طعنه در قبالتان نیست، و آنان را به رحمت و مغفرت الله سبحانه مژده داد.

**همچنین در قصه موسی - علیه السلام - :** { وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا } ، سورة مریم: 53.

ترجمه: و ما از سر رحمت خویش، برادرش هارون پیامبر را به او دادیم.

**همچنین در قصه عیسی - علیه السلام -** که جبریل امین برایش به پسر بچه پاک از گناه مژده می داد و مریم پرسید که این چگونه می باشد؟ جبریل - علیه السلام - پیام الله - سبحانه - را چنین برایش خواند:

{ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَفْضِيًّا } سورة مریم: 21.

ترجمه: گفت: بدینسان است، پروردگارت فرموده است که این (کار) برای من آسان است، و تا او را معجزه برای مردمان گردانیم و رحمتی از سوی خود سازیم و (این تصمیم) کار انجام یافتنی است.

**و در شان محمد - صلی الله علیه وسلم -** می فرماید: { وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِيْنَ } سورة انبیاء: 107 ،

ترجمه: ( ای پیغمبر ! ) ما تو را جز به عنوان رحمت جهانیان نفرستاده ایم.

امام فخرالدین رازی - رحمه الله - در ذیل این آیه می گوید: «أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ رَحْمَةً فِي الدِّينِ وَفِي الدُّنْيَا، أَمَا فِي الدِّينِ فَلِأَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بُعِثَ وَالنَّاسُ فِي جَاهِلِيَّةٍ وَضَلَالَةٍ، وَأَهْلُ الْكِتَابِيْنَ كَانُوا فِي حَيْرَةٍ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِطَوْلِ مُكْتَبِهِمْ وَانْقِطَاعِ تَوَاتُرِهِمْ وَوُقُوعِ الْإِخْتِلَافِ فِي كُتُبِهِمْ فَبَعَثَ اللهُ تَعَالَى مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ لَمْ يَكُنْ لِطَالِبِ الْحَقِّ سَبِيلٌ إِلَى الْفَوْزِ وَالثَّوَابِ، فَدَعَاهُمْ إِلَى الْحَقِّ وَبَيَّنَّ لَهُمْ سَبِيلَ الثَّوَابِ، وَشَرَعَ لَهُمُ الْأَحْكَامَ وَمَيَّزَ الْحَلَالَ مِنَ الْحَرَامِ، ثُمَّ إِنَّمَا يَنْتَفِعُ بِهَذِهِ الرَّحْمَةِ مَنْ كَانَتْ هِمَّتُهُ طَلَبَ الْحَقِّ فَلَا يَرْكُنُ إِلَى التَّقْلِيدِ

وَلَا إِلَى الْعِنَادِ وَالِاسْتِكْبَارِ وَكَانَ التَّوْفِيقُ قَرِينًا لَهُ، وَأَمَّا فِي الدُّنْيَا فَلَا تَهُمُّ تَخَلُّصُوا بِسَبَبِهِ مِنْ كَثِيرٍ مِنَ الذُّلِّ وَالْقِتَالِ وَالْحُرُوبِ وَنَصِرُوا بِبَرَكَهٍ دِينِهِ»<sup>1</sup>

یعنی محمد - صلی الله علیه وسلم- حقیقتاً رحمت بود، هم در دین و هم در دنیا، امارحمت در دین بود، اینکه جناب محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم- در زمانی به پیغمبری مبعوث شد که بسیاری جهانیان در جهالت و گمراهی بسر می بردند، هر چه اهل کتاب بود آنها در حیرت و سرگردانی در امور دین شان بودند، و نمی دانستند که چه کار کنند، از جهت درازی مدّتی که در میان شان گذشته بود و در کتابهایشان اختلاف کرده بودند، پس الله - سبحانه- خواست که محمد - صلی الله علیه وسلم- را بفرستد درحینیکه طلبگارش هیچ راهی بسوی کامیابی و بهشت نداشت، پس همان پیامبر بود که مر دم را بسوی حق دعوت کرد و راه بهشت را برایشان بیان نمود، و احکام را بآنها مشروعیت داد، و فرق بین حلال و حرام نمود.

لکن از این رحمت کسی سود خواهد برد که همت بزرگی در طلب حق داشته باشد، نه اعتمادی به تقلید محض داشته باشد، نه عناد و تکبری در سرپروراند، و این جز به توفیق الهی به دیگر راه ها میسر نمی شود، و اما رحمت در دنیا برای اینکه واقعاً جهانیان در خواری، ذلت، جنگ، کشت و خون بی هدف و بی مقصد بسر می بردند، به سبب آن پیامبر - صلی الله علیه وسلم- از این نا بسامانیها نجات یافتند.

این سعادت بزور و بازو نیست :: تا نبخشد خدای بخشنده<sup>2</sup>.

«عَنْ أَسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ ، قَالَ : كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ إِحْدَى بَنَاتِهِ تَدْعُوهُ ، وَتُخْبِرُهُ أَنَّ صَبِيًّا لَهَا ، أَوْ ابْنًا لَهَا فِي الْمَوْتِ ، فَقَالَ لِلرَّسُولِ : ارْجِعْ إِلَيْهَا ، فَأَخْبِرْهَا أَنَّ اللَّهَ مَا أَخَذَ وَلَهُ مَا أَعْطَى ، وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُسَمًّى ، فَمُرْهَا فَلْتَصْبِرْ وَلْتَحْتَسِبْ ، فَعَادَ الرَّسُولُ ، فَقَالَ : إِنَّهَا قَدْ أَقْسَمَتْ لَتَأْتِيَنَّهَا ، قَالَ : فَقَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، وَقَامَ مَعَهُ سَعْدُ بْنُ عُبَادَةَ ، وَمُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ ، وَأَنْطَلَقْتُ مَعَهُمْ ، فَرَفَعَ إِلَيْهِ الصَّبِيُّ وَنَفْسُهُ تَقَعَعُ كَأَنَّهَا فِي سَنَةٍ ، فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ ، فَقَالَ لَهُ سَعْدُ : مَا هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : هَذِهِ رَحْمَةٌ جَعَلَهَا اللَّهُ فِي قُلُوبِ عِبَادِهِ ، وَإِنَّمَا يَرْحَمُ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الرَّحْمَاءَ»<sup>3</sup>.

<sup>1</sup> - تفسیر کبیر، 193 / 22.

<sup>2</sup> - مشرف الدین بن عبدالله، شیرازی، گلستان سعدی، باب هشتم، 90.

<sup>3</sup> - صحیح البخاری، 133 / 9، کتاب الجنائز، باب قول النبی - صلی الله علیه وسلم- یعذب المیت ببعض بکاء اهله علیه اذا کان النوح من سنته، ط، اول، 1422 هـ = صحیح مسلم، 39 / 3، کتاب الجنائز، باب فی البکاء علی المیت، ط، 1334 هـ = سنن ابوداود، 44 / 5، کتاب الجنائز، باب فی البکاء علی المیت، ط، اول، 1430 هـ، 2009م، =، سنن ابن ماجه، 523 / 2، کتاب الجنائز، باب فی البکاء علی المیت، ط، اول، 1430 هـ، 2009 م.

یعنی اسامه بن زید رضی الله عنهما می گوید: دختر بچه یکی از دختران رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در سكرات موت، بسر می برد. وی قاصدی نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرستاد و از او خواست تا بیاید. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به قاصد گفت: سلام مرا به دخترم برسان و به او بگو: «از آن خداست آنچه بدهد و بگیرد، همه نزد او، مدتی تعیین شده دارند، صبر کن و امید ثواب داشته باش، دختر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برای بار دوم، قاصدی فرستاد و آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - را سوگند داد که حتماً بیاید. آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - به اتفاق سعد بن عباد، ابی بن کعب، زید بن ثابت و چند نفر دیگر از یارانش، تشریف بردند، آن دختر بچه را به رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - سپردند در حالی که نفسش، مانند مَشْکِ خشک شده، صدا می داد، با دیدن این صحنه، اشک از چشمان رسول الله - صلی الله علیه وسلم - سرازیر شد، سعد گفت: ای رسول خدا! این چیست؟ پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «این رحمتی است که خداوند، در دل بندگانش نهاده است، و همانا خداوند، بر بندگانی که رحم و شفقت داشته باشد، رحم می کند».

عن أسامة بن زيد - رضي الله عنهما - قال: كان رسول الله - صَلَّى الله عليه وسلم - يأخذني فيقعدني على فخذة ويقعد الحسن بن عليّ على فخذة الآخر، ثمّ يضمّهما، ثمّ يقول: «اللهمّ ارحمهما فأني أرحمهما»<sup>1</sup>.

اسامه بن زید رضی الله عنهما می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - مرا بر می داشت و بر روی زانویش می نشاند و حسن را روی زانوی دیگرش می نهاد، سپس ما را به یکدیگر می چسپاند و می فرمود: «خدایا! بر اینها رحم کن» که من بر اینها رحم دارم.

علامه بیهقی<sup>2</sup> در شعب الایمان از رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - روایت کرده که می فرماید:

عن أبي هريرة عن النبي صلى الله عليه و سلم أنه قال « إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ مُّهْدَاةٌ »<sup>3</sup>.

<sup>1</sup> - صحیح البخاری، 15 / 181، کتاب الادب، باب وضع الصبی علی الفخذ، ط، اول، 1422 هـ.

<sup>2</sup> - أحمد بن الحسين بن علي، أبو بكر البيهقي الخُسْرُو جردی الخراساني، از ائمه مشهوراهل حدیث، در سال-384 هـ - درقریة بنام خسرو جرد ویا خسروگرد، منطقه بیهق، از مربوطات نیشاپور، چشم به جهان گشود، و در سال-458 هـ - در شهر نیشاپور از جهان رحلت نمود، سفرهای علمی به مناطق همچون بغداد، کوفه، مکه، و مناطق دیگر داشته، و از علمای زبردستی همچون ابی عبد الله محمد بن عبد الله الحاکم، ابی بکر محمد بن الحسن بن فورک الأصبهانی، علم آموخت، ابوعلی انصاری، ابو عبدالله الفزازی، از جمله شاگردانش می باشد، از جمله تصنیفات مهم او السنن الکبیر، السنن الصغیر، دلائل النبوة، را می توان نام برد، زرکلی، 16/1.

<sup>3</sup> - أحمد بن الحسين، أبو بكر البيهقي، شعب الایمان، 2 / 142، بحث حب البنی - صلی الله علیه وسلم -، فصل فی شرف اصله و طهاره مولده، ط، اول، 1410 هـ، و سنن الدارمی، 1/21، باب کیف کان اول شأن النبی - صلی الله علیه وسلم - عبد الله بن عبد الرحمن الدارمی صححه الالبانی، ط، اول، 1407 هـ.

یعنی من از سوی الله تعالی رحمت و تحفه برای انسانها فرستاده شدم، مفهوم حدیث شریف این است که مرا الله تعالی عذاب برای مردم نفرستاده بلکه رحمت بخشیده شده از جانب او برای مردم هستم.

لکن کسانی بودند که رحمت الهی را که توسط پیامران الهی برایشان داده شده بود پذیرفتند و سعادت دارین را نائل شدند، و کسانی بودند که انکار کرده و خود را از رحمت وسیع الله تعالی محروم نمودند.

الله - سبحانه- می فرماید: {وَأَمَّا تَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ} ، سورة فصلت: 17.

ترجمه: و اما قوم تمود ما ایشان را رهنمود کردیم آنگاه نابینایی را بر راهیابی ترجیح دادند.

ابن تیمیه<sup>1</sup> - رحمه الله- در مجموعه فتاوی خود درباره رحمت بودن ارسال رسل خصوصاً پیامبر آخر الزمان محمد - صلی الله علیه وسلم- در ضوء آیات و احادیث خیلی تشریح داده و اکنون عدّه از سخنان آن جناب را یادآوری مینمایم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْسَلَ إِلَيْنَا رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِنَا يَتْلُو عَلَيْنَا آيَاتِ اللَّهِ وَيُزَكِّيْنَا وَيُعَلِّمُنَا الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كُنَّا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ. وَالذُّنْيَا كُلُّهَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا مَا أَشْرَقَتْ عَلَيْهِ شَمْسُ الرِّسَالَةِ وَأُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَيْهَا وَلَا بَقَاءَ لِأَهْلِ الْأَرْضِ إِلَّا مَا دَامَتْ آثَارُ الرُّسُلِ مَوْجُودَةً فِيهِمْ فَإِذَا دَرَسَتْ آثَارُ الرُّسُلِ مِنَ الْأَرْضِ وَانْمَحَتْ بِالْكُلِّيَّةِ خَرَبَ اللَّهُ الْعَالَمَ الْعُلُويَّ وَالسُّفْلِيَّ وَأَقَامَ الْقِيَامَةَ. وَلَيْسَتْ حَاجَةٌ أَهْلِ الْأَرْضِ إِلَى الرُّسُولِ كَحَاجَتِهِمْ إِلَى الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ؛ وَالرِّيَّاحِ وَالْمَطَرِ وَلَا كَحَاجَةِ الْإِنْسَانِ إِلَى حَيَاتِهِ؛ وَلَا كَحَاجَةِ الْعَيْنِ إِلَى ضَوْئِهَا وَالْجِسْمِ إِلَى الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ. بَلْ أَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ؛ وَأَشَدُّ حَاجَةً مِنْ كُلِّ مَا يُقَدَّرُ وَيَخْطَرُ بِالْبَالِ. فَالرُّسُلُ وَسَائِطُ بَيْنِ اللَّهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ فِي أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ وَهُمْ السُّفْرَاءُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ. وَكَانَ خَاتَمُهُمْ وَسَيِّدُهُمْ وَأَكْرَمُهُمْ عَلَى رَبِّهِ: مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

يَقُولُ: {يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ مُهْدَاةٌ}<sup>2</sup> وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: {وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ} وَقَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ (إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَمَقَّتَهُمْ عَرَبَهُمْ وَعَجَمَهُمْ إِلَّا بَقَايَا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ)<sup>3</sup> وَهَذَا

<sup>1</sup> - أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام ابن عبد الله بن أبي القاسم الخضر النميري الحرائي الدمشقي الحنبلي، أبو العباس، تقي الدين ابن تیمیه، مفسر، إمام، شیخ الإسلام، قاضی الشریک والبدعة، در سال-661 هـ در قریه بنام حران دیده به جهان گشود، سفر علمی با پدرش به دمشق داشته و در آنجا نابغه عصر و مشهور عالم و خاص شد، از جمله استادانش مجد بن عساکر، یحیی بن الصیرفی، و از شاگردانش ابن قیم، ابن کثیر مفسر مشهور، می باشد، علامه در طول حیاتش یگانه داعی جهاد مخالف غلو در بدعات بود، بعداً در اثر حسد حاسدین از سوی حکومت وقت در سال -720 هـ زندانی شد، و در سال -728 هـ در زندان قلعه دمشق رخت از جهان بست، گویند: همه شهروندان دمشق در جنازه اش شرکت کرده بودند، کتابهای منهاج السنة، الواسطه بین الحق والخلق، از جمله مصنفات شان می باشد، زرکلی، 44/1.

<sup>2</sup> - عبد الله بن عبد الرحمن، سنن الدارمی 21/1 ، باب کیف كان اول شأن النبي - صلی الله علیه وسلم- صححه الالبانی: ط، اول، 1407 هـ .

<sup>3</sup> - صحیح مسلم، 8 / 158 ، کتاب صفة النار ، بَابُ صَفَاتِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَهْلِ النَّارِ .



الْمَفْتُ كَانَ لِعَدَمِ هِدَايَتِهِمْ بِالرُّسُلِ فَرَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ هَذَا الْمَقْتِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَبَعَثَهُ رَحْمَةً  
لِلْعَالَمِينَ، وَحُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ»<sup>1</sup>.

یعنی ستایش مرخدای راست که فرستاد بسوی ما پیامبری را از نفس (جنس) خودمان درحالیکه تلاوت می کند بر ما آیات او را و ما را از شرک (بت پرستی) پاک می کند و برای ما می آموزاند کتاب (قرآن) و حکمت را، و رنه ما در گمراهی آشکار بسوی بردیم، دنیا و مافیهای دنیا همه لعنتی (نفرین شده) هستند مگر آنچه که آفتاب رسالت بر او تابیده و دیوارهایش بر او تهاداب گذاری شده، اهل زمین را بقای نیست مگر اینکه همیشه آثار رسالت (مراد عمل کردن در گوشه و کنار زمین) در روی زمین موجود باشد، هنگامیکه آثار رسالت از روی زمین از بین رفت و نابود شد حق تعالی عالم بالا و پائین را ویران نموده و قیامت را برپا می کند، نیازمندی اهل زمین به پیامبران بمنزله نیازمندی شان بآفتاب، مهتاب، باد، باران، حیات، نورچشم، آب، نان، نبوده بلکه از همه آنها و چیزیکه در فکر گنجایش دارد شدیدتر و بزرگتر می باشد، چون پیامبران الهی واسطه اند بین الله - سبحانه- و مخلوقاتش در امر و نهی که الله - سبحانه- می کند در حقیقت سفیران اند بین الله و بندگانش، خاتم و پیشوا و معززترین آنها به پیشگاه الله تعالی محمد بن عبدالله - صلی الله علیه و سلم - می باشد، که خودش - صلی الله علیه و سلم - فرمود «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ مُّهْدَاةٌ»

یعنی ای مردم من از سوی الله تعالی رحمت بخشیده شده برایتان هستم، والله تعالی درباره او - صلی الله علیه و سلم - می فرماید:

{وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ}، سورة الانبياء: 107 یعنی: و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

و خود - صلی الله علیه و سلم - فرمود (الله تعالی بر اهل زمین نظر انداخت پس بالایشان غضب نمود عرب و عجم آنها را، مگر یک گروه از اهل کتاب را)، و این غضب الله - سبحانه - از جهت این بود که بواسطه پیامبران الهی هدایت نشده بودند، پس الله تعالی همین غضبش را ببرکت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - از بالای اهل زمین برداشت، و او را رحمت و دلیل برای همه عالمیان و مخلوقات فرستاد.

<sup>1</sup> - أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی مجموع الفتاوی، 101/19، دار الوفاء، ط، سوم 1426 هـ، 2005 م.

## مطلب دوم: حشرو حساب نمودن الله متعال همه مخلوقات را

جمع نمودن الله تعالی در روز حشر مخلوقاتش را و سپس حساب و کتاب به همراهی آنها، بعداً مکافات و مجازات آنها حسب اعمالشان رحمت الهی است به همه مخلوقات .

### الف، حشر انسانها:

از رحمت ذات رحیم و قادر مطلق اینست که همه انسانها را بعد از نابود و باخاک برابر کردن دوباره زنده نموده و هریکی اینها را مورد پرسش و بازخواست قرار دهد، تا در میان مؤمن و کافر، خبیث و طیب، ظالم و مظلوم، تمییز شود، و اگر چنین روز حساب دهی نباشد غبن، جور، و ظلم به اوج خود رسیده و هیچ فرقی میان آنها نخواهد بود، و امکان ندارد که همچون حسابی نباشد.

بلکه از رحمت ذات ارحم الراحمین می باشد که چنین روز بزرگی در پیش رو باشد تا حساب و کتابی صورت گرفته محسن را جزای نیک (بهشت) و ظالم و بد کردار را به سزای اعمالش رسانده شود.

{ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى } النجم : 31 .

ترجمه: تا کسانی را که بد کرده اند به سزای اعمالشان برساند و به کسانی که نیکی کرده اند پاداش نیک دهد.

بعنوان مثال: فرضاً یک کسی یکنفر را بناحق قتل کرده وی را در مقابل همان یک نفر می توان در محاکم دنیایی مجازات کرد، لیکن اگر کسی پیدا شود که صد نفر را بقتل رسانده باشد به آن چه باید کرد؟ اگر کشته شود معوض عنه (چیزیکه گرفته شده) از عوض (جایگزین) داده شده بمراتب بیشتر است، و نمی توان سبب رضامندی همه ذی حق قرار گیرد، پس الله - سبحانه - داد گاهی را در نظر گرفته تا روز در آن دادگاه طور کامل و مکمل حق مظلوم را از ظالم بستاند، و جمیع اعمال عاملین به هدر نرود. و ناسپاسان و خدا نانش سان را بجزای اعمال شان رسانده شود<sup>1</sup>.

{ وَوَقَّيْتُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ }، آل عمران : 25،

<sup>1</sup> - برگرفته از منهاج السنّة از ابن تیمیه، 135/1، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ط، اول، 1406 هـ - 1986 م = الداء والدواء لابن القيم، فصل سوء الظن بالله من اعظم الذنوب، بدائع الفوائد لابن القيم، 937/ 4، مكتبة نزار مصطفى الباز، مكة المكرمة، ط، اول، 1416، 1996 م .

ترجمه: و به هرکس هر آنچه که کرده است به طور کامل داده شده و بر آنها ستم نمی شود.

این نوع داد گاه مملوء از عدل و انصاف از وسیعترین رحمت الهی بر بنده گانش می باشد.

{قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ}، الأنعام: 12 .

ترجمه: بگو: آنچه در آسمانها و زمین است از آن کیست؟ بگو: از آن خداست، رحمت را به عهده خود گرفته است، بدون شک شما را در روز قیامت که هیچ شکی در تحقق آن نیست گرد می آورد.

درین آیه الله تعالی او لرحمت خود را بر مخلوقات بیان کرد سپس بلا فاصله جمع آوری، حشرونشر روز موعود را بیان نمود، یعنی از بزرگترین رحمت الله تعالی اینست که شمارا در روز قیامت جمع نموده و از ذره ذره اعمالتان حساب گرفته می شود، خوب به جزای خوب و بد را جزای بد نائل می گردد.

در ادامه همین آیه الله تعالی می فرماید کسانی هستند که عمداً خود را زیان مند (ضایع) می سازند بر حذر می دارد، {الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ} الأنعام: 12 .

کسانی که خود را ضایع کرده اند ایمان نمی آورند.

الله - سبحانه - چه درین آیه، چه در آیات دیگر از قیام قیامت و از سختی حساب آن روز برای تمام بنده گانش یادآوری می کند، و همین آگاهی قبل از وقوع قیامت از بزرگترین رحمت الهی است.

در تفسیر نیشاپوری<sup>1</sup> در ذیل همین آیه می گوید: " تلك الرحمة هي أنه يجمعهم إلى يوم القيامة

فإنه لولا هذا التهديد لحصل الهرج والمرج"<sup>2</sup>، یعنی جمع آوری آنها در روز قیامت خود رحمت الهی است، زیرا اگر همین گونه تهدید در قبال نمی بود مردم حتی در زندگی دنیا دچار هرج و مرج می گردیدند<sup>3</sup>.

<sup>1</sup> - حسن بن محمد بن الحسين القمي النيسابوري، معروف به أعرج: مفسر، ماهر در علوم حکمت و ریاضیات، اصلش از شهر قم می باشد، و از استادانش نصیر الطوسی، قطب الدین شیرازی می توان نام برد، و کتابهای تعبیر التحریر، توضیح التذکرة النصيرية، غرائب القرآن، از مصنفات شان می باشد، و در سال - 850 هـ وفات نمود، زرکلی، 216/2.

<sup>2</sup> - هرج و مرج: فتنه و آشوب، بی نظمی، بی قانونی، فرهنگ معین، 5 / 176.

<sup>3</sup> - نظام الدین الحسن بن محمد النيسابوري، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، 3 / 55، ط 1، دار الکتب العلمیة - بیروت 1416 هـ - 1996 م.

## ب، حشرونش حیوانات:

این رحمت بزرگ الهی که عبارت از حشر، نشر، حساب و کتاب است، تنها به انسانها خلاصه نمی شود. بلکه حیوانات دیگر حشری و وحوش (حیوانات غیر اهلی) هم در روز قیامت زنده شده و برای حساب و بازجوی در میدان محشر حاضر می شوند، و این خود از رحمت الهی برای همه مخلوقات است.

{قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَ كُنُفَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ}، الأنعام: 12

ترجمه: بگو: آنچه در آسمانها و زمین است از آن کیست؟ بگو: از آن خداست، رحمت را به عهده خود گرفته است، بدون شک شما را در روز قیامت که هیچ شکی در تحقق آن نیست گرد می آورد. چون اینجا الله تعالی مالکیت خود را بر همه مخلوقات بیان نموده، سپس اخبار از رحمت خویش، و بعداً جمع آوری شان در روز قیامت را بیان نمود، دلالت بر این می کند که حیوانات هم مشمول رحمت الهی بوده، و از جمله رحمتش اینست که در روز قیامت زنده شان می کند.

قرطبی می گوید: در اینجا جمع کردن مخلوقات در روز قیامت (لِيَجْمَعَ كُنُفَكُمْ) بدل از رحمت (الرَّحْمَةَ) است، و معنایش چنین است، كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَجْمَعَكُمْ، یعنی الله تعالی بر خودش فیصله کرده که جمع تان می کند، چگونه رحمت را بر خودش فیصله نموده است<sup>1</sup>.

بناءً از رحمت الله تعالی اینست که بواسطه حشر و حساب روز قیامت از حق متضرر یا مظلوم بوجه احسن دفاع نموده و از ظالم بستاند.

الله تعالی می فرماید: {وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أُمَّتُكُمْ مَا قَرَّرْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ} الأنعام: 38.

ترجمه: و هیچ جنبده در زمین نیست، و نه هیچ پرنده که با دو بالش پرواز کند مگر اینکه گروهی مانندی شما هستند، هیچ چیز را در کتاب فروگذار نکرده ایم، سپس به سویی پروردگارشان حشر می شوند.

امام فخرالدین رازی - رحمه الله - در ذیل تفسیر این آیه می گوید: {أُمَّمٌ أُمَّتُكُمْ} یعنی دیگر حیوانات هم در روز قیامت حشر شده و سپس حقوق شان پرداخته می شود، چنانچه انسانها حشر می شوند، وی در ادامه

<sup>1</sup> - تفسیر قرطبی، 6 / 394.

می گوید: عنایت الله تعالی به جمیع حیوانات رسیده است، چنانچه به انسان عنایت بیشتری نموده است. و کسیکه فضل و رحمتش باندازه باشد که حتی به چهارپایان منع نمی شود پس برای انسان بطریق اولی فضل و رحمتش را گشوده است.<sup>1</sup>

عبدالرزاق<sup>2</sup> در تفسیر همین آیه می گوید: يَحْشُرُ اللهُ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْبَهَائِمِ، وَالذَّوَابِّ، وَالطَّيْرِ، وَكُلِّ شَيْءٍ، فَيَبْلُغُ مِنْ عَدْلِ اللهِ.

یعنی در روز قیامت الله تعالی همه مخلوقات را اعم از چهار پایان، جنبنده گان، پرنده گان، و همه چیز را حشر نموده سپس همه مخلوقات از عدل الهی نائل می شوند.<sup>3</sup>

همچنین الله تعالی می فرماید: {وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ} التکویر: 5،

ترجمه: و هنگامی که جانوران وحشی گرد آورده شوند.

چونکه سیاق و سباق آیه درباره قیامت و زنده شدن بعد از مرگ است نمی توان مراد از حشر در {حُشِرَتْ} بغیر از زنده شدن بعد از مرگ چیزی دیگری را تعبیر کرد، یعنی مراد از حشر همان حساب دهی، حق دهی، حق گیری است که نه تنها انسا نها بلکه همه مخلوقات زنده شده و حساب می دهند.

امام سمعانی - رحمه الله - میگوید: «الْأَظْهَرُ أَنَّ حَشْرَهَا إِحْيَاؤُهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>4</sup> یعنی از ظاهر آیه چنین فهمیده می شود که مراد از حشر زنده شدن آنها است در روز قیامت.

---

<sup>1</sup> - تفسیر کبیر، 12 / 525 .

<sup>2</sup> - عبد الرزاق بن همام بن نافع الحمیري، مفسر، از جمله حفاظ حدیث ثقة در روایت حدیث، از أهل صنعاء، پایتخت یمن امروزی، در سال-126 هـ چشم جهان گشود، بقول امام ذهبی او یکن از خزانه علم بود، ابن جریر، و حجاج بن ارطاة، از جمله استادانش بود، سرانجام در سال-211 هـ چشم از جهان پوشید، الجامع الکبیر، تزکیة الارواح عن مواقع الافلاح، از جمله مصنفات اومی باشد، زرکی، 3/353.

<sup>3</sup> - عبد الرزاق بن همام ، 2 / 46، تفسیر عبد الرزاق ، دار الکتب العلمیة - بیروت ، ط ، اول ، سنة 1419 هـ.

<sup>4</sup> - تفسیر السمعانی، 6 / 165 .

عزّبن عبدالسلام<sup>1</sup> - رحمه الله - می گوید: {حُشِرَتْ} جمعت أو اختلطت فصارت بين الناس أو حشرت للقيامة ليقنص، یعنی مراد از حشر جمع شدن با یکدیگر، یا زنده شدن برای گرفتن قصاص است.<sup>2</sup>

امام نسفی - رحمه الله - از مفسر مشهور قنّاده - رحمه الله - نقل می کند: «يحشر كل شيء حتى الذباب للقصاص»<sup>3</sup>. یعنی همه مخلوقات حتی پشه ها، مگس ها برای قصاص حشر می شوند، همچنین بسیاری از مفسرین دیگر حشر {حُشِرَتْ} را به زنده شدن بعد از مرگ تفسیر کرده اند.

در حدیث صحیح از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - روایت است که فرمود: (لَتُؤَدَّنَ الْحُقُوقَ إِلَى أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُقَادَ لِلشَّاةِ الْجَلْبَاءِ، مِنَ الشَّاةِ الْفَرْنَاءِ)<sup>4</sup>.

به طور قطع در روز قیامت، همه حقوق به صاحبان شان برگردانیده خواهد شد، چنان که برای گوسفند بی شاخ، از گوسفند شاخدار، قصاص گرفته می شود.

مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا عَبَثًا، عَجَّ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَقُولُ: يَا رَبِّ إِنَّ فُلَانًا قَتَلَنِي عَبَثًا وَلَمْ يَفْتُلْنِي مَنَفَعَةً<sup>5</sup>.

یعنی کسیکه گنجشکی را بیهوده کشت در روز قیامت بسوی الله تعالی صدا می کند و می گوید: ای پروردگار من فلانی مرا بیهوده کشت نه برای منفعت.

---

<sup>1</sup> - عبد العزيز بن عبد السلام بن أبي القاسم بن الحسن السلمي الدمشقي، عز الدين ملقب به سلطان العلماء، معروف به عزّبن عبدالسلام، مفسر، محدث، فقیه، شافعی، به درجه اجتهاد رسیده بود، در سال-577 هـ، در دمشق چشم به جهان گشود، در سال-599 هـ سفری علمی به بغداد داشت، بعداً بعنوان خطیب و مدرس در جامعه اموی مربوط دمشق برگزیده شد، بعداً در اثر اختلافش با صالح اسماعیل، حاکم شام، زندانی گردید، بعد از هائی از زندان به مصر هجرت نمود، و در آن جا هم به عنوان خطیب ایفای وظیفه می نمود، از استادانش هریک، فخر الدین عساکر، سیف الدین الآمدی، و دوتا فرزندانش هریک ابراهیم بن عزین عبدالسلام و عبداللطیف از شاگردانش بود، سرانجام در سال-660 هـ چشم از جهان پوشید، کتابهای چون التفسیر الکبیر، تفسیر القرآن، از جمله مصنفات شان می توان نام برد، زرکلی، 4/ 21.

<sup>2</sup> - عز الدين عبد العزيز بن عبد السلام 1315/1، تفسیر القرآن (وهو اختصار لتفسیر الماوردی)، دار ابن حزم - بیروت، ط، اول، 1416هـ/1996م.

<sup>3</sup> - مدارک التنزیل، 3 / 605.

<sup>4</sup> - صحیح مسلم : 4 / 1997، کتاب البِرِّ وَالصَّلَةِ وَالْأَدَابِ، بَابُ تَحْرِيمِ الظُّلْمِ، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت.

<sup>5</sup> - رواه ابن حبان عن عمرو بن عمرو بن الشريد، الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان، 13 / 214، كِتَابُ التَّارِيخِ، بَابُ بَدْءِ الخَلْقِ، ناشر: مؤسسة الرسالة، بیروت ط، اول، 1408 هـ - 1988 م، ضَعْفَهُ الألباني، في ضَعْفِ التَّرْغِيبِ وَالتَّرْهِيْبِ، 1 / 340، مَكْتَبَةُ المَعَارِفِ، الرياض، ط، 1، 1421 هـ -

2000 م

عن سلمان الفارسيّ - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: « إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِائَةَ رَحْمَةٍ كُلُّ رَحْمَةٍ طَبَاقٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ فَجَعَلَ مِنْهَا فِي الْأَرْضِ رَحْمَةً فَبِهَا تَعْطَفُ الْوَالِدَةُ عَلَى وَادِّهَا وَالْوَحْشُ وَالطَّيْرُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَكْمَلَهَا بِهَذِهِ الرَّحْمَةِ »<sup>1</sup>.

خداوند در روز آفرینش آسمان ها و زمین، صد رحمت آفرید که هر رحمتی به فاصله زمین و آسمان است و از آنها رحمتی را در زمین قرار داد که به وسیله آن است که مادر بر فرزند خود وحوش و طیور، بر همدیگر عطوفت و مهر می ورزند، و چون قیامت فرا رسد، با این یک رحمت زمین، آن صد رحمت را کامل می نماید.

از این حدیث شریف چنین برداشت می شود که اکمال رحمت از سوی الله - سبحانه- در روز قیامت برای همه مخلوقات است چنانچه در دنیا یک رحمت را در میان شان مشترک گذاشت همین گونه صد رحمت مکمل هم برای همه است.

### مطلب سوم: قبول توبه و عفو از گنهکاران و درماندگان

چونکه الله تعالی رحمتش شامل حال هر چیز است { وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ }، الأعراف : 156.

ترجمه: و رحمت من هر چیزی را دربر گرفته است.

پس یکی از نشانه های رحمت عام الله تعالی اینست که از گنهکاران و درمانده گان، رجوع، و توبه شان را پذیرفته و از کردار زشت آنان می گذرد و بسا اوقات بدی های شان را به نیکی مبدل می سازد.

{إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا} ، الفرقان : 70.

ترجمه: مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پس اینانند که خداوند بدی هایشان را به نیکی ها تبدیل می کند و خداوند آمرزنده مهربان است.

درباره قبول توبه، عفو، و رحمت بالای گنهکاران و خطاء کاران در قرآن کریم آیات بسیاری آمده و همه آنها به عفو و رحمت الهی دلالت می کند من جمله.

<sup>1</sup> - صحیح مسلم، 4 / 2109، کتاب التَّوْبَةِ، بَابٌ فِي سَبْعَةِ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَأَنَّهَا سَبَقَتْ غَضَبَهُ.

اول: الهام یا آموزش برای آدم - علیه السلام - کلمات توبه را: مثل، ﴿فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ النَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾، البقرة: 37.

ترجمه: سپس آدم از پروردگار خود کلماتی را دریافت داشت ( و با گفتن آنها توبه کرد ) و خداوند توبه او را پذیرفت خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.

واقعاً درین جا نهایت مهربانی الله - سبحانه - است که بنده خود را بعد از خطاء و اشتباه و ادا به توبه می کند، حتی کلماتیکه به آن کلمات باید بدرگاه ذات اقدس عذر و نیاز کرده شود، آن کلمات را برایش تعلیم می دهد، زیرا آدم - علیه السلام - تا آن دم درجنت بسر می برد و در عیش و خوشحالی چیزی دیگری در خاطرش نمی آمد، هنگامیکه از جنت دنیا آمد به سوی الله - سبحانه - اظهارندامت نموده و می خواست که چگونه و با کدام نوع کلمات توبه کند.

چنانچه از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است: «قال: يا رب ألم تخلقني بيدك، قال: بلى، قال: يا رب ألم تنفخ في الروح من روحك، قال: بلى، قال: يا رب ألم تسبق رحمتك غضبك، قال: بلى، قال: ألم تسكني جنتك، قال: بلى، قال: يا رب إن تبت وأصلحت أراجعي أنت إلى الجنة قال: نعم»<sup>1</sup>.

یعنی آدم - علیه السلام - گفت: ای پروردگار من آیا مرا بدست خودت نیا فریدی، الله تعالی گفت: بلی، گفت: ای پروردگار من آیا از روح خودت در من ند میدی، گفت: بلی گفت: ای پروردگار من آیا رحمتت از خشمت پیشی نگرفته، گفت: بلی، گفت: آیا مرا درجنتت جای ندادی، گفت: بلی، گفت: ای پروردگار من اگر توبه کنم و خودم را اصلاح کنم مرا دوباره بجنت میبری گفت: بلی.

دوم: ترغیب به توبه و رجوع بسوی الله تعالی و هم زمان مژده به رحمت الهی بعد از انجام بزرگترین جرم که عبارت از شرک است، چنانچه درباره قوم موسی - علیه السلام - ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ النَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾، البقرة: 54 .

ترجمه: و بیاد آورید آن گاه را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! شما با پرستیدن گوساله، بر خود ستم کرده اید، پس به سوی آفریدگار خویش برگردید و توبه کنید، بدین گونه که نفس خود را بکشید و این

<sup>1</sup> - محمد بن عبد الله النيسابوري، المستدرک علی الصحیحین، 2 / 594، کتاب تواریخ المتقدمین من الأنبياء، ذکر آدم علیه السلام، دار الکتب العلمیة، بیروت، ط، اول، 1411- 1990، قال الالبانی وقال الحاكم: "صحیح الإسناد، فی موسوعته، 3 / 704، مرکز النعمان صنعاء، 1431 هـ - 2010 م.



در پیشگاه آفریدگارتان برای شما بهتر است، و توبه شما را پذیرفت، چه او بسیار توبه پذیر و مهربان است.

ابن کثیر- رحمه الله - در ذیل تفسیر این آیه از عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمٍ نقل می کند: « فَقَتَلَهُمْ شُهَدَاءُ، وَتَيَّبَ عَلَى أَحْيَائِهِمْ »<sup>1</sup> یعنی کشته شده گان آنها در زمره شهداء بحساب میرفت و توبه کسانی که زنده مانده بودند قبول شد.

سوم: توفیق توبه بسبب فضل و رحمت بعد از انجام جرم عظیم که عبارت از اعراض و سرکشی از احکام الهی در توراة بود، مثل {وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ، ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ} ، البقرة : 63، 64.

ترجمه: به یاد آورید هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بر فرازتان برافراشتیم، آنچه را که به شما داده ایم با جهد و جدیت بگیرید و به یاد آورید آنچه را که در آن است تا پرهیزگار شوید، سپس از آن روی گردانید، و اگر فضل و رحمت خدا نبود از زیانکاران بودید.

امام فخرالدین رازی - رحمه الله - در تفسیر این دو آیه می گوید: «إِي لَوْلَا لَطْفُ اللَّهِ بِكُمْ بَرَفَعِ الْجَبَلِ فَوْقَكُمْ لَدِمْتُمْ لِي رَدَّكُمْ الْكِتَابَ وَلَكِنَّهُ تَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَرَحِمَكُمْ فَلَطَفَ بِكُمْ بِذَلِكَ حَتَّى تُبْنُوا »<sup>2</sup>.

یعنی اگر لطف الهی بالای شما (بنی اسرائیل) بسبب بالا کردن کوه طور بالای سرتان نمی بود خواه مخواه شما به رد کتاب الله (که عبارت از توراة است) دوام می دادید، لیکن الله تعالی بالای شما فضل و رحمت خودش را ارزانی فرمود پس بشما لطف و مهربانی کرد تا شما توبه کردید.

چهارم: قبول توبه و فراگیری رحمت الهی بعد از توبه و بیان آنچه از کتاب الله کتمان حق کرده بودند.

مثل، {إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ، ۱۶ لَا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ}، البقرة : 159، 16.

<sup>1</sup> - تفسیر ابن کثیر، 261/1.

<sup>2</sup> - تفسیر کبیر، 3 / 539 .

ترجمه: بی گمان کسانی که دلایل روشن، و هدایتی را که ما فرو فرستاده ایم پنهان می کنند، بعد از آن که آن را در کتاب برای مردم بیان نموده ایم، خداوند و نفرین کنندگان ایشان را نفرین می کنند.

مگر کسانی که توبه کنند و به اصلاح (خویشتن) بپردازند و (حقیقت را) بیان کنند، پس توبه ایشان را می پذیریم و من بسیار توبه پذیر و مهربان هستم.

امام سمعی - رحمه الله - در تفسیر این دو آیات می گوید: آی: داموا علی التَّوْبَةِ {وَبینوا} مَا کتَمُوا، یعنی دوام دادند به توبه و چیزهای که کتمان کرده بودند بیان کردند<sup>1</sup>

پنجم: اجازه اکل حرام در حالت اضطرار، آیاتیکه در سوره های بقره، آیه 173، مانده، آیه 3، انعام، آیه 145، النحل، آیه 115، آمده است، { إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَیْکُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْحَمَّ الْخَنِزِرِ وَمَا أَهْلًا بِهِ لِغَیْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَیْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَیْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ } بقره، آیه 173.

ترجمه: خداوند فقط مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا (به هنگام ذبح) بر آن گفته شده باشد بر شما حرام نموده است، ولی کسی که مجبور شود، در صورتی که علاقمند نبوده و متجاوز نباشد (بر وی ایرادی نیست) همانا خداوند آمرزنده مهربان است، درین هر چهار جا، الله تعالی از روی رحمت و مهربانی اش حتی خوردن چیز حرام را هم در حالت اضطرار اجازه داده است.

امام بغوی - رحمه الله - در ذیل تفسیر { فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ } میگوید: « أَبَاحَ اللَّهُ أَكْلَ هَذِهِ الْمَحْرَمَاتِ عِنْدَ الْإِضْطِرَارِ فِي غَیْرِ الْعَدْوَانِ » .

یعنی الله تعالی خوردن این محرمات را در حالت اضطرار در غیر بغاوت مباح گردانیده است<sup>2</sup>.

ششم: عفو و رحمت الهی بالای مصلح و وصیت کننده هنگامیکه وصیتش باجرا در نیاید، مثل { فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَیْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَیْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ }، البقره: 182.

ترجمه: پس هر کس بیم داشته باشد که وصیت کننده (نسبت به ورثه اش) مرتکب انحراف یا گناهی شود، پس میان آنها اصلاح نمود، بر او گناهی نیست، بی گمان خداوند آمرزگار مهربان است.

<sup>1</sup> - تفسیر سمعی، 1 / 160 .

<sup>2</sup> - تفسیر بغوی، 2 / 167 .

ابن جریر طبری - رحمه الله - می گوید: « وَأَمَّا قَوْلُهُ: {إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} ، فَإِنَّهُ يَعْنِي: وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ لِلْمُوصِي فِيمَا كَانَ حَدَّثَ بِهِ نَفْسَهُ مِنَ الْجَنَفِ، وَالْإِثْمِ، إِذَا تَرَكَ أَنْ يَأْتِمَ، فَتَجَاوَزَ لَهُ عَمَّا كَانَ حَدَّثَ بِهِ نَفْسَهُ مِنَ الْجَوْرِ،

إِذْ لَمْ يَمْضِ رَحِيمٌ بِالْمُصْلِحِ بَيْنَ الْمُوصِي وَبَيْنَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحِيفَ عَلَيْهِ لِغَيْرِهِ أَوْ يَأْتِمَ فِيهِ لَهُ»<sup>1</sup>.

یعنی الله تعالى غفور و رحیم است برای موصی (وصیت کننده) در آنچه که نفسش ویرا به گناه و سوسه کرد و وقتی که گناه را ترک کند و رحیم است به مصلح (اصلاح کننده) در بین موصی و کسی که اراده حیف مال غیر را دارد.

هفتم: مغفرت گناه و رحمت بالای کفار در صورت ترک قتال در حرم و رجوع بسوی دین مقدس اسلام و توبه از کرده های شان،

{ فَإِنْ أَنْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ، البقرة : 192. ترجمه: پس اگر باز آمدند، بی گمان خداوند آمرزگار و مهربان است.

ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: «اي: فَإِنْ تَرَكُوا الْقِتَالَ فِي الْحَرَمِ، وَأَنَابُوا إِلَى الْإِسْلَامِ وَالتَّوْبَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ [غَفُورٌ رَحِيمٌ] يَغْفِرُ ذُنُوبَهُمْ، وَلَوْ كَانُوا قَدْ قَتَلُوا الْمُسْلِمِينَ فِي حَرَمِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ تَعَالَى لَا يَتَعَاضَمُهُ ذَنْبٌ أَنْ يَغْفِرَهُ لِمَنْ تَابَ مِنْهُ إِلَيْهِ»<sup>2</sup>، یعنی اگر کفار از قتال دست بردارند و به اسلام رجوع و از کارکرد خود توبه کنند الله تعالى غفور و رحیم است از گناهان شان می گذرد اگر چه مسلمانان را بقتل رساندند زیرا مغفرت هیچ گناهی بالای الله تعالى ثقیل نیست برای کسی که از گناهش توبه کند.

هشتم: عفو و رحمت الهی برای ایلاء کنندگان (کسانی که از نزدیکی به همسرانشان قسم می خورند)

مثل { لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ } ، البقرة: 226.

ترجمه: کسانی که سوگند می خورند با زنان خود نزدیکی نکنند، باید چهار ماه انتظار بکشند و اگر بازگشتند خداوند آمرزگار و مهربان است.

<sup>1</sup> - تفسیر طبری، 3 / 142.  
<sup>2</sup> - ابن کثیر، 1 / 525.

عَلَّامَهُ زَمَخْشَرَى دَر ذَبِيلِ تَفْسِيرِ اِيْن آيَةِ مِي گويد: يَغْفِرُ لِّلْمَوْلِيْنَ مَا عَسَىٰ يَقْدُمُوْنَ عَلَيْهِ مِنْ طَلَبِ ضَرَارِ النِّسَاءِ بِالْاِيْلَاءِ وَهُوَ الْغَالِبُ، وَ اِنْ كَانَ يَجُوْزُ اَنْ يَكُوْنَ عَلٰى رِضَا مِنْهُنْ اِشْفَاقًا مِنْهُنْ عَلٰى الْوَالِدِ مِنَ الْغَيْلِ<sup>1</sup>.

يعنى الله - سبحانه- ايلاء کنندگان (سوگندخورده از نزديكى با همسران خود) را مورد مغفرت خود قرار مى دهد كه غالباً هدف از اين نوع سوگند اضرار همسران شان مى باشد، اگرچه در بعضى موارد ترك نزديكى و مجامعت با همسر براى اضرار نه بلکه برضايت خود زنان مى باشد خصوصاً از روى شفقت و مهربانى كه با اولادهايشان دارند كه آن بيم از غيله است، (باردار كردن زن در آوان شيردهى) .

نهم: از عفو و رحمت الله تعالى اينست كه توبه مرتدّين راهم قبول مى كند، البته با شرائط. { كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ، أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَلَّا عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ. خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ. إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ }، آل عمران آيه: 86، 87، 88، 89.

ترجمه: چگونه خداوند قومي را هدايت مي نمايد كه پس از ايمان شان كفر ورزيدند، و گواهي دادند كه پيامبر بر حق است و نشانه هاي روشن پيش آنها آمده است؟ و خداوند قوم ستمكار را هدايت نمي كند، سزاي ايشان اين است كه نفرين خدا و فرشتگان و تمام مردم بر آنهاست، در آن جاودانه هستند، عذاب از آنها كاسته نمي شود و بديشان مهلت داده نشده، و به آنان نگاه كرده نمي شود، به جز كساني كه پس از آن توبه كردند، و اصلاح نمودند، پس همانا خداوند آمرزگار مهربان است.

قاسمى - رحمه الله - در تفسير محاسن التاويل مى گويد: «مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ أَي الْكُفْرَ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَأَصْلَحُوا أَي وَضَمُّوا إِلَى التَّوْبَةِ الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ»<sup>2</sup>.

يعنى كفر بعد از ايمان، اگر توبه كنند و بعد از توبه اعمال نيك انجام دهند پس الله تعالى غفور و رحيم است، در ادامه مى گويد: فيقبل توبتهم و يتفضل عليهم، يعنى توبه شان را قبول نموده و افزود هم بر ايشان عطاء مى كند .

دهم: نهى از آزار و اذيت كسانيكه مرتكب اعمال فاحشه شده باشد البته در صورتيكه از اعمال فاحشه توبه كرده باشند، {وَالَّذَانِ يَأْتِيَانِيهَا مِنْكُمْ فَأَدْوُهُمَا فَإِنَّ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا} النساء: 16:

<sup>1</sup> - تفسير كشف، 1 / 269.

<sup>2</sup> - محاسن التاويل، 2 / 347 .

ترجمه: و آن دو کس را آزار دهید که از میان شما مرتکب زنا می شوند، و اگر توبه کردند و به اصلاح پرداختند آنان را رها کنید، همانا خداوند توبه پذیر مهربان است.

مقاتل بن سلیمان - رحمه الله - می گوید: «إِنْ تَابَا مِنَ الْفَاحِشَةِ وَأَصْلَحَا الْعَمَلَ فِيمَا بَقِيَ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا يَعْنِي فَلَا تُسْمِعُوهُمَا الْأَذَى بَعْدَ التَّوْبَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا»<sup>1</sup>.

یعنی اگر از فحشاء توبه کردند و عمل خود شانرا در باقی عُمر اصلاح نمودند، پس از آنان دست بردارید، یعنی بعد از توبه سخنان زشت و طعنه آمیز را با آن نشنوانید چونکه الله تعالی غفور و رحیم است .

البته در رابطه باید گفت که این نوع اعراض در صورتی شده می تواند که شخص یا مرتکب گناه صغیره باشد و یا حد شرعی بالایش تطبیق شده باشد، زیرا اصل حکم این آیه به نزول

{الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ}، سورة النور: 2

به هر یکی از مرد و زن زنا کار را صد تازیانه بزنید، منسوخ شده است، ابن کثیر - رحمه الله - منسوخیت حکم این آیت را متفق علیه گفته است<sup>2</sup>.

یازدهم : عفو و گذشت الله تعالی از اعمال بدیکه مردم در زمان جاهلیت مرتکب آن شده اند، البته در صورتیکه در دین اسلام داخل شده باشند، پس الله تعالی غفور و رحیم است و از اعمال گذشته شان مورد عفو شان قرار می دهد، مثل { حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا } ، النساء: 23.

ترجمه: خداوند بر شما حرام کرده است ازدواج با مادرانتان، و خواهرانتان، و عمه هایتان، و خاله هایتان، و برادرزادگانتان، و خواهرزادگانتان، و مادرانتان که به شما شیر داده اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران زنانتان، که در دامان شما پرورش یافته اند، و با مادرانشان آمیزش

<sup>1</sup> - تفسیر مقاتل بن سلیمان، 1 / 363 .

<sup>2</sup> - ابن کثیر، 2 / 233 .

کرده اید، و اگر با مادرانشان آمیزش نکرده اید گناهی بر شما نیست، و همسران پسرانتان که از پشت شما هستند، و جمع دو خواهر با همدیگر، مگر آنچه که در گذشته رویداده است، همانا خداوند آمرزگار مهربان است.

ابن کثیر - رحمه الله - در ذیل تفسیر این آیه می گوید: «أَيُّ: وَحُرِّمَ عَلَيْكُمُ الْجَمْعُ بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ مَعًا فِي التَّزْوِيجِ، وَكَذَا فِي مَلِكِ الْيَمِينِ إِلَّا مَا كَانَ مِنْكُمْ فِي جَاهِلِيَّتِكُمْ فَقَدْ عَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَغَفَرْنَا»<sup>1</sup>.

یعنی جمع بین دو تا خواهران بشما حرام است، چه در ملک نکاح و چه در ملک یمین مگر آن چیزی از نکاح بین دو تا خواهران که در زمان جاهلیت انجام دادید بتحقیق از آن گذشتیم و مرتکب آن را آمرزیدیم.

لیکن اجماع امت از سلف و خلف بر این است که کسیکه اسلام می آرد (مسلمان می شود) و در تحت نکاحش دو تا خواهران را دارد باید یکی را انتخاب نموده دیگری را طلاق دهد.

دوازدهم: قبول توبه از اهل حرب (کفار حربی) و مغفرت و رحمت بالای ایشان بشرطیکه قبل از گرفتاری خود را برای مسلمین تسلیم نموده و از کردار خویش توبه کند، اگرچه در آیه مبارکه الله - سبحانه - عقوبات و مجازات سختی را در قبالتشان فرموده است.

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ، إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ، المائدة: 33، 34.

ترجمه: همانا سزای کسانی که با خدا و پیامبرانش می جنگند، و در روی زمین دست به فساد می زنند، این است که کشته، یا به دار آویخته شوند، یا دست ها و پاهایشان در جهت عکس یکدیگر قطع گردد، و یا اینکه تبعید شوند، این رسوایی آنان در دنیا است، و برای آنان در آخرت عذاب بزرگ است، مگر کسانی که قبل از دست یافتن شما بر آنان توبه کنند، پس بدانید که خداوند آمرزگار و مهربان است.

ابن جریر طبری - رحمه الله - می گوید: معناه: « فاعلموا أيها المؤمنون، أن الله غير مؤاخذٍ من تاب من أهل الحرب لله ولرسوله، الساعين في الأرض فسادًا، وغيرهم بذنوبه، ولكنه يعفو عنه فيسترها عليه، ولا يفضحه بها بالعقوبة في الدنيا والآخرة، رحيم به في عفو عنه، وتركه عقوبته عليها»<sup>1</sup>.

<sup>1</sup> - تفسیر ابن کثیر، 2 / 253.

یعنی: ای مؤمنان بدانید که الله تعالی کسانی را که از محاربه با الله ورسولش و از فساد در روی زمین توبه می کنند آنان را مؤاخذه نکرده بلکه مورد عفو قرار داده و سپس گناهان شان را می پوشاند و آنان را در دنیا رسوا نکرده و در آخرت هم بالایشان رحم می کند .

سیزدهم: قبول شدن توبه سارق از سوی الله تعالی و رحمت و مغفرت برایش بعد از توبه صادقانه واپس کردن مال برای صاحب اصلیش، { وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ، فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ } ، المائدة: 38، 39.

ترجمه: و دست مرد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان مجازات الهی قطع کنید، و خداوند عزیز و حکیم است، بنا براین هرکس پس از ستم کردنش توبه کند، و به اصلاح عمل خود بپردازد، همانا خداوند توبه او را می پذیرد، بی گمان خداوند آمرزنده و مهربان است.

امام نسفی - رحمه الله - میگوید: «فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ» {يَقْبَلُ تَوْبَتَهُ} {إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} یغفر ذنبه ویرحمه»<sup>2</sup>.

یعنی الله تعالی توبه سارق را قبول و از گناهش گذشته و بروی رحم مهربانی می کند .

چهاردهم: ترغیب هر سه فریق نصارا (یعقوبیه، نسطوریه، ملکانیه)<sup>3</sup> به توبه و وعده به مغفرت و رحمت الهی البته در صورت توبه و استغفار بعد از تهدید به محرومیت از جنت و گرفتاری به عذاب درد ناک.

{ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ، لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ، أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ } ، المائدة: 72، 73، 74.

ترجمه: به راستی کسانی که گفتند: خدا، مسیح پسر مریم است کفر ورزیدند، و مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! خدا را که پروردگار من و پروردگار شماست، بپرستید، بی گمان هرکس برای خدا شریکی

<sup>1</sup> - تفسیر طبری، 10 / 289 .

<sup>2</sup> - مدارک التنزیل ، 1 / 446.

<sup>3</sup> - نصارا بعد از گذشت زمان بر سه فرقه تقسیم شدند، ملکانیه (کاتولیک)، یعقوبیه (ارتودوکس)، نسطوریه (بروتستانت)، یعقوبیه و ملکانیه به این عقیده هستند که مسیح خود لاهوت و ناسوت یعنی اله و انسان است که با همدیگر خلط (یکجا) شده است، اما نسطوریه می گوید که عیسی پسر خدا و خود مقام خدای را گراست، و بدیهی است که همه فرق را الله - تعالی - رد و کافر حکم نموده است، ايسرالتفسير از جزائری، 612/1.

قرار دهد همانا خداوند بهشت را بر او حرام نموده ، و جایگاهش جهنم است ، و ستمکاران یابری ندارند. به راستی کسانی که گفتند: خدا سومین (شخص از) سه (اقنوم) است کفر ورزیده اند، و هیچ معبود به حقی جز خدای یگانه وجود ندارد، و اگر آنان از آنچه که می گویند باز نیایند به کافرانشان عذابی دردناک خواهد رسید، آیا به سوی خدا باز نمی گردند، و از او طلب آمرزش نمی کنند؟ و خداوند آمرزگار و مهربان است.

ابن کثیر - رحمه الله - درسیاق جمله { وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ } می گوید: « وَهَذَا مِنْ كَرَمِهِ تَعَالَى وَجُودِهِ وَلَطْفِهِ وَرَحْمَتِهِ بِخَلْقِهِ، مَعَ هَذَا الذَّنْبِ الْعَظِيمِ وَهَذَا الْإِفْتِرَاءِ وَالْكَذِبِ وَالْإِفْكَ، يَدْعُوهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، فَكُلُّ مَنْ تَابَ إِلَيْهِ تَابَ عَلَيْهِ»<sup>1</sup>.

یعنی این از جمله کرم، جود، لطف، و رحمت الله - سبحانه - برای مخلوقاتش است، با اینکه مرتکب این نوع گناه بزرگ، افتراء، دروغ، و تهمت در شأن الله - سبحانه - شده اند با آن هم بسوی توبه و مغفرت خویش دعوت شان می کند، پس هرکسیکه بسوی او توبه کند توبه وی را قبول می کند.

پانزدهم: مژده به وسعت رحمت الله تعالی و قبول توبه از مرتکبین گناه بجهالت

مثل، { وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ }، الأنعام: 54.

ترجمه : و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند پیش تو آمدند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خویشتان واجب نموده است، هرکس از شما از روی نادانی کار بدی انجام دهد سپس توبه نماید، و به اصلاح بپردازد، همانا او آمرزنده و مهربان است.

صاحب مدارک التزیل امام نسفی - رحمه الله - میگوید: « من جمله ما يقول لهم لیبشرهم بسعة رحمة الله وقبوله التوبة منهم ومعناه وعدكم بالرحمة وعداً مؤكداً »<sup>2</sup>، یعنی تا که مرتکبین گناه را که بجهالت انجام داده اند مژده بوسعت رحمت الله تعالی و قبول توبه آنان از سوی الله تعالی بدهد، و معنایش اینست که الله تعالی شمارا اکیذاً و عده رحمت داده است .

<sup>1</sup> - تفسیر ابن کثیر، 3 / 158.

<sup>2</sup> - مدارک التزیل، 1 / 507.



شانزدهم: الله تعالى با آنکه غنی است و احتیاج به هیچ کسی و هیچ چیزی ندارد، بلکه همه محتاج او هستند باز هم صاحب رحمت است برای همه در حق دوستان به دادن پاداش و در حق دشمنان به تأخیر انتقام.

{وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخِرِينَ} الأنعام:133.

ترجمه: و پروردگارت بی نیاز صاحب رحمت است، اگر بخواهد شما را از میان می برد و پس از شما هر آنچه را که بخواهد جایگزین می سازد، چنان که شما را از نسل قومی دیگر پدید آورد.

علامه جزائری می گوید: «بل هم الفقراء إليه المحتاجون إلى فضله، ورحمته قد شملتهم أولهم وأخراً هم ولم تضق عن أحد منهم»<sup>1</sup>، یعنی بلکه مردم بسوی الله - سبحانه- فقیر و محتاج به فضل و رحمتش هستند که شامل اول و آخرشان بوده و بر هیچ یکی از آنان رحمتش را تنگ نکرده است.

هفدهم: مهلت دادن مکذبین (کفار مکه) که حلال و حرام را از نزد خودشان ساخته و محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم- را تکذیب می کردند در تأخیر عذاب و تنبیه به اینکه بمهلت دادن الله تعالی مغرور نشوند.

{ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ } ، سورة الأنعام: 147 .

ترجمه: اگر تو را تکذیب کنند، بگو: پروردگارتان دارای رحمتی گسترده است، و عذابش از گروه گناهکاران بر گردانده نمی شود.

بیضاوی - رحمه الله - می گوید: « رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ يمهلكم على التكذيب فلا تغتروا بإمهاله فإنه لا يهمل»<sup>2</sup>. یعنی الله تعالی شما (کفار عرب) را هر چند مهلت داده است لیکن به مهلت دادن الله - سبحانه- مغرور نشوید که از وی چیزی مهمل نمی ماند بلکه به هر خوب وبد رسیدگی می کند.

هجدهم: قبول توبه از کفار مقاتل بشرطیکه از کفر خود توبه نموده و از قتال با مسلمین دست برداشته و دین مقدس اسلام را کاملاً بپذیرد.

{ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَاوَلَيْتُمْ مُدْبِرِينَ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ

---

<sup>1</sup>- أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير، 2 / 122.

<sup>2</sup>- تفسير بيضاوي، 2 / 187.

الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ، ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ} ، سورة التوبة : 25، 26، 27.

ترجمه: بی گمان خداوند شما را در مواقع زیادی یاری کرد، و نیز در جنگ حنین آنگاه که فزونی خودتان شما را به شگفت آورد ولی آن لشکریان فراوان چیزی را از شما دفع نکردند، و زمین با همه فراخی اش بر شما تنگ آمد، از آن پس پشت کردید و پا به فرار نهادید.

سپس خداوند آرامش خویش را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکرهای را فرو فرستاد که شما آنها را نمی دیدید، و کافران را عذاب داد، و این کیفر کافران است، سپس خدا بعد از این (واقعه) توبه هرکس را بخواهد می پذیرد و خداوند آمرزنده مهربان است، کفار محاربین که حتی بعد از شکست خوردن و تقسیم مال و اولادشان در بین مجاهدین بطور غنیمت هم اگر رجوع به پذیرفتن دین اسلام نمایند آنها در حقیقت از جمله مسلمین شمرده شده و از جنگ و خونریزی که در مقابل مسلمین قبلاً انجام داده اند الله تعالی از آن کارشان گذشته و آنان را مورد مغفرت و رحمت خود قرار می دهد.

ابن عادل<sup>1</sup> می گوید: «أَي: أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَعَ كُلِّ مَا جَرَى عَلَيْهِمْ مِنَ الْخِذْلَانِ يَتُوبُ عَلَيْهِمْ، بَأَنْ يَزِيلَ عَنْ قُلُوبِهِمُ الْكُفْرَ، وَيَخْلُقُ فِيهِ الْإِسْلَامَ»<sup>2</sup>.

یعنی الله تعالی بهمرازی اینکه آن قدر رسوای بالایشان آورد، در جنگ مقابل مسلمین شکست فاحش خوردند، اموال و نوامیس شان نصیب مسلمین گردیده و در بین شان تقسیم گردید، باز هم توبه شان را می پذیرد که کفر را از دلشان بیرون نموده و اسلام را دران داخل کند، در ادامه میگوید: الله تعالی غفور است برای کسیکه توبه کند و رحیم است برای کسیکه ایمان آورده و عمل نیک انجام دهد.

زدهم : ضعیفان، مریضان، افراد کم بضاعت اگر از جهاد (غزوه تبوک) غائب شدند الله تعالی آنها را معاف نموده و وعده مغفرت و رحمت برایشان داده است، اگر اخلاص به الله و رسولش داشته باشند.

---

<sup>1</sup> - عمر بن علی بن عدل الحنبلی دمشقی، أبو حفص، سراج الدین: صاحب التفسیر الکبیر " اللباب فی علوم الکتاب" از استادانش ابو عبدالله شمس الدین محمد بن علی المشهدی، ام محمد وجیهة الدین وزیرة بنت عمر، و علی بن ابی بکر الهیثمی، از شاگردانش می باشد، و در سال-880 هـ وفات نمود، زرکلی، 58/5.

<sup>2</sup> - عمر بن علی، اللباب فی علوم الکتاب، 60/19، دار الکتب العلمیة - بیروت، ط، اول، 1419 هـ -1998م.

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ} ، سورة التوبة : 91 .

ترجمه: بر ناتوانان و بیماران و کسانی که چیزی ندارند که آن را صرف جهاد کنند گناهی نیست اگر برای خدا و رسولش اخلاص داشته باشند. و بر نیکوکاران هیچ راهی (سرزنشی) وجود ندارد، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

ابن جریر - رحمه الله - می گوید: (والله غفور رحيم) ، « يقول: والله ساتر على ذنوب المحسنين، يتغمد بها بعفوه لهم عنها (رحيم) ، بهم، أن يعاقبهم عليها <sup>1</sup> .

یعنی الله تعالی گناهانیکه از نیکوکاران سرزده می پوشاند و عفو الهی آنها را فرا می گیرد رحیم است به آنها به پس ماندن شان از جهاد آنان را عذاب هم نمیدهد.

بیستم: قبول توبه از قاذف (کسیکه شخص دیگر را متهم به زنا کرده ولی نصاب شهود که چهارتن می باشد پوره کرده نتواند)، اگر از همان تهمت خود پشیمان شده و توبه کند الله تعالی توبه اش را قبول نموده و او را داخل مغفرت و رحمت خود می کند، مثل { وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ، إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} ، سورة النور: 4 ، 5 .

ترجمه: و کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می دهند و آنگاه چهار گواه نمی آورند، هشتاد تازیانه به آنان بزنید، و هرگز گواهی دادن آنان را نپذیرید، و چنین کسانی فاسق اند، مگر آنانی که پس از این توبه کردند و (کار را) به صلاح آوردند، بی گمان خداوند آمرزگار و مهربان است.

مراغی <sup>2</sup> - رحمه الله - می گوید: «أي إلا الذين رجعوا عما قالوا وندموا على ما تكلموا من بعد ما اجترحوا ذلك الإثم وأصلحوا حالهم.) فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) أي فإن الله ستار لذنوبهم التي أقدموا عليها بعد أن تابوا منها، رحيم بهم فيزيل عنهم ذلك العار الذي لحقهم بعدم قبول شهادتهم» <sup>3</sup> .

<sup>1</sup> - تفسیر طبری ، 14 / 419 .

<sup>2</sup> - أحمد بن مصطفى المراغي، مفسر، مصري، از استادان دانشگاه خرطوم، پایتخت سودان، اصلش از مصر بود، و در سال-1371 هـ در قاهره وفات نمود، الوجيز في أصول الفقه در دو جلد، تفسیر المراغي در هشت جلد، از مصنفات شان می باشد، زرکلی، 1/258 .

<sup>3</sup> - أحمد بن مصطفى، تفسیر المراغي، 18 / 72، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر ط، اول، 1365 هـ - 1946 م .

یعنی کسانی که از قولشان رجوع کردند و از سخنانیکه کسی را متهم به زنا کرده بودند پشیمان شدند، الله تعالی بعد از کسب گناه و اصلاح حالشان گناهانشان را می پوشاند و به آنان رحم می کند و همین که مردود الشهادة هستند از شان دور می کند.

ببست و یکم: فضل و رحمت الهی است که بسیاری از حادثات جبران ناپذیر و عذاب های الهی رخ نمی دهد، {وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ} ، سورة النور: 10.

ترجمه: و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود و اینکه خداوند بخشاینده و مهربان است (در اسرع وقت به بلا و مصیبت دچار می شدید).

زمخشری در تفسیر این آیه می گوید: «وجواب «لولا» متروک، و ترکه دال علی امر عظیم لا یکنته، و رُبَّ مسکوت عنه أبلغ من منطوق به»<sup>1</sup>.

یعنی اینجا جواب لولا محذوف است که الله تعالی از آن طور مشخص یاد آوری نکرده و بسا مسکوت (ناگفته شده) از منطوق (گفته شده) فصیح و بلیغ ترمی باشد.

هچنین قول الله تعالی {وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ} ، سورة النور: 14.

ترجمه: و اگر فضل خدا و رحمت او در دنیا و آخرت بر شما نبود، بی گمان به سبب فرو رفتن در کار تهمت به عائشه - رضی الله عنها - عذابی بزرگ به شما می رسید.

ببست و دوم: کسانی که بسبب جبر و اکراه بالایشان زنا صورت می گیرد الله تعالی به آنها غفور و رحیم است، یعنی آنها را مواخذه نمی کند، مثل { وَلَا تُكْرَهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِنَبْتَعُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ } ، سورة النور: 33.

ترجمه: کنیزان خود را و ادا دار به زنا نکنید اگر آنان خواستند عقیف و پاکدامن باشند، و از این رهگذر خواهان مال و دارایی زود گذر دنیا باشید، و هر کس آنان را وادار سازد خداوند پس از وادار کردنشان (نسبت به آنها) آمرزگار و مهربان است.

---

<sup>1</sup> - الکشاف، 3 / 217 .

ابن جُزَيِّ الكَلْبِي<sup>1</sup> در تفسیر این آیه می گوید «المعنى غفور لهن رحيم بهن لا يؤاخذهن بالزنا، لأنهن أكرهن عليه» یعنی: الله تعالى به آنان غفور و رحیم است، به زناى كه جبراً بالايشان شده گرفت شان نمی كند<sup>2</sup>.  
 بیست و سوم: کسیکه اعمال زشت انجام دهد و بعداً پشیمان شده اعمال نیک انجام دهد مورد مغفرت و رحمت الهی قرار می گیرد

مثل { وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيِّ الْمُرْسَلُونَ، إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ}، سورة النمل: 10، 11.

ترجمه: و عصای خود را بیانداز و هنگامی که دید به حرکت در آمد انگار که ماری است، به سرعت می خزد پا به فرار نهاد و بازگشت، (فرمودیم) ای موسی! نترس، که پیامبران در پیشگاه من هراسی ندارند، مگر کسی که ستم کند، سپس بدی را به نیکی تبدیل نماید، (پس بداند که) همانا من آمرزنده مهربان هستم.  
 بیضاوی - رحمه الله - می گوید: (إِلَّا مَنْ ظَلَمَ) مستثنی منقطع است، یعنی مستثنی (مَنْ ظَلَمَ) از جنس مستثنی منه (خوف انبیاء) نیست، بلکه استدراک است از آنچه یکه در دلشان گناه می گذرد که عدم خوف می باشد، و یاکسیکه گناه صغیره می کند همان لحظه خوف در دل ندارد، لیکن انبیاء- علیهم السلام - اگر فرضاً از آنها کدام گناه صغیره صادر شود فوراً از پی آن کارهای نیک را انجام داده و مستحق مغفرت و رحمت الله تعالى قرار می گیرند، در ادامه مفسر می گوید: اصلاً اینجا تعریض است بموسی - علیه السلام - که خطاء قبطی از دستش کشته شده بود<sup>3</sup>

بیست و چهارم: الله تعالى از خطاء های زبانی بنده را معاف کرده و آن بنده را مورد مغفرت و رحمت خود قرار می دهد که او غفور و رحیم است، {ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا}، سورة الأحزاب: 5.

<sup>1</sup> - محمد بن أحمد بن محمد بن عبد الله، ابن جزى الكلبى، أبو القاسم، مفسر، فقيه، عالم به علم اصول ولغت، اصلش از غرناطه در سال- 693 هـ چشم به جهان گشود، از استادانش هریک ابوجعفر بن زبیر، ابو عبدالله بن کمد، و از شاگردانش فرزندان را میتوان نام برد، و در سال- 741 هـ چشم از جهان پوشید، الأنوار السنية في الألفاظ السنية، وسيلة المسلم " في تهذيب صحيح مسلم، از مصنفات شان می باشد، زرکلی، 325/5.  
<sup>2</sup> - محمد بن أحمد ابن جزى الكلبى، التسهيل لعلوم التنزيل، 2 / 69 ، : شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم ، بيروت ، ط ، اول - 1416 هـ.  
<sup>3</sup> - تفسير بيضاوى، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، 2 / 187 .

ترجمه: آنان (پسرخواندگان) را به پدرشان نسبت دهید، این کار پیش خداداد گرانه تر است، اگر هم پدران ایشان را نشناختید آنان برادران دینی و دوستان شما هستند، و در آنچه که اشتباه کرده باشید گناهی بر شما نیست بلکه در آنچه دل های شما قصد (گناه) کند (مسئولند) و خداوند آمرزنده مهربان است.

بیست و پنجم: الله تعالی بالای منافقین رحم می کند اگر از نفاق شان توبه کرده و مؤمن خالص شوند.

{لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا ، سورة الأحزاب: 24.

ترجمه: تا خداوند راستگویان را به خاطر راستی شان پاداش بدهد و منافقان را هرگاه که بخواهد عذاب کند و یا ببخشد. بی گمان خداوند آمرزنده مهربان است.

سمرقندی در تفسیر بحر العلوم می گوید: «وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ يَعْنِي: إِذَا مَاتُوا عَلَى النِّفَاقِ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ يَعْنِي: يَقْبَلُ تَوْبَتَهُمْ إِنْ تَابُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا لَمَنْ تَابَ مِنْهُمْ رَحِيمًا بِهِمْ»<sup>1</sup>.

یعنی الله تعالی منافقین را عذاب می دهد اگر به همان نفاقشان از دنیا بروند (بمیرند) و یا توبه شان را می پذیرد اگر توبه کنند که الله تعالی غفور است بر توبه گارشان و مهربان است.

بیست و ششم: ترغیب منکرین قرآن به توبه با آنکه منکرین قرآن کافر هستند اگر از انکار قرآن و دیگر اعمال کافرانۀ خود توبه کنند، الله - سبحانه - توبه شان را می پذیرد و بالایشان رحم می کند.

مثل {أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ} ، سورة الأحقاف: 8 .

ترجمه: آیا می گویند: (پیامبر) آن را از پیش خود ساخته است؟ بگو: اگر آن را از پیش خود ساخته باشم شما نمی توانید در برابر خدا کم ترین کاری برایم بکنید او به گفتگوی شما درباره آن (قرآن) داناتر است، کافی است که او در میان من و شما گواه باشد و اوست آمرزگار مهربان.

ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: {وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ} « تَرْغِيبٌ لَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ وَالْإِنَابَةِ، أَي: وَمَعَ هَذَا كُلِّهِ إِنْ رَجَعْتُمْ وَتُوبْتُمْ، تَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ، وَغَفَرَ [لَكُمْ] وَرَحِمَ »<sup>2</sup>.

<sup>1</sup> - بحر العلوم، 3 / 54.

<sup>2</sup> - تفسیر ابن کثیر، 7 / 276.

یعنی: ترغیب برایشان به توبه و رجوع، یعنی با این همه گستاخی‌ها باز هم اگر رجوع نموده و توبه کنید، الله تعالی توبه تان را می پذیرد.

بیست و هفتم: الله تعالی بی ادبان را مورد مغفرت و رحمت خود قرار داده است، اینجا مراد کسانی است که به محمد - صلی الله علیه و سلم - سوء آداب می کردند و نامش را همچون نام مردم عادی صدا می زدند (ای محمد کجا هستی برای)

{إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ، وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ} ، سورة الحجرات: 5 .

ترجمه: بی گمان کسانی که تو را از بیرون حجره‌ها فرا می خوانند بیشترشان نمی فهمند، و اگر آنان صبر می کردند تا هنگامی که به سوی آنان بیرون آیی برایشان بهتر بود و خداوند آمرزنده مهربان است.

امام فخرالدین رازی - رحمه الله - در ذیل تفسیر این دو آیه می گوید: «غُفُورٌ رَحِيمٌ أَي يَغْفِرُ سَيِّئَاتِهِ ثُمَّ يَنْظُرُ إِلَيْهِ فَيَرَاهُ عَارِيًا مُحْتَاجًا فَيَرْحَمُهُ وَيُلْبِسُهُ لِبَاسَ الْكِرَامَةِ وَقَدْ يَرَاهُ مَغْمُورًا فِي السَّيِّئَاتِ فَيَغْفِرُ سَيِّئَاتِهِ، ثُمَّ يَرْحَمُهُ بَعْدَ الْمَغْفِرَةِ، فَتَارَةً تَقَعُ الْإِشَارَةُ إِلَى الرَّحْمَةِ الَّتِي بَعْدَ الْمَغْفِرَةِ فَيَقْدِمُ الْمَغْفِرَةَ، وَتَارَةً تَقَعُ الرَّحْمَةُ قَبْلَ الْمَغْفِرَةِ فَيُؤَخِّرُهَا، وَلَمَّا كَانَتْ الرَّحْمَةُ وَاسِعَةً تُوَجَّدُ قَبْلَ الْمَغْفِرَةِ وَبَعْدَهَا ذَكَرَهَا قَبْلَهَا وَبَعْدَهَا»<sup>1</sup>.

یعنی الله تعالی گناهان بنده را می آمرزد سپس بسویش نظر می اندازد می بیندش که خالی از کارهای خوب، محتاج، بالایش رحم کرده و لباس کرامت (بزرگی) را برایش می پوشاند، و گاهی بنده اش را می بیند که بطور کلی در گناه فرورفته باز هم او را می آمرزد، پس به همین وجه گاهی رحمت بعد از مغفرت است و گاهی قبل از مغفرت، و چونکه رحمت الله - سبحانه - بسیار وسیع است قبل از مغفرت و بعد از آن در قرآن کریم ذکر می گردد .

بیست و هشتم: الله تعالی بنده را ترغیب می کند که از گمان بد، تجسس، غیبت منع شود (توبه کند) تا رحمت الهی شامل حالش گردد.

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ} ، سورة الحجرات: 12 .

<sup>1</sup> - تفسیر کبیر، 28 / 97 .

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید ، از گمان فراوان بپرهیزید، زیرا پاره از گمانها در حد گناه است و در کارهای پنهانی یکدیگر جستجو نکنید و از یکدیگر غیبت مکنید آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد ؟ پس آن را ناخوش خواهید داشت و از خدا بترسید، زیرا خدا توبه پذیر و مهربان است.

صاحب روح البیان می گوید: «إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ مَبَالِغٌ فِي قَبُولِ التَّوْبَةِ وَافَاضَةَ الرَّحْمَةَ حَيْثُ يَجْعَلُ التَّائِبَ كَمَنْ لَمْ يذَنْبْ وَلَا يَخْصُ ذَلِكَ بِتَائِبٍ دُونَ تَائِبٍ بَلْ يَعْمُ الْجَمِيعَ وَانْ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُمْ»<sup>1</sup>.

یعنی الله تعالی بسیار توبه را قبول می کند و رحمت خود را بالای بنده گانش چنان می ریزاند که گویا گناهی از آنان سر نزده است و این خاص به یکی بغیر از دیگر نیست بلکه شامل حال همه است اگرچه گناهانشان بسیار هم باشد .

بیست نهم: الله تعالی کسانی را که دروغ سری از زبانشان بیرون آمده مورد مغفرت و رحمت خود قرار داده است، {قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} ، سورة الحجرات: 14 .

ترجمه: بادیه نشینان گفتند: ایمان آورده ایم، بگو: شما ایمان نیاورده اید بلکه بگوئید: تسلیم شده ایم و ایمان هنوز به دل هایتان وارد نشده است، و اگر از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کنید خدا از (پاداش) کار هایتان چیزی نمی کاهد، بی گمان خداوند آمرزنده مهربان است.

امام نسفی - رحمه الله - می گوید: {إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ} «یستر الذنوب {رَحِيمٌ} بهدایتهم للتوبة عن العيوب»<sup>2</sup> یعنی الله تعالی آمرزنده است گناهان بنده را می پوشاند، رحیم است راه توبه از عیبها را برایشان نشان میدهد.

سی ام: الله تعالی در بعضی از اوا مر خود از جهت ناتوانی بنده گان و از جهت رحمت خویش تخفیف برای بنده گانش عطاء فرموده است.

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ}، سورة المجادلة: 12.

<sup>1</sup> - تفسیر روح البیان، 88/9.

<sup>2</sup> - مدارک التنزیل، 3 / 358.



ترجمه: ای مؤمنان! هرگاه خواستید با پیامبر نجوا کنید، پیش از نجوای تان صدقه های را بدهید، این برایتان بهتر و پاکیزه تر است آن گاه اگر (صدقه) نیابید (بدانید که) خداوند آمرزگار مهربان است.

طبری - رحمه الله - می گوید: «فإن الله ذو عفو عن ذنوبكم إذا تبتّم منها، رحيم بكم أن يعاقبكم عليها بعد التوبة، وغير مؤاخذكم بمناجاتكم رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل أن تقدّموا بين يدي نجاكم إياه صدقة»<sup>1</sup>.

یعنی الله - سبحانه - گناهان شما را عفو می کند (می گذرد) در صورتیکه شما از گناهانتان توبه کنید و بالای شما رحم می کند که شما را بعد از توبه عذاب بدهد و به نا دادن صدقه هنگام ملاقات به رسول - صلی الله علیه وسلم - شما را مؤاخذه هم نمی کند.

### مطلب چهارم: تشریح الله متعال برای بندگانش رحمت است

طوریکه در مطالب فوق بیان شد غرض از ارسال رسل، بیان وضع نظام و قوانین از سوی الله - سبحانه - برای بشر است، تا بتوانند در سایه آن نظام و قانون زنده گی خود را بوجه احسن پیش برده و کامیابی دارین را به نیکو ترین وجه کمائی نمایند.

{ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ } ، سورة الزمر: 35.

ترجمه: و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، قطعاً گناهانشان را از آنان خواهیم زدود، و به آنان نیکوترین آنچه می کردند پاداش می دهیم، و آن نظام و قوانین الهی را شریعت گویند.

انسان به افکار و اندیشه خود هرگز نمیتواند راه دین و دنیای خود را روی کدام نظم و قانون پیش ببرد، بناءً الله - سبحانه - خواست برای همه پیامبران خصوصاً برای پیامبر آخر الزمان محمد - صلی الله علیه وسلم - شریعتی را توسط وحی بیان کند تا فرمان برداران الله - جل جلاله - و رسولش - صلی الله علیه وسلم - حسب طاقت بشری به آن عمل کنند.

و این (تشریح) در حقیقت رحمت الهی برای بنده گانش می باشد، زیرا شریعت الهی تماماً اختلافها را پشت سر گذاشته و انواع سهولت ها را برای مؤمنین ارزان فرموده است.

<sup>1</sup> - تفسیر طبری، 23 / 250.

{ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ } ، سورة البقرة: 213 . یعنی تا در میان مردم در آنچه اختلاف کردند به حق داوری نماید.

{ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ } ، سورة البقرة: 185 . یعنی خداوند برای شما آسانی می خواهد، و نمی خواهد به شما سختی روا بدارد.

همچنین شریعت الهی دربرگیرنده تمام امور و حوائج مردم بدون کدام قصور و کج روی بوده و تا دوام جهان و یا قیام قیامت ادامه داشته حتی حقوق و امتیازات غیردین را هم برآورده می سازد، بعنوان مثال: کافریکه پرداخت جزیه را قبول کرد، و یا تعهد نامه در بین او و مسلمانان بسته شده بود، نمیتوان وی را کشت، زیرا کشتن آنها از جانب شرع منع قرار داده شده و درین مورد رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وعید شدیدی را بیان نمودند.

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا مُعَاهِدًا لَمْ يَرَحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ رِيحَهَا يُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ عَامًا»<sup>1</sup> .

«هرکس، فرد معاهدی (کافری که با مسلمانان، عهد و پیمان بسته است) را بکشد، بوی بهشت به مشامش نمیرسد گفتنی است که بوی بهشت از مسافت چهل سال راه، به مشام می رسد».

نکاح اهل کتاب، جزیه نگرفتن از مردمان مفلس و تنگ دستشان، حتی نفقه دادن از بیت المال، از جمله حقوقی است که شریعت اسلام برای مردم غیر دین اعطاء نموده است<sup>2</sup> .

بخلاف قوانینی که از سوی مردم بحسب فکر و خواہشات خود وضع نموده که در هر زمان و مکان قابل تغییر و تبدیل می باشد. -

البته راجع به این موضوع باید گفت که در آن مسائلی که نص صریحی از قرآن و سنت وجود داشته باشد اجتهاد و قیاس را در آن مجال نیست، لیکن اگر کدام امر مسکوت عنه باشد، دامنه اجتهاد وسعت دارد و این هم از رحمت الله تعالی برای بنده گانش می باشد<sup>3</sup> .

---

1- صحیح البخاری، 4 / 99، كِتَابُ الْجَزْيَةِ، بَابُ إِثْمِ مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا بِغَيْرِ جُرْمٍ.  
2- ابن قیم الجوزیه، أحكام أهل الذمة، 1 / 222 = 614 / 2، فَصْلٌ فِي مُنَاكِحَةِ وَحَلِّ ذُبَابِحِ نَصَارَى الْعَرَبِ = فَصْلٌ لَا جَزْيَةَ عَلَى فَقِيرٍ عَاجِزٍ عَنْ أَدَائِهَا، ناشر: رمادی للنشر- الدمام، ط 1، 1418-1997  
3- تفسیر کبیر، 10 / 114 = 115.

{فَإِنْ تَنَزَّعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا}،  
سورة النساء: 59. ترجمه: و اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به خدا و پیامبر برگردانید، اگر به خدا و  
روز قیامت ایمان دارید این برای شما بهتر و خوش فرجام تر است.

راجع به اینکه شریعت الهی رحمت است و جوابگوی همه حوائج نسل بشریت در روی زمین می باشد.  
گوشه از بیانات علامه شنقیطی<sup>1</sup> - رحمه الله - را طور مختصر ذکر می نمایم، حکمت های که در شریعت  
اسلامی است عبارت از سه حکمت می باشد که مفهومش چنین است:

اول: دفع مفسد که از آن به ضروریات تعبیر شده است.

دوم: جلب مصلحت که از آن به حاجت ها تعبیر شده است.

سوم: مکارم اخلاق، سلوک خوب، معامله خوب، که از آن به تحسینات (نیکوکردن) و یا تتمیمات (پوره  
گی) تعبیر شده است.

اما ضروریات که دفع مفسد است، شش است، که آنها را نباید گذاشت تا فاسد شوند بلکه بشدت از آنها  
حراست باید کرد:

دین، نفس، عقل، نسب، عرض (حیثیت و آبرو)، مال .

اما جلب مصالح یعنی چیزهایی که مردم در زنده گی روزمره شان به آن احتیاج دارند شریعت اسلامی  
در اینها هم سهولتهای گوناگونی را ایجاد نموده است که از جمله مسئله بیوع، اجارات، مساقات، مضاربه،  
و غیره احکام فقهی رامی توان نام برد.

امامکارم اخلاق و خوبی های دیگر از جمله عفو و گذشت در اسلام، تأکید به کلام نیک، کمک و همکاری به  
فقراء و مساکین را می توان مثال داد<sup>2</sup>.

---

<sup>1</sup> - محمد الامین بن محمد المختار بن عبد القادر الشنقیطی: (موریتانیا) عالم علم تفسیر، ادبیات، در سال-1325 هـ دیده به جهان گشود، از استادانش  
الشیخ محمد بن محمد بن عبد الله بن ابي الجكنی، الشیخ محمد المصطفی بن سید یحیی، و از شاگردانش یحیی جابر الیمانی، عصام ابراهیم الحازمی را  
می توان نام برد، و در سال-1393 هـ چشم از جهان پوشید، اعضاء البیان فی تفسیر القرآن، دفع ایهام الاضطراب عن آی الكتاب، را از مصنفات  
شان می توان نام برد، اعلام زرکلی، 6 / 45.

<sup>2</sup> - محمد الامین بن محمد المختار الشنقیطی، منهج التشريع الإسلامي وحكمته، 73، 74، 75، /، دار عالم الفوائد السعودية، ط، اول، 1426 هـ.

در قرآن کریم راجع به اینکه شریعت و یا تشریح الله تعالی رحمت برای همه است آیات خیلی بسیار آمده است از جمله:

۱- الله تعالی اعمالیکه مطابق شریعتش باشد از بنده گان خود می پسندد و آنرا ضایع نمی کند چونکه اوست مهربان و بارحم، {وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا. وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ} ، سورة البقرة: 143.

ترجمه: و این چنین شما را امتی میانه قرار داده ایم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر (نیز) بر شما گواه خواهد بود، و ما قبله را که بر آن بودی قبله قرار ندادیم مگر برای اینکه بدانیم چه کسی از پیامبر پیروی می کند و چه کسی به عقب بر می گردد، و گرچه آن بسی دشوار است مگر بر کسانی که خداوند آنان را هدایت نموده، و خداوند ایمانتان را ضایع نمی گرداند، همانا خداوند نسبت به مردم روف و مهربان است.

امام نسفی - رحمه الله - می گوید: {رَحِيمٌ} «لا يضيع أجورهم»<sup>1</sup>.

علامه ابن عاشور می گوید: وَالتَّذْيِيلُ بِقَوْلِهِ: إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ تَأْكِيدٌ لِعَدَمِ إِضَاعَةِ إِيمَانِهِمْ<sup>2</sup>.

یعنی در ذیل حکم شریعت الله تعالی مهربانی و رحمت خود را بیان می کند تأکید بر این است که ایمان (اعمال) شان ضایع نمی شود

۲- حلال شرعی به تحریم و یا تحلیف بنده حرام نمی گردد، و اگر از بنده این نوع تحریم و یا تحلیف صادر شود باز هم الله تعالی غفور و رحیم است و مواخذه نمی کند.

{يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ} {التحریم: 1}.

ترجمه: ای پیغمبر! چرا چیزی را که خداوند برایت حلال کرده است به خاطر به دست آوردن خشنودی همسرانت بر خود حرام می کنی؟ و خداوند آمرزگار مهربان است.

تفسیر کشاف می گوید: «وَاللَّهُ غَفُورٌ قَدْ غَفَرَ لَكَ مَا زَلَلْتَ فِيهِ رَحِيمٌ قَدْ رَحِمَكَ فَلَمْ يَأْخُذْكَ بِهِ»<sup>3</sup>.

<sup>1</sup> - مدارک التنزیل، 1 / 137.

<sup>2</sup> - التحریر والتتویر، 11 / 73.

<sup>3</sup> - تفسیر کشاف، 4 / 564.

یعنی لغزشی که از تو صورت گرفته الله تعالی رحیم است و تورا بر این کار مؤاخذه نمی کند.

۳- اختیاری گذاشتن یکی از احکام الهی که به هر کدام می خواهد می تواند عمل کند مثلاً در باب قصاص که الله تعالی در بین گرفتن قصاص، اخذ دیت، و عفو، بنده گانش را صاحب اختیار نموده و سپس این را تخفیف و رحمت از سوی خودش اعلان نمود.

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ } ، البقرة: 178 .

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! در مورد کشته شدگان، قصاص بر شما مقرر شده است، آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس هرکسی که از جانب برادرش برای او چیزی بخشوده شد، به خوبی پیروی کند و به نیکی دیه را به او بپردازد. این تخفیف و رحمتی از جانب پروردگارتان برای شماست، پس هرکس بعد از این تجاوز کرد برای او عذابی دردناک است.

امام فخرالدین رازی - رحمه الله - در تفسیر این آیه می گوید: {ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ}، «أَيَّ اثْبَتَ الْخِيَارَ لَكُمْ فِي اخْتِيارِ الدِّيَةِ، وَفِي الْقِصَاصِ رَحْمَةً مِنْ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، لِأَنَّ الْحُكْمَ فِي الْيَهُودِ حَتْمُ الْقِصَاصِ وَالْحُكْمَ فِي النَّصَارَى حَتْمُ الْعَفْوِ فَخَفَّفَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَشَرَعَ لَهُمُ التَّخْيِيرَ بَيْنَ الْقِصَاصِ وَالْدِّيَةِ، وَذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ فِي حَقِّ هَذِهِ الْأُمَّةِ لِأَنَّ وَلِيَّ الدِّمِّ قَدْ تَكُونُ الدِّيَةُ أَثَرَ عِنْدَهُ مِنَ الْقَوْدِ إِذَا كَانَ مُحْتَاجًا إِلَى الْمَالِ، وَقَدْ يَكُونُ الْقَوْدُ أَثَرَ إِذَا كَانَ رَاغِبًا فِي التَّشْفِي وَدَفْعِ شَرِّ الْقَاتِلِ عَنْ نَفْسِهِ، فَجَعَلَ الْخِيَرَةَ لَهُ فِيمَا أَحَبَّهُ رَحْمَةً مِنْ اللَّهِ فِي حَقِّهِ»<sup>1</sup>.

یعنی: مفهومش این است که الله تعالی ثابت کرد برای شما اختیار را در اخذ دیت، و در قصاص رحمت است از سوی الله تعالی بالای شما، چرا که در مذهب یهود تنها حکم قصاص و در مذهب نصارا تنها عفو بود، پس برای این امت تخفیف شده و در بین قصاص و دیت اختیار برایشان عطاء کرد و این خود آسانی رحمت از سوی الله تعالی در حق امت مسلمه است.

<sup>1</sup> - تفسیر کبیر، 5 / 225.

۴- پیروی از شریعت محمدی - صلی الله علیه وسلم - رحمت الهی است، { قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ } ، آل عمران: 31 .

ترجمه: بگو: اگر شما خدا را دوست دارید، پس از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامزد، و خداوند بخشنده مهربان است.

ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: « هَذِهِ الْآيَةُ الْكَرِيمَةُ حَاكِمَةٌ عَلَى كُلِّ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّةَ اللَّهِ، وَلَيْسَ هُوَ عَلَى الطَّرِيقَةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ فَإِنَّهُ كَاذِبٌ فِي دَعْوَاهُ فِي نَفْسِ الْأَمْرِ، حَتَّى يَتَّبِعَ الشَّرْعَ الْمُحَمَّدِيَّ وَالِدَيْنِ النَّبَوِيِّ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ وَأَحْوَالِهِ »، یعنی این آیه مبارکه حکم کسی را می کند که ادعای محبت الله تعالی را دارد ولی اعمالش به طریقه و روش محمدیه برابر نیست، پس آن شخص هر کسیکه باشد در دعوایش دروغگواست تا اینکه در همه اقوال و حالات از شریعت محمدی پیروی نکند.

در ادامه آیه می گوید: { وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ } أَي: «بِاتِّبَاعِكُمْ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَحْصُلُ لَكُمْ هَذَا كُلُّهُ بِبَرَكَتِهِ سَفَارَتِهِ». یعنی به سبب متابعت شما از رسول - صلی الله علیه وسلم - همه مغفرت و رحمت الهی و به برکت و میانجگری وی برایتان حاصل می شود<sup>1</sup>

۵- شریعت رحمت است که الله تعالی خوردن مال همدیگر به باطل و کشتن یکدیگر را حرام کرد.

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا } ، النساء: 29 .

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! مال هایتان را در میان خود به ناحق نخورید، مگر اینکه تجارتي باشد که از رضایت شما سرچشمه بگیرد، و خود را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما مهربان است.

زمخشری می گوید: « بِالْبَاطِلِ بِمَا لَمْ تَبَحْهُ الشَّرِيعَةُ مِنْ نَحْوِ السَّرِقَةِ وَالْخِيَانَةِ وَالْغَصْبِ وَالْقَمَارِ وَعُقُودِ الرِّبَا، وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ كَانَتْ مِنْ جِنْسِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ »<sup>2</sup>.

یعنی مراد از باطل چیز است که شریعت آنرا اجازه نداده مانند دزدی، خیانت، غصب، قمار، عقدهای سودخوری است، و همدیگرتان را که از جنس خودتان یعنی مؤمنان است بناحق نکشید.

<sup>1</sup> - تفسیر ابن کثیر، 2 / 32 .

<sup>2</sup> - تفسیر کثاف، 1 / 502 .

۶- حلال شدن مال غنیمت از جانب شرع و مغفرت لغزش های که درباره اسیرها صورت گرفت و رحمت بالایشان که بعد از توبه عذابشان نمی دهد.

{ فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ } الأنفال: 69. ترجمه: پس، از آنچه به غنیمت گرفته اید حلال و پاکیزه بخورید، و از خدا بترسید، بی گمان خداوند بخشاینده مهربان است.

طبری - رحمه الله - میگوید: (إن الله غفور)، «لذنب أهل الإيمان من عبادة (رحيم) ، بهم، أن يعاقبهم بعد توبتهم منها»<sup>1</sup>، یعنی: الله تعالى غفور است گناهان اهل ایمان را می بخشاید، رحيم است بعد از توبه آنان را مؤاخذه نمی کند.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أُعْطِيتُ حَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي: نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ، وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهْرًا، وَأُحِلَّتْ لِي الْغَنَائِمُ، وَأُعْطِيتُ الشَّفَاعَةَ وَكَانَ النَّبِيُّ يُبْعَثُ إِلَى قَوْمِهِ خَاصَّةً وَبُعِثْتُ إِلَى النَّاسِ عَامَّةً"<sup>2</sup>، یعنی: «جابر بن عبدالله گوید: پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: پنج چیز از جانب خدا به من بخشیده شده که به هیچ يك از پیغمبران پیشین بخشیده نشده است:

۱- خداوند با قرار دادن ترس در دل دشمنانم که به فاصله مسير يك ماه از من دورند، مرا یاری داده است.

۲- زمین برای من (و امتم) به عنوان مسجد و پاك کننده قرار داده شده است، پس هر يك از امت من که وقت نمازش رسید (هر جا که باشد) باید نماز را بخواند.

۳- غنیمت جنگی برای من حلال شده است.

۴- قبلاً هر پیغمبری تنها به سوی قوم خود فرستاده می شد، در حالی که من به سوی تمام مردم فرستاده شده ام.

۵- شفاعت (عظمی) به من بخشیده شده است.

۶- وعده تمویل در دنیا و عفو و بخشایش گناهان گذشته در آخرت برای هر کافر یکه اسلام بیاورد خصوصاً اسرای بدر.

<sup>1</sup> - تفسیر طبری، 72/14.

<sup>2</sup> - صحیح البخاری، 95/1، کتاب الصلاة، باب قول النبي صلی الله علیه و سلم ( جعلت لي الأرض مسجداً وطهوراً ).

{يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنَّ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ} ، الأنفال: 70.

ترجمه: ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شما هستند، بگو: اگر خداوند خیري در دلهايتان سراغ داشته باشد بهتر از آنچه از شما گرفته شده است به شما خواهد داد، و شما را مي آمرزد و خداوند آمرزنده و مهربان است.

در شريعت اسلامي همين است که اگر کافري مسلمان شود از همه اموال مربوطه (بيت المال و...) مسلمين مستفيد گرديده و هر جرم و جنايتي که قبلاً مرتکب شده باشد طبق وعده الله - سبحانه- معاف ميشود.

طبري - رحمه الله - مي گوید: « أَيُّهَا النَّبِيُّ، قُلْ لِمَنْ فِي يَدَيْكَ وَفِي أَيْدِي أَصْحَابِكَ مِنْ أَسْرَى الْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ أَخَذَ مِنْهُمْ مِنَ الْفِدَاءِ مَا أَخَذَ: (إِنْ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا)، يَقُولُ: إِنْ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ إِسْلَامًا (يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ)، مِنَ الْفِدَاءِ (وَيَغْفِرَ لَكُمْ) ، يَقُولُ: وَيَصْفَحُ لَكُمْ عَنْ عِقَابِ جُرْمِكُمُ الَّذِي اجْتَرَمْتُمُوهُ بِقِتَالِكُمْ نَبِيَّ اللَّهِ وَأَصْحَابَهُ وَكَفَرْتُمْ بِاللَّهِ (وَاللَّهُ غَفُورٌ)، لِذُنُوبِ عِبَادِهِ إِذَا تَابُوا (رَحِيمٌ)، بِهِمْ، أَنْ يَعَاقِبَهُمْ عَلَيْهَا بَعْدَ التَّوْبَةِ »<sup>1</sup>.  
يعني: ای پیامبر بگو برای اسیران مشرکین که در دست تو و در دست اصحاب تو هستند کدام تاوان و یا جریمه که از شان گرفته شده اگر الله تعالی در دل شما اسلام را ببیند برای شما بهتر از همان تاوا نيکه گرفته شده عطاء می کند و شمارا مغفرت می کند.

يعني از جریمه که در گذشته مرتکب آن شدید یعنی در مقابل رسول الله - صلى الله عليه وسلم - و اصحابش پیکار جستید از آن جرم تان شمارا معاف می کند ، و الله تعالی غفور است گنا هان بنده گانش را می آمرزد اگر توبه کنند، رحيم است به ایشان اينکه آنان را بعد از توبه عذاب نمی دهد.

۸- رحمت الهی شامل حال نمازگذاران، زکات دهنده گان، و پیروان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - می شود.  
{وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} ، النور: 56.

ترجمه: و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و از پیامبر اطاعت کنید تا بر شما رحم شود.

<sup>1</sup> - تفسیر طبری، 14 / 72.



یحیی بن سلام - رحمه الله - می گوید: «لَكَيْ تَرْحَمُوا، فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ رُحِمْتُمْ»<sup>1</sup>. یعنی اگر همین اعمال فوق را انجام دادید بالای شما از سوی الله - سبحانه - رحم می شود.

۹- مشروعیت نکاح متعدّد از سوی الله تعالی برای پیامبر - صلی الله علیه وسلم -

{ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يُغُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيمًا، الأحزاب: 50.

ترجمه: ای پیامبر! برای تو حلال کرده ایم (آن) همسرانت را که مهرشان را داده، و همچنین کنیزانی را که خدا در جنگ بهره تو ساخته است، و دختران عمویت و دختران عمه هایت و دختران دایی ات و دختران خاله هایت که با تو هجرت کرده اند، و زن مؤمنی که خویشان را به پیغمبر ببخشد (و) اگر پیامبر بخواهد که او را به زنی گیرد که خاص تو است، و برای مؤمنان جایز نیست، به راستی دانسته ایم آنچه را که بر آنان درباره زنانشان و کنیزانشان مقرر کرده ایم تا بر تو هیچ حرجی نباشد و خداوند آمرزنده مهربان است.

امام نسفی - رحمه الله - در تفسیر این جمله می گوید: {وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيمًا} ای بالتوسعة علی عبادہ<sup>2</sup>. یعنی: و خداوند آمرزنده مهربان است.

۱۰- حجاب اسلامی یک امر شرعی و رحمت الهی است، حجاب اسلامی از جانب مرد و یازن باید مراعات شود الله تعالی غفور و رحیم است به خطایی در آن بخواهد می بخشاید اگر اصرار نشود، و رحیم است به انجام آن ثواب می دهد.

{ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيمًا، الأحزاب: 59.

ترجمه: ای پیامبر! به زنان و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: روسری هایشان را بر خود فرو پوشند، این نزدیکتر است به آنکه (به پاکدامنی) شناخته شوند و آزار نبینند و خداوند آمرزنده مهربان است.

<sup>1</sup> - تفسیر یحیی بن سلام، 1 / 459.

<sup>2</sup> - مدارک التنزیل، 3 / 248.

امام فخر الدین الرازی می گوید: «وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا يَغْفِرُ لَكُمْ مَا قَدْ سَلَفَ بِرَحْمَتِهِ وَيُثَبِّتُكُمْ عَلَى مَا تَأْتُونَ بِهِ رَاحِمًا عَلَيْكُمْ»<sup>1</sup>.

یعنی الله تعالی گذشته را مغفرت می کند و به انجام آن اجروثواب می بخشد از آنکه بالای شما رحم می کند. ۱- تطبیق احکام شرعی وسیله جلب رحمت برای همه گان است.

چونکه اسلام همه آسانی، رفع حرج، دفع مضرت، جلب منفعت را مد نظر گرفته است، هنگامیکه احکام شریعت اسلامی تطبیق گردد حقوق و شخصیت هیچ کسی پایمال نشده، و همچنین هیچ یکی از افراد جامعه متضرر نمی شود، بلکه حقوق هر ذی حق به وجه احسن ادا گردیده و مکافات مجازات شرعی بالای همه افراد اعم از مافوق ماتحت، و یا لفظ ساده هر شاه و گدا به صورت مساوی قابل اجراء می باشد، و شریعت اسلامی از حق هیچ حقدار و از جرم هیچ مجرم چشم پوشی نمی کند، بناءً در تطبیق آن رحمتی از رحمتهای الله تعالی نهفته است، چنانچه درین حدیث شریف از کار کرد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - وجدیت شان در تطبیق حکم شرعی دانسته دانسته می شود.

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ امْرَأَةً مِنْ بَنِي مَخْزُومٍ سَرَقَتْ، فَقَالُوا: مَنْ يُكَلِّمُ فِيهَا النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - ؟ فَلَمْ يَجْتَرِئْ أَحَدٌ أَنْ يُكَلِّمَهُ، فَكَلَّمَهُ أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ فَقَالَ: «إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكَوهُ وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ قَطَعُوهُ، لَوْ كَانَتْ فَاطِمَةُ لَقَطَعْتُ يَدَهَا»<sup>2</sup>.

عایشه - رضي الله عنها - می گوید: زنی از بنی مخزوم، مرتکب سرقت شد. مردم گفتند: چه کسی درباره او با نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - سخن می گوید؟ کسی جرأت نکرد که با او سخن بگوید. سر انجام اسامه بن زید رضي الله عنهما با رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - سخن گفت: آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «اگر در میان بنی اسرائیل، فرد مشهوری، مرتکب دزدی می شد، او را رها می کردند. و اگر فرد ضعیفی، مرتکب دزدی می شد، دستش را قطع می کردند. اگر (بجای آن زن) فاطمه هم می بود، دستش را قطع می کردم»<sup>3</sup>.

<sup>1</sup> - تفسیر کبیر، 25 / 184 .

<sup>1</sup> - صحیح بخاری، 8 / 157، کتاب الحدود، باب کراهیه الشفاعة فی الحد إذا رُفِعَ إِلَى السُّلْطَانِ.

<sup>2</sup> - برگرفته از قواعد الأحكام فی مصالح الأنام، 2 / 9، فصل: فی المساق الموجبة للتخفيفات الشرعية، أبو محمد عز الدین عبد العزیز بن عبد السلام، ناشر: مکتبه

<sup>3</sup> - لکلیات الأزهرية - القاهرة، ط، 1414 هـ - 1991 م

## مبحث دوم رحمت خاص الهی در قرآن کریم

این مبحث دارای شش مطلب می باشد :

### مطلب اول: اجر و پاداش برای مؤمنان و صابران در دنیا

واقعاً از رحمت و فضل الله تعالی است که برای مؤمنین پاداش خوب می دهد ورنه هیچ کسی حق هیچ نوع شکایتی را ندارد، زیرا الله تعالی مالک همه اشیاء است چه در آسمانها باشد و یا در زمین.

{وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} ، سورة آل عمران: 189.

ترجمه: و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند بر هر چیزی تواناست.

هیچ کسی جرئت ندارد و نمی تواند که چیزی را بالای الله - سبحانه- الزام کند و یا درباره کدام قضیه ای قلمه دعوا کند، بلکه الله - سبحانه- فعال لما يريد است، (چیزی بخواهد انجام میدهد) .

{ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ } ، سورة الانبياء: 23. ترجمه: او از آنچه میکند مسؤول نیست و بندگان مسؤولند.

### چنانچه شاعر می گوید:

اوست سلطان هر چه خواهد آن کند .. عالمی را دردمی ویران کند.

اوست سلطانی مسلم مرورا .. نیست کس را ذره چون و چرا<sup>1</sup>.

چونکه همه چیزها از آن الله است، پس این از فضل و منت رحمت الله تعالی است که مؤمنین را بسوی دین مقدس اسلام هدایت نموده سپس پا داش نیک آنرا اگر بخواهد می دهد.

باید نهایتاً الله تعالی را سپاس گفت که ما را به دین اسلام رهنمود کرد.

{يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قَلَّ لَا تُمْنُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ}، سورة الحجرات: 17.

ترجمه: بر تو منت می گذراند که اسلام آورده اند، بگو: با اسلام خود بر من منت مگذارید بلکه خدا بر شما منت می گذراد که شما را به سوی ایمان رهنمود کرده است اگر راستگوئید.

<sup>1</sup> - شیخ فریدالدین عطار، پنج گنج، پندنامه.

خلاصه هر آن ثواب و پاداش در مقابل اعمال نیک که الله تعالی برای بنده گانش وعده نموده از لطف، احسان، مرحمت اومی باشد.

راجع به اینکه رحمت الهی است که برای مؤمنین و صابرين اجر و ثواب میدهد در قرآن کریم آیات بسیاری آمده است.

۱- صبر در هنگام مصیبت که الله تعالی وعده رحمت (ثواب) را نموده است:

{الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ}، سورة البقرة: 156، 157.

ترجمه: آن کسانی که چون مصیبتی به آنها برسد گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم. آنان درود و رحمت خدا شامل حالشان است و ایشان اند هدایت شوندگان.

طبری - رحمه الله - می گوید: ورحمة"، یعنی: « ولهم مع المغفرة، التي بها صَفَحَ عَنْ ذُنُوبِهِمْ وَتَغَمَّدَهَا، رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ وَرَأْفَةً»، با اینکه الله تعالی گناها ن شان را می آمرزد به رحمت خود هم آنانرا می پوشاند<sup>1</sup>

۲- دخول جنت در حالیکه رو هایشان سفید است چنانچه الله - سبحانه - می فرماید

{يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ، وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ}، سورة آل عمران: 106، 107.

ترجمه: روزی که چهره های سفید و چهره های سیاه گردد، پس اما سیاه رویان [به آنان گویند]: آیا پس از ایمانتان کافر شدید، پس به کیفر کافر شدنتان عذاب را بچشید، و اما روسپیدان، در [جوار] رحمت خدا خواهند بود، آنان در آنجا جاودانه اند.

تفسیر کبیر می گوید: «هَذَا إِشَارَةٌ إِلَى أَنَّ الْعَبْدَ وَإِنْ كَثُرَتْ طَاعَتُهُ فَإِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا بِرَحْمَةِ اللَّهِ»<sup>2</sup>. یعنی اشاره است به اینکه انسان هر چند طاعات و عبادات بسیار داشته باشد باز هم بدون رحمت، الله - سبحانه - داخل جنت شده نمی تواند.

۳- کشته شدن و یا مردن در راه الله تعالی که پاداش آن ثواب بزرگ (جنت) است.

{وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ}، سورة آل عمران: 157.

ترجمه: و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، آمرزش و عفو و رحمت خدا بهتر از چیزی است که آنان جمع آوری می کنند.

<sup>1</sup> - تفسیر طبری، 3 / 221.

<sup>2</sup> - تفسیر کبیر، 8 / 320.

بیضاوی می گوید: «فیوفی جزاء کم ویعظم ثوابکم»<sup>1</sup>، یعنی در کشته شدن و مردن در راه الله تعالی جزای شما پوره داده شده و ثواب شمارا بزرگ می نماید.

۴- ترغیب مجاهدین فی سبیل الله و امتیاز بخشیدن به آنها نظربه سائر مؤمنین به و عده بلند بردن درجات شان درجنت که تعبیر به رحمت شده و مکرر ذکر تفضیل آنان.

{لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا، دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا}، سورة النساء: 96.

ترجمه: مؤمنان خانه نشین که عذری (برای عدم شرکت در جهاد) ندارند با کسانی که در راه خدا با مال و جانشان جهاد می کنند، برابر نیستند، خداوند کسانی را که با جان و مالشان جهاد می کنند بر کسانی که نشسته اند و به جهاد نرفته اند برتر قرار داده، و به هر یک و عده نیکو داده است، و خداوند مجاهدین را بر کسانی که نشسته اند با دادن اجر فراوان و بزرگ برتری داده است، مقام ها و درجات بزرگی که به عنوان مغفرت و رحمت خدا نصیب آنان می شود و خداوند آمرزگار و مهربان است.

بیضاوی- رحمه الله - می گوید: «کرر تفضیل المجاهدین، وبالغ فيه إجمالاً وتفصيلاً تعظيماً للجهاد وترغيباً فيه»، یعنی تکرار فضیلت مجاهدین و مبالغه در آن به اجمال و تفصیل بیانگری تعظیم جهاد و ترغیب به آن است، در ادامه می گوید: رَحِيمًا بما وعد لهم، الله تعالی رحيم است و عده خود را بجا می کند<sup>2</sup>.

۵- ترغیب برای هجرت و وعده قاطع ثواب برای مهاجرین و یا کسانی که در راه هجرت می میرند و مبالغه ثواب که تعبیر به رحمت شده است.

مَثَلٌ وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا}، سورة النساء : 100.

ترجمه: و هر کس در راه خدا هجرت کند، اقامتگاههای زیاد و گشایشی (در مصالح دین و دنیا) در زمین خواهد دید، و هر کس از خانه خود بیرون آید و به سوی خدا و پیامبرش هجرت کند، سپس مرگ او را دریابد، اجر او بر عهده خداست، و خداوند آمرزگار و مهربان است.

<sup>1</sup>- تفسیر بیضاوی، 2 / 45.

<sup>2</sup>- تفسیر بیضاوی، 2 / 92.

أبو السعود<sup>1</sup> - رحمه الله - می گوید: {وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا} « مبالغاً في المغفرة فيغفر له ما فرط منه من الذنوب التي من جملتها القعود عن الهجرة إلى وقت الخروج {رَحِيمًا} مبالغاً في الرحمة فيرحمه بإكمال ثواب هجرته »<sup>2</sup>.

یعنی الله تعالی خیلی از گناهان مهاجر را می آمرزد، خصوصاً آن گناهی را که در اقدام به هجرت نوع از سستی و تنبلی از رخ داده بود و خیلی بسیار رحمتش می کند که ثوابش را پوره برایش می دهد.  
۶- الله تعالی برای کسانی که به جمیع پیامبران ایمان دارند ثواب بزرگی را آماده نموده است چونکه غفور و رحیم است.

مثل {وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا} ، سورة النساء : 152.

ترجمه: و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آوردند و میان هیچ یک از آنان فرق نگذاشتند، به زودی پاداش آنها را خواهد داد و خداوند آمرزگار و مهربان است.

ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: «قَدْ أَعَدَّ لَهُمُ الْجَزَاءَ الْجَزِيلَ وَالثَّوَابَ الْجَلِيلَ وَالْعَطَاءَ الْجَمِيلَ»<sup>3</sup>  
یعنی: الله تعالی آماده کرده برایشان پاداش فراوان، ثواب بزرگ، و بخشش نیکورا.

۷- بخشش جنت و افزونی های دیگر و راهنمایی برای راه راست در مقابل ایمان و اعمال نیک بسبب رحمت از سوی الله تعالی.

{فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا} النساء: 175.  
ترجمه: و اما کسانی که به خدا ایمان آوردند و به دین او چنگ زدند به زودی آنها را به فضل و رحمت خویش وارد خواهد ساخت، و آنان را به سوی خود، به راه راست هدایت خواهد کرد.

---

<sup>1</sup> محمد بن محمد بن مصطفی، ابوالسعود، العمادی، مفسر، شاعر، از اتباع ترک، در سال-898 هـ در قسطنطنیه دیده به جهان گشود، نامبرده صاحب ذهن، فکر قوی بوده و در سال-952 هـ به منصب افتاء برگزیده شد، سرانجام در سال-982 هـ چشم از جهان پوشید، تحفة الطلاب، رسالة في المسح على الخفين، از جمله مصنفات مهم او بحساب می رود، زرکلی، 7/759.

<sup>2</sup> محمد بن محمد، تفسیر ابي السعود، إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، 2/224، دار إحياء التراث العربي - بيروت .

<sup>3</sup> تفسیر ابن کثیر، 2/445.

قاضی ثناء الله<sup>1</sup> در تفسیر مظهري می گوید: یعنی « جنة وثوابا قدر له بإزاء إيمانه وعمله رحمة منه تعالى لا قضاء لحق وجب عليه »<sup>2</sup>.

یعنی جنت و ثوابیکه برای عامل در مقابل ایمان و عملش در نظر گرفته شده رحمت است از سوی الله تعالی نه فیصله لازمی (کسی دعوی بالای او کرده نمی تواند)

همچنین، {فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ}، سورة الجاثية: 30.

ترجمه: اما آنانیکه ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند پروردگارشان آنان را به جوار رحمت خود درمی آورد، این است کامیابی بزرگ.

۸- رحمت الهی مراقب نیکوکاران است، {وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ}، سورة الأعراف: 56.

ترجمه: و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید، و خداوند را با ترس و امید بخوانید، همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: اي «إِنَّ رَحْمَتَهُ مُرْصَدَةٌ لِّلْمُحْسِنِينَ، الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ أَمْرَهُ وَيَتْرُكُونَ زَوَاجِرَهُ»<sup>3</sup>.  
یعنی رحمت الله تعالی منتظر کسانی است که پیروی از اوامر الله و نواهی او را ترک می کنند.

۹- مژده به رحمت (بزرگترین ثواب) رضامندی پروردگار، جنتهای که در آن نعمتهای جاودانه است. و این برای کسانیست که در راه الله تعالی هجرت و سپس به جهاد در راه الله تعالی می پردازد.

---

<sup>1</sup> - القاضي ثناء الله الباني بتي، (پانی پتی): از علماء برجسته سرزمین هند، مفسر، محدث، فقیه، در سال-1143 هـ در قریه بنام پانی پت، مربوط هند چشم به جهان گشود، در سن هفت سالگی قرآن کریم را حفظ نمود، سفرهای علمی به دهلی و دیگر مناطق هند داشت، شاه ولی الله دهلوی، شیخ جانجانان العلوي الدهلوي، از جمله استادانش بود، سرانجام در ماه رجب 1225 هـ چشم از جهان پوشید، التفسیر المظهري در هفت جلد، مبسوط در علم حدیث در دو جلد، از جمله مصنفات شان می باشد، الإعلام بمن في تاريخ الهند من الأعلام المسمى بـ (نزهة الخواطر وبهجة المسامع والنواظر الخواطر، 942/7، عبد الحي بن فخر الدين بن عبد العلي الحسني الطالبي، دار ابن حزم - بيروت، لبنان، ط اول 1420 هـ، 1999م.

<sup>2</sup> - قاضی ثناء الله پانی پتی، تفسیر مظهري، 2 / 283، ناشر مکتبه الرشديه - الباكستان، ط، 1412 هـ.

<sup>3</sup> - تفسیر ابن کثیر، 3 / 429.

{الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ، يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ} ، سورة التوبة : 21.

ترجمه: کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با مالها و جانهایشان در راه خدا جهاد کردند نزد خدا دارای مقام بزرگتر و برتری هستند و ایشان رستگارانند. پروردگارشان آنان را به رحمتی از جانب خویش و خشنودی و باغهایی مژده می دهد که آنان را در این باغها نعمت های پایداری است و برای همیشه در بهشت جاودانند، به راستی نزد خداوند پاداش بزرگی است.

امام شوکانی<sup>1</sup> - رحمه الله - می گوید: « وَالتَّنْكِيرُ فِي الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْجَنَّاتِ لِلتَّعْظِيمِ وَالْمَعْنَى أَنَّهَا فَوْقَ وَصْفِ الْأَوْصِيْفِينَ ، وَتَصَوُّرِ الْمُتَّصَوِّرِينَ »<sup>2</sup>.

یعنی رحمت، رضوان، جنات، را نکره آورد (تنوین دار) درحقیقت آن تنوین از برای تعظیم (بزرگنمایی) است، و مفهوم آیه اینست که آن عطاهای الهی مافوق وصف توصیف کننده گان، و تصور تصورکننده گان است، یعنی در فکر قاصر انسان نمی گنجد.

۱۰- و عده به رحمت (جنات) مؤمنین را که متصف به صفات مؤمنیت باشند، {وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ} ، وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ}، سورة التوبة : 71، 72. ترجمه: و مردان و زنان مؤمن دوستان و یاوران یکدیگرند، به معروف امر می کنند و از منکر نهی می نمایند و نماز را برپای می دارند، و زکات را می پردازند و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری

<sup>1</sup> - محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوکانی، مفسر، فقیه و مجتهد عصرش در سال-1173- در قریه شوکان، از مربوطات خولان، کشور یمن دیده به جهان گشود، و در سال -1250 هـ - در شهر صنعاء (پایتخت فعلی یمن) رخت از جهان بست، نامبرده از وطن اصلی اش (شوکان) به صنعاء سفر علمی نموده، و پدر بزرگوارش - علی بن محمد الشوکانی-، و السید عبد الرحمن بن قاسم المدانی، از جمله استادانش، و محمد بن محمد بن زیارة الحسني اليمني الصنعاني، محمد بن أحمد السودي، از جمله شاگردانش می باشد، علامه از جمله مخالفین تقلید حتی تقلید محض را حرام می پنداشت، شوکانی صاحب دارای مصنفات کثیری بوده، کتابهای ارشاد التفات إلى اتفاق الشرائع على التوحيد والمعاد والنبوات، السيل الجرار المتدفق على حدائق الأزهار، از آن جمله می باشد، زرکلی، 298/6.

<sup>2</sup> - محمد بن علی الشوکانی، فتح القدير، 2 / 394، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب - دمشق، بیروت، ط 1، اول، 1414 هـ.



می کنند، ایشان کسانی هستند که خداوند آنان را مشمول رحمت خود می گرداند، بی گمان خداوند توانا و حکیم است. خداوند به مردان و زنان مؤمن بهشت را وعده داده است که در زیر آن جویبارها روان است و در آن جاودانه اند، و نیز مسکن های پاکي در بهشت جاودان به آنان وعده داده است، و خوشنودي خداوند بسی بزرگتر است، این همان پیروزي بزرگ است. واقعاً مؤمنانی که متّصف به صفاتی که در آیات فوق بیان شد که عبارت از کمک و همکاری در امر بمعروف، نهی از منکر، نمازگذاری، ادای زکات، فرمان برداری از خدا و رسولش در همه امور در جمیع احوال است مشمول رحمت الهی می شوند.

امام شوکانی- رحمه الله - می گوید: «ثُمَّ ذَكَرَ تَفْصِيلَ مَا يَدْخُلُ تَحْتَ الرَّحْمَةِ إِجْمَالًا، بِإِعْتِبَارِ الرَّحْمَةِ فِي الدَّارِ الْآخِرَةِ». فَقَالَ: وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ<sup>1</sup>.

بعداً الله تعالى تفصیل آنچه در آیه قبلی در تحت رحمت داخل است باعتبار آخرت که اجمال بود بیان کرد پس فرمود، وعده الله تعالى برای همین گونه مؤمنین چه مردان باشد و یا زنان باغها یست که از زیر آن باغها نهرها جاریست، همیشه در آن جنت هستند، جایهای پاک و خوشایند در جنت عدن که نام یکی از جنتها است، رضامندی الله - سبحانه - که اندک آن بزرگترین چیز است .

۱- ترغیب به رحمت (جنت) بعد از توبیخ (سرزنش) نسبت به عقیده، افعال، و اقوال زشت.

{ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ، وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ، وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَّا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ }، سورة التوبة: 97، 98، 99.

ترجمه: بادیه نشینان، کفر و نفاقشان بیشتر است، و سزاوارترند که حدود و قوانین چیزی را که خدا بر پیامبرش نازل کرده است ندانند، و خداوند دانا و حکیم است، و از بادیه نشینان کسانی هستند که آنچه را انفاق می کنند زیان می شمارند و برای شما در انتظار بلا یا و مصایب هستند، پیشامد ناگوار و مصیبت بر آنان باد، و خداوند شنوای داناست، و از بادیه نشینان کسانی هستند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و آنچه را که انفاق می کنند مایه نزدیکی به خدا و سبب دعاهاي پیامبر می دانند، هان! بی گمان آن

<sup>1</sup> - فتح القدير، 2 / 435.

برایشان مایهٔ نزدیکی به خداست، خداوند آنان را به رحمت خویش درخواهد آورد، همانا خداوند آمرزنده و مهربان است، الله تعالی درین آیات اولاً بیان عقیده، افعال، و اقوال منافقت آمیز اعراب (بادیه نشینان را نموده و بعداً بیان افعال و اقوال خوب شان را نموده و وعده دخول در رحمتش (جنت) را نمود، که آنها را بسبب اعمال خوب شان مورد رحمت قرار می دهد.

ابن جریر - رحمه الله - می گوید: « سیدخلهم الله فیمن رحمه فأدخله برحمته الجنة (إن الله غفورٌ) ، لما اجتموا (رحیم)، بهم مع توبتهم وإصلاحهم أن یعذبهم »<sup>1</sup>.

الله تعالی زودبست که آنان را به رحمت خود داخل جنت شان نماید، الله تعالی غفور است جرم انجام داده شان را می آمرزد، رحیم است به آنان البته به همراهی توبه و اصلاح شان عذابشان نمی دهد.

### مطلب دوم: اختصاص رحمت برای مؤمنان در دنیا و آخرت

درین مطلب رحمت الله تعالی در روز آخرت خاص برای مؤمن بیان می شود، طوریکه در مطالب فوق اشاراتی صورت گرفت رحمت الله تعالی دربرگیرنده همه مردم است، چه مؤمن باشد چه کافر، از رحمت الله تعالی بالای کافران اینست که در دنیا تا آخرین مرحله عذابشان نمی دهد، بلکه آنان را تا وعده حق مؤخر می سازد.

مثل، {وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ} ، سورة الحج :47.

ترجمه: و با شتاب عذاب را از تو می طلبند، و خداوند هرگز خلاف وعده نمی کند، و نزد پروردگارت یک روز مانند هزار سالی است که (شما می شمارید و) به حساب می آرید.

در قرآن کریم ثابت است که کفار مکه بارها عذاب خواستند، لیکن الله تعالی به رحمت خود که رحمن است و حکمتش که حکیم است فوراً آنان را معذب نساخته بلکه بدست مؤمنان خصوصاً پیامبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - گاه گاه معذب شان ساخت.

این یکی از خصوصیت پیامبر آخر الزمان - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - است که الله تعالی همهٔ مردم را در پیش چشم او هلاک نکرده بلکه در جنگ و پیکار مغلوب و زبون شان می سازد، سپس به دخول در اسلام امن و امان

<sup>1</sup> - تفسیر طبری ، 14 / 434.

بدست می آورند، و یا بدست مسلمانان کشته و یا خوار و ذلیل می شوند، یا اینکه دلیل به بقای کفار همان استغفار آنان است، هر چند مشرک بودند لکن در اکثر اوقات التجا به الله - سبحانه - می کردند، که از الله تعالی مغفرت می خواستند<sup>1</sup>.

{وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حَجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ، وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ} ، سورة الانفال : 32، 33.

ترجمه: و به یاد آور آنگاه که گفتند: بار خدایا! اگر این حق از جانب تو است، از آسمان سنگ هایی بر ما بباران، و یا ما را به عذابی دردناک گرفتار ساز، و تا تو در میانشان هستی خداوند آنان را عذاب نمی دهد، و نیز در حالیکه آنان آمرزش می خواهند خداوند ایشان را عذاب نمی نماید.

از رحمت الله تعالی اینست که روزی کفار را بسبب کفرشان منع نکرده بلکه گاهی در ثروت و دیگر چیزهای دنیا از مؤمنان برتری دارند.

اگر متوجه دعای ابراهیم - علیه السلام - و جواب ذات باری تعالی شویم میدانیم که رحمت الهی از هر لحاظ در دنیا کافر و مؤمن را در بر می گیرد.

مثل، {وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ} ، سورة البقرة : 126، .

ترجمه: و چون ابراهیم گفت: پروردگارا! اینجا را شهر امن بگردان و از اهلش هر آن کس که به خدا و روز آخرت ایمان آورد از میوه ها به او روزی ببخش. خداوند فرمود: و هر کس که کفر ورزد او را مدت اندکی بهره مند می گردانم سپس او را به عذاب آتش ناچار می سازم که بد سرانجامی است.

اینجا ابراهیم - علیه السلام - از الله تعالی تنها برای مؤمنان امنیت و روزی و دیگر خیر را می خواهد، لیکن الله تعالی در آن امنیت و روزی دنیای کفار را هم شامل می کند و می فرماید: {وَمَنْ كَفَرَ}

1- برجیده از تفسیر ابن کثیر، 4/ 49.

شاعری فرماید:

وگر ترک خدمت کند لشکری .. شود شاه لشکرکش ازوی بری.

ولیکن خداوند بالا و پست .. به عصیان در زرق بر کس نبست<sup>1</sup>.

درقرآن کریم آیات بسیاری آمده که دلالت می کند بر عموم رحمت الهی در دنیا بالای همه مؤمن و کافر و سپس تخصیص آن در آخرت تنها بالای مؤمن است و بس، البته تذکیر رحمت برای مؤمن بخاطر یاد آوری آخرت و برای کافر بخاطر اعتراف به نعمتهای الله تعالی باشد که ذریعه هدایتشان شود.

رحمن و رحیم بودن الله تعالی در { بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ }، در آیه سوم سوره فاتحه، در آیه: 162، سورة البقرة { وَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ }، در آیه: 30، سورة النمل { إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ }، آمده است<sup>2</sup>.

همچنین در سوره های دیگر گاهی تنها لفظ رحمن و گاهی لفظ رحیم آمده است، لیکن همه اینها دلالت می کند بر همان تعمیم رحمت الله تعالی در دنیا و تخصیص آن در آخرت .

۱- {وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ}، سورة آل عمران : 129، ترجمه: آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، هرکس را که بخواهد عفو می کند و هرکس را که بخواهد عذاب می دهد و خداوند آمرزگار و مهربان است.

۲- {اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} ، سورة المائدة : 98.

ترجمه: بدانید که خداوند دارای کیفر سخت است و در عین حال آمرزنده و مهربان است.

ابن جریر می گوید: وهو غفور لذنوب من أطاعه وأناب إليه، فساتر عليه، وتارك فضيحه بها، رحيم به أن يعاقبه على ما سلف من ذنوبه بعد إنابته وتوبته منها<sup>3</sup>.

<sup>1</sup>- بوستان سعدی، دفتر اول: بیت، 12، 13.

<sup>2</sup>- برچیده از تفسیر کبیر، 4 / 144، = البحر المحیط، 2 / 77.

<sup>3</sup>- تفسیر طبری، 11 / 95.

یعنی الله تعالى مغفرت کننده گناهان است اگر کسی باشد رجوع کند و پوشاننده گناهان در دنیا، و به سبب گناهان گذشته کسی را معاقبه نمیکند.

۳- {وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ} ، سورة الأنعام: 165.

ترجمه: و او خدایی است که شما را جانشینان در زمین قرار داده است، و برخی را بر برخی دیگر درجاتی بالاتر برد تا شما را در آنچه که به شما داده است بیازماید. همانا پروردگارت زود کیفر است و همانا او آمرزنده و مهربان است.

۴- {وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ} ، سورة الأعراف: 167.

ترجمه: و آنگاه که پروردگارت اعلام کرد که تا روز قیامت کسانی را بر ایشان خواهد گماشت که سخت ترین عذاب را به آنان بچشانند، بی گمان پروردگارت زود کیفر است. همانا او آمرزنده و مهربان است.

۵- {وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ} ، سورة يونس: 107.

ترجمه: و اگر خداوند زبانی به تو برساند هیچ کس جز او نمی تواند آن را برطرف گرداند، و اگر خیری در حق تو بخواهد هیچ کس نمی تواند فضلش را از تو برگرداند، آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می رساند و او آمرزنده و مهربان است.

الله تعالى غفور ورحيم است یعنی در آخرت و آن هم خاص برای مؤمنان، سمرقندی می گوید: وهو الغفور في الآخرة، للمؤمنين، الرحيم بقبول حسناتهم<sup>1</sup>.

یعنی الله تعالى غفور است در آخرت برای مؤمنان ورحيم است که اعمال پسندیده آنان را می پذیرد.

۶- وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ، وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ، وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا لِيُبْلِيَ الْأَنْفُسَ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ} ، سورة النحل آیه 5، 6، 7.

1- بحر العلوم، 2/ 135.

ترجمه: و چهارپایان را برای شما آفریده که در آنها برایتان وسیله گرما و بهره هایی دیگر است، و از آنها می خورید، و برایتان در آنها زیبایی است و قتیکه آنها را (شامگاهان از چرا) باز می آورید و آنگاه که آنها را (بامدادن به چرا) روانه می کنید، و بارهایتان را به شهر و سرزمینی حمل می کنند که جز با رنج فراوان بدان نمی رسید، بی گمان پروردگارتان روف و مهربان است.

الله تعالی رؤف ورحیم است یعنی در دنیا، سمرقندی می گوید: «لا یعجل علیهم بالعقوبة»<sup>1</sup> یعنی در دنیا به سبب ناسپاسی شان عذاب نمی دهد.

۷- {وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ} ، سورة النحل : 18.

ترجمه: و اگر بخواهید نعمت های خداوند را بشمارید نمی توانید آن را بشمارید، بی گمان خداوند آمرزنده مهربان است.

یعنی الله تعالی رحیم است در دنیا، «إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ أَي حَيْثُ يَتَجَاوَزُ عَنِ التَّقْصِيرِ فِي أَدَاءِ شُكْرِهَا، وَلَا يَقْطَعُهَا عَنْكُمْ لِتَفْرِيطِكُمْ»<sup>2</sup>.

یعنی الله از کوتاهی شما در اداء شکر می گذرد، و به علت کوتاه آمدن شما روزیش را قطع نمی کند.

۸- {رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا} ، سورة الإسراء : 66.

ترجمه: پروردگارتان آن (خدایی) است که کشتیها را در دریا برایتان روان می کند تا از فضل او بجوید، بی گمان او (نسبت) به شما مهربان است.

امام فخرالدین رازی می گوید: «والمراد من الرحمة منافع الدنيا ومصالحها»<sup>3</sup>.

یعنی اینجا مراد از رحمت منافع و مصالح دنیا است، معلوم شد که رحمت دنیای مراد است.

۹- أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُفٌ رَحِيمٌ} ، سورة الحج : 65.

1- بحر العلوم، 2/ 276.

2- محاسن التأويل، 6/ 36.

3- تفسیر کبیر، 21/ 9.

ترجمه: مگر نمی بینی که خداوند آنچه را در زمین است، و کشتی ها را که به فرمان او روان اند برایتان مسخر گردانید، و (خداوند) نمی گذارد آسمان بر زمین فرو ریزد، مگر به اذن و خواست خودش؟! همانا خداوند نسبت به مردم بخشاینده و مهربان است.

۱۰- { وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ، لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسَفِّئَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا } ، سورة الفرقان : 48، 49.

ترجمه: و اوست ذاتی که پیش از رحمتش (باران) بادهای را مژده آور فرستاد، و از آسمان آب پاک نازل کردیم، تا با آن (آب) سرزمین مرده را زنده گردانیم، و چهارپایان و مردمان بسیاری را که آفریده ایم بنوشانیم.

۱۱- { وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ } ، سورة الشعراء : 9، یعنی و بی گمان پروردگارت توانا و مهربان است.

۱۲- { أَمْ نَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَّيْلٍ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَيْهَ مَعَ اللَّهُ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ } ، سورة النمل : 63.

ترجمه آیا بت ها بهترند یا خداوندی که شما را در تاریکی های بیابان و دریا رهنمود می کند، و خداوندی که پیش از (باران) رحمتش بادهای را مژده رسان می فرستد، آیا معبودی دیگر با خدا هست؟ خداوند از آنچه شریک وی می سازید برتر است.

۱۳- { وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } ، سورة القصص : 73،

ترجمه: و از رحمت خود شب و روز را برایتان مقرر داشت تا در آن بیارامید و فضل خدا را بجوئید و باشد که سپاس بگذارید.

۱۴- { وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَقِرُونَ } ، سورة الروم : 21،

ترجمه: و از نشانه هایش آن است که از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنار آنان بیارامید و درمیانتان دوستی و مهربانی مقرر داشت، بی گمان در این نشانه هایی است برای گروهی که می اندیشند.

۱۵- { وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } ، سورة الروم : 46،

ترجمه: و از نشانه هاي او آن است که بادهای را به عنوان مژده رسان می فرستد تا از رحمت خود به شما بچشاند و کشتی ها هم با اجازه و اراده او به حرکت درآیند و تا از فضل او بجویید و سپاس گزار باشید.

۱۶- {فَأَنْظِرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِ الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} ، سورة الروم : 50.

ترجمه: پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از پژمرده شدنش زنده می گرداند؟! بی گمان این (خدا) زنده کننده مردگان است و او بر هر کاری تواناست.

۱۷- {اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ} ، يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ، ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ} ، سورة السجدة : 4، 5، 6.

ترجمه: خداوند ذاتی است که آسمان ها و زمین و آنچه را که در میان آن دو است در شش روز آفرید، سپس بر عرش بلند و مرتفع گردید، جز او هیچ دوست و شفاعت کننده ندارید، آیا پند نمی پذیرید؟

او امر را تدبیر می نماید، و این اوامر از آسمان به سوی زمین فرود می آیند، سپس در روزی که اندازه آن هزار سال هایی است که شما می شمارید به سوی او بالا می روند، او خداوندی است آگاه از پنهان و آشکار (و) چیره و مهربان است.

۱۸- {مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ} ، سورة فاطر : 2.

ترجمه: رحمتی که خداوند برای مردم می گشاید هیچ کس نمی تواند آن را باز دارد، و آنچه را باز دارد هیچ کس نمی تواند بعد از او آنرا روانه کند.

۱۹- {وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ، إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعاً إِلَى حِينٍ ، وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} سورة يس : 43، 44، 45.

ترجمه: و اگر بخواهیم آنان را غرق کنیم آنان فریاد رسی ندارند و نجات داده نمی شوند، مگر اینکه رحمت ما باشد و تا زمانی بهره مند شوند، و هنگامی که به آنان گفته شود از آنچه پیش روی شماست و از آنچه که پشت سرتان است پروا کنید تا به شما رحم شود.



۲۰- {الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ، رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنِ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ} ، سورة غافر: 7، 8، 9.

ترجمه: کسانی که عرش را حمل می کنند و آنان که پیرامون (عرش) هستند به ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان طلب آمرزش می کنند (و می گویند: پروردگارا! مهربانی و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است، پس آنان را که توبه کرده اند و از راه تو پیروی نموده اند بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ حفظ کن، پروردگارا! و آنان را به باغ های همیشه ماندگار بهشتی داخل گردان که به ایشان وعده داده ای (نیز) هرکس از پدران و همسران و فرزندانشان را که درستکارند (به همان بهشت داخل گردان) بی گمان شما چیره و باحکمت هستی، و آنها را از بدی ها ننگه دار، و هرکی را در آن روز از کیفر بدی ها ننگه داری واقعاً به او رحم کرده و این است کامیابی بزرگ.

۲۱- {وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ} ، سورة الشوری : 28.

ترجمه: و اوست که باران را نازل می کند پس از آنکه (مردم) نا امید شدند و رحمت خود را می گسترانند و اوست کارساز ستوده.

۲۲- {يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئاً وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ} ، سورة الدخان: 41، 42.

ترجمه: روزی که هیچ دوستی از دوستی (دیگر) چیزی را دفع نکند و آنان یاری نمی کردند. مگر کسیکه خدا به وی رحم کند که بی گمان او (خدا) توانو مهربان است.

۲۳- {هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفاً أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُ وَلَوْ لَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً} ، سورة الفتح : 25.

ترجمه: اینان همانهایی هستند که کفر ورزیدند و شما را از مسجد الحرام بازداشتند و نگذاشتند قربانی هایی که با خود داشتند به جایگاهش برسد، و اگر مردان و زنانی مؤمن (و مستضعف مکه) نبودند که آنان را نمی شناسید (و ممکن بود) پایمالشان کنید آن گاه نادانسته درباره آنان رنجی به شما می رسید

(خداوند هرگز مانع این جنگ نمی شد) تا خداوند هر که را بخواهد غرق رحمت خویش سازد، اگر (کافر و مؤمن) از هم جدا بودند قطعاً کافران را به عذاب دردناکی گرفتار می کردیم.

۲۴- {قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ، قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ} ، سورة الملك : 28، 29.

ترجمه: بگو: به من خبر دهید اگر خدا من و همراهانم را نابود کند و یا به ما رحم نماید آن گاه چه کسی کافران را از عذاب دردناک در پناه خود می دارد؟ بگو: او (خدا) رحمان است، به او ایمان آورده و بر او توکل کرده ایم، پس خواهید دانست که چه کسی در گمراهی و سرگشتگی آشکار است.

۲۵- {وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا، يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا} ، سورة الدهر: 30، 31.

ترجمه: خداوند هر کس را بخواهد مشمول رحمت خود می گرداند، و برای ستمکاران عذاب دردناکی را فراهم ساخته است.

### مطلب سوم: رحمت صفات و افعال انبیاء و صلحاء است

طوری که در مطلب اول همین فصل (فصل دوم) بیان شد انبیاء - علیهم السلام - متّصف بصفات رحمت بودند. درین مطلب بیان این می شود که رحمت نه تنها صفات انبیاء - علیهم السلام - و صفات صلحاء بوده بلکه مکلفیت ایشان به رحم و ترحم را در ضمن باید شناخت، که انبیاء و صلحاء هم متّصف به این صفت حمیده و نیکو وهم مکلف هستند.

پس رحمت همچنانیکه صفت از صفات الله تعالی بوده و برای بعضی از بنده گانش من جمله انبیاء و صلحاء بخشیده است هم صفت شایسته برایشان بوده وهم بر آن مکلف می باشند<sup>1</sup>.

مثل وجود اعضاء از قبیل دست، پای، چشم، گوش، و غیره اعضاء در بدن انسان که وجود اینها برای انسان علاوه بر اینکه به نفع انسان است به آن هم انسان برا ایشان هر روز تا بقای حیات نیازمیرم دارد.

<sup>1</sup> - برچیده از مدارج السالکین، 3، 282.

آیاتیکه درباره متّصف بودن انبیاء و صلحاء آمده همه دلالت بر این می کنند که انبیاء و صلحاء اشخاص بارحم هستند و رحم می کنند و باید رحیم باشند.

۱- حقیقت رحمت الهی را در اخلاق پیغمبر - صلی الله علیه و سلم- و سرشت گزیده و مهربان و آرام لطف او مجسم می بینیم، {فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ} ، سورة آل عمران : 159.

ترجمه: به سبب رحمت خداست که با آنها نرمش نمودی، و اگر درشت خو و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند، پس، از آنها درگذر، و برای آنان طلب آمرزش کن و در کارها با آنان مشورت نما، و هرگاه تصمیم به کاری گرفتی بر خداوند توکل کن، بی گمان خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.

امام رازی در ذیل تفسیر این آیه می گوید: «لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ أَلْفَى فِي قَلْبِ عَبْدِهِ دَاعِيَةَ الْخَيْرِ وَالرَّحْمَةَ وَاللُّطْفَ لَمْ يَفْعَلْ شَيْئًا»<sup>1</sup>.

یعنی اگر الله تعالی در دل بنده خود اسباب خیر، رحمت، و لطف را نیندا زد بنده هیچ کاری را کرده نمیتواند.

واقعاً اخلاق خوب یک رهبر دینی مردم را به سوی دین فرا می خواند ولی بالمقابل اخلاق بد یک رهبر دینی مردم را از دین گریزان می نماید.

ببین: پیامبر- صلی الله علیه و سلم- حتّی در شرائط دشواریکه عبارت ازنا فرمانی (ترک سنگریکه بدان مأمور شده بودند) و سپس گریز از میدان جنگ بود که این کارشان منجر به شهادت ده هاتن از لشکریان اسلام انجامیده و مسلمین نتوانستند سپاه مشرکین را ضربه کوبنده برپیکرشان بزنند و ظاهراً مشرکین ادّعی پیروزی را داشتند، اگر در همین حالت بجای پیامبر- صلی الله علیه و سلم- پادشاهی یا امیری دیگری می بود، چه عکس العملی را در مقابل لشکریان و همقطاران خود انجام می داد؟.

اگر اندکی به کتب تواریخ مراجعه کنیم از معامله پادشاهان با سربازان شان آگاه می شویم که کمترین سرپیچی در روز پیکار به چه سرنوشتی شومی آنان را روبرو می ساخت.

1- تفسیر کبیر، 9 / 405.

اما پیامبر اسلام- صلی الله علیه و سلم-، با وجود یکه تلی این روز (هزیمت درأحد) را کاملاً احساس می کرد، و می توانست که آنان (همان ترک کننده گان سنگر) را مجازات کند و یا از آنان بیزاری جوید.

ولی رحمت الهی پیامبر و سپس امتیانش را پوشانیده و بسبب همین رحمت پیامبر اسلام راه نرمی و نرم رفتاری را بجای انتقام و مجازات اختیار نموده و نگذاشت که مسلمین از رحمت بخشیده پروردگارش محروم شوند، الله تعالی در قرآن کریم پیامرش را به صفت نیک و نکوی یاد نموده و اینکه پیامبر خیلی مهربان است، تند خوئی و سنگ دلی در ضمیر او جای و گنجایشی ندارد.

گذشته از آن الله تعالی آنها را مورد عفو خویش قرار داده و پیامرش را دستور می دهد که بسبب این رحم دلی و نرم مزاجی ات نه تنها آنان را مورد عفو خویش قرار مید هی، بلکه از الله تعالی برایشان آمرزش خواسته و در بزرگترین کارها به همراهی آنان مشوره می نمائی.

این گذشت پیامبر اسلام - صلی الله علیه و سلم- به برکت رحمت الهی و امر الله تعالی در مشورت گیری از آنان در حقیقت خطائیکه آنان مرتکب شده بودند به کلی بباد فراموشی سپرده شده و گویا که هیچ نوع خطای را مرتکب نشده باشند، و این از بزرگترین رحمت الهی بر پیامبر و امتیانش می باشد.

و این اخلاق پیامبر - صلی الله علیه و سلم- بود، که کامل ترین اخلاق می باشد، و با برخورداری از این اخلاق منافع بزرگی به دست می آید، و زیانهای زیادی از آدمی دور می شود، پس آیا کسی که به خدا و پیامبرش ایمان دارد و ادعای پیروی از پیامبر را می نماید شایسته است که سرباز مسلمانان باشد، و اخلاق تند و درشت، و سنگ دلی داشته باشد، و سخنان زشت و نفرت انگیز بر زبان براند؟! و اگر معصیت و گناهی از مسلمانی سر بزند یا نوعی بی ادبی بکند، باوی قطع رابطه نماید، و از او متنفر شود و هیچ نرمش و ادبی نداشته باشد.

و از این طرز رفتار، مفساد زیادی به وجود آمده و منافع کثیری از بین رفته است، که خدا می داند! با وجود این کسانی یافت می شوند که هر کس را که متصف به صفت های پیامبر باشد تحقیر می کنند و بسا او را به نفاق و سازش متهم نموده و خودشان را والا مقام جلوه داده و از کار خود راضی، و دچار خود پسندی می شوند.

اشتباه و یا غلط فهمی نشود، از مضمون آیه مبارکه این بر نمی آید که مجاهد و یا غیر مجاهد اگر مرتکب هر جرم و جنایتی شوند با ید امیر مؤمنان از جرم آنان چشم پوشی نماید، هرگز نه: بلکه معنا و مقصود اینست که حتی الامکان مرتکبین اعمال بد را به پند و نصیحت نیک می توان مسیر شان را تغییر داد.

وبعد از توبه نمودن و دست کشیدن از اعمال بد شان نه تنها آنان را مورد طعن، نفرت، و سرزنش قرار نداده بلکه از آنان قطع را بطنه هم نکنند.

ابن جریر - رحمه الله - می گوید: «فتأویل الکلام: فبرحمة الله، یا محمد، ورافته بك وبمن آمن بك من أصحابك "لنت لهم"، لتبأعك وأصحابك، فسُهلّت لهم خلافتك، وحسنت لهم أخلاقك، حتى احتملت أذى من نالك منهم أذاه، وعفوت عن ذي الجرم منهم جرمه، وأغضيت عن كثير ممن لو جفوت به وأغلظت عليه لتركك ففارقك ولم يتبّعك ولا ما بُعثت به من الرحمة، ولكن الله رحمهم ورحمك معهم، فبرحمة من الله لنت لهم»<sup>1</sup>.

یعنی پس بسبب رحمت الهی و مهربانی شدید او به تو و مؤمنان اصحاب تو بود که تو برای پیروان و اصحابت نرمی کردی پس آسان شد خوی های تو و به آنان خوش اخلاقی نمودی تا اینکه انواع تکالیف آنان را تحمل نمودی و از جرم مجرمان گذشت نمودی و از بسیار چیزها چشم پوشیدی از کسانی که اگر به آنان جفا می نمودی (می آزدی) و سختی می نمودی تو را خواهد ترک می کردند و پیروی از تو و آن رحمتی که بدان فرستاده شده بودی نمی کردند لیکن الله تعالی آنها و تورا همه تان را مورد رحمت خویش قرار داد تا که به آنان نرمی را اختیار نمودی.

۲- منت نهادن الله تعالی بر بنده گانش و کمال اخلاق پیامبر - صلی الله علیه و سلم -:

{لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ} ، سورة التوبة : 128 ، 129 .

ترجمه: بی گمان پیامبری از خودتان به سوی شما آمده است، رنج و مصیبتی که به شما برسد بر او گران و دشوار می آید، به شما علاقه مند است، و نسبت به مؤمنان دارای لطف فراوان، و بسیار مهربان است، پس اگر روی گردان شوند، بگو: خدا مرا کافی و بسنده است، هیچ معبود به حق جز او نیست بر او توکل نموده ام و او پروردگار عرش بزرگ است.

حقیقتاً الله تعالی نعمت خود را بر بندگان مؤمنش یادآور می شود مبنی بر اینکه پیامبر امی را در میان آنان مبعوث گرداند، پیامبری که حالت او را می دانند و می توانند از او فرا بگیرند، و از فرمان بردن از او دچار مشقت نمی شوند، و او برای آنان بسیار خیرخواه است و در راستای تامین منافع شان تلاش می نماید، اگر به زنده گی و کارکرد های جهانیان از گذشته تا حال نظر کنیم، درمی یابیم که پادشاهان،

<sup>1</sup> - تفسیر طبری، 7 / 341 .

امیران، سرداران، و امثالهم، یا اشخاصی بودند که تا توانستند بالای رعیت ظلم و استبداد نمودند، و اگر ظلم هم نکردند، لیکن رعیت را بحال خویش رها نموده، حتی کوچکترین کمک و همکاری برایشان نمودند، بلکه اکابیر و سرشناسان در نعمتهای افزونی بسر می بردند، ولی رعیت حتی از گرسنگی جان میداد، کسی به دادش نمیرسید.

امروز قوانین و رسوماتیکه در اکثر جاهای دنیا حاکم است، اگر چه به اصطلاح خودشان ادعا دارند که گویا توانستند مردم را در امن و امان نگه دارند، و قانون پذیری و مساوات را نافذ نموده اند، لیکن آشکارا دیده می شود که درین میان هزاران کس از حقوق انسانی خود مادم الحیات محروم شدند، آبرو و حیثیت شان زیرپاشده، اصلاً در جمع انسان شمرده نمی شوند، بلکه در اوقات حیوانات را بالای شان برتری داده می شود، و اگر صدای خود را بلند کند برایش گفته می شود که قانون است، و از قانون گریخته نمی شود، شخص در حالیکه شدیداً مظلوم قرار گرفته به آن هم خود را ملامت پنداشته و سرزنش نموده و همان ظلم را در حق خودش روا می داند، در حالیکه مطابق به همان قانون، نه کدام عطوفت و مهربانی همایش بخرچ داده شده، و نه کوچکترین رحم و ترحمی در حقش صورت گرفته، و نه هیچ اعتنای به کرامت و شرافت انسانیش بکار برده شده است.

اما پیامبر بزرگوار اسلام - صلی الله علیه و سلم - از همچون جهانیان بطور کلی تفاوت داشت، نه تنها بر کسی کوچکترین ظلم و ستمی را روا دار نبود، بلکه با فقیران نشست و برخاست نموده و به آنان غذا میخورد، حال و احوال مستضعفین و درمانده گان گاهی هم از وی فراموش نمی شد، و چگونه که در آیه فوق الله تعالی خود صفتش را بیان نمود، ایشان در خیر و صلاح مردم می کوشید، و به اندازه توان خود برای رساندن خیر به مردم از هیچ نوع تلاشی دریغ نمی ورزید، و سعی می نمود که مردم را براه هدایت کشانده، و شر را از شان دور نماید، و بسیار مهربان بود، یعنی بسیار زیاد نسبت به مؤمنان مهربان بود.

حتی از پدر و مادرشان نسبت به آنان مهربان تر بود، بنابراین حق او بر سایر حقوق مقدم است و بر امت واجب است که به او ایمان بیاورند، و او را تعظیم و احترام و یاری کنند، و اخلاق، کردار، و مهربانی او را سرمشق زنده گی خود قرار دهند.

۳- رحمت الهی سبب می شود تا انسان به دانش فراوانی نائل شود.

{ فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلْمَانًا مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا } ، سورة الكهف : 65.

ترجمه: پس بنده از بندگان ما را یافتند که از نزد خود رحمتی به او داده و از جانب خویش علمی به او آموخته بودیم.

الله تعالی درینجا اولاً بخشیدن رحمت و سپس بخشیدن علم را بیان می کند.

رحمت الهی سبب می شود تا انسان علوم فراتر از علوم شرعی و علوم طبیعی را نائل شود، چنانچه برای خضر- علیه السلام - بواسطه رحمت الله تعالی برایش این انواع علوم داده شده بود، که از آیات بعدی معلوم می گردد.

۴- ذوالقرنین قوت و قدرتش را مربوط به رحمت الهی میدانست، { قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا، قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا، أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا ، فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ، قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا } ، سورة الكهف : 94، 95، 96، 97، 98.

ترجمه: گفتند: ای ذوالقرنین! همان یاجوج و ماجوج در این سرزمین تبهارند، پس آیا (راضی هستی) که برای تو هزینه مقرر کنیم به شرط آنکه میان ما و ایشان سدی بسازی؟ گفت: آنچه پروردگارم (از ثروت و نیرو و قدرت) در اختیار من گذاشته، بهتر است، پس مرا یاری کنید تا میان شما و ایشان سد بزرگ و محکمی بسازم، قطعات آهن را برای من بیاورید، تا آنگاه که بین دو کوه را برابر کرد، گفت: در آن بدمید، تا آنکه (آهن) را آتش نمود، گفت: مس گداخته شده بیاورید تا بر آن بریزیم، پس نتوانستند از آن بالا روند و (نیز) نتوانستند سوراخی در آن پدید آورند، گفت: این رحمتی از سوی پروردگار من است، و هرگاه وعده پروردگارم فرا رسد آن را ویران و با زمین یکسان می کند، و وعده پروردگارم حق است.

ببین: ذوالقرنین علاوه بر اینکه اقتدار حکم روائی روی زمین را داشت، و می توانست به هر نقطه که مردمان از امر و فرمانش سرکشی می کرد، بر آنان تاخته و در ساعتی تارومار نماید.

قدرتی دیگری همچون سدّ (بند یا مانع) در میان مفسدین روی زمین و مردمان ن بسازد و مانع ورود این قوم مفسد بنام یاجوج و ماجوج به روی زمین گردد که این نوع سدّ را نه هیچ قدرتی پیش از او ساخته بود، و نه بعد از او کسی ساخته است.

واقعا سبب نجات مردم از شرّ روزافزون توسط این قوم شد، و موقّیت و کامیابی بزرگی برای خود و بنده گان الله تعالی بدست آورد، که هم دامنه فتوحاتش وسیع تر شد و هم اداره مملکت.

لیکن همان ذوالقرنین این همه موقّیت ها خصوصا سّد مذکور را ازدست آوردهای خودش نשמرد، بلکه مرهون رحمت پروردگارش دانسته و همچنین قیامت را هم فراموش نکرده بود.

زمخشری در تفسیر این آیه می گوید: «هذا إشارة إلى السد، أي: هذا السد نعمة من الله ورحمة على عباده. أو هذا الإقدار والتمكين من تسويته»<sup>1</sup>.

یعنی کلمه هذا اشاره به سّد معنیش چنین می شود که این سّد (بند) نعمت الهی و رحمت اوست بر بنده گانش، و یا اینست که قدرت و تمکین ساختن سّد از رحمت پروردگار من است، تواریخ گواه است که پادشاهان و امیران صالح، عادل همیشه و قتیکه کامیابی نصیب شان می گردید خود را به الله تعالی تسلیم نموده و زبان به شکر او میراندند.

۵- مؤمنین و مسلمین درمیا نشان نسبت به یکدیگر باید رحم و ترحم داشته باشند:

{مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا} الفتح آیه 29.

ترجمه: محمد فرستاده خداست، و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیر و در میان خود مهربانند، آنان را در حال رکوع و سجده می بینی که همواره فضل و خشنودی خدای را می جویند، نشانه ایشان بر اثر سجده در چهره هایشان نمایان است، این وصف آنان در تورات است، و اما توصیف شان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه هایش را بیرون زده و آن ها را نیرو داده و سخت نموده، پس بر ساقه های خویش راست ایستاده باشد، به گونه که کشاورزان را شگفت زده می سازد تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند، خداوند به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.

<sup>1</sup> - تفسیر کشاف ، 2 / 748.



در این آیه مبارکه الله تعالی طوریکه رحم و ترحم را در میان جماعه مسلمین به یکدیگرشان بیان می کند، لیکن چند چیزی مهمی دیگر را از این آیه مبارکه می آموزیم.

الف - محمد - صلی الله علیه و سلم- و اصحابش در مقابل کفارخیلی سخت گیر، که در هنگام نبرد هیچ گاهی در امر شرعی مراعات قومیت و یا قرابت و یا عذر و معذرتی را نمی پذیرفتند، بلکه هر آن چه که فرمان الله تعالی در موردشان بود به اجراء در می آوردند.

ولی امروز کسانی از روی نادانی و یا از روی ضدیت کفار را به دابخش تقسیم نموده ، و قومیت و قرابت را در میان آورده، کسانی را که به فلان و فلان شخص را بطه دارند مورد عفو قرار داده، ولی اشخاص ناشناس و بی واسطه به اشد مجازات محکوم می شوند.

هنگامیکه عبدالرحمن بن ابوبکر صدیق - رضی الله عنه- که از طرف مشرکین در جنگ بدر آمده بود به اسارت مسلمانان درآمد و بعداً اسلام آورد، روزی به پدرش گفت: ای پدر تو در روز بدر در تیررس من قرارگرفتی ولی از قتل تو منصرف شده و تورا نکشتم، یعنی برای اینکه پدرم بودی، ابوبکر صدیق به پسر خود در جوابش می گوید: پسرم اگر تو در تیررس من قرار می گرفتی، من تو را هدف قرار می دادم، یعنی تورا می کشتم<sup>1</sup>.

ب - محمد- صلی الله علیه و سلم- و اصحابش در میان خودشان با رحم ترین مردم بودند، با هم دیگر مهربانی می کردند و همدیگر را دوست می داشتند، همانند یک جسم و تن، و هر آنچه را برای خود می پسندیدند و دوست می داشتند برای برادرشان هم دوست می داشتند.

پیامبر - صلی الله علیه و سلم- درباره مسلمین آن چنان دلسوز و مهربان بودند که لحظه زیاد شان بیرون نبوده حتی در نمازها در حقشان دعای خیر می نمودند، خدایا! ولید بن ولید، سلمه بن هشام، عیاش بن ربیع و سایر مؤمنان مستضعفان را نجات بده!.

همچنین در حدیث منقول از اسامة و یا احادیث دیگر: {عَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ ، وَ هَذَا حَدِيثُ ابْنِ أَبِي شَيْبَةَ ، قَالَ : بَعَثَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَرِيَّةٍ ، فَصَبَّحْنَا الْحُرَقَاتِ مِنْ جُهَيْنَةَ ، فَأَدْرَكْتُ رَجُلًا فَقَالَ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، فَطَعْنْتُهُ فَوَقَعَ فِي نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ ، فَذَكَرْتُهُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

<sup>1</sup>- عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي، تاريخ الخلفاء، 33 / ، مكتبة نزار مصطفى الباز، ط، اول: 1425 هـ-2004 م.

وَسَلَّمَ : أَقَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَقَتَلْتُهُ ؟ قَالَ : قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّمَا قَالَهَا خَوْفًا مِنَ السَّلَاحِ ، قَالَ : أَفَلَا شَقَقْتُ عَنْ قَلْبِهِ حَتَّى تَعْلَمَ أَقَالَهَا أَمْ لَا ؟ فَمَا زَالَ يُكْرِرُهَا عَلَيَّ حَتَّى تَمَنَيْتُ أَنِّي أَسَلَمْتُ يَوْمَئِذٍ<sup>1</sup> .

از اسامه بن زید رضی الله عنهما مرویست که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را به منطقه حرقه از قبیله جهینه فرستاد، و ما سپیده دم مردم را در سر آبهای شان یافتیم. من و مردی از انصار یکی از آنان را تعقیب کردیم و چون به وی رسیدیم گفت: لا اله الا الله، انصاری خود را از او بازداشت و من او را به نیزه زده کشتم و چون به مدینه رسیدیم این خبر به پیامبر صلی الله علیه وسلم رسیده و به من فرمود: آیا بعد از آنکه لا اله الا الله گفت، وی را کشتی؟ گفتیم: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم او پناه جوینده بود، باز فرمود: آیا او را بعد از آنکه لا اله الا الله گفت، کشتی؟ و این سخن را به اندازه تکرار فرمود که آرزو کردم کاش پیش از این روز مسلمان نشده بودم، و در روایتی آمده که باز رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا لا اله الا الله گفت، و او را کشتی؟ گفتیم: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم از بیم اسلحه این کلمه را گفت، فرمود: آیا دلش را شق کردی تا بدانی از این سبب آنرا گفته یا نه؟ و به اندازه این سخن را تکرار نمود که آرزو کردم کاش در آن روز اسلام می آوردم.

همچنین بسیار جا های دیگری که از رحم و ترحم مسلمان در بین همدیگرشان را نقل می کند، پس چرا اقتداء به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و اصحابش نموده و نسبت به همدیگر رحم، شفقت، مهربانی نداشته باشیم.

ج - پیامبر - صلی الله علیه وسلم - با یاران شان از الله تعالی بهترین اطاعت می نمودند، چنانچه با مخلوق رویه خوبی داشتند، که برای رضا مندی الله تعالی رکوع و سجده می کردند، یعنی نماز می گذاریدند، خوبی عبادت در چهره هایشان اثر گذاشته و چهره هایشان را نورانی ساخته بود، این وصف برایشان تنها در قرآن نبود، بلکه در تورا و انجیل هم بود، مانند کشت زاری که در ابتدا کم کم ولی در آخر تعدادش بسیار وقوی (تنومند) شده همه را به تعجب در آورد.

والله تعالی برایشان و عده آمرزش و پاداش بزرگی را نموده است، همچنین اصحاب - رضی الله عنهم - همانند کشتزار بودند و همان گونه که مردم سود می رسانند و مردم همان طور که به کشتزار نیاز داشتند به آن ها نیز نیاز مند بودند.

<sup>1</sup> - صحیح البخاری، 4 / 9 ، کتاب الذیبات، باب قول الله تعالی: (وَمَنْ أَحْيَاهَا)، صحیح مسلم، 1 / 96 ، کتاب الإیمان، باب تحريم قتل الكافر بعد أن قال: لا إله إلا الله .

## مطلب چهارم: مصوون ماندن مؤمنان از گمراهی

درین مطلب اینگونه بیان می شود که الله تعالی بالای مؤمنان رحم نمود که از گمراهی نجات شان بخشید، ورنه مؤمنان هم به مثل دیگر مردمان در گمراهی بسر برده و همچون بی چشم روان در صحراء و یا بی چراغ گیرمانده در عمق تاریکی های شب سیاه بودند، یافتن راه را ست برای شان دشوار بلکه ناممکن و عمرگرانبهای خود را در راه گمی و یا باطل پرستی بسرمی بردند.

بناءً از نهایت لطف و رحمت و مهربانی های الله تعالی است که مؤمنان را از گمراهی حفاظت شان نمود، چون الله تعالی بارحم است، و نمی خواهد که بنده گان پسندیده اش هیزم دوزخ گردند، بناءً از روی فضل و مهربانی اش خواست تا از آتش سوزان دوزخ نجات شان دهد.

{ مَنْ يُصْرِفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ } ، سورة الأنعام: 16.

ترجمه: کسی که در آن روز عذاب از وی دور گردانده شود، بی گمان خداوند بر او رحم نموده، و این است پیروزی آشکار.

راجع به این موضوع آیات بسیاری آمده است که از جمله:

۱- رحمت الهی موجب دفع مضرت و جلب منفعت است، {وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَصْرِوْنَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا} ، سورة النساء: 113.

ترجمه: و اگر فضل و رحمت خدا بر تو نبود گروهی از آنان می خواستند که تو را گمراه سازند، ولی جز خودشان را نمی توانند گمراه کنند، و هیچ زیانی به تو نمی رسانند و خداوند کتاب و حکمت را بر تو نازل نمود و به تو چیزهایی آموخت که نمی دانستی و فضل خدا در حق تو و رحمت او بر تو همواره بزرگ و فراوان بوده است.

درین آیه مبارکه بیان می شود که رحمت الهی موجب دفع مضرّت شد که طائفه از خائنین دریک اقدام نا مؤفق خواستند که محمد - صلی الله علیه و سلم- را از راه راست و فیصله خداوندی منصرف کنند، ولی رحمت الهی مانع صورت گرفتن این کارشان شده و نتوانستند که به هدف شوم شان برسند<sup>1</sup>.

همچنان رحمت الهی موجب جلب منفعت شد که الله تعالی با اینکه محمد - صلی الله علیه و سلم- را ازین ورطه هول ناک نجات داد، چیز های خوبی دیگری را بطریق انعام برایش بخشید، و آن عبارت از نزول آیات احکام قرآن، تعلیم سنت، و دانستنی های دیگر از سوی الله تعالی بود.

ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: « ثُمَّ اٰمَنَ عَلَيْهِ بِتَابِيْهِ اِيَّاهُ فِيْ جَمِيْعِ الْاَحْوَالِ، وَعَصَمَتْهُ لَهٗ، وَمَا اَنْزَلَ عَلَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ، وَهُوَ الْقُرْآنُ، وَالْحِكْمَةُ، وَهِيَ السُّنَّةُ »<sup>2</sup>.

یعنی الله تعالی منت نهاد به رسولش - صلی الله علیه و سلم- که او را در همه حالات قوت بخشید، و حفاظتش نمود، و چیزهای از کتاب (قرآن) و حکمت (سنت) بالایش نازل نمود.

۲- رحمت الهی نمی گذارد تا مؤمنین راه های مختلف را انتخاب نمایند که سبب گمراهی و انحراف از راه راست شود.

{ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَلَا يَزَالُوْنَ مُخْتَلِفِيْنَ، اِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذٰلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَآمَلٰنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ }، سورة هود: 118، 119.

ترجمه: و اگر پروردگارت می خواست مردمان را یک امت قرار می داد، ولی همواره اختلاف دارند، مگر کسی که خداوند به او رحم کرده باشد، و برای این آنان را آفریده است، و سخن پروردگارت بر این رفته است که قطعاً جهنم را از همگی جن و انس پر می کنم.

درین آیه الله تعالی مهربانی می کند که رحمت من سبب شد که کسانی را از میان مردم تخصیص دهم که اختلاف در دین، کتاب، و پیامبران شان نداشته باشند، بلکه طبق راهنمایی الله و رسولش زنده گی نموده و همه احکام الله تعالی را بپذیرند.

<sup>1</sup> - برچیده از تفسیر کبیر، 11/ 216، = تفسیر طبری، 9/ 180.

<sup>2</sup> - تفسیر ابن کثیر، 2/ 410.

همچنین، { وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ } ، سورة الشورى: 8.

ترجمه: و اگر خدا می خواست آنان را یک امت می ساخت اما خدا هر که را بخواهد به رحمت خویش درخواهد آورد و ستمکاران هیچ دوست و یآوری ندارند.

مجاهد - رحمه الله - می گوید: « {إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ} «فَاتَهُمْ لَا يَخْتَلِفُونَ» {وَلِدَيْكَ خَلْفَهُمْ} خَلَقَ خَلْقًا لِلْجَنَّةِ، وَخَلْقًا لِلنَّارِ»<sup>1</sup>.

یعنی برکسانیکه پروردگار تو رحم کند آنان در دین خود اختلاف نمی کنند، و برای دخول جنت و دخول جهنم پیدایشان کرده است.

۳- رحمت الهی سبب حفاظت شخص مؤمن از شرّ نفس اماره شده و به نیل درجات بلندی در دنیا و آخرت مؤقّبتش می بخشد.

{ وَمَا أُبْرِيئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ، وَقَالَ الْمَلِكُ انْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ، قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ، وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَنْبَأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ } ، سورة يوسف آیه 53، 54، 56.

ترجمه: و نفس خود را تبرئه نمی کنم، چرا که نفس به بدی ها فرمان می دهد، مگر نفس کسی که پروردگارم بدو رحم نماید، بی گمان پروردگارم آمرزنده و مهربان است، و پادشاه گفت: او را نزد من بیاورید تا وی را از افراد مقرب و خاص خود گردانم. پس چون با او به سخن پرداخت، گفت: تو امروز نزد ما ارجمند و امانتداری. (یوسف) گفت: مرا بر خزائن این سرزمین بگمار که من نگاهدارنده دانا هستم، و بدینسان یوسف را در این سرزمین قدرت و نعمت دادیم، هر جا می خواست منزل می گرفت، ما نعمت خود را به هر کس که بخواهیم می بخشیم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی گردانیم.

<sup>1</sup> - مجاهد بن جبر، تفسیر مجاهد، 1 / 392، دار الفکر الإسلامی الحدیقه، مصر، ط، اول، 1410 هـ - 1989 م.

یوسف - علیه السلام- که وقعا از سوی الله تعالی در امتحان بزرگی قرار گرفته بود و سپس از این نوع امتحان کامیاب بدر آمد، لیکن این موفقیت ها، خصوصاً نجات یافتن از شرّ نفس اماره را که خلاصی از آن خیلی مشکل بوده، اعتراف به عجز در مقابل این دشمن خطرناک نموده، و همه را مرهون رحمت الهی دانست، بعداً الله تعالی بنده برگزیده اش را اینکه از شرّ بزرگترین دشمن نجاتش بخشیده بود، به رحمت های دیگری همچون القای محبت در دل پادشاه آن هم پادشاه مصر، گماشتن وی به مهم ترین و خطرناک ترین مأموریت، و آن مأموریت اقتصاد و ارتزاق مردم مصر بود، آن هم در مدت هفت سال، صاحب اختیار شدن در سرزمین مصر، و غیره رحمت و نعمت های فراوانی را برایش ارزانی فرمود.

خلاصه: یوسف - علیه السلام- نه تنها وزیر خزانه بلکه فرمان روای اصلی مصر را به عهده گرفت.

ابن جریر می گوید: «(يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ) ، يقول: يتخذ من أرض مصر منزلاً حيث يشاء (نصيب برحمتنا من نشاء) من خلقنا، كما أصبنا يوسف بها، فمكنا له في الأرض بعد العبودة والإسار، وبعد الإلقاء في الجب»<sup>1</sup>.

یعنی یوسف- علیه السلام- از هر جای سرزمین مصر که بخواهد جایش می دهم، شامل رحمت خود می کنیم هر کی را که بخواهیم، از مخلوق مان، چگونه که یوسف را دادیم، او را بعد از برده گی، زندانی شدن، انداختن در چاه، در زمین مصر جایش دادیم.

امام شوکانی - رحمه الله - می گوید: «يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ أَي: يَنْزِلُ مِنْهَا حَيْثُ أَرَادَ وَهُوَ عِبَارَةٌ عَنْ كَمَالِ قُدْرَتِهِ»<sup>2</sup>.

یعنی از این آیه دانسته می شود که یوسف - علیه السلام- از یک قدرت مکمل برخوردار است.

۵- از رحمت های الله تعالی اینست که وحی (قرآن) ش را از سینه مؤمنان بر نمی دارد، و رنه در بحر گمراهی غرق می شوند.

{ وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا، إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا } ، سورة الإسراء: 76، 87.

<sup>1</sup> - تفسیر طبری ، 16 / 151.

<sup>2</sup> - فتح القدیر، 3 / 43.

ترجمه: و اگر ما بخواهیم آنچه را که به تو وحی کرده ایم از میان برمیداریم، آنگاه کسی را نخواهی یافت که در این رابطه علیه ما از تو دفاع کند، مگر رحمتی از سوی پروردگارت (به دادت برسد) بی گمان فضل او در حق تو همواره بسیار است.

الله تعالی درین آیه قدرت، سپس رحمت خود را برای پیامبر و سائرنبنده گانش می فهماند، یعنی چیزیکه بر پیامبرش وحی نموده و سبب هدایت مؤمنین گردیده، می تواند در یکبار همه را از پیامبرش بگیرد، و قتیکه چنین شود، بجز گمراهی راه دیگری نمی ماند، و همه گمراه می شوند.

{ فَمَآذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ }، یونس: 32، یعنی: پس از حق جز گمراهی دیگر چیست؟.

اینکه الله تعالی با وجود قدرت کامله اش این نعمت بزرگش (وحی) را نمی گیرد، از رحمت او تعالی است.

عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - در رابطه به تفسیر این آیه می گوید: «يَطْرُقُ النَّاسَ رِيحٌ حَمْرَاءُ - يَعْنِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ - مِنْ قَبْلِ الشَّامِ، فَلَا يَبْقَى فِي مُصْحَفٍ رَجُلٍ وَلَا فِي قَلْبِهِ آيَةٌ، ثُمَّ قرَأَ ابْنُ مَسْعُودٍ: {وَلَيْنُ شِئْنَا لَنذُهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ}»<sup>1</sup>.

یعنی: در آخر زمان به مردم از طرف شام یک نوع باد سرخ رنگ وزیده، و سپس هیچ آیتی از قرآن در مصحف، و قلب کسی باقی نمی ماند، و همه فی الحال از بین میروند، بعداً ابن مسعود این آیه {وَلَيْنُ شِئْنَا لَنذُهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ} را قرائت کرد.

۶- رحمت الهی مؤمنان را از تاریکی های کفر مانع شده و اختیار در پیش گرفتن راه ایمان را برایشان آسان می سازد.

{هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا}، سورة الأَحْزَاب: 43. ترجمه: او ذاتی است که بر شما رحمت می فرستد و فرشتگانش برای شما طلب آمرزش می نمایند تا شما را از تاریکی ها بیرون آورد و به نور برساند و او نسبت به مؤمنان مهربان است.

درین مقام الله تعالی رحمت خود را برای بنده گانش بیان می کند و منت گذاری می کند که شما مؤمنان را از ضلالت بسوی هدایت فراخواند، و بسبب رحمتش شما را از تاریکی های گمراهی بسوی نیل به نور ایمان توفیق داد.

<sup>1</sup> - شعب الإيمان، 3 / 399، فصل فی إيمان تلاوة القرآن.

ابن کثیر در تفسیر این آیه می گوید: « {لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ} أَي: بِسَبَبِ رَحْمَتِهِ بِكُمْ وَتَنَائِهِ عَلَيْكُمْ، وَدُعَاءِ مَلَائِكَتِهِ لَكُمْ، يُخْرِجُكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْجَهْلِ وَالضَّلَالِ إِلَى نُورِ الْهُدَى وَالْيَقِينِ. {وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا} أَي: فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَمَّا فِي الدُّنْيَا: فَإِنَّهُ هَدَاهُمْ إِلَى الْحَقِّ الَّذِي جَهَلَهُ غَيْرُهُمْ، وَبَصَّرَهُم الطَّرِيقَ الَّذِي ضَلَّ عَنْهُ وَحَادَ عَنْهُ مِنْ سِوَاهُمْ مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى الْكُفْرِ أَوْ الْبِدْعَةِ وَأَشْيَاعِهِمْ، وَأَمَّا رَحْمَتُهُ بِهِمْ فِي الْآخِرَةِ: فَأَمَّنَّهُمْ مِنَ الْفِرَاحِ الْأَكْبَرِ، وَأَمَرَ مَلَائِكَتَهُ يَتَلَقَّوْنَهُمْ بِالْبِشَارَةِ بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةِ مِنَ النَّارِ، وَمَا ذَاكَ إِلَّا لِمَحَبَّتِهِ لَهُمْ وَرَأْفَتِهِ بِهِمْ»<sup>1</sup>.

یعنی الله تعالی بسبب رحمتش بشما مؤمنان، ستایش او بر شما، دعای فرشتگان برای شما، از تاریکی های جهل و گمراهی بسوی نور هدایت یقین شما را کشاند، و الله تعالی بالای مؤمنان رحم کرده، هم در دنیا و هم در آخرت، اما در دنیا اینکه آن حقی را برایشان رهنمائی کرد که دیگران از دانستن آن محروم اند، و بینش راه حق را نصیب شان نمود که گروه های دعوتگران بسوی کفر، بدعت، و اتباع سرکش شان آن راه را گم کرده، و از آن منحرف شده اند، و اما رحمت الله تعالی در آخرت که آنان را از فزع (هراسان) اکبر در آمن میدارد، و به فرشتگان امر می کند که آنان را به دخول جنت، و خلاصی از عذاب جهنم مژده دهند، و این همه از محبت و مهربانی او بر بنده گانش است.

### مطلب پنجم: رحمت الله متعال برای کافران بخاطر آزمایش شان

درین مطلب بیان باران رحمت بی حساب الله تعالی و نا سپاسی کافران در مقابلش بیان می شود، طوریکه آیات قرآنی بصراحت بیان می کند، کافران همیشه در مقابل رحمت بی حساب الله تعالی از ناسپاسی کارگرفته و به آن انکار و رزیدند، بدین سبب کافرشان می نامند، زیرا کافر بمعنای انکارکننده (پت و پنهان کننده) است، اینها (کفار) همه رحمتها و نعمتهای الله تعالی را پنهان و انکار نموده و همه خوبی ها را از سعی و کوشش خودشان، بدی ها و مصیبت ها را اکثراً امرطبیعی میدانند.

ولی غافل از اینکه این همه رحمت ها و نعمت های الله تعالی برایشان یک آزمایش می باشد،

{وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّه فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ}، سورة الفرقان : 111.

ترجمه: و نمی دانم، شاید آن را برایتان آزمودنی (بوده) و تا مدتی معینی بهره مندی تان باشد؟.

<sup>1</sup> - تفسیر ابن کثیر، 6 / 436.



درین مقام الله تعالی کفار را توسط پیامبرش بزرگترین تهدید نموده، و از ناگهان آمدن عذاب الهی درحین مصروف بودن به لذات و شهوات دنیا خبر می دهد، و به پیامبرش می گوید: که به آنان بگو: حتی خودم منحنیت پیامبر الهی از دوره امتحان گرفتن الله تعالی از شما و آمدن عذاب او آگاه نیستم .

و تنها جدی و یقینی برایتان گفته می توانم که عذاب الهی آمدنی است، اگر ایمان نیاورید، و خودتان را اصلاح نکنید، پس رحمت الهی برای کافران امتحان و آزمایش از سوی الله تعالی می باشد.

آیات که درین مورد در قرآن کریم آمده است، بیانگری اینست که الله تعالی گاهی به بنده اش رحمت را بعد از عذاب می آورد، و گاهی چنین می کند که بعد از رحمت عذاب را می آورد، لیکن هرکدامی ازینها امتحان بزرگی از سوی الله تعالی بالای بنده گانش خصوصاً کفار را می باشد.

۱- آوردن رحمت بعد از عذاب: {وَإِذَا أَدَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسْتَنْهَمٍ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ} ، سورة یونس 21.

ترجمه: و چون پس از مصیبت و بلایی که به مردم رسیده است رحمتی به آنان بچشانیم، آنگاه در آیات ما مکر می کنند، بگو: خداوند در مکر سریعتر است، بی گمان فرستادگان ما مکر و حيله هاي شما را می نویسند.

{وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ} ، سورة المؤمنون :آیه 75.

ترجمه: و اگر بدیشان رحم می کردیم، و رنج و زحمتی را که بدان گرفتار آمده اند برطرف می ساختیم، در سرکشی خود کورکورانه دست و پا می زدند.

{ لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُوسُ قَنُوطٌ، وَلَئِنْ أَدَقْنَا رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسْتَنْهَمٍ لَيَقُولُنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَى رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ} ، سورة فصلت : 49، 50.

ترجمه: انسان از طلب خیر خسته نمی شود، و اگر گزندی به او برسد مأیوس و ناامید است، و اگر پس از رنجی که به او رسیده است از سوی خود رحمتی به او بچشانیم قطعاً خواهد گفت: این حق من است و گمان نمی برم قیامت برپا شود و اگر (به فرض اینکه) به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، حتماً در پیشگاه او دارایی مقام و منزلت خوبی هستم، پس بی گمان کافران را به آنچه کرده اند خبر خواهیم داد و حتماً عذاب سخت و زیادی را به ایشان می چشانیم.

الله تعالی درین آیات میفرماید که کافران را اولاً بالایشان انواع عذاب، مصیبت، امراض، بی امنیتی فقر و غیره را آورده، و بعداً از انواع رحمت هایش آنان را می چشاند، تا که گناه و سرکشی را اختیار می کنند، و تا اینکه همه چیزها از یادشان فراموش شده، و دشمنی با الله را در پیش می گیرند.

الله تعالی تدبیری برایشان قبلاً سنجیده، و می خواهد که گناهانشان افزوده شود، و بدین سبب مستحق عذاب الهی شوند.

{أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ، أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ، أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَؤُفٌ رَحِيمٌ} ، سورة النحل: 45، 46، 47.

ترجمه: آیا کسانی که بد اندیشی می کنند از آنکه خداوند آنان را به دل زمین فرو برد یا اینکه عذاب الهی از جایی که نمی دانند به سراغشان بیاید ایمن گشته اند؟، یا اینکه آنان را درآمد و شدشان عذاب دهد، پس آنان نمی توانند خدا را درمانده کنند، یا آنان را در حالت بیم و هراس عذاب دهد، پس به راستی پروردگارتان روف و مهربان است.

۲- آوردن انواع عذاب بعد از سپری نمودن رحمت: {وَلَئِنْ أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَكُفُورٌ} ، سورة هود : 9.

ترجمه: و اگر به انسان از سویی خود رحمتی بچشانیم سپس آن را از او بستانیم بسی ناامید و ناسپاس گردد.

{اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلَجٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ ، فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرَحَ بِهَا وَإِنْ نُصِيبُهُمْ سَيِّئَةً بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ} ، سورة الشورى : 47، 48.

ترجمه: پیش از آنکه روزی فرا رسد که از (سوی) خدا بازگشتی ندارد (دعوت) پروردگار خود را بپذیرید، در آن روز نه پناهگاهی دارید و نه می توانید انکار کنید. اگر اعراض کنند ، تو را نفرستاده ایم که نگهبان شان باشی بر تو جز تبلیغ رسالت هیچ نیست و ما چون به انسان از رحمت خود بچشانیم شادمان می گردد ، و اگر به خاطر کارهایی که کرده است ناروایی بدو رسد ناسپاسی می کند.

الله تعالی چنین می کند که اولاً رحمت خود را منتشر نموده، سپس آن را امتحاناً از او میستاند، درین هنگام انسان بدبخت چونکه امتحان الهی را ندانسته، و از رحمت الهی نا امید می شود، که نا امیدی خود انسان را بسوی کفر می کشاند.

## مطلب ششم: وجوب انتشار رحمت در بین مؤمنان

درین مطلب بیان می شود که مؤمنین واقعی کسانی هستند که در بین همدیگر رحم و ترحم داشته، و دیگران را هم توصیه به رحم و ترحم می کنند.

{فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ، فَكُ رَقَبَةً، أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ، يَتِيماً ذَا مَقْرَبَةٍ، أَوْ مَسْكِيناً ذَا مَتْرَبَةٍ، ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ، أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ} ،  
سورة البلد : 11- 18.

ترجمه: پس به گردنه درنیامده است تو چه می دانی آن گردنه چیست؟، آزاد کردن برده است ، یا خوراک دادن در روز گرسنگی به یتیمی خویشاوند، یا به مستمندی خاک نشین ، پس از آن از کسانی است که ایمان آورده و همدیگر را به صبر و شکیبایی توصیه کرده و همدیگر را به مهربانی سفارش نموده اند، ایشان اهل سعادت اند.

از اوصاف مؤمنان همین چیزها است که الله تعالی بیان نمود، یعنی صفت مؤمن بودن در کسی می باشد که همین گونه سختی ها را تحمل، و در صحنه عمل پیاده نماید، که الله تعالی در قرآن کریم از آنها به کلمه عقبه تعبیر نموده است، زیرا عقبه در لغت عرب، راهی که بر سر کوه بالا شده را گویند.

امام شوکانی می گوید: «وَالْعَقَبَةُ فِي الْأَصْلِ: الطَّرِيقُ الَّتِي فِي الْجَبَلِ سُمِّيَتْ بِذَلِكَ لِصُعُوبَةِ سُلُوكِهَا، وَهُوَ مَثَلٌ ضَرَبَهُ سُبْحَانَهُ لِمُجَاهَدَةِ النَّفْسِ وَالْهَوَى وَالشَّيْطَانِ فِي أَعْمَالِ الْبِرِّ، فَجَعَلَهُ كَالَّذِي يَنْكَلِفُ صُعُودَ الْعَقَبَةِ»<sup>1</sup> .  
واقعاً انجام دادن همین گونه کارها به ظاهر خیلی سخت، زیرا برخلاف میل شهوت و نفس انسانی است. لیکن پا داش بزرگی دارد، و آن کارهای سخت، ولی خوب عبا رت از آزاد کردن برده، خوراک دادن به مسکینان خوار و زار است، بلکه بر مؤمنان واجب است که همدیگرشان را به صبر در مقابل سختیها و به رحمت بر بنده گان الله تعالی توصیه کنند، تا در روز قیامت از اصحاب میمنه (دست راست) قرار گیرند.

الله تعالی بالای مؤمنان توصیه به دو چیز را واجب نمود، یکی صبر و دیگری رحمت به همدیگر است، زیرا این هر دو از بهترین صفات بعد از ایمان بشمار می روند.

<sup>1</sup> - فتح القدیر، 5 / 540.

علامه ابن عاشور می گوید: «الصَّبْرُ مَلَكَ الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ كُلِّهَا لِأَنَّهَا لَا تَخْلُو مِنْ كَبْحِ الشَّهْوَةِ النَّفْسَانِيَّةِ وَذَلِكَ مِنَ الصَّبْرِ، وَالْمَرْحَمَةُ مَلَكَ صَلَاحِ الْجَامِعَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ».

یعنی صبر سرمایه اعمال صالحه است، زیرا لجام زدن در دهن شهوات نفسانی است و این بواسطه صبر بدست می آید، و هر چه مرحمت از سرمایه صلاح یک جامعه اسلامی است.

در ادامه می گوید: «وَالتَّوَصِّي بِالرَّحْمَةِ فَضِيلَةٌ عَظِيمَةٌ، وَهُوَ أَيْضًا كِنَايَةٌ عَنِ اتِّصَافِهِمْ بِالْمَرْحَمَةِ لِأَنَّ مَنْ يُوصِي بِالْمَرْحَمَةِ هُوَ الَّذِي عَرَفَ قَدْرَهَا وَفَضْلَهَا، فَهُوَ يَفْعَلُهَا قَبْلَ أَنْ يُوصِيَ بِهَا»<sup>1</sup>.

یعنی: در توصیه نمودن به رحمت خیر و فضیلت بزرگی است، و این خود کنایه از این است که کسیکه توصیه به رحمت می کند حتماً خودش هم متصف بر رحمت است، زیرا او قدر و منزلت رحمت را بدرستی درک می کند.

ظلم، استبداد، و غیره فسادی که در جامعه رخ می دهد از سبب بی رحمی است که قدر و قیمت رحم و ترحم را نمی شناسند، رسول اکرم- صلی الله علیه و سلم- می فرماید: (لَا تُنَزِّعُ الرَّحْمَةَ إِلَّا مِنْ شَقِيٍّ)<sup>2</sup>.

یعنی: رحمت بجز از قلب انسان بد بخت از قلب دیگر کسی کشیده نمی شود ، اگر به آیات فوق سوره البلد خوب دقت نمائیم درمی یابیم که رحم در بین افراد جامعه اسلامی چه معنا و از چه حیثیت و منزلتی برخوردار است؟

در حدیث شریف از رسول الله - صلی الله علیه و سلم- روایت است که حیوانات حتی در بین خود یک نوع رحم و ترحم دارند (عن أبي هريرة إنَّ لِلَّهِ مِائَةَ رَحْمَةٍ أَنْزَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَاحِدَةً بَيْنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ فَبِهَا يَتَعَاطَفُونَ وَبِهَا يَتَرَاحَمُونَ وَبِهَا تَعْطِفُ الْوَحْشُ عَلَى وَلَدِهَا وَأَخْرَ اللَّهُ تِسْعًا وَتِسْعِينَ رَحْمَةً يَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)<sup>3</sup>.

از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که خداوند صد رحمت دارد که یکی از آن را در میان جن و انس و چارپایان و گزندگان نازل فرموده ، که بدان با هم عطف و مهربانی می کنند و به اساس آنست

<sup>1</sup> - التحرير والتنوير، 361/ 30.

<sup>2</sup> - ترمذی، 323/ 4، أبواب البرِّ والصلَّةِ عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، باب ما جاء في رَحْمَةِ الْمُسْلِمِينَ، حسنه الألباني في صحيح التَّوْبَةِ وَالتَّزْهِيْبِ، 550/ 2.

<sup>3</sup> - صحيح مسلم ، 2108 / 4 ، كتاب التَّوْبَةِ، باب في سبعة رَحْمَةِ اللهِ تَعَالَى وَأَنَّهَا سَبَقَتْ عَضْبَهُ.

که حیوانات وحشی بر فرزندان شان مهربانی می نمایند و خداوند ۹۹ رحمتش را نگهداشت تا بدان در روز قیامت بندگانش را مورد مرحمت قرار دهد، وقتیکه حیوانات وحشی، خزنده گان، که دیگران از آنها احساس ترس و هراس می داشته باشند، باز هم دربین شان رحم و ترحمی وجود دارد. پس ما انسانها علی الخصوص انسانهای مؤمن چرا نسبت به همدیگر رحم نداشته باشیم؟.

درگفتار خود بایکدیگر باید رحم داشته باشیم، مثلاً رحمت الله تعالی را بسیار یاد آوری کنیم، خصوصاً درین شرائط دشوار، از یک طرف مرض و فقر، و از طرف دیگر جنگ و نا امنی، عدم وجود یک نظام اسلامی، و ده ها مصیبت دیگر افراد جامعه اعم از مرد و زن، پیر و جوان را تهدید می کند، آیا درین شرائط حساس سخنرانی های داشته باشیم، و گفتاری نمائیم که موجب نا امیدی مردم شده و همه عاقل و باطل شده، و راه اصلی را گم نمایند؟.

مثل بیان عذاب قبر در روزهای عید، گمراه خواندن همه بجز خود شخص (بغیر خود دیگر همه گمراه هستند) مزاحمت در مراسم عروسی به نام عروسی اسلامی، تکفیر (کافر شمردن) و تفسیق (فاسق شمردن)، درمسائل مختلف فیه بدون کدام دلیل از قرآن و سنت.

عقب مانده جلوه دادن مسلمین و ساده لوح خواندن آنان در محاضر عام و خاص، که العیاذ بالله از مسلمانان امروز چیزی ساخته نمی شود، کم ارزش جلوه دادن فعالیت امروزی مسلمانان، سخنان گمراه کننده درباره جدائی دین و حکومت از یکدیگر، همه این رفتارها و گفتارهاییکه ذکر شد، می تواند رحمت الهی را در اذهان مردم یک نوع محدود جلوه داده و تاحدی سبب تعطیل انجام کارهای دنیوی و اخروی میشود. پس ما من حیث اشخاص فی الجملة آگاه از رحمت الهی چه مسئولیتی را بدوش داریم؟، آیا همین گونه بمردم بیان کنیم؟

هرگز نه، بلکه بر ما لازم است که مردم از رحمت های بی پایان الله تعالی یاد آوری نموده، و نسبت به آینده مردم را امیدوار سازیم، و باید بگوئیم که پشت هر سختی آسانی های وجود دارد، دریای رحمت و فضل الله تعالی بی پایان بوده و یک قطره اش ما را بسنده است، چنانچه در حدیث شریف گذشت که الله تعالی از جمله صد ۱۰۰ رحمتش یکی را در دنیا از اول مخلوقات الی قیام قیامت فرستاد که همه مخلوقات به آن زنده گی می کنند، آیا درین عصر یک قطره از رحمت کفایت نمی کند؟.

بلکه سرتاپای همه را خواهد گرفت، هر دم توصیف امت اسلامی را درگوش مردم برسانیم که این امت طبق فرموده الله ورسولش مرحوم وکامیاب دنیا و آخرت هستند، الله تعالی درقرآن کریم درصدرآیه زیر این امت را امت وسط خوانده ودرآخرآیه رحمتش رانسبت به آنان بیان نموده است.

از { كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا } إِلَى { إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَعُوفٌ رَحِيمٌ } { إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا } ، النساء: 29.

ترجمه: همانا خداوند نسبت به شما مهربان است.

همچنین رسول اکرم - صلی الله علیه و سلم- می فرماید: «أُمَّتِي هَذِهِ أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ، لَيْسَ عَلَيْهَا عَذَابٌ فِي الْآخِرَةِ، عَذَابُهَا فِي الدُّنْيَا الْفِتْنُ، وَالزَّلَازِلُ، وَالْقَتْلُ»<sup>1</sup>.

یعنی امت من امت رحم شده است، برایشان عذابی در آخرت نیست، بلکه الله تعالی در دنیا عذاب شان می دهد که آن عذاب عبارت از فتنه ها، زمین لرزه ها، کشته شدن ها است، خلاصه: هر وقت مؤمنان را آگاهی از رحمت، توصیه به رحمت، و به آنان رفتار و افعال رحمت را انجام باید داد.

---

<sup>1</sup> - سنن ابی داود، 4 / 105 ، کتاب الْفِتَنِ وَالْمَلَاجِمِ، بَابُ مَا يُرْجَى فِي الْقَتْلِ، صَحَّحَهُ الْأَلْبَانِيُّ فِي سِلْسِلَةِ الْأَحَادِيثِ الصَّحِيحَةِ، 2 / 648.

## مبحث سوم

### ثمرات و نتایج رحمت الهی در قرآن کریم

این مبحث دارای سه مطلب می باشد:

#### مطلب اول: ثمرات رحمت الهی در عبادات

{وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ}، سورة النور: 56.

ترجمه: و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و از پیامبر اطاعت کنید تا بر شما رحم شود.

ابن کثیر در تفسیر این آیه می گوید: «يَقُولُ تَعَالَى أَمْرًا عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ بِإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَهِيَ عِبَادَةُ اللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَهِيَ: الْإِحْسَانُ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ ضِعْفَانِهِمْ وَفَقْرَائِهِمْ»

یعنی الله تعالی بنده گانش را به نماز که عبادت همان خدای لاشریک است، امر می نماید، همچنین به دادن زکات که عبارت از احسان به مردم نا توان و فقیر است امر می نماید.

در ادامه می گوید: «وَلَا شَكَّ أَنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ سَيَرَحْمُهُمْ»<sup>1</sup>.

یعنی جای شک و تردید نیست که هرکس این کار های خوب (عبادات) را انجام می دهد، البته الله تعالی آنها را مورد رحمت خویش قرار می دهد.

الله تعالی می فرماید: {وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ}، سورة التوبة: 71

ترجمه: مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند به نیکی فرمان می دهند و از، ناشایست باز می دارند، و نماز می گزارند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمانبرداری می کنند خدا اینان را رحمت خواهد کرد، خدا پیروزمند و حکیم است.

<sup>1</sup> - تفسیر ابن کثیر، 81/6.

وَأَقَامَ دَرُشَرِيعَتِ اسْلَامِي بَعْدَ از عَقَائِدِ صَحِيحِهِ "شَهَادَتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ" عِبَادَتِ دَوْمِينَ جَايْگَاهِ رَا دَارِد، عِبَادَتِ بَزْرگَتَرِينَ حَكْمَتِي اسْتِ كِهَ اللَّهُ تَعَالَى اِنْسَانَ رَا بَرَايِ هَمِينَ چيزِ آفَرِيده اسْتِ.

{وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ، مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونِ} ، سُوْرَةُ الذَّارِيَاتِ: 56، 57.

ترجمه: و جن و انسان را نيا فریده ام مگر براي اينکه مرا عبادت کنند، من از آنها روزي نمي طلبم و نمي خواهم مرا خوراک و روزي بدهند.

درين آيه الله تعالی اصل حکمت پيدایش انسان و جنّيات را بيان می کند که الله تعالی آنان را برای عبادت پيدا کرده اسْتِ.

ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: «وَمَعْنَى الْآيَةِ: أَنَّهُ تَعَالَى خَلَقَ الْعِبَادَ لِيَعْبُدُوهُ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، فَمَنْ أَطَاعَهُ جَازَاهُ أَتَمَّ الْجَزَاءِ، وَمَنْ عَصَاهُ عَذَّبَهُ أَشَدَّ الْعَذَابِ، وَأَخْبَرَ أَنَّهُ غَيْرُ مُحْتَاجٍ إِلَيْهِمْ، بَلْ هُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَيْهِ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِمْ، فَهُوَ خَالِفُهُمْ وَرَازِقُهُمْ»<sup>1</sup>.

معنای آيه اينست: اينکه الله تعالی بنده گان را آفریده تا اورا تنها، يگانه، وبدون شريك، عبادتش کنند، پس کسيکه از او فرمان برداری نمود پاداش مکمل را برايش می دهد، وکسيکه نافرمانيش کرد سخت ترين عذابش خواهد داد، و همچنين در سياق اين آيه خبر می دهد که او تعالی احتياجي به بنده گانش ندارد، بلکه آنان هستند که در همه حالات بدرگاه او فقيرانند، پس او تعالی آفريننده و روزی دهنده برايشان اسْتِ.

وقتیکه چنین اسْتِ، پس هيچ جای تعجب نيست که اولين گفتار پيامبران الهی برای قومشان مسئله عبادت بود، هریک پيامبران صدا ميزدند که ای قوم من، یک الله را عبادت کنید (بپرستيد).

مثلاً نوح، هود، صالح، شعيب، - عليهم السلام - هریکی ازین پيامبران برای قوم خود چنین می گفت:

{يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ} سُوْرَةُ الْأَعْرَافِ: 65، يعنی ای قوم من! خداوند را بپرستيد، شما هيچ معبود حقيقي جز او نداريد.

پس عبادات از جمله رکن اساسی اسلام قرار گرفت، تا که اخلاق و سلوک مردم بهبود یافته و ذريعه نجات و گامیابی شان در دنيا و آخرت گردد.

<sup>1</sup> - تفسير ابن کثير، 7 / 425.



عبادات کدام طریقه جامد نیست، یعنی یک فرمان است که بجا آورده شود، برابر است که از حکمت و فوائد آن خبرباشیم و یا خیر، و نه کدام ورزش صبح و بیگاه، که هر صبح و بیگاه تمرینات ورزش و یا دویدن خود را انجام دهیم تا بدن مان در مقابل آسیب ها مقاومت بیشتری پیدا کند، یعنی کدام چیزی عادت نیست، که حسب عادات آن را انجام دهیم، بلکه به واسطه عبادات خیر کثیری برای انسان مؤمن عطاء می گردد، عبادات بر علاوه ثواب اخروی که الله تعالی در قرآن کریم بسیار وعده های جامع و امیدوارکننده داده است در زنده گی انسان تأثیری مثبتی دارد.

مثلاً انسان را اخلاق خوب، آموزش طریقه سلوک، و غیره چیزهای بهتری را می بخشد، که این نشانه از رحمت الله تعالی برای بنده گانش می باشد.

عبادات تنها در یک رکن منحصر نبوده، بلکه علاوه بر عبادات معروف و مشهور که عبارت از نماز، روزه، زکات، حج است، انواع دیگری از عبادات نیز وجود دارد، مثلاً تلاوت قرآن کریم، ذکر و اذکار و غیره عبادات فرضی و نفلی می باشد، اینکه عبادات در یک یا دو یاسه نوع منحصر نیست بلکه اعم از عبادات بدنی و مالی انواع بسیاری دارد، که خود بیانگری وسعت رحمت الهی است<sup>1</sup>.

### مطلب دوم: ثمرات و نتایج رحمت الهی در آسانی و رفع حرج در عبادات

همین که در مطلب فوق تشریح نمودیم که عبادات اعم از فرض، سنت، مستحب همه از جانب شرع بیان گردیده و اینکه آثار رحمت الهی است، و ثواب آن بیان شد، چونکه طبیعت انسان همیشه مائل بسوی سهولت و آسانی، و دور داشتن تکلف است، بناءً شریعت اسلامی چگونه که بر امتثال عبادات تأکید داشته، همین گونه جانب آسانی و رفع حرج را هم مهمل نگذاشته است، و توازن در بین فطرت و طبیعت انسانی و انواع عبادات را شریعت اسلامی مد نظر گرفته است.

الله تعالی می فرماید: { لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِكْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ }، سورة البقرة: 286.

<sup>1</sup> - مدارج السالكين، 1/ 119.

ترجمه: خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نمی کند، هر کار نیکی که انجام دهد به سود خود کرده، و هر کار بدی که انجام دهد به زیان خود کرده است، پروردگار! اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را مگیر. پروردگار! بار سنگین بر ما مگذار آن چنان که بر کسانی که پیش از ما بودند گذاشته، پروردگار! آنچه تاب و توانش را نداریم بر دوش ما مگذار و از ما درگذر، و ما را یامرز، و بر ما رحم فرما، تو سرور ما هستی، پس ما را بر قوم کافران پیروز گردان.

امام قشیری - رحمه الله - می گوید: الله تعالی از جهت کمال رحمتش بنده گانش را به اندازه طاقته شان مکلف شان ساخت<sup>1</sup>.

باید دانست که اصلاً عبادات امرتوقیفی است<sup>2</sup>، توقیف بمعنای موقوف یعنی امور عبادات همه تعلق به سمع شارع دارد، چیزیکه الله ورسولش فرموده بایدانجام داد، و آنچه نفرموده از آن اجتناب باید کرد.

الله تعالی برای بنده این اختیار را نداده است تا چیزی را بدون دستور الهی بنام عبادت از نزد خودش ایجاد نموده و امید ثواب را هم داشته باشد، بلکه الله تعالی درین مورد بنده را جداً اخطار داده و از وعید سختی که سر راهش است او را برحذر می دارد.

{أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ} ، سورة الشورى: 21 .

ترجمه: آیا کافران شریکانی دارند که برای ایشان دینی پدید آورده اند که خدا بدان اجازه نداده است؟ و اگر فرمان قاطع (درباره تاخیر عذاب درکار) نبود مسلماً بین آنان داوری می شد، و بی گمان ستمکاران عذاب دردناکی دارند.

معلوم شد که عبادات حق خالص الله تعالی بوده بدون اجازه او هیچ کاری ساخته دیگر راعبادت گفته نمی شود.

انسان هر چیزی را که بدون فرمان الهی بر خود لازم می گرداند واقعاً از بسر رساندن آن درمانده می شود، اینکه آسانی و رفع حرج از اصول عمومی شریعت اسلامی است، این امر به کلی واضح و درین راستا آیات و احادیث بسیاری آمده است.

1- تفسیر القشیری، 1 / 216.

2- محمد بن ابی بکر بن ایوب إعلام الموقعین عن رب العالمین، 1 / 259 ، دارالکتب العلمیة - بیروت، ط، اول، 1411 هـ - 1991 م.

{مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ} ، سورة المائدة: 6، یعنی خداوند نمی خواهد که بر شما مشقتی بیندازد.

آیات احکامیکه اکثراً در ذیل آنها انّ الله غفورٌ رحيم آمده همه بر آسانی و رفع حرج دلالت می کنند.

اما احادیث: رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- می فرماید: «لَوْلَا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي أَوْ عَلَى النَّاسِ لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَالِكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ»<sup>1</sup>.

یعنی: اگر بر امت من، یا بر مردم دشوار نمی شد، به آنان دستور می دادم که برای هر نماز، مسواک بزنند.

درین حدیث شریف رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- جانب امتیان را مراعات نموده و مسواک زدن که بهترین عبادت است از آنان ساقط نمود، بدلیل وقوع مشقت و حرج .

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُخْصَةٌ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ تُؤْتَى مَعْصِيَتُهُ»<sup>2</sup>.

یعنی: خداوند دوست دارد به رخصتهایش عمل شود همانطور که ارتکاب معصیت را ناپسند می داند.

در همه این آیات و احادیث آسانی، رفع حرج، عدم تنطّع (غلو، تجاوز از امر شرعی) در عبادات بیان شد. از جمله موافقی که الله تعالی در عبادات برای بنده گانش آسان نموده ، و حرج و تنطّع را دور نموده است.

۱- وضع شرائط برای ادا شدن عبادات، اینکه در عبادات از جانب شرع شرائطی وضع شده بیان گری از آسانی و رفع حرج بشمار می رود، مثلاً نماز، که بالای انسان عاقل، بالغ واجب می شود، و از دیوانه، طفل، بیهوش، حائض، نساء ساقط است، اگر بالای همه اینها واجب می شد مؤمنان دوچار سختی و حرج می شدند.

و یا زکات که بالای شخص سرمایه دار مالک نصاب، و آن هم در سال یک بار واجب می شود، اگر بالای همه واجب می شد مؤمنان خواه خواه مکلف می بودند، مالدار و یا فقیر زکات را ادا نمایند، و این از طاقت و توان بشر خارج است.

همچنین روزه که از شرائط آن عقل، بلوغ، صحت، اقامت است، اگر بالای دیوانه، طفل، مریض، مسافر و واجب می شد، باز هم مؤمنان در حرج واقع می شدند.

<sup>1</sup>- صحیح البخاری، 4 / 2، كِتَابُ الْجُمُعَةِ، بَابُ السَّوَالِكِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ .

<sup>2</sup>- شعبالأیمان، 398 / 5، باب في الصيام، فصل الْقَصْدُ فِي الْعِبَادَةِ، مكتبة الرشد للنشر مع الدار السلفية بيومباي بالهند، ط اول، 1423 هـ - 2003م، صححه الالباني، في إرواء الغليل، 9 / 3.

واما مسئله حج: حج بالای شخصی است که استطاعت رفتن به حج را داشته باشد، و استطاعت صحت و توان جسمی، توان مالی، امنیت راه، همه را شامل می شود، و آن هم در هر سال نه بلکه در همه عمر یکبار فرض است، اگر هر سال فرض می بود، باز هم مؤمنان در حرج واقع می شدند.

همین شرائطی که از جانب شرع در ادای عبادات وضع نموده از رحمت الهی بالای مؤمنان می باشد.

۲- مشروعیت رخصت ها در عبادات، مثل تیمم در بدل وضوء برای کسیکه از پیدا کردن ویا استعمال آب عاجز است، ویا جمع بین صلاتین (ظهر و عصر، مغرب و عشاء) در حالت ضرورت، قصر خواندن نماز های چهار رکعتی، افطار روزه برای مسافر.

قابل ذکر است: شریعت اسلام چگونه که روی آسانی ها تأکید دارد، همان گونه مخالف تشدد، تکلف غلو در عبادات بوده و از قبل دروازه های تشدد و افراط را مسدود نموده است.

رسول اکرم - صلی الله علیه و سلم - می فرماید: «هَلِكُ الْمُتَنَطِّعُونَ»، (قالها ثلاثا) متنتطعون هلاک شدند، متنتطعون کسانی هستند که در اعمال خود، مانند عبادت، سخن گفتن و ... ( جاهایی که جای سختگیری نیست، بی مورد سختگیری می کنند <sup>1</sup>).

ابن قیم <sup>2</sup> - رحمه الله - می گوید: «نهى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ التَّشْدِيدِ فِي الدِّينِ بِالزِّيَادَةِ عَلَى الْمَشْرُوعِ، وَأَخْبَرَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ تَشْدِيدَ الْعَبْدِ عَلَى نَفْسِهِ هُوَ سَبَبٌ لَتَشْدِيدِ اللهِ عَلَيْهِ» <sup>3</sup>

رسول الله - صلی الله علیه و سلم - از سختی و سخت باشی در دین منع کرده اند، که از اندازه مشروع باید زیاده روی نشود، و خبر داده اند که اگر بنده خودش سختی را اختیار کند سبب می شود که الله تعالی هم براو مسئله را سخت کند.

<sup>1</sup> - صحیح مسلم، 4 / 2055، کتاب العلم، بَابُ هَلَاكِ الْمُتَنَطِّعُونَ.

<sup>2</sup> - ابن جوزیة: محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد الزُّرْعِي الدَّمَشَقِي، أبو عبد الله، شمس الدین، در سال-691 هـ- در دمشق دیده به جهان گشود، و در سال-751 هـ- در دمشق مذکور چشم از جهان بست، وی از علمای زبردست عصر بوده، از استادانش ابن ابی الفتح التونسی، و ابن تیمیة، رحمهما الله میتوان نام برد، نامبرده نه تنها از شاگردان ابن تیمیة- رحمه الله- بلکه از ملازمین و مدافعین سرسخت او بحساب میرفت، همزمان با زندانی شدن ابن تیمیة او هم زندانی شد، لیکن بعد از وفات ابن تیمیة از زندان رهاگردید، و به جمع و تألیف کتب، خاصة به نشر کتب ابن تیمیة پرداخته، کتابهای مفید و پرمحتوا همچون أحكام أهل الذمة، الروح، الجواب الكافي لمن سأل عن الدواء الشافي أو الدواء والدواء، مدارج السالكين بین منازل إياك نعبد وإياك نستعين، ازین جمله می باشد، نام برده تعداد کثیری از شاگردانی زبده را تعلیم و تربیت معنوی نموده، از جمله عبدالرحمن بن رجب بغدادی، و اسماعیل بن عمر بن کثیر می توان نامبرد، زرکلی ج 6، ص 56.

<sup>3</sup> - محمد بن ابی بکر ابن قیم الجوزیة، إغائة اللهفان من مصادب الشيطان، 1 / 132، ناشر: مكتبة المعارف، الرياض.

اصلاً تشدد و سخت کوشی در دین مقدس اسلام هیچ جایگاهی ندارد، لیکن اینجا بعضی مسائل آن را که از آثار رحمت الهی است، و مردم از روی جهل و یا تجاهل چگونه خود را از این تخفیف و رحمت بدور زدند، و خلاف آن را کار ثواب می دانند طور خلص و مختصر بیان می کنیم:

ابن تیمیه - رحمه الله - در کتاب الزهد والورع می گوید: «الْثَوَابُ عَلَى قَدْرِ الْمَشَقَّةِ لَيْسَ بِمُسْتَقِيمٍ عَلَى الْإِطْلَاقِ»<sup>1</sup>. یعنی ثواب به اندازه مشقت که مطلقاً حکم شود درست نیست.

«عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: بَيْنَمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ، إِذَا هُوَ بِرَجُلٍ قَائِمٍ، فَسَأَلَ عَنْهُ فَقَالُوا: أَبُو إِسْرَائِيلَ، نَذَرَ أَنْ يَقُومَ وَلَا يَقْعُدَ، وَلَا يَسْتَظِلَّ، وَلَا يَتَكَلَّمَ، وَيَصُومَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مُرُهُ فَلْيَتَكَلَّمْ وَلْيَسْتَظِلَّ وَلْيَقْعُدْ، وَلْيُتِمَّ صَوْمَهُ»<sup>2</sup>.

ابن عباس - رضي الله عنهما - می گوید: روزی نبی اکرم - صلی الله عليه وسلم - در حال سخنرانی، مردی را دید که ایستاده است، علت اش را پرسید، گفتند: او ابواسرائیل است، نذر کرده است که بایستد و ننشیند، زیر سایه نرود، حرف نزند و روزه بگیرد، نبی اکرم - صلی الله عليه وسلم - فرمود: «به او بگویند تا حرف بزند، زیر سایه برود و بنشیند، ولی روزه اش را کامل کند».

«يَسِّرُوا وَلَا تَعْسَرُوا، وَبَشِّرُوا وَلَا تَنْقَرُوا»<sup>3</sup> «در امور دین، آسان بگیرید و سخت گیر نباشید. مژده دهید و بیزار نکنید».

کسانیکه بنفس شان تشدید و سخت گیری می کنند در حقیقت با شیطان کمک کرده اند، زیرا که بسا اوقات همین نوع سخت گیریها منجر به ترک عمل شده و نمی تواند در راه دعوت مؤثر تمام شود، و موجب دور ماندن مردم از استفاده از ثمرات رحمت الهی می شود، درخت های میوه رحمت الهی همیشه سرسبز و قابل استفاده است، بنده گان هستند که از آن مستفید می شوند و یا خود را از آن دور میزنند.

<sup>1</sup> - أحمد بن عبد الحلیم ابن تیمیة، الزهد والورع، 54 / ، مكتبة المنار - الأردن، ط، 1407.

<sup>2</sup> - صحيح البخاری، 8 / 143 ، كِتَابُ الْإِيمَانِ وَالنُّدُورِ، بَابُ النَّذْرِ فِيَمَا لَا يَمْلِكُ وَفِي مَعْصِيَةِ.

<sup>3</sup> - صحيح البخاری، 8 / 30، كِتَابُ الْأَدَبِ، بَابُ قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَسِّرُوا وَلَا تَعْسَرُوا». = صحيح مسلم، 3 / 1359، كِتَابُ الْجِهَادِ وَالسَّيْرِ ، بَابُ فِي الْأَمْرِ بِالتَّيْسِيرِ، وَتَرْكِ التَّنْفِيرِ.

## مطلب سوم: ثمرات رحمت الهی در نظام اجتماعی

درین مطلب بیان می شود که رحمت الهی، ثمرات و فوائد آن در نظم زنده گی چیست؟.

الله تعالی راجع به اجتماع در قرآن کریم چه چیزها را ارشاد فرموده است، می خواهم ساده بگویم، در قرآن کریم چنین احکامی وجود دارد که هم فرض الهی ادا شود، و هم عاجل فائده اش را همه گان مشاهده کنند.

دین مقدس اسلام روی اجتماع همیشه تأکید، و مؤمنان را به اجتماع ترغیب، بلکه در آیات قرآن کریم به آن امر شده و از جمله واجبات بحساب می رود، و این از بزرگترین ثمرات و فوائد رحمت الهی است.

{إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ}، الحجرات: 10.

ترجمه: هر آینه مؤمنان برادرانند میان برادرانتان آشتی بیفکنید و از خدا بترسید ، باشد که بر شما رحمت آرد.

درین آیه الله تعالی مؤمنان را به طور همه گانی برادر همدیگر خوانده، و سپس ترغیب به ساختن نظام اجتماعی شان می کند، و بعداً از رحمتش امید و ارشان می سازد<sup>1</sup>.

الله تعالی می فرماید: {وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ} ، سورة آل عمران : 103.

ترجمه: و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که شما دشمن (همدیگر) بودید پس خدا میان دلهایتان انس و الفت ایجاد کرد، و به نعمت خدا برا در گشتید، و بر لبه گودالی از آتش بودید، پس خداوند شما را از آن نجات داد، اینگونه خداوند آیات خود را برایتان بیان می کند تا هدایت شوید.

درین آیه الله تعالی اتفاق، برا دری و اجتماع را بالای مؤمنان فرض نموده و بعداً نعمت های خود را به آنان یاد آوری نمود، اینکه مردم به اتفاق و زنده گی اجتماعی شدیداً نیاز دارند ، و بدون اتفاق و اجتماع نمی

1- عطیة بن محمد سالم، تفسیر سوره حجرات، 5 / 6، مصدر الكتاب : دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية،

<http://www.islamweb.net>

توانند زنده گی مطلوبی داشته باشند، بلکه اصلاً زنده گی بدون آن نا ممکن است، درین مرحله الله تعالی مردم را از اجتماع منع نکرد، اختیار بین فعل و ترک هم برایشان نداد (مباح نگردانید)، بلکه از جمله فرضی از فرائض همچون نماز و روزه قرار داد، اگر بمحتوای این آیه دقیق فکر کنیم درمی یابیم که جامع ترین و پیرانگیزه ترین جملات و احکامیست که برای جامعه اسلامی ارشاد شده است، و این از ثمرات رحمت الهی است.

{الْخَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا، وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا} ، سورة النساء: 114، 115.

ترجمه: در بسیاری از رازگویی های آنان خیر و خوبی نیست، مگر کسی که به صدقه یا کار خوب یا اصلاح بین مردم فرمان دهد، و هرکس برای طلب خشنودی خداوند چنین کند به او پاداش بزرگ خواهیم داد، و هرکس با پیامبر مخالفت کند پس از اینکه هدایت برای او روشن شده است، و راهی غیر از راه مؤمنان را درپیش گیرد، او را به همان جهتی که روی خود را بدان کرده است رها می کنیم، و او را وارد جهنم می کنیم، و او را در آن می سوزانیم و چه بد جایگاهی است.

در آیه اول الله تعالی نجوی (رازخفیه و پنهان) را درمورد کارهای خوب من جمله اصلاح بین مردم را اجازه داده، و در آیه دوم اجتماع را از جمع فرائض و واجبات قرار داد، و متخلفین را به عذاب سوزان جهنم تهدید نمود، که بیانگری رحمت الهی و شرف اجتماع است.

ابن کثیر در ذیل این آیه {وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ} می گوید: « قَدْ تَكُونُ الْمُخَالَفَةُ لِنَصِّ الشَّارِعِ، وَقَدْ تَكُونُ لِمَا أَجْمَعَتْ عَلَيْهِ الْأُمَّةُ الْمُحَمَّدِيَّةُ، فِيمَا عُلِمَ اتَّفَاقُهُمْ عَلَيْهِ تَحْقِيقًا »<sup>1</sup>.

گاه مخالفت با اسلام ازین پیدا می شود که کسی آشکارا از نص صریحی مخالفت کند، و گاهی هم کسیکه از اجتماع مسلمانان (امت محمدیه) مخالفت ورزد مخالف شرع دانسته می شود، بشرطیکه اجتماع شان معلوم و یقینی باشد.

اجتماع در همه امور دین و دنیا بکار برده می شود، واقعاً لذت دین در اجتماع است.

<sup>1</sup> - تفسیر ابن کثیر، 2 / 412.

## فصل سوم

### اسباب وموانع رحمت الهی درقرآن کریم

#### مبحث اول: اسباب رحمت الهی درقرآن کریم

این مبحث دارای نه مطلب می باشد:

##### مطلب اول: احسان کردن

احسان یکی از اسباب رحمت الهی می باشد { إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ } ، سورة الأعراف : 56. ترجمه: همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

احسان دربرگیرنده همه خوبی ها، تقوی، حضور قلب، و اخلاص مندی ها می باشد، هنگامی که جبریل - علیه السلام - از محمد - صلی الله علیه وسلم - پرسید: احسان چیست؟ فرمودند: «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»<sup>1</sup>.

یعنی: الله تعالی را طوری پرستش کنی گویا که بچشم مشاهده میکنی (میبینی) اگر او را نمی بینی او تو را می بیند.

راجع به احسان آیات زیادی آمده، چه در عبادات و یا معاملات از جمله:

۱- احسان در نظام خانواده گی: {وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا} ، سورة الإسراء: 23 .

ترجمه: و پروردگارت فرمان داده است که جز او را پرستید و به پدر و مادرنیکی کنید.

۲- احسان هنگام مجادله (گفتگو): {أَدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ}، سورة النحل: 125.

---

<sup>1</sup> - صحیح البخاری، 27 / 1 ، کتاب الایمان، باب سؤال جبریل النبی صلی الله علیه و سلم عن الایمان والإسلام والإحسان وعلم الساعة ، = صحیح مسلم، 36 / 1 ، کتاب الایمان ، باب بیان الایمان والإسلام والإحسان ووجوب الایمان بإثبات قدر الله سبحانه وتعالى .



ترجمه: مردم را با حکمت و اندرز نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان به شیوه نیکوتر و بهتر گفتگو کن، بی گمان پروردگارت به حال کسی که از راه او گمراه و منحرف می شود آگاهتر، و او به راه یافتگان داناتر است.

احسان هنگام گفت و شنود بسیار ضروری بوده، ولی با کمال تأسف از این سبب رحمت الهی بسیاری از مردمان خود را عقب زده اند، درینجا الله مجادله (گفتگو) همراهی تماماً مردم را به روش نیک فرموده، لیکن دیده می شود که بسیاری از اشخاص حاضر نیستند حتی با برادر مسلمان شان هنگام بحث و گفتگو از اندکی نرمی و جدال نیک کار بگیرند، اللهم أرنا الحق حقاً وارزقنا اتباعه.

۳- الله تعالی برای احسان کننده گان بهترین جزاء را وعده نموده است.

{ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ } ، سورة الرحمن: 60 ، یعنی آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟!}

طبری - رحمه الله- در تفسیر این آیه می گوید: «هل ثواب خوف مقام الله عز وجل لمن خافه، فأحسن في الدنيا عمله، وأطاع ربه، إلا أن يحسن إليه في الآخرة ربه، بأن يجازيه على إحسانه ذلك في الدنيا، ما وصف في هذه الآيات من قوله: (وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ) ... إلى قوله: (كَانَتْهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ)»<sup>1</sup>

کسیکه از ملاقات خدا می ترسد، در دنیا احسان (کارهای نیک) انجام می دهد، بسبب همین احسانش که در دنیا انجام داده و از پروردگارش فرمان برداری کرده بود، برایش نیست، مگر اینکه در روز قیامت پروردگارش همایش نیز احسان می کند، و جزای نیکی را که در آیات درباره اهل بهشت وصف نموده برایش حتماً می دهد.

## مطلب دوم: تقوی و پرهیزگاری

تقوی (پرهیزگاری) از اسباب رحمت الهی می باشد، که الله تعالی در بدل تقوی دوچند رحمتش را وعده نموده است، { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ } ، سورة الحديد: 28.

<sup>1</sup> - تفسیر طبری، 23 / 67 .

ترجمه: اي کساني که ايمان آورده ايد! از خدا بترسيد و به پيغمبر او ايمان بياوريد تا خداوند دو پاداش خود را به شما بدهد و براي تان نوري قرار دهد که در پرتو آن حرکت کنيد، و تا شما را بيمارزد و خداوند آمرزندهٔ مهربان است.

تقوى را ابى تراب على بن ابى طالب - رضى الله عنه - بهترين تعريف نموده است، مى گويد: «هي الخوف من الجليل، والعمل بالتنزيل، والقناعة بالقليل، والاستعداد ليوم الرحيل»<sup>1</sup>.

تقوى بمعناى ترس از خداوند، عمل به قرآن، قناعت به اندک چيز دنيا، آماده گى براى روز کوچ کردن (قيامت) را گویند

تقوى توشهٔ مؤمن است، { وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ } ، سورة البقرة: 197،

ترجمه: و توشه برگیرید، و بهترین توشه پرهیزگاري است، و اي خردمندان! از من بترسيد.

{ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ، وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا، وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ سَبِيلًا وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا } سورة الطلاق: 2 - 5

ترجمه: كسي كه از خداوند پروا بدارد برايش راه رهايي قرار خواهد داد، و به او از جايي كه فكرش را نمي كند روزي خواهد داد، و هر كس از خدا بترسد و پرهيزگاري كند خدا برايش در كارش آساني پديد آورد، و هر كس از خدا بترسد گناهانش را از او مي زدايد و به او پاداشي بزرگ خواهد داد.

## مطلب سوم: دعاء

دعاء يکى از اسباب رحمت الهى است، و دعاء اظهار عجز، افتقار، نهايهٔ احتياج را گفته مى شود، زيرا ما همگى بدرگاه الله تعالى عاجز، فقير، و محتاج هستيم. « هو إظهار غاية التذلل والافتقار إلى الله »<sup>2</sup>.

هروقت نياز داريم ، بدرگاه الله تعالى دعاء كنيم، تا باشد كه مشكلات دنيوى و اخروى ما را برآورده كند.

<sup>1</sup> - محمد الخضر بن سيد عبد الله الشنقيطي، كوثر المعاني الدراري في كشف خبايا صحيح البخاري، 402/1، مؤسسة الرسالة، بيروت، ط1، 1415 هـ - 1995 م.

<sup>2</sup> - نضرة النعيم في مكارم أخلاق الرسول الكريم - صلى الله عليه وسلم - 5 / 1901.

انسان مؤمن باید همیشه نفس خود را بواسطه دعاء اطمینان بخشد، چنانچه در قصه اصحاب کهف می خوانیم، { إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا } ، سورة الكهف : 10. ترجمه: آنگاه که آن جوانان به غار پناه برده و گفتند: پرودگارا! از جانب خود رحمتی به ما ببخش و در کارمان راه نجاتی بر ایمان فراهم فرما.

ابن کثیر - رحمه الله - در ذیل تفسیر این آیه می گوید: « فَلَجُّوا إِلَى غَارٍ فِي جَبَلٍ لِيَخْتَفُوا عَنْ قَوْمِهِمْ، فَقَالُوا حِينَ دَخَلُوا سَائِلِينَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى رَحْمَتَهُ وَلُطْفَهُ بِهِمْ »<sup>1</sup>.

یعنی پس پناه بردند به غاریکه در کوهی بود، تا اینکه بتوانند از قومشان پنهان شوند، پس هنگام دخول به غار از الله تعالی رحمت و لطفش را سوال نمودند.

از این تاویل دانسته شد که سبب نزول رحمت الله تعالی بالایشان همان دعای آنان بود.

همچنین قول الله تعالی { وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ } یونس: 86.

ترجمه: وما را به فضل و رحمت خود از گروه کافران رهایی بخش.

امام شوکانی می گوید: « وَلَمَّا قَدَّمُوا النَّضْرُ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ فِي أَنْ يَصُونَ دِينَهُمْ عَنِ الْفَسَادِ أَتْبَعُوهُ بِسُؤَالِ عِصْمَةِ أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا: وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ »<sup>2</sup>.

یعنی هنگامیکه عاجزی شان را به الله تعالی پیش کش کردند، در اینکه دین شان را از فاسد شدن نگه دارد، متعاقباً برای نجات نفس شان هم دعا نمودند... وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ...

دعاء از جمله فرائض بالای مؤمنان می باشد، { وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ } سورة غافر: 60.

ترجمه: و پروردگارتان می گوید: مرا به فریاد بخوانید تا شما را اجابت کنم، بی گمان آنانیکه از عبادت من تکبر می ورزند با خواری به جهنم درمی آیند.

عَنْ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ»<sup>3</sup>.

1 - تفسیر ابن کثیر، 5 / 139

2- فتح القدیر، 2 / 530.

3- ترمذی، 5 / 456، ابواب الدعوات عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما جاء في فضل الدعاء، صححه الألباني في سلسلة الأحاديث الصحيحة، 6 / 326.

دعاء خودش عبادت است، بسیار رحمت ظاهری و باطنی است، که بسبب دعاء حاصل می شود، پیامبران الهی، خصوصاً پیامبر آخر الزمان محمد - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - صحابه - رضی اللهُ عنهم - در هر معضله دست دعاء بالا کرده، و به الله تعالی پناه می بردند، تا که رحمت الهی بالایشان فرود می آمد.

مثال آنرا در سوره انفال بوضاحت می توان یافت، { إِذِ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ } ، سورة الأنفال: 9.

ترجمه: (به یاد آورید) زمانی را که از پروردگارتان طلب یاری و کمک نمودید، و او درخواست شما را پذیرفت، که من شما را با هزار فرشته که پشت سر یکدیگر قرار دارند، یاری می دهم.

در روز غزوه بدر رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - چنین دعاء نمودند: اللهم إني أنشدك عهدك ووعدك اللهم إن شئت لم تعبد، فأخذ أبو بكر بيده فقال حسبك<sup>1</sup>.

خدایا! از تو می خواهم که به عهد و پیمانته، وفا کنی، خدایا! اگر می خواهی که از امروز به بعد، عبادت نشوی...» در اینجا، ابوبکر دستش را گرفت و گفت: ای رسول خدا! نزد پروردگارت بسیار اصرار نمودی، بس است.

در اینجا همین قدر دانستیم که دعاء سبب رحمت الهی است، و باثبات آن چند دلالتی ذکر نمودیم، اما شرائط دعاء، اقسام دعاء، دعاء به کدام معنا آمده، در چه تعداد آیات و احادیث دعاء آمده، این ها را در کتابهای جداگانه جستجو باید کرد.

## مطلب چارم: اطاعت الله و رسولش

اطاعت (فرمان برداری) از الله و رسولش سبب از اسباب رحمت الهی است، اطاعت را الله تعالی در قرآن کریم خوب بوضاحت بیان نموده که مطیع متّصف بکدام صفات و مستحقّ رحمت الهی است؟.

{وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ} ، سورة التوبة: 71.

<sup>1</sup> - صحیح البخاری، 4 / 1456، کتاب المغازی، باب قول الله تعالی، {سَيُجْزَى الْجَمْعُ وَيُؤْتُونَ الدُّبُرَ}.

ترجمه: و مردان و زنان مؤمن دوستان و یاوران یکدیگرند، به معروف امر می کنند و از منکر نهی می نمایند و نماز را برپای می دارند، و زکات را می پردازند و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می کنند، ایشان کسانی هستند که خداوند آنان را مشمول رحمت خود می گرداند، بی گمان خداوند توانا و حکیم است. اطاعت طوریکه از نامش پیداست از جمله فرائض شبانه روزی می باشد.

اطاعت الله ورسولش، {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ} ، سورة الانفال: 24.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! اجابت کنید (دعوت) خدا و رسول خدا را، هرگاه شما را فرا خواند به سوی آنچه که شما را زنده می دارد، درباره اطاعت خیلی آیات و احادیثی آمده است، و اینجا به چندی از آنها می پردازیم.

هارون - علیه السلام- یکی از پیامبران الهی درحین دعوت الله تعالی را بنام رحمن یاد کرده سپس اطاعت را بالایشان امر می کند، یعنی شما قوم الان هم وقت توبه برایتان باقیست<sup>1</sup>، چونکه الله تعالی رحمن است، زود عذاب نمی دهد

ومی فرماید: {وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي} ، سورة طه: 90.

ترجمه: پروردگار شما خداوند مهربان است، پس، از من پیروی کنید و از فرمان من اطاعت نمایید. بلی: الله تعالی اطاعت خود ورسولش را سبب رحمتش قرار داده است.

{وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} ، سورة آل عمران: 132.

ترجمه: و از خدا و پیامبر اطاعت کنید باشد که مشمول رحمت گردید.

اینجا الله تعالی اطاعت را ذریعه رحمت بیان نمود، البته در صورتیکه بنده گان اطاعت را بجا آورند.

همچنین آیه {وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} ، سورة النور: 56.

ترجمه: و نماز را برپا دارید، و زکات را پردازید، و از پیامبر اطاعت کنید تا بر شما رحم شود.

---

<sup>1</sup> - تفسیر کبیر ، 22 / 92 .

## مطلب پنجم: توبه و استغفار

توبه و استغفار (پوزش خواستن از گناهان) از اسباب رحمت الهی می باشد، آیات و احادیث بسیاری درین راستا آمده است، الله تعالی در بسیار جاهای قرآن کریم مؤمنان را ترغیب به توبه و استغفار نموده است:

{فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} ، سورة المائدة: 39.

ترجمه: بنابراین هرکس پس از ستم کردنش توبه کند، و به اصلاح بپردازد، همانا خداوند توبه او را می پذیرد، بی گمان خداوند آمرزنده و مهربان است.

و در اکثر جاها توبه و استغفار را مقتدرن به یکدیگر ذکر و خود را به بنده گانش بصفات غافر الذنب، قابل التوب، غفور، غفار، واسع المغفرة، معرفی نموده است.

{أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ}، سورة المائدة: 74.

ترجمه: آیا به سوي خدا باز نمی گردند، و از او طلب آمرزش نمی کنند؟ و خداوند آمرزگار و مهربان است.

{أُولَآ تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} ، سورة النمل: 46.

ترجمه: چرا از خداوند آمرزش نمی خواهید تا مورد رحمت قرار گیرید؟!.

ابن جریر در ذیل تفسیر این آیه می گوید: « لیرحمکم ربکم باستغفارکم ایاه من کفرکم»<sup>1</sup> . یعنی تا اینکه پروردگار تان به سبب استغفار تان بالایتان رحم کند.

اگر به سیرت و قصه های انبیاء - علیهم السلام - نظر کنیم درمی یابیم که توبه، استغفار و عاجزی بدرگاه الله تعالی از روش دینی آنان بوده است. -

مثلاً پدرمان آدم - علیه السلام - هنگامیکه شیطان او را لغزانید، فوراً رجوع به الله تعالی، و به او توبه و استغفار نمود، که در نتیجه الله تعالی توبه اش را قبول نموده و او را آمرزید.

1- تفسیر طبری، 19 / 476.

چنانچه الله تعالى می فرماید: { فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ }، سورة البقرة: 37. ترجمه: سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود، و (خداوند) توبه او را پذیرفت، همانا خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.

{ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ } ، سورة الأعراف : 23.

ترجمه: گفتند: پروردگارا! ما بر خود ستم کرده ایم، و اگر ما را نیامرزدی و بر ما رحم نکنی از زیان کاران خواهیم بود.

موسی - علیهم السلام- پیامبر الهی هنگامیکه دوچار لغزشی می شود، وبصورت ناگهان قبطی از دستش بقتل می رسد، بلادرنگ رجوع بسوی الله تعالى واز او آمرزش می خواهد.

{ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ } ، سورة القصص: 16.

ترجمه: گفت: پروردگارا! من به خود ستم کرده ام، پس مرا ببخش، و او را بخشید، بی گمان او آمرزنده مهربان است.

آلوسی در ذیل تفسیر این آیه می گوید: «أي إنه تعالى هو المبالغ في مغفرة ذنوب عباده ورحمتهم، ولذا كان استغفاره سببا للمغفرة له»<sup>1</sup>.

توبه واستغفار علاوه بر اینکه سبب رحمت الهی است، سبب فرود آمدن برکات از سوی الله تعالى، فراوانی روزی، نابود شدن گناه ها، سبب دخول بهشت، و غیره فیوضات است.

### مطلب ششم: هجرت و جهاد فی سبیل الله

هجرت و جهاد در راه الله - جل جلاله - از اسباب رحمت الهی است، { إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ } سورة البقرة: 218.

ترجمه: همانا کسانی که ایمان آورده اند و آنانی که در راه خدا جهاد کردند و هجرت نمودند ایشان امید رحمت الهی را دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است.

1- روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی ، 10 / 264 = أيسر التفاسیر ، 4 / 59.

علامه جزائری می گوید: «أنة تعالى غفور لذنوبهم رحيم بهم، وذلك لإيمانهم و هجرتهم و جهادهم في سبيل الله»<sup>1</sup>.

یعنی الله تعالى از گناهان شان می گذرد، و بر آنها رحمت می کند، به سبب ایمان، هجرت، و جهادشان، **اولاً هجرت:** هجرت کردن در راه الله متعال یک امر ضروری و حتمی بوده و هست، بجز مستضعفین (ناتوانان) که الله تعالى آنان را معاف و برایشان وعده رحمت و مغفرت داده است.

هجرت رسول اکرم- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- از مکه مکرمه به مدینه منوره از مهم ترین رویدادی در تاریخ اسلام بشمار می رود، تاریخ بدان گواه است که مسلمانان بعد از هجرت بزرگترین خیروبرکتی شامل حالشان گردید، این هجرت تنها بخاطر حفظ جان و خلاصی از تکالیف نبوده بلکه بزرگترین مسؤلیت متوجه مسلمانان می شد، و آن مسؤلیت این بود که بعد از هجرت آشکارا مردم را بسوی رحمت الهی دعوت نموده و نظام الهی را در سرزمین او پیاده سازند.

اعلان موجودیت یک حکومت سرتاسر اسلامی و قوت و بازوی از آن به جهانیان خصوصاً به مردم مکه بزرگترین دشمن عصر نشان دهند، و سپاه اسلام را طور باید و شاید آماده جهاد سازند، همه مسلمین در زیر یک بیرق جمع و از دلت زنده گی با کفار خاتمه داده، و با زنده گی عزتمند و شرافت مندانه اسلامی آغاز نمایند، این خیروبرکت تنها به زنده گی محمد- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- خلاصه نشد، بلکه از آثار خیر آن، نسل بعدی اسلام حصه گزافی نصب شان شد، و این از بزرگترین سبب رحمت الهی است<sup>2</sup>.

الله تعالى در قرآن کریم برای مهاجر علاوه بر اجر و ثواب اخروی به بهترین زنده گی در روی زمین، رحمت، مغفرت، هم وعده داده است.

﴿وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾. سورة النساء: 100.

1- ایسر التفاسیر، 1 / 99

2- عبد اللطیف بن علی، سهام الإسلام، 1 / 172، السهم الثامن، ناشر: مطبعة أحمد، زبانة - الجزائر، ط اول: 1400 هـ - 1980 م. = نضرة النعيم، 1 / 275، تأسيس التولية الإسلامية.



ترجمه: هرکس در راه خدا هجرت کند، اقامتگاه های زیاد و گشایشی (در مصالح دین و دنیا) در زمین خواهد دید، و هرکس از خانه خود بیرون آید و به سوی خدا و پیامبرش هجرت کند، سپس مرگ او را دریابد، اجر او بر عهده خداست، و خداوند آمرزگار و مهربان است.

﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ، لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ﴾، سورة الحج : 58 - 59 ،

ترجمه: و کسانی که در راه خدا هجرت کرده و سپس کشته شده یا مرده اند، بدون شك خداوند به آنان روزی نیک می دهد و به یقین خداوند بهترین روزی دهندگان است، قطعاً خداوند آنان را به جایگاهی که آن را می پسندند وارد خواهد کرد، و بی گمان خداوند دانا و شکیبای است.

**ثانیاً جهاد:** تعبیر عام طبق تعریف ابن تیمیه رحمه الله می گوید: «جهاد»، حقیقت سعی و تلاش در بدست آوردن آنچه الله آنرا دوست می دارد از باورها و کردارهای نیک و دفع آنچه الله برآن خشم می گیرد مثل کفر و فساد و طغیان<sup>1</sup>.

با این تعریف هر آنچه که مؤمن در بدست آوردن آن در راه ایمان به الله و فرمانبرداری او تلاش نماید مثل مقاومت در برابر شر و بدیها و انحرافات، ثابت قدم ماندن در دین الله، استقامت در مقابل وسوسه های شیطان، از جمله جهاد در راه الله محسوب می شود، بعد از هجرت مکلفیت بزرگ درگردن انسان مؤمن اینست که آما دگی به جهاد گرفته، در راه انجام آن از هیچ سعی و تلاشی دریغ نورزد، تاباشد که مشمول رحمت الهی گردد، و شرک که سرچشۀ فساد است، مردم بخاطر عقائد و ادیان مختلف نمیدا نستند چه کارکنند، همه این حیرانی و خود کامه گی بواسطۀ جهاد کاملاً نابود شود.

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾، سورة النحل: 110.

ترجمه: سپس پروردگارت نسبت به کسانی که پس از آنکه شنکنجه شدند هجرت کردند، سپس به جهاد پرداختند و شکیبایی ورزیدند آمرزنده مهربان است.

<sup>1</sup> - ابن تیمیه مجموع الفتاوی، 10 / 191.

طبری می گوید: «إن ربك من بعد فعلتهم هذه لهم لغفور، يقول: لذو ستر على ما كان منهم من إعطاء المشركين ما أرادوا منهم من كلمة الكفر بألسنتهم، وهم لغيرها مضمرون، وللايمان معتقدون، رحيم بهم أن يعاقبهم عليها مع إنابتهم إلى الله وتوبتهم»<sup>1</sup>.

ابن جریرمی گوید: مردمانیکه ایمان خود را از خوف کفار پوشیده نگه می داشتند، حتی وادار به خواندن کلمات کفری می شدند، بعد از هجرت اگر توبه کنند الله تعالی غفور است از گناهانشان می گذرد، و رحیم است دیگران را مجازات نمی کند.

{وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ لَبِئْسَ لِمَا يَكْمُرُونَ بِصِيْرٍ} ، سورة الأنفال: 39، ترجمه: و با آنان پیکار کنید تا آنکه هیچ فتنه، باقی نماند، و دین یکسره از آن خدا گردد، پس اگر دست بردارند خداوند به آنچه می کنند بینا است.

آیات زیادی دال بر فرضیت و فضیلت این امر مهم وجود دارد، {الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ، خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ} ، سورة التوبة: 20 - 21 - 22.

ترجمه: کسانی که ایمان آورده اند و مهاجرت کرده اند و در راه الله با جان و مال جهاد نموده اند دارای منزلت و الاتر و بزرگتری در پیشگاه الله هستند و آنان رستگاران و به مقصود رستگاران می باشند. پروردگارش آنان را به رحمت خود و خوشنودی و بهشتی مژده می دهد که در آن نعمتهای جاودانه دارند همواره در بهشت جاودانه می مانند بیگمان در پیشگاه الله پاداش بزرگی موجود است.

جهاد زمینه را مساعد می سازد، تا از مستضعفین حمایت مادی و معنوی صورت گرفته و می تواند اعزاز مؤمنین و اذلال (زبون ساختن) کفار را در وجود یک دولت اسلامی قدرت مند به نمایش بگذارد، بالمقابل ترک جهاد موجب از دست دادن این همه خوبی ها شده و باعث رسوائی بزرگی در زنده گی دنیا و در آخرت شده می تواند.

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ} ، إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} ، سورة التوبة: 38، 39.

1- تفسیر طبری، 17 / 306

ترجمه: ای مؤمنان! چرا هنگامی که به شما گفته می شود در راه خدا (برای جهاد) حرکت کنید سستی می ورزید و دل به دنیا می دهید؟! آیا به جای آخرت به زندگی دنیا خشنود گشته اید؟! متاع و کالای این جهان (در برابر) آخرت چیز کمی بیش نیست، اگر برای جهاد حرکت نکنید خداوند شما را عذاب دردناکی خواهد داد، و گروهی غیر از شما را جایگزینتان می کند، و هیچ زیانی به او نمی رسانید و خهنداوند بر هر چیزی تواناست.

عَنْ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا تَبَايَعْتُمْ بِالْعَيْنَةِ، وَأَخَذْتُمْ أَدْنَابَ الْبِقْرِ، وَرَضِيْتُمْ بِالزَّرْعِ، وَتَرَكَتُمُ الْجِهَادَ، سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ دُلًّا لَا يَنْزِعُهُ حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ»<sup>1</sup>

ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرمود: «هنگامی که معامله عینه<sup>2</sup>، انجام دادید، و دم گاوها را گرفتید، (و به کشاورزی مشغول شدید)، و به کشت و کار دل خوش کردید، و جهاد در راه خدا را ترک کردید؛ خداوند بر شما ذلتی چیره می کند که تا به دینتان بر نگرید؛ آن را از شما بر نمی دارد.

## مطلب هفتم: نماز و زکات

چنانچه درمطلب فوق (عبادات) یاد آور شدیم نماز و زکات از جمله ارکان مهم اسلام بحساب می روند که یکی عبادت بدنی و دیگری عبادت مالی، از فضائل و اهمیت های خاصی برخوردار، و سبب رحمت الهی هستند، در رابطه به نماز و زکات سبب رحمت الهی است درقرآن کریم آیات بسیاری آمده است.

۱- تخصیص رحمت الهی برای نماز گذارنده گان و زکات دهنده گان، {وَ اَكْتَبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ اِنَّا هُنَا اِلَيْكَ قَالَ عَذَابِيْ اُصِيبُ بِهٖ مَنْ اَشَاءُ وَ رَحْمَتِيْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَاكُنْهُمَا لِلَّذِيْنَ يَتَّقُوْنَ وَ يُؤْتُوْنَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِيْنَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُوْنَ} ، سورة الاعراف: 156.

<sup>1</sup> - أبو داود، سنن أبو داود، 3 / 291، كتاب الإجارة، باب في لئهي عن العينة، صححه الالباني في سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقها وفواندها، 6 / 846.

<sup>2</sup> - بيع عينة عبارت از خریدن چیزی بصورت نسیه، و سپس فروش آن به اصل صاحبش درمقابل پول نقد، البته با بهای کمتر از عقد اول، المبسوط، 11 / 211، كتاب الشركة، أعتق أحد المتفاوضين عبداً من شركتهما، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي، ناشر: دار المعرفة - بيروت، اريخ النشر: 1414 هـ - 1993 م = الفقه الإسلامي وأدلتها، 4 / 2867، وَ هَبَةَ بِن مِصْطَفَى الرَّحِيلِي، ناشر: دار الفكر - سوربة - طبع چهارم.

ترجمه: و برای ما در این دنیا نیکی مقرر دار و در آخرت (نیز نیکی بنویس)، همانا ما به سوي تو بازگشته ایم، خدا فرمود: عذاب خود را به هرکس که بخواهم می رسانم و رحمت من هر چیزی را دربر گرفته است، و آن را برای کسانی مقرر می دارد که پرهیزگاری می کنند و زکات را می پردازند و به آیات ما ایمان می آورند.

هنگامیکه موسی - علیه السلام- از الله تعالی سعادت دنیوی و اخروی را می طلبد، و دعاء می کند که

{وَ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ} الله تعالی در جوابش رحمت خود را پیش کش نموده در دنیا عام و در آخرت برای نماز گذاران و زکات دهنده گان در صورت ایمان داشتن وعده نمود.

قشیری می گوید: « أي سأوجبها لهم»<sup>1</sup> . یعنی رحمت خود را بر ایشان واجب می گردانم.

۲- نماز و زکات علامه ایمان داری و سبب رحمت الهی است، کفار محارب در صورت نماز خواندن و زکات دادن از قتل شدن معاف و مشمول مغفرت و رحمت الهی می شوند، زیرا ادا کردن این دو رکن دلالت بر ایمان شان می کند.

{فَاِذَا انْسَلَخَ الْاَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِيْنَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُذُوهُمْ وَ اَحْصُرُوهُمْ وَ اَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَاِنْ تَابُوا وَ اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيْلَهُمْ اِنَّ اللهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ} ، سورة التوبة: 5.

ترجمه: پس وقتی که ماه های حرام به پایان رسید، مشرکان را هرکجا یافتید بکشید و بگیرید و محاصره کنید، و در هر کمین گاهی به کمین آنان بنشینید، پس اگر توبه کردند و نماز را بر پا داشتند و زکات را پرداختند راه را بر آنان باز بگذارید، همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.

و اینکه الله تعالی درین آیه از بین عبادات تنها نماز و زکات ذکر کرد، زیرا این دو از ارکان اساسی عبادات مالی و بدنی می باشند، بعداً در ذیل آن از مغفرت و رحمتش خبر داد یعنی انجام این دو عمل سبب رحمت الهی شده می تواند<sup>2</sup>.

1- لطائف الاشارات، 1 / 576.

2- محمد سید طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، 6 / 207، دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزیع، الفجالة - القاهرة.

شنقیطی می گوید: مغفرت و رحمت الله تعالی بسیار است، و از مغفرت و رحمت الهی اینست که توبه کسانى را که از شرک توبه می کنند، نماز خوانده، و زکات را ادامی نمایند، می پذیرد، و مغفرت و رحمت شان می کند<sup>1</sup>.

۳- تعلیق رحمت الهی به انجام نماز و اداء زکات، {وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ}، سورة النور: 56.

ترجمه: و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و از پیامبر اطاعت کنید تا بر شما رحم شود.

همچنین، {هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ، الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ}، سورة القمان: 3، 4.

ترجمه: هدایت و رحمتی است برای نیکوکاران، کسانی که نماز را برپای می دارند و زکات می پردازند و آنان به آخرت یقین دارند.

{وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ}، سورة المزل: 20.

ترجمه: و نماز را برپای دارید و زکات را بپردازید و به خداوند قرض الحسنه بدهید، و کارهای نیکی را که برای خودتان پیش می فرستید آن را نزد خداوند بهتر و با پاداش بیشتری خواهید یافت. و از خداوند آمرزش بخواهید که خداوند آمرزگار مهربان است.

## مطلب هشتم: اتباع قرآن کریم

درین مطلب از اتباع (پیروی) از قرآن کریم بحث می شود، که غرض از نزول قرآن پیروی از آن است، از اوامرش متابعت و از نواهی (از آنچه منع شده) آن خود داری کنیم، تا باشد که مورد رحمت الهی قرار گیریم، آیات متعددی درباره اتباع قرآن کریم آمده است.

۱- {وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} سورة الانعام: 155.

1- العَدْبُ النَّمِيرُ مِنْ مَجَالِسِ الشَّنَقِيطِيِّ فِي التَّفْسِيرِ، 5 / 278، محمد الأمين بن محمد المختار بن عبد القادر الجكنى الشنقيطى، ناشر: دار عالم الفوائد للنشر والتوزيع، مكة المكرمة، ط دوم: 1426 هـ.

ترجمه: و این کتابی است که ما نازل کرده ایم، با برکت است، از آن پیروی نمایید و پرهیزگاری پیشه کنید تا مورد رحمت قرار گیرید.

امام رازی در تفسیر این آیه می گوید: «أَيُّ لِكَي تَرْحَمُوا»، یعنی تا اینکه بالایتان رحم کرده شود<sup>1</sup>.

۲- { وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْنَاهَا قُلْ إِنَّمَا اتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ } ، سورة الأعراف: 203.

ترجمه: و هرگاه برایشان آیه و نشانه نیاوری، می گویند: چرا آن را بر نمی گزینی؟ بگو: همانا من از آنچه از جانب پروردگرم به من وحی می شود پیروی می کنم، این (قرآن) بینش و هدایت و رحمت پروردگارتان است برای قومی که ایمان می آورند.

۳- { اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ } ، سورة الأنعام: 106.

ترجمه: از هر چه از جانب پروردگارت بر تو وحی شده است پیروی کن هیچ خدایی جز او نیست و از مشرکان روی برتاب.

ابن کثیر در تفسیر این آیه می گوید: «اقتد به، واقف اثره، واعمل به؛ فإن ما أوحى إليك من ربك هو الحق الذي لا مزية فيه؛ لأنه لا إله إلا هو»<sup>2</sup>.

یعنی: به وحی الهی اقتدا کن، به دنبال او برو، به او عمل کن، چرا که چیزی بسوی تو از پروردگارت وحی شده حق است، شک و تردیدی در او نیست، زیرا که بدون او دیگر خدای نیست.

۴- { اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ } ، سورة الأعراف: 3.

ترجمه: از آنچه از جانب پروردگارتان برایتان نازل شده است پیروی کنید و سواي او ، از خدایان دیگر متابعت مکنید شما چه اندک پند می پذیرید.

<sup>1</sup> - تفسیر کبیر، 14 / 187.

<sup>2</sup> - تفسیر ابن کثیر، 3 / 314.

امام قرطبی در تفسیر این آیه می گوید: (اتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ) «يَعْنِي الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ، در ادامه می گوید: اتَّبِعُوا مِلَّةَ الْإِسْلَامِ وَالْقُرْآنَ، وَأَحِلُّوا حَلَالَهُ وَحَرَّمُوا حَرَامَهُ، وَامْتَثِلُوا أَمْرَهُ، وَاجْتَنِبُوا نَهْيَهُ، وَدَلَّتِ الْآيَةُ عَلَى تَرْكِ اتِّبَاعِ الْأَرَءِ مَعَ وُجُودِ النَّصِّ»<sup>1</sup>.

مراد از منزل در (مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ) قرآن و سنت است، پیروی از ملت اسلام و قرآن کنید، حلالش را حلال و حرامش را حرام بدانید، امرش را بجا آورید، و چیزی که از آن منع شده خود داری کنید، آیه دلالت صریحی بر این می کند که در صورت وجود نص، آراء و فتاوی ترک شود، و به نص خواص خواه عمل شود.

۵- { وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ }، سورة یونس: 109.

ترجمه: و از آنچه به تو وحی می شود پیروی کن، و شکیبا باش، تا آنکه خداوند داوری کند و او بهترین داوران است.

ابن کثیر می گوید: «أَيُّ: تَمَسَّكَ بِمَا أُنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَأَوْحَاهُ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مُخَالَفَةِ مَنْ خَالَفَكَ مِنَ النَّاسِ»<sup>2</sup>.

یعنی چنگ بزن به او چیزی که الله تعالی بالای تو نازل کرده و وحی نموده، و به مخالفتی که از سوی مردم روبرو می شوید صبر و شکیبائی اختیار کن.

۶- { وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بُعْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ }، سورة الزمر: 55.

ترجمه: و پیش از آنکه ناگهان و در حالیکه حدس نمی زنید عذاب به شما برسد از بهترین چیزی که از سوی پروردگارتان برای شما فرو فرستاده شده است پیروی کنید.

امام قرطبی در تفسیر این آیه می گوید: (أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ) «هُوَ الْقُرْآنُ وَكُلُّهُ حَسَنٌ، مراد از احسن ما انزل خود قرآن است و قرآن تماماً حسن (نیک خوب) است، یعنی باید از قرآن پیروی شود، در ادامه می گوید: التَّزَمُوا طَاعَتَهُ، وَاجْتَنِبُوا مَعْصِيَتَهُ، طاعتش را بر خود لازم دارید، و از نافرمانیش بپرهیزید»<sup>3</sup>.

<sup>1</sup> - تفسیر قرطبی، 7 / 161.

<sup>2</sup> - تفسیر ابن کثیر، 4 / 301.

<sup>3</sup> - تفسیر قرطبی، 15 / 270.

از آیاتی که در فوق بیان شد، دلالت به وجوب اتباع قرآن کریم می کند، که از وحی الله تعالی پیروی کنید، احکام دین و دنیا را بدون کدام ابهام و پیچیده گی بیان نموده است، و این خود موجب رحمت های بی شمار الهی می شود.

الله تعالی می فرماید: {فَمَنْ أَتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى}، سورة طه: 123.

ترجمه: هرکس از هدایت پیروی کند گمراه نمی شود، و به رنج نمی افتد.

ابن عباس- رضی الله عنه - می گوید: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَأَتَّبَعَ مَا فِيهِ هَدَاهُ اللَّهُ مِنَ الضَّلَالَةِ وَوَقَّاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سُوءَ الْحِسَابِ. یعنی کسی که قرآن کریم را قرائت و از آن پیروی نماید الله تعالی از گمراهی به هدایتش کشانیده و در روز قیامت از حساب بد (سخت گیرانه) نجاتش می دهد.<sup>1</sup>

همچنین قرائت قرآن و تدبّر (اندیشه) در آیات آن سبب رحمت الهی است، چون قرآن خودش رحمت است، در رحمت بودن قرآن آیات بسیاری آمده است.

۱- {فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ}، سورة الأنعام: 157. ترجمه: به راستی که از سوی پروردگارتان دلیل و هدایت و رحمتی به نزدتان آمده است.

۲- {وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ}، الأعراف آیه 52.

ترجمه: و بی گمان کتابی برای آنان آورده ایم که آن را از روی علم و آگاهی توضیح داده و تبیین کرده ایم، هدایت و رحمتی است برای قومی که ایمان می آورند.

امام نسفی در ذیل تفسیر این آیه می گوید: «{فَصَّلْنَاهُ} میزنا حلاله و حرامه و مواظبه و قصصه»<sup>2</sup>.

یعنی در قرآن کریم حلال، حرام، وعظ، قصه ها یش را واضح و متمایز از یکدیگر شان بیان نمودیم، اشاره به اینست که از همه امورات قرآن باید متابعت صورت گیرد تا سبب رحمت الهی شود.

۳- {يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ} ، سورة يونس: 57.

<sup>1</sup> - شعب الإيمان، 3 / 354، فصل فی إيمان تلاوة القرآن.

<sup>2</sup> - مدارک التنزیل ، 1 / 572.



ترجمه: ای مردم! از سوی پروردگارتان اندرزی، و درمان چیزهایی که در سینه هاست برای شما آمده است، و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان.

۴- {وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ} ، سورة النحل: 89.

ترجمه: و کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و وسیله هدایت و مایه رحمت و مزده رسان مسلمانان است.

۵- {وَإِنَّهُ لَهْدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ} ، سورة النمل: 77، یعنی: و قطعاً این قرآن برای مؤمنان هدایت و رحمت است.

۶- {تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ، هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ} ، سورة لقمان: 2، 3، ترجمه: این آیه های کتاب حکمت آمیز است، هدایت و رحمتی است برای نیکو کاران.

۷- {هَذَا بَصَائِرُ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ} ، سورة الجاثية: 20، ترجمه: این (قرآن) وسیله بینش مردمان و مایه هدایت و رحمت کسانی است که اهل یقین هستند.

از آیات فوق دانسته شد که قرآن کریم رحمت است، بناءً قرائت قرآن کریم بطریق اولی موجب رحمت الهی می شود.

اما تدبیر آیات قرآن: قسمیکه قرائت قرآن سبب رحمت الهی است، تدبیر (اندیشیدن) در آیات قرآن هم سبب رحمت الهی است، چون تدبیر آیات قرآن بیانگری اصل مقصود است.

بناءً از رحمت الله تعالی است که بعد از امر و ترغیب در قرائت قرآن به تدبیر در آیات او فرمان داده و تدبیر را یک امر مهم تلقی نمود، تا مسلمین بتوانند همراه با کمائی کردن اجر و پاداش قرائت قرآن در آیات آن تدبیر نموده و موجب قوت و زیادت ایمان شان گردد، و این از بزرگترین رحمت الهی بالای مسلمین است، پس تدبیر در آیات قرآن کریم سبب رحمت الهی است.

الله تعالی می فرماید: {كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ} ، سورة ص: 29.

ترجمه: این کتابی است که پر خیر و برکت که آن را بر تو فرو فرستاده ایم تا درباره آیه هایش بیاندیشند و خردمندان پند گیرند.

ابن قیم - رحمه الله- درباره تدبیر در آیات قرآن می گوید: « فَلَيْسَ شَيْءٌ أَنْفَعَ لِلْعَبْدِ فِي مَعَايِهِ وَمَعَادِهِ، وَأَقْرَبَ إِلَىٰ نَجَاتِهِ مِنْ تَدَبُّرِ الْقُرْآنِ، وَإِطَالَةِ التَّأَمُّلِ فِيهِ، وَجَمْعِ الْفِكْرِ عَلَىٰ مَعَانِي آيَاتِهِ، فَإِنَّهَا تُطَلِّعُ الْعَبْدَ عَلَىٰ مَعَالِمِ

الْخَيْرِ وَالشَّرِّ بِحَذَائِرِهِمَا، وَعَلَى طُرُقَاتِهِمَا وَأَسْبَابِهِمَا وَغَايَاتِهِمَا وَثَمَرَاتِهِمَا، وَمَالَ أَهْلِهِمَا، فِي يَدِهِ، وَتَنْبَتْ قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ فِي قَلْبِهِ، وَتُرِيهِ صُورَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْجَنَّةِ وَالنَّارِ فِي قَلْبِهِ، وَتُحْضِرُهُ بَيْنَ الْأُمَمِ، وَتُرِيهِ أَيَّامَ اللَّهِ فِيهِمْ، وَتُبْصِرُهُ مَوَاقِعَ الْعَبْرِ، وَتُشْهِدُهُ عَدْلَ اللَّهِ وَفَضْلَهُ، وَتُعَرِّفُهُ ذَاتَهُ، وَأَسْمَاءَهُ وَصِفَاتِهِ وَأَفْعَالَهُ، وَمَا يُحِبُّهُ وَمَا يُبْغِضُهُ، وَصِرَاطَهُ الْمُوَصِّلَ إِلَيْهِ، وَمَا لِسَالِكِيهِ بَعْدَ الْوُصُولِ وَالْقُدُومِ عَلَيْهِ، وَتُعَرِّفُهُ النَّفْسَ وَصِفَاتِهَا، وَمُفْسِدَاتِ الْأَعْمَالِ وَمُصَحِّحَاتِهَا وَتُعَرِّفُهُ طَرِيقَ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَهْلِ النَّارِ وَأَعْمَالَهُمْ، وَأَحْوَالَهُمْ وَسِيمَاهُمْ، وَمَرَاتِبَ أَهْلِ السَّعَادَةِ وَأَهْلِ الشَّقَاوَةِ، وَأَقْسَامَ الْخَلْقِ وَاجْتِمَاعَهُمْ فِيمَا يَجْتَمِعُونَ فِيهِ، وَافْتِرَاقَهُمْ فِيمَا يَفْتَرِقُونَ فِيهِ»<sup>1</sup>.

پس برای یک بنده در همه امور زنده گی و بازگشت به آخرت، و نزدیکتر بسوی نجاتش هیچ چیزی نمی تواند سودمند تر از تدبیر (اندیشیدن) در قرآن، و به درازا فکر کردن درو و جمع نمودن فکر بر معانی آیاتش باشد، زیرا اینها (تدبیر، تأمل، فکر،) بنده را از علامات خیر و شر با همه اطرافش آگاه می سازد، همین تدبیر در آیات قرآن است که راه های خیر شر، اسباب، مقصود، ثمره بازگشت اهل شان که اهل خیر و شر یکجا می روند اطلاع می هد، و پایه های ایمان را در قلب بنده ثابت می سازد و یگانه تصویر دنیا، آخرت، بهشت، دوزخ، را در قلب بنده نشان می دهد، بنده را در بین امت های گذشته احضار، و روزهای خوب و بد شان را نشان داده، و موقع پند و عبرت گرفتن را هم در چشمش عیان می سازد، عدل و فضل الله تعالی را بمشا هده می گذارد، ذات، نامها، صفات، و افعالش را بمعرفی می گیرد، می شناساند که چه چیز را الله تعالی دوست دارد و از چه بد میبرد، راه رسیدن به الله تعالی را نشان داده و چیزیکه برای سالکین (راه رو) راه الله تعالی بعد از رسیدن در نظر گرفته شده را هم بیان می کند، نفس و صفاتش و سازنده اعمال و ویران کننده اعمال را معرفی می کند، راه اهل بهشت و دوزخ و اعمال موجب آنها و احوال و نشانه های شان را برای بنده می شناساند، مراتب نیکبخت و بد بخت و اقسام مخلوقات و جمع شدن شان و کسب و کارشان همه را تدبیر در آیات قرآن واضح می سازد، پس معلوم شد که اتباع قرآن، قرائت قرآن، تدبیر در آیات قرآن سبب رحمت الهی است.

<sup>1</sup> - محمد بن ابی بکر، مدارج السالکین بین منازل ایاک نعبد وایاک نستعین، 1 / 450؛ دار الکتب العربی - بیروت، ط، سوم، 1416 هـ - 1996 م.

## مطلب نهم: گوش دادن به قرآن کریم

گوش دادن به قرآن کریم سبب رحمت الهی است:

الله تعالی می فرماید: {وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} ، سورة الأعراف: 204 .

ترجمه: و هنگامی که قرآن خوانده می شود، به آن گوش فرا دهید، و خاموش باشید، تا بر شما رحم شود.

الله تعالی به گوش دادن قرآن کریم امر نمود، چون مشتمل بودن قرآن به صفات بصیرت، هدایت، و رحمت لائق است که به او گوش داده شود، تا که برای گوش گیرنده نفع و هدایت پوره حاصل شود، و در نتیجه مورد رحمت الله تعالی قرار گیرد<sup>1</sup> .

اینکه سبب نزول این چیهست و کدام است درین جا به بحث آن نمی پردازیم، زیرا عبرت بعموم لفظ است نه بخصوص سبب، حکم این آیه تنها راجع به مسئله نماز (قرائت پشت امام) نبوده بلکه در همه جا گوش دادن به قرائت و تلاوت قرآن کریم واجب و به رحمت الهی امید واری می بخشد.

به عکس اگر به قرآن کریم گوش داده نشود، بر علاوه مخالفت صریحی از امر خداوند - جلّ جلاله- اصلاً نه کسی از نظم قرآن مستفید شده می تواند و نه از معنای آن.

باکمال تأسف بگویم که درختم های مروج هرکسی در مقابل یکدیگر به تلاوت پرداخته و هیچ کسی نمی داند که خود چه چیز می خواند و یا رفیقش، و درین اوقات این آیه مبارکه {فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا} به فراموشی سپرده می شود.

ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: چون الله تعالی در آیه قبلی یاد آور شد که قرآن کریم بصیرت ها (آگاهی و بینش)، هدایت، رحمت، برای مؤمنان است، بلافاصله امر به گوش گرفتن و سکوت (خاموشی) هنگام تلاوتش را صادر کرد، تا یک نوعی از تعظیم به قرآن کریم صورت گیرد.

نه مانند مشرکین مگه که در وقت قرائت قرآن کریم به یکدیگرشان می گفتند:

---

1- البحر المحيط في التفسير ، 5261.

{ لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ } ، سورة فصّلت: 26 ، یعنی: کافران گفتند: به این قرآن گوش ندهید و در (هنگام تلاوت آن) بیهوده گویی و جار و جنجال کنید تا شما پیروز شوید<sup>1</sup>.

امام فخرالدین رازی - رحمه الله - می گوید: اگر این آیه را تنها به قرائت خلف الإمام تخصیص داده شود تعلق بین این آیه و ماقبلش { هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ } قطع و کدام مناسبتی بما قبلش پیدا نمی کند، و کلام الله تعالی از این نوع بی مناسبتی منزّه و پاک است<sup>2</sup>.

درباره فرضیت و فضیلت مطلق سماع (گوش دادن) خصوصاً گوش دادن به قرآن کریم علاوه به آیه فوق آیات و احادیثی بسیاری دیگری آمده است.

{وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ} ، سورة النساء: 46، یعنی و اگر آنها می گفتند: شنیدیم و فرمان بردیم و بشنو و به سوي ما بنگر بر ایشان بهتر و درست تر بود.

{وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ} ، سورة المائدة: 83،

یعنی و هرگاه چیزی را که بر پیامبر نازل می شود، بشنوند، چشمهایشان را می بینی که بر اثر شناخت حق پر از اشک می شود.

« عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَقْرَأُ عَلَيَّ» قَالَ: قُلْتُ: أَقْرَأُ عَلَيْكَ وَعَلَيْكَ أُنزِلَ قَالَ: «إِنِّي أَسْتَهَيُّ أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْ غَيْرِي» قَالَ: فَقَرَأْتُ النَّسَاءَ حَتَّى إِذَا بَلَغْتُ: {فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ، وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا} ، سورة النساء: 41 ، قَالَ لِي: «كُفَّ - أَوْ أَمْسِكَ -» فَرَأَيْتُ عَيْنَيْهِ تَدْرِفَانِ»<sup>3</sup>

عبدالله بن مسعود رضي الله عنه می گوید: نبی اکرم - صلى الله عليه وسلم - به من فرمود: «برایم قرآن بخوان». گفتیم: چگونه برایم قرآن بخوانم در حالی که قرآن بر تو نازل شده است؟! فرمود: «دوست دارم آنرا از دیگران بشنوم». پس سوره نساء را برایش تلاوت کردم تا به این آیه رسیدم که:

{ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا }

<sup>1</sup> - تفسیر ابن کثیر، 3 / 536 .

<sup>2</sup> - تفسیر کبیر، 15 / 441 .

<sup>3</sup> - صحیح البخاری، 6 / 6196، كِتَابُ فَصَائِلِ الْقُرْآنِ، بَابُ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَسْمَعَ الْقُرْآنَ مِنْ غَيْرِهِ، = صحیح مسلم، 1 / 551، كِتَابُ فَصَائِلِ الْقُرْآنِ، بَابُ فَضْلِ اسْتِمَاعِ الْقُرْآنِ، وَطَلَبِ الْقِرَاءَةِ مِنْ حَافِظِهِ لِاسْتِمَاعِ وَالْبُكَاءِ عِنْدَ الْقِرَاءَةِ وَالتَّذْبِيرِ.

یعنی چگونه خواهد بود آنگاه که از هر ملتی، گواهی بیاوریم و تو را بعنوان گواه اینان، بیاوریم، رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «بس کن». پس دیدم که اشک از چشمان مبارکش، سرازیر است.

بالمقابل از آنانی خبر داد که اصلاً آماده به گوش فرا دادن به قرآن نبوده و از آن امتناع می ورزند، {وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ}، سورة فصلت: 26.

ترجمه: و کافران گفتند: به این قرآن گوش ندهید و در (هنگام تلاوت آن) بیهوده گویی و جار و جنجال کنید تا شما پیروز شوید.

و کفار را بعزت عدم استفاده از نعمت بزرگی الهی یعنی گوش به بلیغ ترین الفاظ مورد نکوهش قرار داد، الله تعالی خیر و ایمان را موقوف به سماع البتة سماع قبول و کسانیکه دارائی همین نوع سماع (سماع قبول) نیستند مرتبه شان را از حیوانات هم پائین قرار داده است.

حقیقه سماع (گوش دادن) خیلی امر مهمی بوده و کسانیکه همچون کفار آن را مورد استفاده قرار نمی دهند در داخل دوزخ بر غفلت شان ندامت ها را اظهار می کنند ولی فائده برایشان ندارد.

{وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ}، سورة الملک: 10. ترجمه: و می گویند: اگر می شنیدیم و یا خرد می ورزیدیم در (زمره) دوزخیان قرار نمی گرفتیم.

ترجمه: بگو: به من وحی شده است که گروهی از جنیان (به تلاوت قرآن) گوش فرا دادند، آنگاه گفتند: بی گمان قرآنی شکفت شنیدیم. به راه راست هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را با پروردگار خود شریک نمی سازیم.

ابن قیم - رحمه الله - می گوید: « السَّمَاعُ أَصْلُ الْعَقْلِ، وَأَسَاسُ الْإِيمَانِ الَّذِي أَنْبَى عَلَيْهِ »<sup>1</sup>.

شنیدن و گوش دادن اصل عقل و بیخ و بنیاد ایمان است که ایمان به او بنا شده است، از آیات فوق، حدیث، و اقوال سلف چنین معلوم شد که همیشه باید این نعمت بزرگ الهی را در جای خوب استعمال، و سماع قرآن کریم را دوست داشته و به گوش دادن به آیات آن خود را برحمت الهی نزدیکتر سازیم.

<sup>1</sup> - مدارج السالکین بین منازل ایاک نعبد وایاک نستعین، 478/1.

## مبحث دوم: موانع رحمت الهی در قرآن کریم

این مبحث دارای پنج مطلب می باشد :

### مطلب اول: شریک آوردن به الله - جل جلاله -

چگونه که ایمان به الله تعالی و اطاعت از او مهم ترین وسیله در راه رسیدن بسوی رحمت الهی است و راه رسیدن به رحمت الهی را برای انسان هموار می سازد، همین گونه شریک آوردن به الله تعالی مانع رحمتش بوده و انسان را از رحمت الهی محروم می سازد.

الله تعالی شرک را بزرگ ترین ظلم و ستم خوانده است، {إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ} ، سورة لقمان: 13.

ترجمه: به راستی که شرک ستم بزرگ است.

اگرچه درین رابطه صراحتاً کدام آیه راجع به مانع شدن شرک از رحمت الهی مشاهده نمی شود، اما دلالت درین راستا آیاتی بسیاری است، و الله تعالی مشرک را به شدید ترین مجازات تهدید نموده است؛ و آن عبارت از تحریم جنّت و دادن جایگاه در جهنّم است.

{إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ} ، سورة المائدة: 72.

ترجمه: بی گمان هرکس برای خدا شریک قایل شود خداوند بهشت را بر او حرام نموده و جایگاهش آتش جهنّم است.

الله تعالی اسم مبارکش را در موضع اضرار اظهار نمود، از جهت خطر ناک بودن کار، و آن شرک به الله تعالی است<sup>1</sup>.

{إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا} ، سورة النساء: 48.

ترجمه: بی گمان خداوند شرک به خود را نمی بخشد و گناهان پایین تر از آن را برای هرکس که بخواهد، می بخشد و هرکس به خدا شرک ورزد گناه بزرگی را مرتکب شده است.

<sup>1</sup> - محمد علی الصابونی، صفوة التفاسیر، 1 / 332، دار الصابونی للطباعة والنشر والتوزیع - القاهرة، ط 1، 1417 هـ - 1997 م .

اینجا مراد از شرک شرک اکبر بوده، هر چند علمای عقائد اقسام متعددی از شرک را بیان نموده اند اما اینجا چند نوع کلی آنرا به بحث می گیریم.

۱- شرک فی الألوهیة ، ۲- شرک فی الربوبیة ، ۳- شرک فی الأسماء والصفات.

شرک فی الألوهیة: بنا بر قول ابن جریرین<sup>۱</sup>: عبارت از پرستش غیر الله است که آنرا بالفعل می پرستند، ومستحقّ عبادت هم می داند، مانند بت پرستان، مجسمه پرستان، قبر پرستان، وامثال آنان. ویگانه دلیل شان اینست که آنها در نزد الله متعال از جایگاه خاصی برخوردار اند و امید شفاعت از شان برده می شود، با اینکه به خالقیت، مالکیت، راز قیت الله تعالی و به مخلوقیت مملوکیت معبودان شان باور و اقرار می کنند چگونه که مشرکین مکه هنگام طواف می گفتند<sup>۲</sup>.

ابن کثیر در ذیل تفسیر آیه {وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ}، سورة الأنفال: 33. می گوید: «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ الْمُشْرِكُونَ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ وَيَقُولُونَ: لَنْبَيْكَ اللَّهُمَّ لَنْبَيْكَ، لَنْبَيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَيَقُولُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "قَدْ قَدْ!" وَيَقُولُونَ: لَا شَرِيكَ لَكَ، إِلَّا شَرِيكًا هُوَ لَكَ، تَمْلِكُهُ وَمَا مَلَكَ. وَيَقُولُونَ: عُفْرَانُكَ، عُفْرَانُكَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ الْآيَةَ»<sup>۳</sup>.

مشرکین هنگامیکه گرد بیت الله طواف می نمودند می گفتند: خداوندا! آماده و فرمانبردار دستور تو هستم، هیچ شریکی نداری، رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم- می گفت: بس بس و آنان (مشرکین) می گفتند: مگر ترا شریکی هست که تو مالک او هستی و او مالک نیست؛ و می گفتند: آمرزش ترا می خواهیم، آمرزش ترا می خواهیم، بعداً الله تعالی این آیه را نازل کرد.

الله تعالی این اعمال و عادات مشرکین را مورد انکار شدید قرار داده و آنان را دروغ گوی خوانده و می فرماید: {وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ} ، سورة الزمر: 3.

<sup>۱</sup> - ابن جریرین: عبد الله عبد العزيز بن حمادة الجبرين: درسال- 1378 هـ ، بدنيا آمد، درس ابتدائی و ثانوی را در منطقه خودش بنام القویعیة فرا گرفت، و دوره تحصیلات عالی، ماستری، دکتورا اش را در ریاض تمام نمود، بعداً بوظیفه قضاوت در محکمه عالی ریاض گماشته شد، شرح عمدة الفقه، تسهیل العقیة الإسلامیة، الولاء و البراء و أحكام التعامل مع الکفار، از جمله مصنفاتش می باشد. مقدمه تسهیل العقیة الإسلامیة

<sup>۲</sup> - عبد الله بن عبد العزيز، تسهیل العقیة الإسلامیة، 161 / ، دار العصیمی للنشر والتوزیع، ط، 2.

<sup>۳</sup> - تفسیر ابن کثیر، 4 / 48.

ترجمه: و کسانی که به جای او دوستانی گرفته اند (می گویند): ما آنان را پرستش نمی کنیم مگر برای آنکه ما را به خداوند نزدیک گردانند، خداوند میان ایشان در باره چیزی که در آن اختلاف می ورزند داوری خواهد کرد، بی گمان خداوند دروغگویی ناسپاس را هدایت نمی کند.

شُرک فی الرِّبویَّة: و آن عبارت از اعتقاد و باوریست که مخلوق را همراهی خالق در خلق نمودن، ملک، تدبیر، تصرف، رزق، شریک می پندارد، مانند عقیده نصارا به تثلیث و یا عقیده فرعون هنگامی که گفت: {فَقَالْنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى}، سورة النازعات: 24.

یعنی: من پروردگار برتر شما هستم، سرانجام الله تعالی در آب نیل غرقش نموده و به همه گان نشان داد که چطور دعوی خدای نمود و سپس الله تعالی غرقش نموده و دعوایش را باطل گرداند.<sup>1</sup>

شُرک فی الأسماء والصفات: و آن عبارت از اعتقاد و باوریست که مخلوق متّصف به بعضی صفات خالق می باشد مانند عقیده بر اینکه بشر به سلسله غیبیات آگاه است، و یا اینکه بشر در بعضی موارد دارای قدرت مطلق شده می تواند، به عنوان مثال کسانی هستند، به هیچ وجهی همراهی خدا، خدای دیگری را قائل نیستند، ولی عقیده و باور دارند که اولیاء الله از بعضی چیزهای غیب (پنهان) آگاه هستند، علم شان در دلهای مردم صدور نموده و آنرا بنام کشف القلوب می نامند، و غیره شرکيات دیگر که درین مقام گنجایش بحث را ندارد، هر کس به همین نوع عقیده باشد وی مشرک و از دین اسلام خارج است.<sup>2</sup>

قابل ذکر است: توحیدیکه در آن توحید حاکمیت نباشد، ناقص و اصرار بر آن موجب کفر و شرک می باشد، یعنی کسیکه قائل به حاکمیت غیر به همراهی حاکمیت الله تعالی باشد، و عقیده بر این داشته باشد که حکم انسان ها فوق حکم الهی است، و یا برابر آنست آن شخص در توحید خود دوچار نقص بوده، و نمی توان وی را از جمله موحدین شمرد، دلایل بر آن خیلی بسیار است.

الله تعالی می فرماید: {وَلَا يُشْرِكْ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا}، سورة الكهف: 26.

ترجمه: و در فرماندهی و حکم خود کسی را شریک خود نمی سازد.

<sup>1</sup> - تسهیل العقیده الإسلامية، 152 /.

<sup>2</sup> - مرجع سابق، 154 /.



طبری می گوید: «الله تعالی در فیصله و حکمش هیچ یکی از مخلوقش را شریک خود نساخته، بلکه خود یگانه چیزی خواست و دوست داشت فیصله و حکم نموده و تدبیر مخلوقاتش را قبلاً کرده است، الله تعالی نه به وزیر احتیاج دارد، و نه به مشاور و یا کمک کننده دیگر<sup>1</sup>.

ابن قیم می گوید: کسیکه حکم الهی را خوب دانسته، و خلاف آن قصداً حکم نماید، و خود را در آن مختار در بین فعل و ترک آن بداند، آن شخص دوچار کفر اکبر شده است<sup>2</sup>.

از خلال آیات قرآنی که در مورد مشرکین آمده چنین دانسته می شود که مشرک از رحمت الهی دور و همه اعمالش نابود، و عید های سخت درباره شان در قرآن کریم آمده، و از سوی الله تعالی در دنیا و آخرت دوچار عذاب های گوناگون می شوند، باید خود را از این انواع و انواع دیگری شرک که واقعاً یک عمل خطرناک است آگاه سازیم، تا از آن عمل خطرناک در امن بمانیم، و از رحمت الهی محروم نشویم، زیرا بسا اوقات است که انسان ناخود آگاه در شرک واقع می شود، هر چیزی را که از شرش آگاهی حاصل شود این امکان را فراهم می کند تا از وقوع در آن جلوگیری صورت گیرد.

ازین رو حذیفه بن الیمان - رضی الله عنه - رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - را از شرّ سوال می کرد؛ می گوید: « اِنَّ النَّاسَ يَسْأَلُونَ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْخَيْرِ، وَكُنْتُ اَسْأَلُهُ عَنِ الشَّرِّ مَخَافَةَ اَنْ يُدْرِكَنِي »<sup>3</sup>.

یعنی مردم درباره خیر و پیشرفت دین و تقویت اسلام، از پیغمبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - سوال می کردند، ولی من درباره فتنه و فساد و شر و بی دینی از او می پرسیدم چون ترس آن داشتم زمانی با آن روبه رو شوم.

---

1- طبری، 17 / 650، = ابن کثیر، 5 / 151.

2- مدارج السالکین، 1 / 346، فَصَلُّ الْكُفْرُ الْأَكْبَرُ.

3- بخاری، 3 / 1319، کتاب المناقب، باب علامات النبوة، = مسلم، 3 / 1475، کتاب الإمارة، باب وجوب ملازمة جماعة المسلمين عند ظهور الفتن وفي كل حال وتحريم الخروج على الطاعة ومفارقة الجماعة.

## مطلب دوم: فساد در روی زمین خدا

معنای فساد: چونکه فساد و صلاح هر دو زبان زد عام و خاص است بناءً نمی توان معانی لغوی خاص و واضح تری از این هر دو بیان کرد، لیکن می توان از اقوال علمائی اهل لغت بعنوان تعبیر در کار گرفت.

ابن منظور می گوید: «الفسادُ: نَقِيضُ الصَّالِحِ؛ تَفَاسَدَ الْقَوْمُ: تَدَابَرُوا وَقَطَّعُوا الْأَرْحَامَ»<sup>1</sup>.

یعنی فساد شکننده صلاح است، قوم بایک دیگر فساد کردند یعنی با یکدیگر پشت گرداندند؛ قطع صلّه رحمی کردند.

{وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ}، سورة الأعراف: 56.

ترجمه: و در زمین بعد از اصلاح آن فساد مکنید و خداوند را با ترس و امید بخوانید، همانا رحمت خدا به نیکو کاران نزدیک است.

{وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ}، سورة البقرة: 205.

ترجمه: و چون قدرت یابد سعی می کند که در زمین فساد و تباهی ورزد، و تلاش می نماید کشتزار و دام را نابود کند، و خداوند فساد را دوست ندارد.

اینجا مراد مطلوب چنین نیست که الله تعالی تنها فساد کشت زارویا دام داری را دوست ندارد بلکه همه فساد را دوست ندارد<sup>2</sup>.

حکم فساد و فیصله الهی درباره آن در دنیا و آخرت بصورت واضح و مکمل بیان گردیده {إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ حَزْبٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ}، سورة المائدة: 34.

<sup>1</sup>- لسان العرب، 3 / 335.

<sup>2</sup>- نضرة النعيم في مكارم اخلاق الرسول الكريم، 11 / 5236.

ترجمه: همانا سزای کسانی که با خدا و پیامبرانش می جنگند، و در روی زمین دست به فساد می زنند، این است که کشته، یا به دار آویخته شوند، یا دست ها و پاهایشان در جهت عکس یکدیگر قطع گردد، و یا اینکه تبعید شوند، این رسوایی آنان در دنیا است، و برای آنان در آخرت عذابی بزرگ است.

درین آیه مبارکه الله تعالی فیصله عادلانه اش را درباره فساد پیشه گان در روی زمین صادر، و مسلمانان را به اجرای آن مکلف نموده است، اگرچه اولیاء مقتولین از آنان (محاربین و مفسدین) عفو نمایند، زیرا این حق شرع است<sup>1</sup>.

آیات متعددی درباره فسادهای گوناگون و ذم آن و منع از آن، در قرآن کریم آمده است:

۱- ناقضین پیمان خدا و قاطع صلۀ رحمی، از جمله مفسدین هستند، { الَّذِينَ يَنْفُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ }، سورة البقرة: 27.

ترجمه: آن کسانی که عهد خداوند را بعد از بستن آن می شکنند و آنچه را خداوند دستور به وصل کردن آن داده است قطع کرده و در زمین فساد می کنند، اینها زیان کارانند.

بیضاوی می گوید: هر قطع کننده که سبب نا رضایی الله تعالی شود، از قبیل قطع صلۀ رحمی، تفرقه در بین انبیاء، و ترک جماعت های مفروضه را شامل می شود<sup>2</sup>.

۲- چون فساد کاری شایسته و پسندیده نیست، الله تعالی آن را اکیداً ممنوع قرار داده است،

{ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ }، سورة البقرة: 60، و همچون تباهکاران در زمین فساد و تباهی نکنید.

۳- حق تلفی از جمله فساد های دیگریست که اکثری مردم به آن آلوده هستند، هیچ نوع حق تلفی و ظلم در حق همدیگر از جانب شرع مجاز نبوده، بلکه اکیداً از آن ممانعت صورت گرفته است.

الله تعالی می فرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ } النساء: 29.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به ناحق مخورید.

<sup>1</sup>- روح البیان، 2 / 386

<sup>2</sup>- تفسیر بیضاوی، 1 / 64.

واین خوردن مال مردم حرام است، برابر است که به طریق سود، قمار، دزدی، غصب، و... باشد<sup>1</sup>.

پیامرصلی الله علیه وسلم- می فرماید: «لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِطَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ»<sup>2</sup>.

یعنی مال یک مسلمان بدون رضایت نفس وی حلال نیست.

قابل ذکر است: حق تلفی تنها در خوردن مال خلاصه نمیشود، بلکه انواع تصرفات در حقوق مردم ممنوع است، و اینجا در آیه مبارکه تعبیر به خوردن شد، زیرا مقصود مهم از گرفتن مال خوردن آن است<sup>3</sup>.

در رابطه می توان گفت: درین عصریکه ما هستیم می بینیم که اشخاصی هستند که از انواع حق تلفی ها را در مقابل برادر مسلمان خود روا دار بوده و از گناه آن هیچ چیز را به خاطر نمی آورند، مثلاً تلف نمودن حقوق مالی، رتبی، علمی، استعدادی، و غیره که روزانه از صاحبش مستبدانه گرفته شده، و به شخصی غیر ذی حق سپرده می شود، و این حق تلفی ها نه تنها موجب خراب شدن آخرت، بلکه سبب برهم خوردن نظم دنیایی هم می شود.

از خلال آیات قرآنی دانسته می شود که فساد در زمین خدا جرّمش بمنزله قتل ناحق و یا شدید تر از آن است، ظهور فساد در روی زمین موجب خشم خداوند- جَلَّ جَلالُه - و دوری از رحمتش می گردد؛ در جامعه که فساد منتشر شود موجب سخت دلی مردم در قبال همدیگر و قطع صلّه رحمی می گردد، فساد جامعه را بسوی بی اعتمادی، بد اخلاقی ها، ترس، وحشت، و هزارها مصیبت دیگر سوق میدهد، ناگفته نباید گذاشت که تطبیق قوانین وضعی (ساخته بشر) می تواند از بزرگترین فساد روی زمین خدا باشد، بدین وسیله فساد مانع نائل شدن به رحمت الهی واقع می شود<sup>4</sup>.

## مطلب سوم: گناه و سرکشی از حد بیش

چون پیروی از اوامر الهی و منع از نواهیش سبب نزول رحمت الهی است همین گونه گناه و سرکشی یعنی خلاف امر و نهی الله تعالی مانع رحمت او شده و خشمش را برمی انگیزد.

<sup>1</sup> - تفسیر بغوی، 1 / 602.

<sup>2</sup> - شعب الایمان، 1 / 346، ابواب جهاد، فصل ترغیب نکاح. صححه الشیخ الالبانی فیحدیث رقم: 7662 فی صحیح الجامع

<sup>3</sup> - تفسیر روح البیان، 2 / 194.

<sup>4</sup> - نضرة النعیم فی مکارم اخلاق الرسول الکریم، 11 / 5260.

الله تعالی می فرماید: { بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ } ، سورة البقرة: 82، 83.

ترجمه: آری! هرکس کار بدی انجام دهد و گناهش او را احاطه کند پس اینها یاران دوزخند و آنان در آن جاودانه خواهند بود؛ و کسانی که ایمان آوردند و کار شایسته انجام دادند ایشان یاران بهشت اند و در آن برای همیشه خواهند بود.

هرچند از سیاق و سباق این آیه دانسته می شود که مراد از معذبین بسبب گناهان یهودیه است، لیکن عبرت بعموم لفظ است نه بخصوص.

مانع شدن رحمت الهی بسبب گناهایی که از بنده گان عمداً صورت می گیرد با غفور و رحیم بودن الله تعالی در تضاد نیست، بلکه نمایانگری عدل و حکمت اوتعالی است، از لحاظ عقل انسانی هم خوب و بد را از همدیگر تمییز باید کرد، { أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ } ، سورة ص: 28.

ترجمه: آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند مانند تباهی کنندگان در زمین می گردانیم؟ آیا پرهیزگاران را مانند بدکاران قرار می دهیم؟.

چنین چیزی (مساوات بین مؤمن و مفسد متقی و فاجر) شایسته و مناسب حکمت و حکم داور می نیست.

سنن الهی بر این جاریست که در هر وقت و زمان فرمان بردار، خدا ترسان، پیروان خویش، را در دنیا و آخرت معزز و مکرم داشته، سرکشان و کسانی که از جاده اصلی الهی منحرف، و از عذاب دنیا و آخرت غفلت نموده اند به عذاب های گوناگون دچارشان ساخته و از رحمت خویش دورشان سازد.

ابن قیم - رحمه الله - در کتاب خود موسوم به الذاء والدواء راجع به اضرار گناه و سرکشی و اثرات آن خیلی بحث طولانی، اما ارزشمندی نموده که خلاصه و مفهوم آن را یاد آور می شویم

قسمیکه مواد زهری که در بدن مضر تمام می شود گناه و شرکشی و انحراف از راه خدا در قلب انسان مضر بلکه مضرتر تمام شده و انسان را از رحمت الهی دور می سازد.

«عن جبير بن نفير<sup>1</sup> قال لما سبيناها نظرت إلى أبي الدرداء يبكي فقلت له ما يبكيك في يوم أعز الله فيه الإسلام وأهله وأذل فيه الكفر وأهله قال فضرب بيده على منكبي وقال ثكلتك أمك يا جبير ما أهون الخلق على الله إذا تركوا أمره بينما هي أمة ظاهرة فاهرة للناس لهم الملك إذ تركوا أمر الله فصاروا إلى ما ترى فسلط عليهم السباء وإذا سلط السباء على قوم فليس لله فيهم حاجة».

هنگامیکه جزیره قبرس بدست مسلمین فتح گردید، مال و دارائی شان تقسیم، زن و اولاد هایشان به بردگی و کنیزی گرفته شد، و یکی از دیگرشان جدا ساخته شدند، درین میان ابوالدرداء - رضی الله عنه - را دیدند که تنها نشسته و می گردید، از وی پرسیده شد که برای چه چیز گریه می کنی درحالی که الله تعالی درین روز اسلام را عزت و شأن و شوکتی داده که فراتر از مرز خودشان فعالیت ها می کنند و همچون فتوحات نصیب شان می گردد؟.

ابوالدرداء در جواب گفت: من بحال این سیاه بختان قبرسی می گریم، زیرا اینها قبلاً از خود سلطنتی داشتند و مردمی پر قدرتی بودند، اما در نتیجه نا فرمانی و سرکشی از حکم الله عزوجل خوار و زبون گردیدند بچشم سرمان می بینیم<sup>2</sup>.

گناه و سرکشی بدترین اثرات منفی و تغییرات نابسامانی را در قلب و سائر بدن انسان می تواند ببار بیاورد از جمله:

۱- محرومیت علم: شخصیکه همیشه بطور عمدی مرتکب گناه ها و سرکشی ها می شود از بزرگترین نعمت الهی که علم و دانش دینی است محروم شده و نمی تواند علم مطلوب را فرا گیرد.

چنانچه امام شافعی - رحمه الله - می گوید:

شَكَوْتُ إِلَى وَكَيْعِ سَوْءِ حِفْظِي ... فَأَرْشَدَنِي إِلَى تَرْكِ الْمَعَاصِي

وَقَالَ اعْلَمْ بِأَنَّ الْعِلْمَ فَضْلٌ ..... وَفَضْلُ اللَّهِ لَا يُؤْتَاهُ عَاصِي<sup>3</sup>.

<sup>1</sup> - ابو عبدالرحمن الخضرمي: صحابي که در حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم ایمان آورده ولی وی رانديده بود زیرا در یمن بصری برد، بعداً به مدینه آمد و با ابوبکر صدیق رضی الله عنه ملاقات کرد، و بعد رهسپار شام گردیده و در آنجا سکونت اختیار نمود. اسد الغابة فی معرفة الصحابة، 1 / 517.

<sup>2</sup> - محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، 4 / 262، ناشر: دار التراث - بیروت، ط، دوم: 1387 هـ.

<sup>3</sup> - دیوان الإمام الشافعی، 1 / 61.

یعنی به استاد محترم و کعب از ضعف حافظه شکایت نمودم، ایشان به ترک معاصی توصیه نمودند، زیرا علم یک فضلی است از سوی خدا و فضل الهی به شخص گنهکار تعلق نمی گیرد.

۲- محرومیت رزق (روزی دنیا ئی) پیامبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - می فرماید: "إِنَّ الرَّجُلَ لَيُحْرَمُ الرَّزْقَ بِالذَّنْبِ يُصِيبُهُ"<sup>1</sup>، یعنی یکنفر بسبب انجام گناهی که مرتکب آن می شود خود را از رزق و روزی محروم می سازد، چگونه که تقوی و پرهیز گاری سبب فراونی رزق است گناه هم سبب فقر شده می تواند.

۳- گناه و سرکشی انسان حتی بالای سائرین حیوانات هم تأثیر خود را می گذارد.

۴- وحشت قلبی و وحشت از مردمان خداترس، خوار و حقیر شدن در نزد وجدان خود و در نزد مردم، و غیره ده ها تأثیرات ناهنجار دیگری هست که از شومی گناه و سرکشی بوجود می آید.<sup>2</sup>

از خلال آیات قرآنی و احادیث نبوی و اقوال سلف دانسته شد که گناه و سرکشی یگانه مانع رحمت الهی شده می تواند در حالیکه رحمتش دریائی بی پایان است، پس باید از گناه و سرکشی خود داری نمود تا همیشه به رحمت الهی نزدیک باشیم.

## مطلب چهارم: نفاق و یا منافقت

نفاق و یا منافقت یعنی دو رویه گی در ظاهر مسلمان، ولی در باطن چیز دیگر مانع رحمت الهی میشود.

نفاق مصدر از باب مفاعله، بنا بر تعریفی که علامه جرجانی نموده عبارت از اظهار ایمان به زبان، و پنهان کردن کفر در دل را گویند.<sup>3</sup>

اولاً: اینکه الله تعالی در قرآن کریم خبائث های منافقین و کردار زشت شان را برای مسلمین طور واضح و روشن بیان نموده است:

الف: منافقین دائماً از فیصله خداوندی بیم و هراس دارند، که مبادا حقوق شان تلف شود، در حالیکه شریعت اسلامی یک ذره اتلاف حق کسی را مجاز نمی داند.

<sup>1</sup> - سنن ابن ماجه، 2 / 1334 ، كتاب الفتن ، باب العقوبات ، قال الشيخ الألباني : حسن دون قوله وإن الرجل .

<sup>2</sup> - الذاء والنواء، 43، 52، /، دیده شود، فصل ضرر های گناه و سرکشی ابن قیم الجوزية : دار المعرفة - المغرب، ط، اول، 1418 هـ - 1997 م.

<sup>3</sup> - علي بن محمد الجرجاني ، التعريفات، 205 / ، باب النون، دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، ط، اول، 1403 هـ - 1983 م.

{ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا، وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا، سورة النساء: 60، 61.

ترجمه: آیا تعجب نمی کنی از کسانی که ادعا می کنند به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان آورده اند، و می خواهند که داوری را به پیش طاغوت ببرند درحالیکه به آنها دستور داده شده است تا به طاغوت کفر بورزند، و شیطان می خواهد آنان را بسی گمراه کند، و وقتی که به ایشان گفته شود: بیایید به سوی آنچه که خدا نازل کرده، و (بیایید) به سوی پیامبر، منافقان را می بینی که به تو پشت می کنند و از تو باز می دارند.

ب: قرآن به خسیس بودن منافقان گواه است، { فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرَكْسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ سَبِيلًا، سورة النساء: 88.

ترجمه: شما چرا درباره منافقین دو دسته شده اید؟ حال آنکه خداوند به سبب آنچه انجام داده اند آنها را واژگون و به عقب برگردانده است، آیا می خواهید کسی را هدایت کنید که خدا او را گمراه کرده است؟ و هرکس که خدا او را گمراه سازد برای او راهی نخواهی یافت.

درین جا الله تعالی جمله اُرکسهم را فرموده و اِرکاس مشتق از رکس بمعنای نجاست و یا خساست است<sup>1</sup>

ج: منافقین چگونه که در عقیده شان دروغ می گویند در اقوال شان نیز دروغ می گویند، بزبان عامیانه پشت کسی را گرم نمی گیرند، { أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ، لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُولَّيْنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ، سورة الحشر: 11، 12.

ترجمه: آیا به منافقان ننگریسته که به برادران کافر خود از اهل کتاب می گویند: هرگاه شما را بیرون کنند ما هم با شما بیرون خواهیم آمد و در حق شما هرگز از کسی فرمان نمی بریم، و اگر با شما جنگ و پیکار شود قطعاً شما را یاری می رسانیم، و خداوند گواهی می دهد که آنان دروغگو هستند؛ اگر اخراج

<sup>1</sup> - تفسیر کبیر، 10 / 169.



شوند با آنان بیرون نمی روند و اگر با آنان کار و زار شود به آنان یاری نمی رسانند و اگر همه به کمک و یاریشان بروند پشت می کنند و می گریزند آن گاه یاری نخواهند شد.

د: منافقین همیشه درصدد استقاده شخصی و یا مادی خود شان بوده و کدام برنامۀ و انگیزه درونی از خودشان ندارند، و دردم جیفه دنیائی شان افتاده اند، ﴿الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾، سورة النساء: 141.

ترجمه: (منافقان) همان کسانی (هستند) که شما را می پایند، پس اگر از جانب خدا پیروزی نصیب شما گردد، می گویند: آیا ما با شما نبودیم؟ و اگر کافران بهره ببرند، می گویند: مگر ما بر شما چیره نبودیم، و شما را از (گزند) مؤمنان حمایت نکردم؟ سپس خداوند در روز قیامت میان شما داوری خواهد کرد، و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان چیره نخواهد کرد.

ثانیاً: منافقین کی ها هستند؟، طوریکه از خلال آیات فوق دانسته شد، الله تعالی در قرآن کریم نشانه های واضحی از منافقان را بیان نموده است.

از جمله: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَآؤُنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ، مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هُوَ لَا إِلَى هُوَ لَا إِلَى هُوَ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا﴾، سورة النساء: 142، 143.

ترجمه: بی گمان منافقان خدا را فریب می دهند، درحالیکه او آنها را فریب می دهد. و چون برای نماز برخیزند سست و بی حال به نماز می ایستند، با مردم ریا می کنند و بجز اندکی خدا را یاد نمی کنند؛ در این میان سرگشته و مترددند، نه با اینان و نه با آنان هستند، و هرکس را که خدا گمراه سازد برای او راهی نخواهی یافت.

﴿يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ لَا يَتُوبُونَ إِلَّا أَنْ أَعْنَاهُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾، سورة التوبة: 74.

ترجمه: منافقان به خدا سوگند می خورند که (سخن باطل) نگفته اند، درحالیکه قطعاً سخن کفر را گفته، و پس از اسلامشان کافر گشته اند و قصد انجام کاری را کرده اند که بدان نرسیده اند، و به انتقاد از آنان

نپرداختند مگر از آن روی که خدا و پیامبرشان آنان را از فضل خود توانگر ساخت. پس اگر توبه کنند برایشان بهتر است، و اگر روی بگردانند خداوند در دنیا و آخرت آنان را به عذابی دردناک مبتلا می کند و آنان در روی زمین هیچ یار و مددکاری نخواهند داشت.

رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - می فرماید: { آية المنافق ثلاث: إذا حدّث كذب، وإذا وعد أخلف، وإذا ائتمن خان }<sup>1</sup>.

نشانه منافق، سه چیز است: اول اینکه در صحبت های خود، دروغ می گوید، دوم اینکه خلاف وعده، عمل می کند، سوم اینکه در امانت، خیانت می کند.<sup>2</sup>

**ثالثاً:** خطراتیکه از سویشان متوجه جامعه مسلمین است، منافقین برای جامعه اسلامی خطرناک تر از کفار می باشد، زیرا کفار دشمنان علنی هستند، اما منافقین دشمنان سری و غیر مرئی هستند که مسلمانان از ناحیه شان خیلی متضرر می شوند.

همیشه در جستجوی تفرقه، جنگهای قومی، سمتی، نفرت از یکدیگر، در میان جامعه مسلمین هستند، آنان بمنزله مار زیر آستین هر زمان می توانند مسلمین را بانیش زهر آلود شان مسموم سازند، هر لحظه خنجری از پشت سرزدن برای شان مهیا است.

همان دلایلی که مؤمنان ارائه می کنند منافقان هم می توانند چنین بگویند، در بعضی موارد حتی از مسلمانان در بحث و گفتگو پیشی می گیرند، آنان مانند مکروب های کشنده که با خون در بدن مختلط هستند با مسلمانان در آمیخته اند.

بناءً مسلمین نمی توانند به سهولت از عهده تشخیص آن فریب کاران بر آیند ازینرو الله تعالی پائین ترین طبقه جهنم را برایشان آماده ساخته و از رحمتش بدورشان انداخته است.

<sup>1</sup> - صحیح البخاری، 2 / 952، کتاب الشهادات، باب من أمر بإنجاز الوعد = مسلم، 1 / کتاب الإيمان، باب بیان خصال المنافق.

<sup>2</sup> - زین الدین عبد الرحمن بن أحمد السّلامی، جامع العلوم والحکم فی شرح خمسين حدیثاً من جوامع الكلم، 2 / 481، البغدادی، ثمّ الدمشقی، الحنبلی: مؤسسة الرسالة - بیروت، ط 7، 1422 هـ - 2001 م.

## مطلب پنجم: یأس و ناامیدی از رحمت الله - جل جلاله -

مأیوس شدن و یا ناامیدی از رحمت الله - جل جلاله - از جمله گناهان کبیره بوده و مانع رحمت الهی می شود امروز مصیبت های متعدّد و مشکلات لاینحلّ که دامن گیر مردم شده همین اظهارناامیدی از رحمت الهی است که شیطان رجیم از آن منحنیث کشنده ترین سلاح در دست داشته خود علیه بشریت علی الخصوص جامعه مسلمین استفاده می کند، شیطان رجیم دشمن دیرینه انسان به این سلاحش نمی خواهد تنها زنده گی دنیا را نشانه بگیرد بلکه می خواهد انسان را از رحمت الهی ناامید ساخته سپس آن زنده گی ابدی را از انسان بیچاره دشمن نا شناس سلب نماید.

پس بر ما لازم است که در هر حالت، حین گرفتاری در هر معضله، رویا رویی با هر مشکلات، چه حالت فقر و گرسنگی، چه بی امنی، چه محرومیت، و غیره مصائب از رحمت الهی امید داشته و نگذاریم که این ها سدّ راه دین داری مان شده خدا ناخواست در یک قمار دنیا و آخرت را ببازیم، الله تعالی در قرآن کریم راجع به یأس و ناامیدی آیات بسیاری را بیان نموده و بنده را از آن بر حذر می دارد.

۱- الله تعالی بنده گانش را از ناامیدی منع نموده، و وعده بخشایش مزید را میدهد:

{قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ} ، سورة الزمر: 53.

ترجمه: ای بندگانم که زیاده روی کرده اید! از رحمت الهی ناامید نباشید بی گمان خداوند همه گناهان را می آمرزد» یعنی گناهان کسی که به سوی خدا برگشته و توبه نموده است.

۲- دوستان خدا بمحض مشاهده نکردن اسباب از رحمت الهی ناامید نمی شوند، بلکه به امید رحمت الهی بسعی و تلاش خود ادامه می دهند، نمی بینی یعقوب - علیه السلام- به فرزندانش حین مصیبت بالای مصیبت، چگونه به جستجوی هردو برادران نشان امر و از ناامیدی شدیداً منع کرده و ناامید از رحمت الهی را از جمله کافران می خواند؟ {يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ} ، سورة يوسف: 87.

ترجمه: ای فرزندانم! بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا ناامید نشوید، چرا که جز گروه کافران از رحمت خدا ناامید نمی گردند.

و یا قضیه آمدن فرشتگان نزد ابراهیم- علیه السلام- و جواب او برای آنان (فرشتگان) بعد از بحث دربارهٔ مژده دادن به ولد صالح، و نصیحت فرشتگان برایش که نباید از رحمت خدا نا امید شد؛ ابراهیم - علیه السلام- بلا درنگ در جواب می گوید: نا امید از رحمت پروردگار گمراه و از جادهٔ اسلام منحرف است.

{ قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تُكُنْ مِنَ الْفَانِطِينَ، قَالَ وَمَنْ يَفْنُطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ } ، سورة الحجر: 55، 56.

ترجمه: گفتند: ما تو را به راستی مژده داده ایم، پس از ناامیدان مباش؛ گفت: جز گمراهان چه کسی از رحمت پروردگارش نا امید می شود؟.

۳- انسان نباید بمجرد رویا رویی با سختیها بی حوصله شده و از همه چیز دست شویید، ورنه خود را به کفر رسانده، و در همان ردیف بشمار می رود.

{ وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيُؤْسُ كَفُورٌ } ، سورة هود: 9.

ترجمه: و اگر به انسان از سوی خود رحمتی بچشانیم سپس آن را از او بستانیم بسی نا امید و ناسپاس گردد. در اینجا از طبیعت انسان خبر می دهد که نه بر خیر صبر دارد و نه بر شر.

۴- انسان نا امید خودش را رسوا و حقیر تر از آنچه هست می پندارد؛ { فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ، وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ } ، سورة الفجر: 15، 16،

ترجمه: پس اما انسان هرگاه پروردگارش او را بیازماید و او را گرامی دارد و به او نعمت دهد، می گوید: پروردگارم مرا گرامی داشته، و اما زمانی که پروردگارش او را بیازماید و روزی اش را بر او تنگ گیرد، می گوید: پروردگارم مرا خوار داشته است.

۵- الله تعالی شخص نا امید را مورد سرنش شدید قرار داده حتی به از دست دادن دنیا و آخرت تهدیدش کرده است.

{ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ } ، سورة الحج: 11.

ترجمه: و از میان مردم کسی هست که با دو دلی خدا را می پرستد، پس اگر خیر و خوبی به او برسد بدان آرام گیرد، و اگر بلائی به او برسد به عقب برگردد، در دنیا و آخرت زیانکار شده، و این همان زیان روشن و آشکار است.

۶- نا امید از رحمت الهی را الله تعالی از جمله کافران شمرده است، {وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ} ، سورة العنكبوت: 23.

ترجمه: و کسانی که به آیات خداوند و لقائی او کفر ورزیده اندایشان از رحمت من مأیوس می باشند و اینان عذاب دردناکی دارند.

از خلال آیات قرآنی چنین دانسته شد که الله تعالی رحمتش دریا ی بی پایان است؛ و انسان به هیچ صورت نباید از رحمت الهی نا امید گردد، ورنه الله تعالی از همان دریایکه مورد استفاده همه است ممنوع قرارش می دهد، و به خداوند جلّ - جلاله- هیچ نقصان وزیانی نرسیده و همین بنده عاجز است که تا وان را بدوش می کشد.

## خاتمه

در آخر الله تعالی را سپاس گزارم که به نوشتن این رساله (رحمت در روشنایی قرآن کریم) مؤقّم ساخت، تا توانسته باشم به اندازه طاقت بشری در مفهوم رحمت، اطلاقات رحمت، ثمرات رحمت، اسباب رحمت، رحمت یک اصل قرآنی است، اسلام دین رحمت است، تشریح و تحلیل آیات رحمت و آنچه در معنای آنست، بحث نمایم، البته چیزهای را که را جع به این موضوع به بحث گرفتم از خودم نبوده بلکه از کتب معتبره تفسیر اخذ و تحقیق نمودم، و از بارگاه ایزد متعال عاجزانه می خواهم که این کار را سبب رضامندیش گرداند، و خودم و دیگران را توفیق نصیب فرماید تا رحمت الهی را سرمشق زنده گی خود قرار دهیم، و صلی الله علی رسوله محمّد و اله واصحابه اجمعین.

## نتائج بحث

بعد از بحث و بررسی درباره رحمت الهی در قرآن کریم و تحقیق و تفکر در آیات وارده، نقل احادیث صحیح از پیامبر - صلی الله علیه و سلم - اقوال و نظریات علمای اهل تفسیر - رحمهم الله - از سلف تا خلف، به این نتایج رسیدیم که:

- ۱- قرآن کریم جواب دهنده همه احتیاجات مربوط به جامعه بشریت، بلکه همه مخلوقات است.
- ۲- رحمت در لغت و در اصطلاح، مفهوم رحمت الهی، توصیف الله متعال به رحمت و ورود کلمه رحمت در آیات متعدد قرآن کریم، تقریباً به (۳۵۲) مرتبه میرسد.
- ۳- ورود کلمه رحمت به صیغه اسم و مصدر: ورود واژه رحمت به صیغه فعل: ورود کلمه رحمت به صیغه اسم تفضیل و اسم ذات و ورود کلمه رحمت به صیغه مبالغه به چند مرتبه میرسد، و همچنین کلمه رحمت دارای اشتقاقات مختلف، از قبیل اسم، فعل، مشتق، غیر مشتق، ماضی، مستقبل، حال آمده است.

و دیگر اینکه لفظ رحمت بامشتقاتش چه در قرآن کریم، چه در احادیث نبوی، چه در کتب ادب و غیره راجع به همان اصل مصدر اسمی (رحمت) و یا فعلی (رحم) می باشد.

- ۴- وجوهات و نظائر رحمت در قرآن کریم، تعریف وجوه و نظائر، اقوال مفسرین کرام - رحمهم الله - درباره وجوه و نظائر، مرادفات کلمه رحمت در قرآن کریم الفاظ مترادف در قرآن کریم موجود و ثابت بوده بلکه در بسیار از جاها ی قرآن کریم از یک معنی تعبیر به الفاظ متعدده صورت گرفته است.

مثل، {قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ}، سورة المجادلة: 1.

تمام وجوه و نظائر کلمات رحمت در هفده قسم بیان شد یعنی کلمه رحمت به همین معانی آمده است، لیکن همین معانی (هفده گانه) نه تنها از همدیگر تفاوتی چندانی نداشته بلکه در مابین آنها مناسبت های باهمد یگرو وجود دارد، زیرا همه این معانی از یک کلمه (رحمت) نشئت گرفته است.

یعنی: اصل کلمه رحمت یکی است، ولی معانی کثیری از آن در موارد متعددی آمده است، و این خود دلیل بر فصاحت و بلاغت قرآن کریم در اعلی ترین درجه اش است.

۵- انواع و ثمرات رحمت الهی یعنی: رحمت عام الهی و رحمت خاص الهی:

الف: رحمت عام الهی مثل، فرستادن پیامبران -علیهم السلام- چنانچه الله تعالی می فرماید: {وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ}، البقرة: 105

حشر و حساب نمودن الله متعال همه مخلوقات را، قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَ كُفْرَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ}، الأنعام: 12

ب: و رحمت خاص الهی، مثل اجر و پاداش برای مؤمنان و صابران در دنیا صبر در هنگام مصیبت چنانچه الله تعالی می فرماید: {الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ}، أولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمة وأولئك هم المهتدون}، سورة البقرة: 156، 157.

ج: ثمرات رحمت الهی در عبادات، ثمرات رحمت الهی در نظام اجتماعی، در عبادات مثل، {وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} سورة النور: 56

در نظام اجتماعی، {إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ}، الحجرات: 10.

یعنی: ثمرات رحمت الهی در ارسال رسل، حشر روز حساب، تشریح، وجوب انتشار رحمت می باشد.

وسعت رحمت الهی: رحمت الهی در بر گیرنده همه مخلوقات بوده و کسی از آن در محرومیت قرار ندارد.

۶- اسباب رحمت الهی، مثلا احسان کردن، {إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ}، سورة الأعراف: 56

تقوی و پرهیزگاری، دعاء، اطاعت الله و رسولش، توبه و استغفار، هجرت و جهاد فی سبیل الله، نماز و زکات، اتباع قرآن کریم، مثل، {وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} سورة الانعام: 155.

گوش دادن به قرآن کریم، مثل، {وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ}، سورة الأعراف: 204 .

خلاصه: آشنایی مکمل به آثار و اسباب رحمت الهی از آیات قرآنی صراحتاً و ضمناً، رحمت الهی بمحض

آرزو و هوس بستگی نداشته بلکه از خود اسباب و وسایل دارد

۷- موانع رحمت الهی مثلا، شرک و اقسام شرک که ۱- شرک فی الألوهیة، ۲- شرک فی الربوبیة، ۳-

شرک فی الأسماء و الصفات، فساد، گناه و سرکشی، نفاق و منافقت و نشانهای منافق. و ناامیدی از رحمت

الله -جل جلاله- که الله تعالی بنده گانش را از نا امیدى منع نموده، {لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ}، سورة الزمر: 5



## پیشنهادها

چیزهاییکه در آخرین رساله پیشنهاد می‌نمایم قرار ذیل اند.

۱- درگفت و شنودهای علمی باید از مبناهای اخلاقی، و رفتارهای انسانی که رحمت خداوندی قطعاً در آنها دخیل است یاد آوری لازم بعمل آید.

۲- در روزنامه‌ها، مجله‌ها، رسانه‌های دیگر با استدلال از قرآن، سنت، اخبار و کارکرد گذشته‌گان سطری چندی از رحم و ترحم بحث شود.

۳- برای بحث پیرامون رحم و ترحم در بین همه انسانها علی‌الخصوص جوامع مسلمان یک بنیاد علمی تأسیس گردد، مثلاً دائر نمودن جلسات و آگاهی‌دهی درباره‌رحمت.

۴- توصیه به رحم و ترحم تنها وظیفه‌ مشخص علماء، استادان و محصلان نبوده بلکه در هر اداره، مجتمعات و مجالس باید رحم و ترحم در دستور کارشان قرار دهند.

۵- آیت‌های دیگری از قرآن کریم درباره‌رحمت آمده است، مثلاً نزول کتابهای آسمانی، تعیین مکافات و مجازات از جانب شرع به صورت مفصل، که نسبت تطویل بیشتر درین رساله به بحث نگرفتم، کسانی دیگری می‌توانند درین راستا تحقیق و تدقیق بیشتر انجام داده و جامعه اسلامی را از آن مستفید سازند.

## فهرست آيات قرآن عظيم الشأن

شماره	آيات	سوره	شماره آيات	صفحه
۱	الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ	الفاتحه	۳	۹۷
۲	الَّذِينَ يَنْفُسُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ	البقرة	۲۷	۱۶۰
۳	فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ	البقرة	۳۷	۱۴۰، ۶۱
۴	وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ	البقرة	۵۴	۶۱
۵	وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ	البقرة	۶۰	۱۶۰
۶	وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ	البقرة	۶۳	۶۲
۷	بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ	البقرة	۸۱	۱۶۱
۸	وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ	البقرة	۱۰۵	۱۷۲، ۴۶، ۲۸
۹	وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا	البقرة	۱۲۶	۹۶
۱۰	وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ	البقرة	۱۴۳	۸۱
۱۱	الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتُهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ	البقرة	۱۵۶	۱۷۲، ۸۹
۱۲	وَالِهُمُّ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ	البقرة	۱۶۳	۹۷
۱۳	إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى	البقرة	۱۵۹	۶۲
۱۴	فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ	البقرة	۱۸۱	۶۳
۱۵	يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى ...	البقرة	۱۷۸	۸۲
۱۶	يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ	البقرة	۱۸۵	۷۹
۱۷	وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ	البقرة	۱۹۷	۱۳۵
۱۸	وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ	البقرة	۲۰۵	۱۵۹
۱۹	وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ،	البقرة	۲۰۷	۴۲
۲۰	لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ	البقرة	۲۱۳	۷۹
۲۱	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ	البقرة	۲۱۸	۱۴۰
۲۲	لِلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ	البقرة	۲۲۶	۶۴
۲۳	وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ	البقرة	۲۲۸	۱۸
۲۴	لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا	البقرة	۲۸۶	۱۲۶

٢٥	هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ	آل عمران	٦	١٨
٢٦	وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ	آل عمران	٢٥	٥٥
٢٧	وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ	آل عمران	٣٠	٤٢
٢٨	قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي	آل عمران	٣١	٨٣
٢٩	كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَاهَدُوا	آل عمران	٨٦، ٨٩	٦٥
٣٠	وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا	آل عمران	١٠٣	١٣١
٣١	وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ	آل عمران	١٠٧	٢٥
٣٢	يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ	آل عمران	١٠٦	٨٩
٣٣	وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ	آل عمران	١٣٢	١٣٨، ١٦
٣٤	وَلَيْنُ قَاتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْمَتُمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ	آل عمران	١٥٧	٨٩
٣٥	فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ	آل عمران	١٥٩	١٠٤
٣٦	وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ	آل عمران	١٨٩	٨٨
٣٧	وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ	النساء	١	١٨
٣٨	وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنكُم فَادُوهُمَا فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا	النساء	١٦	٦٥
٣٩	حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَأَخَوَاتِكُمْ وَعَمَّاتِكُمْ	النساء	٢٣	٦٦
٤٠	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ	النساء	٢٩	١٦٠، ٨٣
٤١	وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَانظُرْنَا لَكَانَ	النساء	٤٦	١٥٣
٤٢	إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ	النساء	٤٨	١٥٥
٤٣	أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ	النساء	٦٠، ٦١	١٦٥
٤٤	فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَركَسَهُمْ بِمَا كَسَبُ	النساء	٨٨	١٦٥
٤٥	لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ	النساء	٩٥	٩٠
٤٦	وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعًا كَثِيرًا	النساء	١٠٠	١٤١، ٩٠
٤٧	وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ	النساء	١١٣	١١٢، ٣٤
٤٨	لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ	النساء	١١٤	١٣٢

٤٩	النساء	١٤١	١٦٦	الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُم فَاِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ
٥٠	النساء	١٤٢، ١٤٣	١٦٦	اِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ
٥١	النساء	١٥٢	٩١	وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ
٥٢	النساء	١٦٥	٤٦	رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ
٥٣	النساء	١٧٣	٩١، ٢٥	فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ
٥٤	المائدة	٧٢، ٧٤	٦٨	لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ
٥٥	المائدة	٣٣، ٣٤	١٥٩، ٦٧	إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ
٥٦	المائدة	٣٧	٦٨	وَالسَّارِقِ وَالسَّارِقَةَ فَاقْتَعُوا أَيْدِيَهُمَا
٥٧	المائدة	٦	١٢٨	مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ
٥٨	المائدة	٣٨، ٣٩	١٣٩، ٦٨	فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ
٥٩	المائدة	٧٢	١٥٩، ٦٨	إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ
٦٠	المائدة	٨٣	١٥٣	وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ
٦١	المائدة	٩٨	٩٧	اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
٦٢	الأنعام	١٢	١٧٢، ٥٧، ٥٦	قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ
٦٣	الأنعام	١٦	١١٢، ١٥	مَنْ يُصْرِفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ
٦٤	الأنعام	٣٨	٥٧	وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ
٦٥	الأنعام	٥٤	٦٩	وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
٦٦	الأنعام	٩٠	٤٧	أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْنَدَهُ
٦٧	الأنعام	١٠٦	١٤٧	اتَّبِعْ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ
٦٨	الأنعام	١٣٣	٧٠	وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ
٦٩	الأنعام	١٤٣، ١٤٤	١٨	أَمَّا اسْتَمَلَّتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأَنْثِيِّينَ

٧٠	١٤٧	الأنعام	فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ	٧٠
١٧٣، ١٤٦، ١٦	١٥٥	الأنعام	وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ	٧١
١٤٩	١٥٧	الأنعام	فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ	٧٢
٩٨	١٦٥	الأنعام	وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ	٧٣
١٤٧	٣	الأعراف	اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ	٧٤
١٤٠، ١٦	٢٣	الأعراف	قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا	٧٥
١٤٩	٥٢	الأعراف	وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً	٧٦
١٥٢، ٩٢	٥٦	الأعراف	وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا	٧٧
٣١	٥٧	الأعراف	وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ	٧٨
٤٨، ١٦	٦٣	الأعراف	أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ	٧٩
١٦	١٤٩	الأعراف	وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوُا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا	٨٠
١٨، ١٤	١٥١	الأعراف	قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ	٨١
١٧	١٥٥	الأعراف	أَنْتَ وَلِيِّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ	٨٢
١٤٤	١٥٦	الأعراف	وَكَتَبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ	٨٣
١٤٤، ٦٠، ١٥	١٥٦	الأعراف	وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ	٨٤
٩٨	١٦٧	الأعراف	وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	٨٥
١٤٧	٢٠٣	الأعراف	وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ	٨٦
١٧٣، ١٥٢، ١٦	٢٠٤	الأعراف	وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ	٨٧
١٣٨	٢٤	الأنفال	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ	٨٨
٩٦	٣٣، ٣٢	الأنفال	وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ	٨٩
١٥٦	٣٣	الأنفال	وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ	٩٠
١٤٣	٤٠	الأنفال	وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ	٩١
٨٤	٦٩	الأنفال	فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	٩٢

٨٥	٧٠	الأنفال	يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى	٩٣
١٨	٧٥	الأنفال	وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ	٩٤
١٤٥	٥	التوبة	فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ	٩٥
٩٣	٢٠	التوبة	الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ	٩٦
٧٠	٢٧، ٢٥	التوبة	لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ	٩٧
١٤٣	٣٨	التوبة	يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ اتَّقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ	٩٨
١٣٧، ١٢٤، ٩٣	٧٢، ٧١	التوبة	وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ	٩٩
١٧	٧١	التوبة	أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ	١٠٠
١٦٦	٧٤	التوبة	يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ	١٠١
٧٢	٩١	التوبة	لَيْسَ عَلَى الصُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى	١٠٢
٩٤	٩٧	التوبة	الْأَعْرَابِ أَشَدَّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا	١٠٣
١٠٦	١٢٨	التوبة	لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ	١٠٤
٤٢	١٢٨	التوبة	أَنَّهُ بِهِمْ رَعُوفٌ رَحِيمٌ،	١٠٥
١١٨	٢١	يونس	وَإِذَا أَدَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّئُهُمْ	١٠٦
١٤٩	٥٧	يونس	يَأَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ	١٠٧
١٣٦، ١٤	٨٦	يونس	وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ	١٠٨
١٤٨	١٠٩	يونس	وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ	١٠٩
١٦٩، ١١٩	٩	هود	وَلَئِنْ أَدَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ رَحْمَةٍ ثُمَّ نَزَعْنَا مِنْهُ	١١٠
٤٧	٢٨	هود	قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي	١١١
١٥	٤٣	هود	قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ	١١٢
٤٨، ٢٧	٦٣	هود	قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي مِنْهُ	١١٣
١١٣	١١٩، ١١٨	هود	وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ	١١٤
٣٩، ١٥	٥٣	يوسف	وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي	١١٥

١١٦	١٨	٦٤	يوسف	قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا آمَنُتُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ..
١١٧	١٦٨	٨٧	يوسف	يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَأْسُوا
١١٨	٤٩	٨٨	يوسف	فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَأَهْلْنَا الضَّرُّ
١١٩	٥٠، ١٨	٩٢	يوسف	قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَعْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ
١٢٠	١٨	٨	الرعد	اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ
١٢١	٤٩	٣٨	ابراهيم	فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
١٢٢	١٦٩	٥٦، ٥٥	الحجر	قَالُوا بَشَرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْفَاطِنِينَ،
١٢٣	٩٨	٥، ٦	النحل	وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ
١٢٤	٤٢	٧	النحل	إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ،
١٢٥	٩٩	١٨	النحل	وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ
١٢٦	٤٢	٤٧	النحل	فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ،
١٢٧	١٤٢	١١٠	النحل	ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا
١٢٩	١٦	٨	الإسراء	عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمُ وَإِنْ عُذْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا
١٣٠	١٣٣	٢٣	الإسراء	وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا
١٣١	١٧	٢٤	الإسراء	وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا
١٣٢	١٦	٥٤	الإسراء	رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَأْ يَرْحَمَكُمُ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبِكُمْ
١٣٣	٩٩	٦٦	الإسراء	رَبُّكُمْ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفَلَكَ فِي الْبَحْرِ لِنَبْتَعُوا مِنْ
١٣٤	٣١	٨٢	الإسراء	وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ
١٣٥	١١٥، ٣٦	٨٧، ٨٦	الإسراء	وَلَوْ لَيْسَ لِنُذُوبِنَا إِتِّفَاقٌ لَأَكْمَدْنَا الْبَشَرَ هَاجِرًا وَنَائِبًا
١٣٦	١٣٦، ٣٣	١٠	الكهف	إِذْ أَوْى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً ..
١٣٧	٣٣	١٦	الكهف	وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ
١٣٨	١٢	٥٨	الكهف	وَرَبُّكَ الْعَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ
١٣٩	٣٤	٦٥	الكهف	فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا

١٠٨	٩٨، ٩٤	الكهف	قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ	١٤٠
٤٣	١٣	مريم	وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاتٌ وَكَانَ تَقِيًّا	١٤١
٥٠	٢١	مريم	قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً	١٤٢
٤٨	٤٤	مريم	يَأْتِبَتْ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا	١٤٣
٤٨، ١٤	٥٠	مريم	وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا	١٤٤
٥٠، ١٤	٥٣	مريم	وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا	١٤٥
١٣٨	٩٠	طه	وَإِنَّ رَبَّكُمْ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي	١٤٦
١٤٩	١٢٣	طه	فَأِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنْي هُدًى فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى	١٤٧
٤٦	١٣٤	طه	وَلَوْ أَنَا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ	١٤٨
٨٨	٢٣	الأنبياء	لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ	١٤٩
١٤	٧٥	الأنبياء	وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ	١٥٠
١٨	٨٣	الأنبياء	وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ	١٥١
١٥	٨٦	الأنبياء	وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ	١٥٢
٥٤، ٥٠	١٠٧	الأنبياء	وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ	١٥٣
١١٧	١١١	الأنبياء	وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ	١٥٤
١٨	٥	الحج	وَنُفِرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ	١٥٥
١٦٩	١١	الحج	وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ	١٥٦
٩٥	٤٧	الحج	وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ	١٥٧
١٤٢	٥٨	الحج	وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا	١٥٨
٩٩	٦٥	الحج	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْقُلُوكَ	١٥٩
٤٢	٦٥	الحج	إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ	١٦٠
١١٨، ١٦	٧٥	المؤمنون	وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرِّ	١٦١
١٧	١٠٩	المؤمنون	إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا	١٦٢
٤٥	١١٥	المؤمنون	أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ	١٦٣



١٦٤	وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ	النور	٢	٤٢
١٦٥	وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ	النور	٤	٧٢
١٦٦	وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ	النور	١٠	٧٣
١٦٧	وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ	النور	١٤	٧١
١٦٩	وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ	النور	٢٠	٤٢
١٧٠	وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا	النور	٣٣	٧٣
١٧١	وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ	النور	٥٦	١٦ ، ٨٥ ، ١٢٤ ، ١٣٨ ، ١٤٦ ، ١٧٢
١٧٢	وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِ	الفرقان	٤٨ ، ٤٩	١٠٠
١٧٣	إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا	الفرقان	٧٠	٦٠
١٧٤	وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	الشعراء	٩	١٠٠
١٧٥	وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رآهَا تهتت كأنها جَانٌّ	النمل	١٠ ، ١١	٧٤
١٧٦	وَأَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ	النمل	١٩	١٤
١٧٧	إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	النمل	٣٠	٩٧
١٧٨	قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ	النمل	٤٦	١٦
١٧٩	أَمْ نِيهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	النمل	٦٣	١٠٠
١٨٠	وَإِنَّهُ لَهْدَى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ	النمل	٧٧	١٥٠
١٨١	قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ	القصص	١٦	١٤٠
١٨٢	وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ	القصص	٤٤	٣٦
١٨٣	وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ	القصص	٧٣	١٠٠
١٨٤	وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي	العنكبوت	٢٣	١٧٠ ، ١٥
١٨٥	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا	الروم	٢٢	١٠٠
١٨٦	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ	الروم	٤٦	١٠٠
١٨٧	فَأَنْظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ	الروم	٥٠	١٠١
١٨٨	تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ	لقمان	٢	١٥٠

١٨٩	إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ	لقمان	١٣	١٥٥
١٩٠	اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ	لقمان	١٤	١٠
١٩١	اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا	السجده	٤	١٠١
١٩٢	ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ	الأحزاب	٥	٧٤
١٩٣	وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ	الأحزاب	٦	١٨
١٩٤	قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا	الأحزاب	١٧	٣٥
١٩٥	لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ	الأحزاب	٢٤	٧٥
١٩٦	يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ	الأحزاب	٥٠	٨٦
١٩٧	يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ	الأحزاب	٥٩	٨٦
١٩٨	مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا	الفاطر	٢	١٠١
١٩٩	وَإِنْ نَشَاءُ نَغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَدُونَ	يس	٤٣، ٤٥	١٠١
٢٠٠	وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ	يس	٤٧	١٦
٢٠١	أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ	ص	٩	٢٩
٢٠٢	أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ	ص	٢٨	١٦٢
٢٠٣	كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ	ص	٢٩	١٥٠
٢٠٤	وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا	الزمر	٣	١٥٦
٢٠٥	أُرَادِنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ	الزمر	٣٨	٣٤
٢٠٦	قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا	الزمر	٥٣	١٦٨
٢٠٧	وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ مِّن قَبْلِ	الزمر	٥٥	١٤٨
٢٠٨	الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ	المؤمن	٧	١٠٢، ١١
٢٠٩	وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتُهُ	المؤمن	٩	١٦
٢١٠	وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ	المؤمن	٦٠	١٣٦
٢١١	وَأَمَّا تَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ	فصلت	١٧	٥٣
٢١٢	وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ	فصلت	٢٦	١٥٤، ١٥٣
٢١٣	لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ	فصلت	٥٠، ٤٩	١١٨

٢١٤	وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ	الشورى	٨	١١٤، ٢٧
٢١٥	أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ	الشورى	٢١	١٢٧
٢١٦	وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْعَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا	الشورى	٢٨	١٠٢
٢١٧	اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ	الشورى	٤٧، ٤٨	١١٩
٢١٨	وَقَالُوا لَوْلَا نَزَلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْفَرِيقَيْنِ عَظِيمٍ	الزخرف	٣١	٢٩
٢١٩	أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ	الزخرف	٣٢	٢٩
٢٢٠	يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئاً	الدخان	٤١، ٤٢	١٠٢، ٤٠
٢٢١	فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ	الجاثية	٣٠	٩٢، ٢٦
٢٢٢	أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئاً	الاحقاف	٨	٧٥
٢٢٣	فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ	محمد	٢٢	١٨
٢٢٤	هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ	الفتح	٢٥	١٠٢
٢٢٥	مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ	الفتح	٢٩	١٠٩، ٣٩، ١٩
٢٢٦	إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ	الحجرات	٤	٧٦
٢٢٧	يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ	الحجرات	١٢	٧٦
٢٢٨	قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا	الحجرات	١٤	٧٧
٢٢٩	يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ	الحجرات	١٧	٨٨
٢٣٠	وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ	الذريات	٥٦، ٥٧	١٢٥، ٤٦
٢٣١	لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ	النجم	٣١	٥٥
٢٣٢	هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ	الرحمن	٦٠	١٣٤
٢٣٣	وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ،	الحديد	٩	٤٣
٢٣٤	وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً....	الحديد	٢٧	٤٢، ٣٧
٢٣٥	يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ	الحديد	٢٨	١٣٤
٢٣٦	فَدَّ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ	المجادله	١	١٧٢، ٤١

٢٣٧	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا	المجادله	١٢	٧٧
٢٣٨	رَبَّنَا إِنِّي رَعُوفٌ رَحِيمٌ	الحشر	١٠	٤٣
٢٣٩	أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا	الحشر	١٢، ١١	١٦٥
٢٤٠	لَنْ تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	المتحنه	٣	١٨
٢٤١	وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ	الطلاق	٣	١٣٥
٢٤٢	يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَوْلِيَاكَ	التحريم	١	٨١
٢٤٣	قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا	الملك	٢٩، ٢٨	١٠٣، ١٥
٢٤٤	وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا	المزمل	٢٠	١٤٦
٢٤٥	أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى	القيامة	٣٦	٤٥
٢٤٦	وَمَا تَسْأَلُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا	الدھر	٣٠	١٠٣
٢٤٧	فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى	النازعات	٢٤	١٥٧
٢٤٨	وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ	التكوير	٥	٥٨
٢٤٩	فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ	الفجر	١٦، ١٥	١٦٩
٢٥٠	ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ	البلد	١٨، ١١	١٢٠، ١٥

## فهرست احاديث شريف

شماره	حديث	حكم	مصدر	راوى	صفحه
۱	الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ	صححه الألبانى	سنن ترمذى	نعمان بن بشير	۱۳۶
۲	إِذَا تَبَايَعْتُمْ بِالْعِينَةِ،	صححه الألبانى	سنن ابوداود	عبدالله بن عمر	۱۴۴
۳	أَعْطِيتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ	صحيح	صحيح البخارى	جابر بن عبدالله	۸۴
۴	«أَقْرَأَ عَلَيَّ»	متفق عليه	بخارى ومسلم	عبدالله بن مسعود	۱۵۳
۵	اللهم أنى أنشدك عهدك	صحيح	صحيح البخارى	عكرمة وابن عباس	۱۳۷
۶	انَّ النَّاسَ يَسْأَلُونَ رَسُولَ اللَّهِ - ص-	صحيح	صحيح البخارى	حذيفة بن اليمان	۱۵۸
۷	إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ	صحيح	صحيح مسلم	سلمان فارسى	۶۰
۸	أُمَّتِي هَذِهِ أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ	صححه الألبانى	سنن ابى داود	ابوموسى الاشعري	۱۲۳
۹	إِنَّ الرَّجُلَ لَيُحْرَمَ الرِّزْقَ	حسنه الألبانى	سنن ابن ماجه	ثوبان	۱۶۴
۱۰	إِنَّ لِلَّهِ مِائَةَ رَحْمَةٍ	صحيح	صحيح مسلم	ابوهريرة	۱۲۱
۱۱	إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُخْصَةً	صححه الألبانى	شعب الايمان	عبدالله بن عمر	۱۲۸
۱۲	أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ	متفق عليه	بخارى ومسلم	عمر بن الخطاب	۱۳۳
۱۳	إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ مُهْدَاةٌ	صححه الألبانى	شعب الايمان	ابوصالح	۵۲
۱۴	آيَةُ الْمَنَافِقِ ثَلَاثٌ:	متفق عليه	بخارى ومسلم	ابوهريرة	۱۶۷
۱۵	بَعَثْنَا رَسُولُ اللَّهِ - ص - فِي سَرِيَّةٍ	متفق عليه	بخارى ومسلم	اسامة بن زيد	۱۱۰
۱۶	بَيْنَا النَّبِيِّ - ص - يَخْطُبُ	صحيح	صحيح البخارى	عبدالله بن عباس	۱۳۰
۱۷	فَارْبُوا وَسَدُّوا،	متفق عليه	بخارى ومسلم	ابوهريرة	۲۶
۱۷	لَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَى أُمَّتِي	صحيح	صحيح البخارى	ابوهريرة	۱۲۸

١٢١	ابو هريرة	سنن ترمذى	حسنه الألباني	لَا تَنْزِعُ الرَّحْمَةَ إِلَّا مِنْ شَقِيٍّ	١٨
١٤١	عن حنيفة الرقاشي	شعب الايمان	صححه الالباني	لَا يَجُلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ	١٩
٥٩	ابو هريرة	صحيح مسلم	صحيح	لَتُؤَدَّتِ الْحُقُوقُ إِلَىٰ أَهْلِهَا	٢٠
٣٣	انس بن مالك	بخارى ومسلم	متفق عليه	مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْسَطَ عَلَيْهِ	٢١
٥٩	عمرو بن الشريد	ابن حبان	ضعفه الألباني	مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا عَبَثًا،	٢٢
٥١	اسامة بن زيد	بخارى ومسلم	متفق عليه	كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ - ص - فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ	٢٣
٥٢	أسامة بن زيد	صحيح البخارى	صحيح	يَأْخُذْنِي فَيَقْعِدُنِي عَلَىٰ فَخْذِهِ	٢٤
١٣٠	انس بن مالك	صحيح البخارى	صحيح	يَسْرُوا وَلَا تَعْسُرُوا،	٢٥
١٢٢	ابو هريرة	بخارى ومسلم	متفق عليه	يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلَىٰ قَافِيَةِ	٢٦

## فهرست آثار

شماره	اثر	صفحه
۱	إنك لن تفقه كل الفقه حتى	۲۴
۲	قال: يا رب ألم تخلقني بيدك، قال: بلى، قال: يا رب	۶۱
۳	قال لما سببناهم نظرت إلى أبي الدرداء.	۱۶۳
۴	هي الخوف من الجليل، والعمل بالتنزيل	۱۳۵
۵	مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَاتَّبَعَ مَا فِيهِ	۱۴۹
۶	يَطْرُقُ النَّاسَ رِيحُ حَمْرَاءَ	۱۱۶

## فهرست اشعار

شماره	اشعار	صفحه
۱	اوست سلطان هرچه خواهد آن کند:	۸۸
۲	این سعادت بزور و باز و نیست :	۵۱
۳	شَكْوَتْ إِلَى وَكَيْعِ سُوءِ حَفْظِي:	۱۶۳
۴	وگر ترک خدمت کند لشکری:	۹۷

فهرست اعلام واشخاص

شماره	اعلام	صفحه
۱	إسماعيل حقي بن مصطفى (صاحب روح البيان)	۱۳
۲	أحمد بن الحسين (أبو بكر البيهقي)	۵۲
۳	أحمد بن عبد الحليم (ابن تيميه)	۵۳، ۵۴، ۱۳۰.
۴	أحمد بن مصطفى (المراغي)	۷۲.
۵	أحمد بن محمد (الثعلبي)	۲۸
۶	محمد الأمين بن محمد (الشنقيطي)	۸۰، ۱۴۶.
۷	ابن دعامة السدوسي (قتادة)	۳۰، ۵۹.
۸	ابن جبر (مجاهد)	۳۰، ۴۳، ۱۱۴.
۹	ابن مزاحم بلخي (الضحاك)	۳۰.
۱۰	جابر بن موسى (أبو بكر الجزائري)	۳۰، ۴۱.
۱۱	حسن بن محمد (نظام نيشاپوري)	۵۶.
۱۲	حسين بن مسعود (البغوي)	۲۷، ۳۴، ۴۰، ۴۳، ۶۳، ۱۶۱.
۱۳	حسين بن محمد (الراغب الاصفهاني)	۹، ۱۰.
۱۴	محمد بن صالح (ابن عثيمين)	۳۷.
۱۵	سهل بن عبد الله (التستري)	۳۵، ۴۰.
۱۶	علي بن أحمد (الواحدي)	۲۸، ۳۹.
۱۷	عبد الله بن أحمد (النسفي)	۲۷.
۱۸	عبد الله بن عمر (البيضاوي)	۲۹، ۴۴، ۷۴.
۱۹	عبد الله عبد العزيز (ابن جبرين)	۱۵۶
۲۰	عبد الرحمن بن علي (ابن الجوزي)	۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۷، ۳۸.
۲۱	عبد الرحمن بن محمد (ابن أبي حاتم)	۳۰، ۳۱.
۲۲	عمر بن علي (ابن عادل)	۷۱
۲۳	عبد الرزاق بن همام (الحميري)	۵۸



٥٩	عبد العزيز بن عبد السلام (ابن عبد السلام)	٢٤
.١٢٧، ٤٠، ١٣	عبد الكريم بن هوازن (القشيري)	٢٥
.١٦٤، ١٠	علي بن محمد (الجرجاني)	٢٦
٩٢	قاضي ثناء الله (باني پتي)	٢٧
.١٥١، ١٢٩، ١٢٧	محمد بن أبي بكر (ابن الجوزية)	٢٨
.٣٨، ٣٥	محمد بن أحمد (الشريني)	٢٩
.٢٨	محمد بن أحمد أبوزهرة	٣٠
.١٤٨، ٥٧، ٤٩، ٢٩، ٣٠، ٢٨	مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ (القرطبي)	٣١
.١٢	محمد بن أحمد (السفاري)	٣٢
٨٤، ٧٨، ٧٢، ٦٧، ٦٤، ٣٢، ٣٠، ٢٩، ٢٨، ٢٦، ٨٥، ٨٩، ٩٥، ٩٧، ١٠٦، ١١٣، ١١٥، ١٣٤، ١٣٩، .١٥٨، ١٤٣	محمد بن جرير (الطبري)	٣٣
.٦٦، ٤٠، ٣٥، ٣٤، ٣٢، ٢٧	مقاتل بن سليمان (البلخي)	٣٤
١٥٣، ٩٩، ٨٢، ٧٦، ٦٢، ٥٧، ٥٠، ٤٤، ٤٣، ٣٩، ٣٢	محمد بن عمر (فخر الدين الرازي)	٣٥
٩٣	محمد بن علي (الشوكاني)	٣٦
.١٠٩، ٨٣، ٧٣، ٦٥، ٤٠، ٣٨، ٣٧	محمود بن عمر (زمخشري)	٣٧
.١٤٠، ٢٥	محمود بن عبد الله (الوسي)	٣٨
.٦٣، ٥٨، ٤٣، ٣٩، ٣٢، ٢٧	منصور بن محمد (سمعاني)	٣٩
. ١٢١، ٨١، ١٢، ١١	محمد الطاهر بن محمد (ابن عاشور)	٤٠
..١٥٩، ٩	محمد بن مكرم (ابن منظور)	٤١
٩١	محمد بن محمد (ابو السعود)	٤٢
.٣٧	محمد جمال الدين بن محمد سعيد (القاسمي)	٤٣
.٣٠	محمد بن يوسف (ابوحيان)	٤٤
.٩٩، ٩٨، ٧٥، ٣٩، ٣٦، ٣٢	نصر بن محمد (أبو الليث السمرقندي) سمرقندي	٤٥
. ٨٦، ٤٣	يحيى بن سلام (التيمي)	٤٦

## منابع وماخذ:

### قرآن كريم

- ١- أحمد أحمد غلوش، دعوة الرسل عليهم السلام، ناشر: مؤسسة الرسالة، ط، 1، 1423 هـ-2002 م.
- ٢- إبراهيم بن إسماعيل الأبياري الموسوعة القرآنية: ، مؤسسة سجل العرب، ط، 1405 هـ.
- ٣- أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهاني، تفسير الراغب ناشر كلية الآداب - جامعة طنطا، ط 1420 هـ- 1999 م.
- ٤- أبو محمد الحسين بن مسعود، معالم التنزيل في تفسير القرآن، تفسير البغوي ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ط اول، 1420 هـ.
- ٥- أحمد بن الحسين أبو بكر البيهقي، شعب الإيمان: مكتبة الرشد للنشر بالرياض بالتعاون مع الدار السلفية ببومباي بالهند، ط، اول، 1423 هـ - 2003 م.
- ٦- أحمد بن محمد الفاسي الصوفي، البحر المديد في تفسير القرآن المجيد: ، الدكتور حسن عباس زكي- القاهرة، ط، 1419 هـ.
- ٧- أحمد بن محمد الثعلبي، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ط اول، 1422، هـ - 2002 م.
- ٨- أحمد بن مصطفى، تفسير المراغي، مطبعة البابي الحلبي، ط اول، 1365 هـ - 1946 م.
- ٩- أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية، مجموع الفتاوى: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، ط، 1416 هـ، 1995 م.
- ١٠- أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية ، منهاج السنّة، ناشر جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ط ، أول، 1406 1986.
- ١١- أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية: النّبوات، تحقيق عبد العزيز بن صالح، أضواء السلف، الرياض، ط ، أول، 1420 هـ/2000 م.
- ١٢- أحمد بن عبد الحلیم ابن تيمية، الزهد والورع، مكتبة المنار-الأردن، ط، 1407.

- ١٣- إسماعيل حقي بن مصطفى (صاحب روح البيان)، دار إحياء التراث العربي، موافق للمطبوع .
- ١٥- إسماعيل بن عمر بن كثير تفسير القرآن العظيم: دار طيبة للنشر والتوزيع، ط دوم، 1420هـ - 1999 م.
- ١٦- جابر بن موسى أبو بكر الجزائري، أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير، مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، ط، پنج، 1424هـ/2003م.
- ١٧- زين الدين عبد الرحمن بن أحمد البغدادي، جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثاً من جوامع الكلم، مؤسسة الرسالة - بيروت، ط، 7، 1422هـ - 2001 م.
- ١٨- سليمان بن الأشعث السجستاني، سنن أبي داود: دار الرسالة العالمية، ط اول، 1430 هـ - 2009 م.
- ١٩- سهل بن عبد الله، تفسير التستري: منشورات، بيضون، دار الكتب العلمية، بيروت، ط اول، 1423 .
- ٢٠- شهاب الدين محمود بن عبدالله الألويسي، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، دار الكتب العلمية - بيروت، ط، اول، 1415هـ.
- ٢١- صالح بن عبد الله، نضرة النعيم في مكارم أخلاق الرسول الكريم - صلى الله عليه وسلم- ناشر دار الوسيلة للنشر والتوزيع، جدة.
- ٢٢- عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي، تاريخ الخلفاء: مكتبة نزار مصطفى الباز، ط، اول، 1425هـ - 2004 م.
- ٢٣- عبد الرحمن بن علي الجوزي، نزهة الأعين النواظر في علم الوجوه والنظائر: مؤسسة الرسالة، بيروت، ط، اول، 1404هـ - 1984م.
- ٢٤- عبد الرحمن بن محمد الثعالبي، الجواهر الحسان في تفسير القرآن: دار إحياء التراث العربي- بيروت، ط، اول، 1418 هـ.
- ٢٥- عبد الرحمن بن محمد أبي حاتم الرازي، تفسير القرآن العظيم، مكتبة نزار السعودية، ط سوم، 1419 هـ.
- ٢٦- عبد الرزاق بن همام الصنعاني، تفسير عبد الرزاق: دار الكتب العلمية، بيروت، ط اول، 1419هـ.

- ٢٧- عبد العزيز بن عبد السلام الدمشقي، تفسير القرآن (وهو اختصار لتفسير الماوردي): دار ابن حزم -بيروت، ط اول، 1416هـ- 1996م
- ٢٨- عبد الكريم بن هوازن، لطائف الإشارات = تفسير القشيري: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ط ، اول.
- ٢٩- عبد الله بن أحمد النسفي، تفسير النسفي (مدارك التنزيل وحقائق التأويل): دار الكلم الطيب، بيروت، ط اول، 1419 هـ - 1998 م.
- ٣٠- عبد الله بن عبد العزيز بن حمادة الجبرين، تسهيل العقيدة الإسلامية : دار العصيمي للنشر والتوزيع.
- ٣١- عبد الله بن عمر البيضاوي، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، دار إحياء التراث العربي-بيروت، ط، اول، 1418هـ .
- ٣٢- عبد الله بن عبد الرحمن الدارمي، سنن الدارمي: دارالمغني، السعودية، ط ،1، 1412 هـ - 2000 م.
- ٣٣- عطية بن محمد سالم، تفسير سوره جبرات، مصدر الكتاب، موقع الشبكة الإسلامية:  
<http://www.islamweb.net>
- ٣٤- عبد اللطيف بن علي، سهام الإسلام: مطبعة أحمد، زبانة - الجزائر، ط اول: 1400 هـ - 1980 م.
- ٣٥- علي بن محمد، التعريفات للجرجاني: دارالكتب العلمية بيروت، ط، اول، 1403هـ -1983م.
- ٣٦- علي بن أحمد الواحدي الوجيز في تفسير الكتاب العزيز للواحدى، دارالقلم، بيروت، ط، اول، 1415 هـ.
- ٣٧- علي بن أحمد الواحدي، الوسيط في تفسير القرآن المجيد: دارالكتب العلمية، بيروت ط، اول، 1415 هـ - 1994.
- ٣٨- عمر بن علي الدمشقي، اللباب فى علوم الكتاب: دارالكتب العلمية - بيروت، ط، اول، 1419 هـ -1998م.
- ٣٩- قاضى ثناءالله پانى پتى، تفسيرمظهرى، ناشرمكتبة الرشدية - الباكستان، ط ، 1412 هـ .
- ٤٠- محمد بن أبي بكر ابن قيم الجوزية، إغاثة اللهفان من مصايد الشيطان، ناشر: مكتبة المعارف، الرياض.

- ٤١- محمد بن أبي بكر، ابن قيم الجوزية إعلام الموقعين عن رب العالمين، دارالكتب العلمية - بيروت، ط، اول، 1411، 1991.
- ٤٢- محمد بن أبي بكر ابن قيم الجوزية، بدائع الفوائد مكتبة نزار مصطفى الباز- مكة المكرمة، ط اول، 1416 - 1996.
- ٤٣- محمد بن أبي بكر ابن قيم الجوزية ، الجواب الكافي لمن سأل عن الدواء الشافي أو الدواء والدواء: دارالمعرفة، المغرب، ط اول، 1418 هـ - 1997 م.
- ٤٤- محمد بن أبي بكر ابن قيم الجوزية، مدارج السالكين بين منازل إياك نعبد وإياك نستعين: ناشر دار الكتاب العربي- بيروت، ط سوم، 1416 هـ - 1996 م.
- ٤٥- محمد بن أحمد الغرناطي التسهيل لعلوم التنزيل: دار الأرقم بن أبي الأرقم بيروت، ط، اول - 1416.
- ٤٦- محمد بن أحمد شمس الدين القرطبي، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي: ، دارالكتب المصرية- القاهرة، ط دوم، 1384 هـ، 196 م.
- ٤٧- محمد بن أحمد المعروف بأبي زهرة ، زهرة التفاسير: ، دار الفكر العربي، موافق للمطبوع.
- ٤٨- محمد بن أحمد السفاريني لوامع الأنوار البهية وسواطع الأسرار الأثرية لشرح الدرر المضية في عقد الفرقة المرضية: مؤسسة الخافقين، دمشق، ط، دوم، 1402 هـ - 1982 م.
- ٤٩- محمد بن أحمد، الشربيني الشافعي، السراج المنير في الإعانة على معرفة بعض معاني كلام ربنا الحكيم الخبير: مطبعة بولاق (الأميرية) القاهرة، سال-1285 هـ.
- ٥٠- محمد بن إسماعيل أبو عبدالله، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري: دار طوق النجاة، ط اول، 1422 هـ.
- ٥١- محمد بن جرير الطبري، جامع البيان في تأويل القرآن: مؤسسة الرسالة، ط اول، 1420 هـ- 2000 م.
- ٥٢- محمد بن جرير، تاريخ الرسل والملوك، ناشر: دار التراث - بيروت، ط، دوم: 1387 هـ.
- ٥٣- محمد بن حبان، صحيح ابن حبان: مؤسسة الرسالة، بيروت، ط، اول، 1408 هـ - 1988 م.
- ٥٤- محمد حامد محمد سعيد، الرحمة في القرآن الكريم، جامع ملك سعود، رياض. 1437 هـ - 2016 م.

- ٥٥- محمّد الخَصِر بن سيّد عبد الله الشنقيطي، كوثر المَعاني الدَّراري في كَشْفِ خَبَايا صَحيحِ البُخاري، مؤسسة الرسالة، بيروت، ط١، 1415 هـ - 1995 م.
- ٥٦- محمد بن صالح بن محمد العثيمين، تفسير سورة الحجرات والحديد، دار الثريا للنشر والتوزيع، الرياض، ط اول، 1425 هـ - 2004 م.
- ٥٧- محمد بن عبد الله النيسابوري، المستدرک على الصحيحين، دار الكتب العلمية، بيروت، ط، اول، 1411-1990،
- ٥٨- محمد بن عمر فخر الدين الرازي، تفسير كبير: دار إحياء التراث العربي- بيروت، ط سوم، 1420 هـ.
- ٥٩- محمد بن علي الشوكاني، فتح القدير: دار ابن كثير، دمشق، بيروت، ط، اول، 1414 هـ.
- ٦٠- محمد بن عيسى الترمذي، سنن ترمذي: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى الحلبي - مصر، ط دوم، 1395 هـ - 1975 م.
- ٦١- محمد علي الصابوني، صفوة التفاسير، دار الصابوني - القاهرة، ط، 1، 1417 هـ - 1997 م .
- ٦٢- محمد فؤاد عبد الباقي، المعجم لمفهرس لالفاظ القرآن الكريم، دار ومطابع الشعب.
- ٦٣- محمد بن محمد أبو السعود العمادي، إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم: دار إحياء التراث العربي- بيروت.
- ٦٤- محمد الطاهر بن محمد ابن عاشور، التونسي، التحرير والتنوير: ناشر : ناشر: ط اول، 1984 هـ.
- ٦٥- محمد جمال الدين بن محمد سعيد القاسمي، محاسن التأويل: دار الكتب العلمية - بيروت، ط اول، 1418 هـ.
- ٦٦- محمد الأمين بن محمد الشنقيطي، منهج التشريع الإسلامي وحكمته: ، دار عالم الفوائد للنشر، مكة المكرمة، ط، اول، 1426 هـ.
- ٦٧- محمد بن مكرم المصري، لسان العرب: دار صادر- بيروت - لبنان، ط ، 8، 1426 هـ - .
- ٦٨- محمد بن يزيد القزويني سنن ابن ماجه ، دار إحياء الكتب العربية - بيروت، 1418 هـ.
- ٦٩- محمد بن يوسف الأندلسي، البحر المحيط في التفسير، دار الفكر بيروت، ط، 1420 هـ .

- ٧٠- محمد سيد طنطاوي، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، دار نهضة مصر للطباعة والنشر، الفجالة القاهرة.
- ٧١- محمد زرمان، خطاب الرحمة، سال نشر 1437 هـ - 2016 م، جامعه باتنة- الجزائر سال تأسيس، 1990.
- ٧٢- محمود بن عمر الزمخشري، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل: دار الكتاب العربي، بيروت، ط، سوم، 1407 هـ.
- ٧٣- مجاهد بن جبر، تفسير مجاهد، دار الفكر الإسلامي الحديثة، مصر، ط اول، 1410 هـ - 1989 م.
- ٧٤- مجد الدين محمد بن يعقوب الفيروزآبادي، القاموس المحيط: مؤسسة الرسالة للنشر، بيروت، ط، هشتم، 1426 هـ - 2005 م.
- ٧٥- مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- ٧٦- مقاتل بن سليمان البلخي، تفسير مقاتل بن سليمان: دار إحياء التراث- بيروت، ط اول، 1423 هـ.
- ٧٧- منصور بن محمد السمعاني، تفسير القرآن، دار الوطن، الرياض - ط اول، 1418 هـ، 1997 م.
- ٧٨- نصر بن محمد أبو الليث السمرقندي، تفسير بحر العلوم: ، دار الفكر- بيروت.
- ٧٩- نظام الدين الحسن بن محمد، النيسابوري، غرائب القرآن و رغائب الفرقان: دار الكتب العلمية- بيروت، ط، اول، 1416 هـ.
- ٨٠- وَهْبَةُ بن مصطفى الزُّحَيْلِيِّ الفَقْهُ الإِسْلَامِيُّ وَأَدَلَّتُهُ، ناشر: دار الفكر - سورِيَّة - طبع چهارم.
- ٨١- يحيى بن سلام البصري، تفسير يحيى بن سلام: دار الكتب العلمية، بيروت، ط اول، 1425 هـ - 2004 م.

## **Summary of the discussion:**

This study, entitled (Mercy in the enlightenment of the Holy Quran), expresses and interprets the verses related to mercy in the Holy Quran, the lexical and idiomatic definition of the word mercy, the concept of divine mercy, and the inclusion of the word mercy in the Holy Quran.

The study is arranged of including dedication, thanksgiving, table of contents, and introduction, which include the following topics and contents:

In the introduction after the praise of Almighty Allah and greetings to the Holy Prophet - peace be upon him - the statement of the subject, the reason for choosing the subject, the importance of the subject, research questions, research background, research method, research objectives, line and research plan are discussed.

Preparation: Contains the lexical and idiomatic definition of the word mercy, the concept of divine mercy, mercy is one of the attributes of Almighty Allah, the inclusion of the word mercy in the Holy Quran is a synonym of the word mercy.

Later, I divided the entire content of the subject into three chapters in the light of the verses of the Holy Qur'an, taking into account the sayings of the commentators, phrases and quotations, quoting the correct hadiths in the relation, the sayings of the predecessors.

The first chapter discusses the forms of mercy, which are the derivations of the words of mercy, and its entry into different forms, nouns and



prepositions, verbs, nouns, details and names of essence, exaggerated forms, aspects and appearances, and the meanings of the word mercy.

In the second chapter, the types and results of divine mercy, which include general divine mercy, such as sending messengers, revelation, legislation, and special divine mercy, such as keeping believers safe from misguidance, the obligation to spread mercy among believers, the results of divine mercy in worships, dealings and social living system, are discussed.

In the third chapter, the causes of divine mercy, such as benevolence, obedience to God and His Messenger, the followers of the Qur'an, etc., and the obstacles to divine mercy, such as polytheism, hypocrisy, corruption, and disappointment of divine mercy are discussed.

At the end of my dissertation, I have discussed conclusion, suggestions, list of verses, hadiths, works and announcements, sources and references.



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master Program in Tafseer & Hadith



Islamic Emirat of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

# Mercy in the enlightenment of the Holy Quran

(Master Thesis)

**Student: Sebghatullah Samadi**

**Supervisor: Associate Professor Dr. Fazl Alhadi Wazin**

**Year: 1398 s-1441m**



**Salam University**

**Faculty of Sharia & Law**

**Master Program in Tafseer & Hadith**



**Islamic Emirat of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**DM of Academic Affairs**

# **Mercy in the enlightenment of the Holy Quran**

**(Master Thesis)**

**Student: Sebghatullah Samadi**

**Supervisor: Associate Professor Dr. Fazl Alhadi Wazin**

**Year: 1398 s-1441m**